

بسم الله الرحمن الرحيم
این کتاب هزینه زیادی برای
تایپش انجام شده و از نظر
مادی و معنوی مشکل برای
کپی و انتشار دارد لطفا به
دوستان خود معرفی کنید تا
خرید بکنن تا هزینه تایپ
درست شود

هدف ما پیشرفت شماست

بسم الله الرحمن الرحيم

اندیشه اسلامی ۲

: الف) تعریف دین و پیشینه آن در تاریخ

تعریف دین دین در لغت به معنای فرمان برداری، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا و در اصطلاح، مجموعه عقاید و قوانین و مقررات عملی و اخلاقی است که خداوند از طریق پیامبران برای هدایت و سعادت انسان ها نازل فرموده است که اعتقاد و عمل به آنها موجب سعادت دنیا و آخرت انسان می گردد. و دارای ابعاد مختلفی نظیر بعد شناختی و آموزه ای، اخلاقی، فردی، عبادی، حکومتی، اقتصادی، حقوقی و جزایی، احساسی و روانی و آرمانی است.

از دیدگاه قرآن، دین در نزد خدا اسلام است؛ یعنی تسلیم در برابر خدا بودن، که معنای عامی است که همه شریعت های تحریف نشده در هر عصری را دربر می گیرد. با توجه به اینکه قرآن، واژه دین را به صورت مفرد به کار برده است نه جمع، بنابراین، به همین جهت از به کارگیری واژه ادیان خودداری نموده ایم. پس دین، حقیقت واحدی است که به صورت شریعت های مختلف نظیر شریعت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی و ... جلوه گر شده است. از این رو هر کس جز دین اسلام دین دیگری را طلب کند و پیرو آن گردد، هرگز از وی پذیرفته نیست. ۵.

پیشینه دین در تاریخ با توجه به نیاز انسان به دین و ضرورت الهی بودن آن، همان گونه که در مباحث بعد خواهد آمد، می توان گفت که تاریخ دین حق - که همان دین

.. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۲۳؛ دهخدا، لغت نامه، ج ۸، ص ۱۱۴۱۹. ۲. طباطبایی، آموزش عقاید و دستورهای دینی، ج ۱، ص ۱۵. ۳. إن الذین عند الله الإسلام. آل عمران (

۱۹:۳) ۴. گل جا منکم شرعة و منهاجا. مائده (۴۸:۵)

(۵. و من یتغ غیر الإسلام دینا فلن یقبل بیه آل عمران (۸۵:۳)

(اندیشه اسلامی ۲

اسلام می باشد - هم زمان با پیدایش انسان بوده است. هنگامی که تنها حضرت آدم عالی و حوا می زیستند، حضرت آدم علت پیامبر الهی بود و پیام های الهی بر وی نازل می شد. البته دین ایشان بسیار ساده و مشتمل بر کلیاتی چند بوده است؛ از جمله یکتاپرستی، باور به معاد و زندگی ابدی، اعتقاد به بعثت پیامبران از سوی خدا برای هدایت بشر و تعدادی از قواعد اخلاقی و احکام عملی.

اندیشه اسلامی، ۲... .

اور فطری بودن دین امری فطری است؛ بدین معنا که دین مجموعه اعتقادات و اعمالی است که فطرت و ساختار وجودی آدمی آن را اقتضا می کند و در پرورش استعدادهای آدمی مؤثر است. بیشک توحید، نبوت و معاد به عنوان عناصر اصلی دین، اقتضای وجود آدمی است.

معرفت و گرایش به خدا در نهاد آدمی سرشته شده و از آن جدایی ناپذیر است. میل به جاودانه زیستن و میل به راحتی مطلق که در عالم آخرت میسر است، نیز میلی فطری می باشد. این در حالی است که کلیات تعالیم و دستورهای دینی از جمله عبادات و پرستش خداوند و یا فرمان هایی برای تنظیم روابط اجتماعی، مطابق با فطرت و ساختار وجود آدمی است و از این روست که هرکس از فطرت خود فاصله نگرفته، با کمال میل به آن گردن می نهد. بنابراین فطری بودن دین، یعنی مطابق بودن محتوای دین با ساختار وجودی

ویراست دوم)

انسان.

مراتب دین ...

س با ما شریعت ها و مذاهب، در طول تاریخ، دارای حقیقت واحدی هستند که همان اسلام (تسلیم بودن در برابر خدا) است. اختلاف آنها نیز برحسب درجات کمال است که در استعدادهای امت های گذشته و آینده ریشه دارد. به تعبیری شرایع مختلف مانند سال های مختلف یک دوره تحصیلی و یا مانند مراحل درمان یک بیماری است. همه مراحل درمانی که پزشک تجویز می کند، دارای هدف مشترک و واحدی است. بی گمان شرایط و زمان و طبیعت بیمار، چنین مراحل را اقتضا کرده است. از این روست که قرآن می فرماید:

کل جانا من شرع و نهاجا برای هریک از شما [امتها] شریعت و راه روشنی قرار داده ایم.

همه این شریعت ها و روشها، راه هایی برای رسیدن به اصول و اهداف کلی هستند که فراخور استعدادهای امت ها و مقام انبیا شکل گرفته است. این راه ها مکمل هم اند، نه ناسازگار باهم. نخستین راه و روش صحیح را حضرت آدم ع به فرزندان خود آموخت. خداوند نیز به وسیله نوح نال اولین شریعت را برای هدایت انسان ها نازل فرمود. آخرین و کامل ترین شریعت ها نیز شریعت پیامبر گرامی اسلام است.

(ب) دیهودیت و مدید سهیت: پیدایش و سرنوشت آنها

فصل اول ...

پیدایش و فرجام بیهودیت

... برای شما را در

ای و

پیشینه دین و پیامبری

یهودیت عنوان دین حضرت موسی عامل ، از پیامبران بزرگ الهی، است. قومی که این دین را از آن خود می داند، قوم اسرائیل است. اسرائیل یکی از نام های یعقوب عالی از نوادگان حضرت ابراهیم عالی است. از همین روی، این قوم که نیای بزرگ خود را ابراهیم عالی می داند، خود را قوم اسرائیل با بنی اسرائیل. می خواند. حضرت یعقوب و دوازده پسر - داشت که همگی به بنی اسرائیل معروف شدند. عنوان دیگری که برای این قوم به کار رفته، عبرانیان یا قوم عبرانی است. زبان مخصوص این دین، زبان عبری نیز برگرفته از همین نام است. برخی دانشمندان معتقدند نام «عبرانی» را کنعانیان پس از ورود حضرت ابراهیم علت به سرزمین کنعان بر او نهاده و وی را عبرانی خوانده اند این نام بعدها جزء القاب او شد و در خاندان وی باقی ماند. عبرانی از ماده «ع ب ر» به معنای گذر کردن از نهر است؛ بدین اعتبار که حضرت ابراهیم التی از رود فرات عبور کرد و وارد کنعان شد. پاره ای نیز بر این باورند که عبرانی منسوب به عابر، نیای حضرت ابراهیم است.

در دوران فرمانروایی حضرت یوسف علی ، حضرت یعقوب بالت با فرزندان خود به مصر

۱. مائده ۵: ۴۸. ۲. توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۷۲ : سلیمانی، یهودیت، ص ۱۸.

اندیشه اسلامی ، ۲

آمد و یوسف ال با موقعیتی که در مصر داشت، آنان را از رنج قحطی رهاوند. به گفته تورات در این زمان، افراد خاندان اسرائیل هفتاد تن بودند. جمعیت بنی اسرائیل به سرعت رو به فزونی نهاد و دوازده قبیله بنی اسرائیل که در اصطلاح «أسباط» نامیده شدند، در علوم و فنون پیشرفت کردند. این امر موجب وحشت فراعنه مصر (رامسیس دوم) گردید و از همین رو آنان مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. همچنین کاهنان به آنها گفته بودند قدرت آنان توسط فردی که از بنی اسرائیل متولد خواهد شد، نابود می گردد. ازاین رو فرعون مصر به قابله های اسرائیلی دستور داد پسران را هنگام تولد بکشند، ولی دختران را زنده نگاه دارند. اما خداوند اراده کرد که حضرت موسی ع در چنین اوضاعی متولد شود و در دربار فرعون پرورش یابد تا هم قوم بنی اسرائیل را نجات دهد و هم فرعون و پیروان او را نابود سازد.

هنگامی که حضرت موسی علی متولد شد، خداوند به مادر موسی الهام کرد او را در صندوقی قرار دهد و به امواج رود نیل بسپارد. لحظاتی بعد فرعون و همسرش صندوق را از آب گرفتند و توجه آنها به کودک جلب شد. همسر فرعون مانع کشتن کودک شد و گفت: شاید او به حال ما سودی بخشد، یا او را به فرزندی بگیریم . به هر روی، حوادث به گونه ای رقم خورد که مادر موسی دایه او شد و او را در دربار فرعون پرورش داد تا به سن جوانی رسید.

روزی موسی از قصر فرعون بیرون آمد و برایش ماجراهایی پیش آمد که مجبور شد از مصر بگریزد و به سوی سرزمین مدین حرکت کند. در آنجا با یکی از دختران حضرت شعیب ازدواج نمود؛ مشروط بر آنکه هشت سال و در صورت تمایل ده سال را در خدمت حضرت شعیب عال باشد. . او پس از ده سال اقامت در مدین تصمیم گرفت آنجا را به قصد مصر ترک گوید. در

بین راه آتشی دید و وقتی نزد آتش آمد، از سمت راست بیابان از درختی ندا داده شد: «ای موسی! من پروردگار جهانانم. من تو را به پیامبری برگزیدم و به آنچه وحی می شود، گوش فرا ده.» خداوند دو معجزه اژدها شدن عصا و بد بیضا را در اختیار او نهاد تا به کمک آنها رسالت خود را به فرجام رساند. حضرت موسی مالی بر آن بود تا هم فرعون و پیروان او را به خداپرستی بخواند و هم بنی اسرائیل را از ستم فرعون برهاند و به سرزمین موعود ببرد. در این راه حضرت موسی ع از خدا خواست برادرش هارون را نیز با او همراه کند. خداوند نیز درخواست موسی علت را پذیرفت و هر دو را به پیامبری برگزید.

حضرت موسی و برادرش هارون، فرعون را به خداپرستی خواندند و برای اثبات صحت

... د. محمد

فصل اول ..

ادعای پیامبری خود به معجزه متوسل شدند، اما فرعون سخن آنان را نپذیرفت و مدعی شد که این سحری آشکار است. او ساحران را برای خنثی کردن معجزه حضرت موسی ال گرد آورد، اما آنها موفق نشدند و چون ضعف خود را در برابر معجزات او دریافتند، به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم. |

هنگامی که فرعون از حيله های خود طرفی نیست، بر آن شد تا موسی علی را به قتل رساند و پیروان او را شکنجه کند. خداوند نیز چندین بار فرعونیان را به عذاب های مختلف نظیر قحطی و کم شدن میوه ها، طوفان، هجوم ملخ ها و تبدیل شدن آب ها به خون دچار کرد. اما هر بار که عذاب بر آنان فرود می آمد، می گفتند: ای موسی! خدا را به خاطر آن عهدهی که پیش تو دارد، بخوان و هرگاه بلا را از ما برطرف کند، به تو ایمان می آوریم و بنی اسرائیل را آزاد می سازیم، اما هرگز به قول خود عمل نکردند. پس از تصمیم فرعون، خدا به موسی ع دستور داد شبانه بنی اسرائیل را از مصر حرکت دهد تا از دریا عبور کنند و دست فرعونیان از آنان کوتاه شود. موسی به همراه بنی اسرائیل حرکت کردند و در طلوع آفتاب به ساحل دریا رسیدند. فرعون که از حرکت بنی اسرائیل آگاه شد، با تمام قدرت آنان را تعقیب کرد. هنگامی که سپاه فرعون به بنی اسرائیل نزدیک شد، خداوند به موسی الا وحی کرد عصای خود را به دریا زند. حضرت موسی علی نیز چنین کرد و دریا شکافته شده و خشک گردید و بنی اسرائیل به آسانی از آن عبور کردند. هنگامی که فرعونیان خواستند از این راه بگذرند، امواج آب آنها را فرا گرفت و همگی غرق شدند. فرعون به هنگام غرق شدن اظهار ایمان کرد، ولی ایمان او سودی نبخشید و جسد بی جان او عبرتی برای آیندگان گردید .

قوم بنی اسرائیل پس از سال ها محنت و سختی، استقلال و آزادی خود را به دست آوردند و در سرزمین موعود سکنی گزیدند و خداوند نیز آنان را مشمول رحمت و نعمت های فراوان خود قرار داد؛ تا جایی که ابرها را سایبان آنان قرار داد و من و سلوی (مرغ بریان و ترنجبین) را برای آنها مهیا ساخت. در این هنگام، موسی ع از جانب خداوند مأموریت یافت سی شبانه روز از قوم خود جدا شود و در جایگاه خاصی به نام «طور» اقامت گزیند. از این رو او برادرش را جانشین خود قرار داد. بعد از اتمام سی شب دستور آمد که ده روز دیگر باید در میقات بمانی. سرانجام چهل شبانه روز در آنجا ماند و الواح (تورات) را دریافت کرد و به سوی قوم خود بازگشت. پیشینه دین و پیامبری

اندیشه اسلامی

از آنجا که غیبت موسی طولانی شد، فردی به نام سامری با سوء استفاده از جهالت و پیشینه بت پرستی بنی اسرائیل، از زر و زیور آنان گوساله ای زرین ساخت که صدایی نیز از آن خارج می شد و بدین ترتیب مردم را به پرستش و عبادت آن دعوت کرد. راهنمایهای هارون نیز سودی نبخشید و بنی اسرائیل که در عقیده خود ضعیف بودند، به گوساله پرستی روی آوردند. هنگامی که موسی در طور سینا بود، پروردگار او را از مکر سامری و سرگذشت قوم بنی اسرائیل آگاه ساخت. موسی پس از پایان اقامت در طور، اندوهناک و خشمگین به سوی قوم خود بازگشت.

وی ابتدا هارون را مورد ملامت قرار داد. هارون در پاسخ گفت: «ترسیدم که میان بنی اسرائیل تفرقه افتد. همچنین بنی اسرائیل در غیاب تو مرا ناتوان کردند و نزدیک بود مرا بکشند. از این رو مرا رها کن و دشمنانم را شاد مکن و مرا در شمار ستمگران قرار مده.»

هنگامی که خشم موسی ال فرو خوابید، الواح را که مایه هدایت و رحمت بود، برداشت و متوجه قوم خود شد و آنان را ملامت نمود و به آنها گفت: آیا خدا به شما وعده نیکو نداد؟ چرا صبر نکردید؟ بنی اسرائیل در جواب گفتند که ما به اختیار خود عهد شکنی نکردیم. سرانجام بنی اسرائیل توبه نمودند و از خدا طلب آمرزش کردند و خداوند نیز توبه آنان را پذیرفت. اما سامری که عامل این انحراف بود، به عذاب اخروی وعده داده شد و در دنیا نیز گرفتار عذاب الهی گشت و به مرضی مبتلا شد که از دیدار مردم وحشت میکرد. حضرت موسی الی گوساله او را سوزاند و باقیمانده آن را به دریا افکند.

خداوند برای تکمیل نعمت و احسان خود بر قوم بنی اسرائیل، به موسی علت وحی کرد که آنان را به سرزمین مقدس و موعود فلسطین ببرد. اما چون بنی اسرائیل سال ها به زندگی ذلت بار خو کرده بودند و ورود به آن سرزمین نیز با مشقت هایی همراه بود، به موسی ال گفتند که در آن سرزمین قومی ظالم زندگی می کنند و ما هرگز به آن شهر نمی رویم، مگر آنکه آنها این شهر را ترک گویند. حتی دو نفر از بنی اسرائیل که ایمان قوی تری داشتند، آنها را ترغیب کردند تا به آن سرزمین مقدس بروند، اما سودی نبخشید. |

در نهایت به موسی عالی با درشت گویی گفتند: «ای موسی! تا هنگامی که ساکنان سرزمین مقدس در آنجا هستند، ما به شهر وارد نمی شویم. تو و پروردگارت بروید و بجنگید؛ ما در اینجا نشسته ایم. در این حال موسی ناامید شد و فرمود: «خدایا! بین ما و فاسقان حکم
... .. لو یراء
ویراست دوم).....

کن و ما را از آنها جدا ساز» دعای حضرت موسی عا مستجاب شد و خطاب آمد که این جمعیت از ورود به این سرزمین - که سرشار از مواهب مادی و معنوی است - محروم اند و باید چهل سال در این بیابان سرگردان بمانند تا نسلی دیگر بتواند این سرزمین مقدس را فتح کند. در تورات نقل شده است که موسی و در سن ۱۲۰ سالگی در مکانی به نام موآب، در حوالی دریای میت در گذشت و بنی اسرائیل سی روز برای او عزاداری کردند. قبر او تا به امروز مخفی است. البته بعدها یوشع بن نون، بیت المقدس را فتح کرد..

فصل اولی

ویتامین ها و

پیدایش صهیونیسم و تأسیس دولت اسرائیل را

در دوران باردار یهودیت تبلیغ ندارد؛ زیرا یهودیان دین خود را نعمتی الهی می دانند که تنها از آن نژاد بنی اسرائیل است. با این وصف، اگر کسی یهودی شود، او را می پذیرند. یهودیان معمولاً مردم را به صهیونیسم فرا می خوانند. البته برخی از یهودیان، با صهیونیسم مخالف اند.

صهیون» نام تپه ای است در اورشلیم که در زمان شکوفایی دولت بنی اسرائیل در عصر حضرت داود و حضرت سلیمان با مرکز نظامی بوده است. این نام همواره یادآور دوران اقتدار آن قوم است. صهیونیسم عنوان جنبشی است که طرفدار بازگشت یهودیان به فلسطین و ایجاد کشوری ویژه بنی اسرائیل در این سرزمین است. بنیانگذار این نهضت در عصر جدید، فردی یهودی به نام ثئودور هرتزل؟ (۱۹۰۴ - ۱۸۶۰) است.....

در اواخر قرن نوزدهم گروه بزرگی از یهودیان روسیه اخراج شدند. گروهی از آنان در غرب اروپا ساکن شدند و عده ای نیز به فلسطین رفتند. با ایجاد نهضت صهیونیسم و تشویق یهودیان برای بازگشت به فلسطین، دولت انگلستان در سال ۱۹۱۷ در اعلامیه ای معروف به «بالفور» موافقت خود را مبنی بر تأسیس حکومت مستقل بیهودی در منطقه فلسطین اعلام کرد. پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ به بهانه فشارهایی که نازی های آلمان بر یهودیان وارد کرده بودند، سازمان ملل متحد رأی به تقسیم سرزمین فلسطین و ایجاد کشوری بیهودی نشین داد و در سال ۱۹۴۸ کشور مستقل اسرائیل اعلام موجودیت کرد.

" پیشینه دین و پیامبری

.. بنگرید به: اعراف (۷): ۱۶۰ - ۱۰۲: قصص (۲۸): ۴۳ - ۱؛ طه (۲۰): ۹۹ - ۹؛ سبحانی، منشور جاوید. (تجزیه و تحلیل از زندگانی پیامبران خدا از حضرت شعیب تا حضرت موسی)، ج ۱۲، ص ۲۶۱ - ۲۵؛ جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ص ۱۰۹ - ۹۸.

2. Theodor Herzl.

صهیونیست ها بی توجه به مهمان نوازی مسلمانان فلسطین که آنها را با گرمی پذیرفته بودند، با قساوت آمیزترین شیوه آن سرزمین را اشغال کردند و پس از چندی بخش هایی از کشورهای اسلامی همسایه را نیز غصب و ضمیمه کشور صهیونیستی نمودند. این در حالی است که تورات، یهودیان را از طمع ورزیدن به اموال و املاک همسایه برحذر داشته و کسی که حد همسایه خود را تغییر دهد ملعون دانسته است. ۱.

* . عند

داد: خیر

ایها

... اندیشه اسلامی

: در ایران را

۶۰۰۰ (ویراست دوم) ۰۰۰۰۰.

حضرت عیسی عالی از بزرگترین پیامبران الهی است که دارای کتاب آسمانی و شریعت و معجزات بسیاری بوده است. او از مادری پاک دامن و باتقوا به نام مریم زاده شد. پدر و مادر مریم، عمران و حته نیز پاک دامن و بافضیلت بودند. مادر مریم زنی نازا بود و همواره از خدا می خواست فرزندی به او عنایت کند، از این رو نذر کرده بود اگر خدا به او پسری عطا کند، او را خادم و خدمتگزار حرم بیت المقدس گرداند. خداوند نیز دعای او را استجابت کرد، ولی به جای پسر، دختری به او عطا کرد که او را مریم نام نهادند. به هنگام تولد مریم، پدرش عمران از دنیا رفته بود. مادر در این اندیشه بود که شاید دختر نتواند همانند پسر خدمتگزار حرم شود، اما سرانجام تصمیم گرفته شد که مریم خدمتگزار حرم گردد. متولیان حرم در تکفل و سرپرستی این فرزند با هم اختلاف داشتند؛ چرا که پدر مریم در بین خادمان، مقامی والا و ارجمند داشت و پیشوای آنان بود و هر یک از خادمان می خواستند افتخار سرپرستی فرزند او نصیب آنان شود. سرانجام تصمیم گرفتند به قرعه متوسل شوند و بدین ترتیب قرعه به نام زکریا ال افتاد.

زکریا به خوبی از مریم مراقبت می کرد، ولی هرگاه به محل عبادت مریم وارد می شد، غذای او را آماده می دید. وی که از دیدن این منظره به شگفت آمده بود، از مریم پرسید: این غذاها از کجا می آید؟ مریم در پاسخ گفت: از جانب خداست و خدا به هرکس که بخواهد، روزی فراوان می دهد. بدین ترتیب مریم به تدریج بزرگ و جوان شد و خداوند دل او را با نور معرفت و تقوا نورانی ساخت.

روزی طبق عادت معمول، مریم به نماز و عبادت خدا مشغول بود که اضطراب و نگرانی

.. کتاب مقدس، سفر خروج، ۲۰/۱۷؛ سفر تثنیه،

بی سابقه ای را احساس کرد. در این حال فرشته ای آسمانی به صورت مردی پیش روی مریم ظاهر شد. مریم با مشاهده مرد به خدا پناه برد. در این حال، مرد ناشناس به مریم رو کرد و گفت: مترس! من فرستاده پروردگار تو هستم و مأموریت دارم پسر پاکیزه ای به تو بخشم. مریم از این خبر شگفت زده شد و گفت: چگونه ممکن است من فرزند پسری آورم، درحالی که هرگز مردی با من تماس نداشته و من زن بدکرداری نبوده ام. فرشته گفت: خدایت چنین خواسته و این کار برای او آسان است. خدا می خواهد این حادثه، آیت و رحمتی باشد از جانب او برای مردم. تولد این فرزند مورد مشیت و قضای حتمی الهی است. پس از مدتی مریم احساس بارداری کرد، و برای دوری از قوم خود به مکانی دور رفت. هنگامی که به آنجا رسید، درد زایمان او را فرا گرفت. او به تنه درخت خرماي خشکیده ای تکیه کرد، در حالیکه وحشت او را فراگرفته بود؛ تا آنجا که آرزو کرد ای کاش پیش از این حادثه مرده و فراموش شده بودم! بار دیگر رحمت خدا شامل حال او شد و خطاب آمد: محزون مباش که رحمت حق شامل حال توست. به زیر پای خود بنگر، چشمه ای مشاهده میکنی و می توانی خود و نوزاد را با آب آن بشویی. درخت خشک خرما را نیز تکان بده تا خرماي تازه بر تو فرو ریزد. از آن میل کن و از این آب نیز بنوش و چشمت به این نوزاد روشن باشد و در اعتراض مردم نذر سکوت کن. این کودک می تواند در گهواره سخن بگوید. مریم با شنیدن این سخنان، آرامش یافت و به همراه کودک به سوی قوم خود باز آمد. در چنین شرایطی، برخی او را مورد اعتراض قرار دادند و گفتند: این کار عجیب چیست؟! پدر تو مرد بدی نبود و مادرت نیز زن بدکرداری نبود. مریم در مقابل این اعتراض سکوت پیشه کرد و به آنها فهماند که اگر طالب حقیقت هستید، با این نوزاد سخن بگویید. آنها این کار را به نوعی تمسخر خود پنداشتند و گفتند: چگونه ما با کودکی که در گهواره است، سخن بگوییم؟! ناگهان کودک به فرمان الهی به سخن درآمد و چنین گفت:

قال إني عبد الله أتانى الكتاب و جعلنى يا * وجعلنى مباركا أين مان و أوصانى بالو
والأتر ما دمت حيا وبرا بوالدتي ولم يجعلنى جباراً شقياء والسلام على يوم ولد و يؤم أموت ويو. أب حيا کودک

گفت: «منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است؛ و هر

فصل اول دارید می توان او را به

..... پیشینه دین و پیامبر

. دریم (۱۹) ۳۲ - ۳.

لیمی

جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است؛ و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است؛ و درود بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم.»

اندیشه اسلامی

: ۰۰:۰۲

۰۰۰۰۰۰ ویراست دوم) -

پس از این سخنان، مردم دریافتند که این کودک با خواست خدا خلق شده و نسبت به دیگران امتیازات والایی دارد، و از این رو باید از ملامت و سرزنش مریم دست بشویند .

هنگامی که عیسی ع به سی سالگی رسید، فرشته ای رسالتش را به او ابلاغ کرد و سپس از خداوند انجیل را دریافت نمود، در حالی که تصدیق کننده تورات بود. شریعت او کامل کننده تورات تلقی شده است؛ به گونه ای که همه آنچه در تورات تشریع گشته ، پذیرفته است، جز برخی از مواردی که حرام بوده و انجیل آنها را حلال کرده است. در عین حال او بشارت دهنده پیامبر بعد از خود، یعنی پیامبر گرامی اسلام ای نیز بوده است.

عیسی ع کوشید یهودیان را از انحراف و گمراهی به راه راست هدایت کند؛ چرا که آنها آیین حضرت موسی ع را تحریف نموده بودند. رجال دینی بیهود تصمیم گرفتند با عیسی عالی که انحرافات و گمراهی های آنها را برملا کرده بود، به شدت برخورد و او را تکذیب کنند، اما عیسی علی بی اعتنا به آنها به رسالت خویش ادامه می داد. مردم برای تأیید ادعای نبوت از او معجزه می خواستند تا به او ایمان آورند. او نیز پرنده ای از گل می ساخت و در آن می دمید و بلافاصله پرنده به اذن خدا جان می گرفت. وی همچنین کور مادرزاد و مبتلایان به برص را شفا می داد و مردگان را به اذن خدا زنده می کرد و از آنچه می خوردند و یا در خانه های خود ذخیره میکردند، گزارش می داد. اما قوم بنی اسرائیل با اینکه معجزات او را می دیدند، جز عده اندکی به او ایمان نیاوردند. حضرت عیسی عال برای تبلیغ آیین خود به نقاط مختلف سفر می کرد و مردم را به آیین خود می خواند و در این تبلیغ خستگی ناپذیر بود. در نتیجه تعداد پیروان او رو به فزونی نهاد. از این رو، خشم و غضب عالمان یهود برانگیخته شد و تصمیم گرفتند او را آزار و اذیت کرده، یا به قتل برسانند. آنان حتی خشم حکومت را علیه او برانگیختند و چنان وانمود کردند که دعوت عیسی کاخ سلطنت و رژیم حکومتی قیصر را نابود خواهد کرد. سرانجام اجتماع عالمان یهود در بیت المقدس تشکیل شد و در چگونگی برخورد با عیسی به مذاکره نشستند و در نهایت تصمیم گرفتند او را به دار آویزند. مسیحیان معتقدند

که حضرت عیسی عا به صلیب کشیده شد، ولی خداوند در قرآن می فرماید: «در حالی که تصور می کردند عیسی را کشته اند، اما او را نکشتند و به دارش نیاویختند و به عوض فردی شبیه او را دار زدند و گمان کردند که عیسی است. از آنجا که مشیت خدا بر نجات او از چنگال یهود تعلق گرفته بود، او را نجات داد و به سوی خود برد و خداوند مقتدر و کارش همه از روی حکمت است.» |

بدین ترتیب ماموریت و رسالت یکی از پیامبران اولوالعزم که دارای شریعت و کتاب بود، به پایان رسید.
(ج) آشنایی با کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید) و دیدگاه قرآن درباره آن
فصل اول ...

کتاب مقدس و بخش های تشکیل دهنده آن در کتاب مقدس «عنوان مجموعه ای از نوشته های کوچک و بزرگ است که مسیحیان همه، و یهودیان نیز بخشی از آن را «کتاب آسمانی» خود می دانند. عنوان معروف این مجموعه در زبان انگلیسی و بیشتر زبان های اروپایی «بایبل» و یا کلمه های هم خانواده آن است که برگرفته از کلمه یونانی Biblia به معنای «کتاب ها» است."

در زبان های فارسی و عربی، عنوان «عهدین» نیز برای این کتاب به کار می رود که به اعتقاد مسیحیان، به دو عهد و پیمانی که خدا با انسان بسته، اشاره دارد: یکی «عهد قدیمه که در آن خدا از انسان پیمان گرفته است که بر شریعت الهی گردن نهد و آن را انجام دهد. این عهد ابتدا با حضرت ابراهیم ال بسته شد و سپس در زمان حضرت موسی از تجدید و تحکیم گردید.

با ظهور حضرت عیسی ع دوران عهد و پیمان مزبور پایان یافت و خداوند عهدی دیگر
پیشینه دین و پیامبری

. بنگرید به: مریم (۱۹)؛ آل عمران (۳): ۵۹ - ۴۵؛ بقره (۲): ۲۵۳؛ مائده (۵)؛ سبحانی: منشور جاوید، ج ۱۲، ص ۴۳۶ - ۳۵۱؛ جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ص ۳۴۳ - ۹۰.
2.Bible.

۳. میشل، کلام مسیحی، ص ۲۳

4. Testament 5. Old Testament.

... د، ده. ۱۸۰۰۰۰

با انسان بست که این «عهد جدید پیمان بر سر محبت خدا و عیسی مسیح است. بنابراین مسیحیان به دو دوره و عصر قائل اند: عهد قدیم و عهد جدید.

آنها متناظر با این تقسیم، کتاب های مربوط به دوره اول را عهد قدیم و کتابهای مربوط به دوره جدید را عهد جدید می خوانند و هر دو قسمت را مقدس و معتبر می شمارند. بنابراین این نامگذاری مربوط به مسیحیت است و میلنوس، اسقف ساردس، در سال ۸۰ میلادی برای نخستین بار واژه عهد قدیم، و ترتولیان در سال ۲۰۰ میلادی برای اولین بار واژه عهد جدید را برای این کتاب ها به کار بردند.

اما یهودیان معتقدند خدا تنها یک پیمان با انسان بسته که همان پیمان «شریعت» است. براین اساس، آنان تنها بخش عهد قدیم را قبول دارند. در اینجا به اختصار درباره عهد قدیم و جدید توضیح می دهیم.

۱۰۰۰۰۰.

اندیشه اسلامی

به ۵۲

ما داده اند، به بها

نورا: غرونو: هو

با یارانه

دی ماه ۱۰ در ۱۰ ماه

است. او

او را به عهد قدیم که تنها بخش مورد اعتقاد یهودیان است، نزدیک به سه چهارم کتاب مقدس را دربرمی گیرد. این مجموعه که گفته می شود طی قرن ها و به دست نویسندگان گوناگون نگارش یافته، شامل مطالب متنوعی از قبیل تاریخ، شریعت، حکمت، مناجات، شعر و پیشگویی است. از این مجموعه، از سده های قبل از میلاد دو نسخه باقی مانده است: یکی به زبان عبری و دیگری به زبان یونانی معروف است که این مجموعه در اصل به زبان عبری نگاشته شده و بعدها به زبان یونانی ترجمه گشته است. این ترجمه در قرن سوم پیش از میلاد صورت گرفته است و چون مترجمان آن هفتاد نفر از عالمان یهود بوده اند، این کتاب به نسخه «سبعینه» با هفتادین معروف است.

این دو نسخه از دو جهت با هم تفاوت دارد: یکی اینکه نسخه سبعینه نسبت به نسخه عبری اضافاتی دارد که این اضافات یا به صورت کتاب های مستقلی است که در نسخه عبری وجود ندارد، یا به این صورت که برخی از کتاب های موجود در هر دو نسخه، در نسخه سبعینه 1. New Testarrient, ۲. سلیمانی، کتاب مقدس، ص ۲۰ - ۱۹ ... ۳. همان، ص ۲۰.

بخش هایی اضافه دارد. تفاوت دیگر این دو نسخه در ترتیب کتاب ها و تقسیم بندی آنهاست. از آنجا که یهودیان نسخه عبری را قبول دارند، اضافات نسخه سبعینه را جزء کتاب مقدس خود نمی شمارند. اما مسیحیان در ابتدا نسخه یونانی را به عنوان بخشی از کتاب مقدس خود پذیرفتند. بنابراین آنان اضافات نسخه یونانی را که اپوکریفا (به معنای مخفی و پوشیده) خوانده می شوند، کتاب های قانونی درجه دوم می دانند. بعدها پروتستان های مسیحی نسخه عبری را پذیرفته، کتاب های اپوکریفایی را از کتاب مقدس خود حذف کردند. ۲.

کتاب مقدس یهود به سه بخش تقسیم می شود:

۱. شریعت موسی عل یا تورات که مشتمل بر پنج دفتر اول کتاب مقدس بوده و به اسفار خمسه معروف است (سفر پیدایش، بیفر خروج، بیفرلاویان، سفر اعداد و یفر تثئیه). یهودیان بنابر سنت، این کتاب را منسوب به موسی ع میدانند؛ چرا که در پایان این کتاب، وفات حضرت موسی علی و عزاداری بنی اسرائیل آمده است. این عقیده نه تنها به دلیل نقد ادبی، بلکه بدین روی که موسی ال نمی توانسته مرگ خود را از پیش ثبت کند، آشکارا باطل است.

۲. بخشی که به انبیا شهرت دارد و دربرگیرنده کتاب های یوشع ، داوران، سموئیل، پادشاهان، اشعیا، ارمیا، حزقیال و ده نبی کوچک تر است. اعتقاد بر این است که این کتاب ها را انبیا و شخصیت های دیگر آورده و عزرا و کاتبان، پس از اسارت بابلی تنها آنها را جمع آوری و حفظ کرده اند.

۳. مکتوبات که شامل مزامیر، ایوب ، غزل غزل ها، سلیمان ، روت، مراثی، جامعه سلیمان، اِستر، دانیال ، عزرا، نحمیا و تواریخ ایام است. این مجموعه رسمی نوشتار مقدس، تا روزگار مسیح و پس از آن، یعنی تا نیمه اول قرن دوم میلادی، شکل نهایی خود را بازنیافته بود. ۲

فصل اول ، ادامه دارد و ما از

- ... پیشینه دین و پیامبری

با ما

۲. عهد جدید

بخش دوم کتاب مقدس عهد جدید است که تنها مسیحیان آن را قبول دارند و بیهودیان آن را معتبر نمی دانند. این بخش نیز مشتمل بر کتاب ها، رسالات متنوع و نیز مطالب گوناگونی است.

1. Apocrypha.

۲. توماس، کلام مسیحی، ص ۳۹؛ سلیمانی، بیهودیت، ص ۱۷۵. ۳. اسمارت، تجربه دینی بشر، ج ۲، ص ۷.

اندیشه اسلامی/ ۲/ « ۱۱۰

عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است درحالی که حضرت عیسی علل و حواریان او به زبان آرامی - لهجه ای از زبان عبری - سخن می گفتند.

به طور کلی عهد جدید به چهار بخش تقسیم می شود:

۱. زندگینامه و سخنان حضرت عیسی علی : این بخش مشتمل بر چهار انجیل است که گفته می شود «می» از حواریان حضرت عیسی عنا، «مرس» شاگرد خاص پطرس " حواری، لوقا» شاگرد پولس حواری که پس از حضرت عیسی ع ایمان آورد و «یوتا» یکی از حواریان که در زمان حضرت عیسی ال طفل خردسالی بود، آنها را نگاشته اند. درواقع این چهار کتاب سیره عملی و گفتاری حضرت عیسی عالی است که افرادی آن را روایت می کنند .

سه انجیل نخست، سبکی یکسان دارند و مطالب مندرج در آنها هماهنگ است و با فرهنگ یهودی اختلاف چندانی ندارد. در این سه انجیل، از الوهیت حضرت عیسی علی سخنی نیست. انجیل چهارم از نظر مطالب با سه انجیل دیگر متفاوت است و با فرهنگ یهودی نیز سازگاری ندارد و الوهیت حضرت عیسی علی در آن مطرح شده است. سه انجیل اول ، اناجیل «همنوا» یا «هم دید» نامیده می شوند. اغلب محققان برآن اند که قدیمی ترین اناجیل بیش از سی سال بعد از حضرت عیسی ال نگاشته شده است. جان. بی. ناس دراین باره می گوید:

انجیل مرقس قبل از دو انجیل متی و لوقا موجود بود و در حدود ۶۵ تا ۷۰ میلادی نوشته شده است. انجیل یوحنا نیز از همه متأخر است و در آخر قرن

اول نگاشته شد و بیشتر به کیفیت موت و حیات عیسی انی مربوط می شود. همچنین او می گوید:
بی گمان عیسی تعالیم خود را تحریر نکرد، بلکه به شاگردان خود اعتماد فرمود و به آنها امر کرد به اطراف جهان
بروند و آنچه آموخته اند و در حافظه

۰۰۰ ویرا است

ویراست دوم)

1. Matta.

2. Marqos. 3. Petros. 4. Polos. 5. Yuhanna.

۶. سلیمانی، کتاب مقدس، ص ۳۴ - ۳۳. ۷. ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۵۷۶.

خود به یاد دارند، به دیگران تعلیم دهند. اما شاید برخی اقوال بر آن افزوده شده باشد که به سهو و غلط آنها را
به عیسی یان نسبت داده اند .

۲. تبلیغات و مسافرت های تبلیغی مبلغان مسیحی در این بخش تنها یک کتاب به نام اعمال رسولان وجود دارد
که اقدامات حواریان و دیگر مسیحیان، به خصوص پولس را بیان می دارد .

۳. نامه ها: حواریان و رسولان مسیحی صدر اول، نامه هایی به شهرها و افراد گوناگون نگاشته اند که ۲۱ نامه از
آنها در مجموعه عهد جدید، وجود دارد.

۴. رؤیا و مکاشفه: در این بخش نیز تنها یک کتاب وجود دارد که به یوحنا منسوب است و در پایان عهد جدید
آمده است. ۲

فصل اول

.....

.....

... :

اعتبار کتاب مقدس از دیدگاه متفکران یهودی و مسیحی و امان اورا. در قرون وسطی نقد دیدگاه سنتی درباره
تاریخ نگارش و نویسندگان کتاب مقدس، آغاز شد؛ به گونه ای که برخی دانشمندان یهودی برای نخستین بار
این دیدگاه را زیر سؤال بردند. یکی از معروف ترین کسانی که در گذشته دیدگاه سنتی را به ویژه درخصوص
أسفار پنج گانه تورات نقد کرد، ابراهیم بن عزرا (۱۱۶۴ - ۱۰۸۹م) است. او در کتاب تفسیر خود بر سفر تثنیه،
به این موضوع پرداخته است. او که نمی توانست با صراحت دراین باره سخن بگوید، مطالب خود را رمزآلود آورده
است.

وی از درون اسفار پنج گانه تورات به موارد خاصی اشاره کرده است که این موارد بیانگر آن است که نویسنده
واقعی اسفار پنج گانه حضرت موسی ع نیست، بلکه این کتاب باید قرن ها پس از حضرت موسی عا به دست فرد
دیگری نوشته شده باشد. |

۲. همچنین در قرن نوزدهم و به دنبال عصر روشنگری در خصوص کتاب مقدس، جریانی در غرب ظهور کرد که امروزه به «نقد تاریخی کتاب مقدس» معروف است. تحقیقات نظری نشان می دهد حضرت موسی عل موارد و مطالب تورات را به صورت قطعی نهایی نکرده است. ۲.

و پیشینه دین و پیامبری

. همان. ۲. همان، ص ۵۷۵؛ سلیمانی، کتاب مقدس، ص ۳۴. ۳. سلیمانی، یهودیت، ص ۱۸۷. ۴. یتیس، «دین یهود در جهان مذهبی، ج ۲، ص ۶۰۴.

... " . " : اندیشه اسلامی

۲ ...

و ه .. " * ، ، ن ، ا د ه اند ، به جوانان ایرانی

۳. همچنین جریان نقادی کتاب مقدس نشان داد تردیدهایی جدی در باب اعتبار کتاب مقدس وجود دارد. نویسندگان ای مسیحی در این باره می نویسند: |

نقادان به طور کلی عقیده دارند که برخلاف نظرسنجی، نویسندگان پینج کتاب اول کتاب مقدس، موسی ال نبوده است، بلکه نویسندگان آن لاقلاً چهار شخص بوده اند. یکی از نتایج این عقیده این است که در کتاب پیدایش، دو نوع مختلف شرح آفرینش وجود دارد. نقادان معتقد بودند که کتابهای قسمت هایی که در آنها درباره وقایع آینده پیشگویی هایی وجود دارد، بعد از انجام شدن آن وقایع نوشته شده اند ... آنچه مهم تر از همه این جزئیات می باشد، این موضوع است که درباره هر مطلبی که کتاب مقدس بیان

می کند، شک و تردید به وجود آمد ۴. نینیان استمارت، دین پژوه مغرب زمین درباره نقادی کتاب مقدس می گوید: قرن نوزدهم در عین حال که این نهضت های متنوع احیا را به بار آورد، باعث شد مسیحیت با بزرگترین بحران نظری تاریخ خود روبه رو شود. هرچند کتاب مقدس همواره به عنوان حقیقت لفظی مطلق (بدین معنا که عین تعبیر کتاب مقدس، وحی باشد) لحاظ نشده است، قرن های متمادی کلامی وحی شده در نظر گرفته شده بود. شاید مردم نسبت به مکانیسمی که به موجب آن نویسندگان متون مقدس وحی و الهام دریافت کرده اند، اختلاف نظر داشته باشند، ولی عموماً اتفاق نظر داشتند که مجموعه کتاب مقدس وحی خدا را به تفصیل نشان می دهد.

اما بررسی نقادانه کتاب مقدس شماری از عقاید مورد احترام را زیر سؤال برد و صحت برخی رویدادهای مضبوط در متون مقدس را مورد تردید قرار داد و جنبه معجزه آمیز تاریخ کتاب مقدس را کم اهمیت جلوه داد. این مطالعات روند طولانی را که به موجب آن این نوشته ها تألیف و گردآوری شده بود، تا حدودی روشن کرد. همچنین امکان ساخت تصویری صحیح از عیسای تاریخی را زیر سؤال برد. محقق برجسته ای چون دیوید اشتراوس (۱۸۷۴ - ۱۸۰۱) توانست استدلال کند که عناصر ماورای طبیعی موجود در اناجیل به سبب اساطیری است که در دوره بین مرگ عیسی عالی و قرن دوم بعد از میلاد

. هوردرن، راهنمای الهیات پروتستان، ص ۳۸.

به وجود آمده است. محققان پیرو مکتب توبینگن - که ف. س. بور (۱۸۶۰ - ۱۷۹۲) تحت تأثیر افکار هگل (۱۸۳۰ - ۱۷۷۰) آن را بنیان نهاد - استدلال کردند که در سنت مسیحی حتی یک رشته پیوسته از حوادث و تحولات وجود ندارد که در گذر تاریخ به شخصیت خود عیسی مانت بازگردد. بخش اعظم ترکیب دین متأخر به پولس نسبت داده می شود، نه به مسیح. همو در جایی دیگر می گوید:

نگرش های نقادانه به متون مقدس تنها در بخش پروتستان عالم مسیحیت به وجود نیامد، بلکه تأثیر تحقیقات علمی جدید درمورد کتاب مقدس به مذهب کاتولیک روم نیز راه یافت. مشهورترین شخصیت، آلفرد لویزی (۱۹۴۰ - ۱۸۵۷) به این باور رسید که اگرچه مسیح شعایر را وضع نکرده است، ولی هنوز به عنوان بخشی از سنت کاتولیک ارزش محوری دارند.

۵. از عهد قدیم برمی آید که در زمان هایی تورات ناپدید شده و بعدها کسانی مدعی یافتن آن شده اند. ۲. بنابراین شواهد بسیاری وجود دارد که کتاب مقدس را نمی توان وحی الهی و آموزه های حضرت موسی و عیسی علاج دانست.

دیدگاه قرآن درباب کتاب مقدس

پیشینه دین و پیامبری .

قرآن کتاب آسمانی پیامبر گرامی اسلام و به همان صورت اصلی که بر پیامبر وحی شده، در اختیار ما قرار گرفته است. دلایل زیادی بر عدم تحریف قرآن وجود دارد که در جای خود بدان خواهیم پرداخت. از دیدگاه قرآن، تورات و انجیل دو کتاب آسمانی بوده اند که خداوند برای هدایت قوم بنی اسرائیل و دیگران فرو فرستاده است. قرآن دراین باره می فرماید:

و تورات و انجیل را پیش از آن برای رهنمود مردم فرو فرستاد؟

.. اسمارت، تجربه دینی بشر، ج ۲، ص ۲۵۵ - ۲۵۲. ۲. همان، ص ۲۵۷. ۳. بنگرید به: کتاب مقدس، کتاب دوم پادشاهان،

۲۲/۸:

۴. ۲۳/۴ - آل عمران (۳): ۳ و ۴.

ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم. و به او انجیل را عطا کردیم که در آن، هدایت و نوری است.

اما قرآن کریم در آیاتی دیگر بیان می دارد که در تورات و انجیل تحریفانی راه یافته است:

برخی از آنان که یهودیاند، کلمات را از جاهای خود برمی گردانند، و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین اسلام، با درآمیختن عبری به غربی می گویند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم؛ و بشنو [که کاش ناشنوا گردی. (از روی تمسخر میگویند): راعنا اما را تحمیق کن تا با زبان خود حقایق را بگردانند، و در آیین خدا، طعنه زنند. ولی اگر آنها (به جای این همه الجاجت) می گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده (تا حقایق را درک کنیم برای آنان بهتر، و با واقعیت سازگارتر بود. ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد، در نتیجه جز گروهی] اندک ایمان نمی آره رند. ۲ اندیشه اسلامی ۲

، ۹۹

ویراست دوم)

از دیدگاه قرآن، ظهور دین اسلام و نام مبارک حضرت محمد قا در تورات و انجیل بشارت داده شده است. قرآن به صراحت اعلام می دارد که اهل کتاب به این موضوع آگاهی داشته و پیامبر اسلام او را مانند فرزندان خود می شناخته اند، اما با این همه ، حقیقت را کتمان کردند:

و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: «ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق میکنم و به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او «احمد» است بشارتگرم.» پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد، گفتند: «این سحری آشکار است.»؟ همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که نام او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می یابند - پیروی می کنند.

۱. مائده (۵): ۴۴. ۲. مائده (۵): ۴۶. ۳. نساء (۴): ۴۶. ۴. صف (۶۱): ۶۵. اعراف (۷): ۱۵۷.

بنابراین اگر عالمان یهودی و مسیحی، کتاب آسمانی را تحریف نمی کردند، باز هم باید از آیین پیامبر اسلام که تورات و انجیل به آن بشارت داده بودند، تبعیت می کردند، اما آنان حق را با باطل درآمیختند و حقیقت را پوشاندند.

دلیل دیگر تحریف کتاب مقدس آن است که در آن صفات بسیار ناپسندی به انبیای الهی نسبت داده شده است که از نظر قرآن، مساحت آنان مبرا از این صفات است. از آنجا که قرآن تحریف ناشده و همان وحی الهی است، عقاید ناسازگار با آن نمی تواند منتسب به خدا باشد، بنابراین ناگزیر باید گفت کتاب مقدس تحریف شده است. همچنین دلایل قطعی عقلی ایجاب می کنند پیامبران و آموزگاران الهی از هر گناه و آلودگی و سهو و اشتباه پیراسته باشند؛ زیرا هدف از برانگیختن پیامبران، تربیت و راهنمایی انسان هاست و یکی از عوامل مؤثر در تربیت آن است که مربی، آلوده به گناه نباشد و به گفته خود عمل نماید. قرآن پیامبران الهی را معصوم و عاری از گناه و صفات ناپسند می داند، اما کتاب مقدس، صفاتی نظیر شراب خواری ، مستی، دروغگویی، بی غیرتی، شهوت رانی، بی بندوباری و بی احترامی به پدر و مادر را به انبیای الهی نسبت می دهد. مقایسه بین تصویر کتاب

مقدس از انبیای الهی و تصویر قرآن از آنان، به خوبی دلالت بر آن دارد که کتاب مقدس موجود نمی تواند تعالیم انبیا و وحی الهی باشد. ۲۰
فصل اول ..

(د) تأثیر آموزه های مدسیدیت بر جامعه غربی در مقایسه با تأثیر آموزه های اسلام بر پیدایش تمدن اسلامی پیشینه دین و پیامبری

۱. تأثیر حاکمیت مسیحیت بر جامعه غرب در قرون وسطی حاکمیت مسیحیت بر جامعه غربی به گونه ای رقم خورد که مردم را از دین - که تبلور آن در مسیحیت تحریف شده بود - گریزان کرد. آموزه های غیرعقلانی مسیحیت و ناسازگار نشان دادن آنها با دستاوردهای دانش تجربی و خشونت و تفتیش عقاید و نیز فساد مالی و اخلاقی حاکمان کلیسا، از جمله عوامل زمینه ساز رویگردانی از دین مسیحیت بود.
.. آل عمران ۷۱:۳ . ۲. بنگرید به: سبحانی، رسالت جهانی پیامبران و برهان رسالت، ص ۱۱۷ - ۸۴.

هنگامی که ارباب کلیسا خود را خازنان بهشت معرفی و با اندیشه دنیاطلبی و مال اندوزی، سند بهشت موعود را در قبال دریافت پول پیش فروش کنند، حیثیت دین و تعالیم دینی زیر سؤال می رود و مفاهیم دینی ارزش واقعی خود را از دست می دهند.

افزون بر این، مردم نیز با الگوگیری از این گروه در اندیشه دنیاطلبی و ثروت اندوزی فرو می روند و کم کم از دین و ارزش های دینی می گریزند. بدین ترتیب دین نقش هدایتگری و تربیتی خود را از دست میدهد و فروغ هدایت انسان رو به خاموشی می گراید. تامس گسکوین، رئیس دانشگاه آکسفورد در سال ۱۴۵۰ میلادی آثار سوء فروش آموزش نامه ها را چنین باز می گوید:

امروزه گناهکاران می گویند: من پروایی ندارم که در برابر خداوند چقدر گناه و کار زشت میکنم؛ زیرا با اعتراف و طلب آموزش نزد کشیش و خرید

آموزش نامه پاپ کلا از تمامی معاصی و کفارهها برائت حاصل میکنم این عمل زشت ارباب کلیسا، در رویگردانی مردم از دین تأثیر بسزایی داشت . در بحث سکولاریسم، عوامل گریز مردم از دین مسیحیت را بیشتر باز خواهیم گفت.

اندیشه اسلامی

و ۲۰ تان اسلام لو فیشرفت تمدن اسلامی

..... دوز)

ویراست

مسلمانان در پرتو عمل به آموزه های اسلام در زمانی کوتاه توانستند در عرصه های مختلف تمدن انسانی به پیشرفت های درخور توجهی دست یابند. همچنین در سایه برادری اسلامی، اقوام مختلفی چون عرب، فارس،

ترک، هندی، چینی، مغولی و آفریقایی به هم آمیختند و در کنار هم به ساختن تمدنی همت گماشتند که تمدن امروز بشری تا حد زیادی وام دار آن است. اینک جلوه های گوناگون این تمدن را به اختصار بیان می داریم .
ن یک. تشویق اسلام به فراگیری علم توصیه و تشویق اسلام به فراگیری علم و دانش در همه عرصه ها عامل مهمی در آشنایی مسلمانان با فرهنگ و دانش تجربی و انسانی است. قرآن به کرات مردم را به فکر و تدبیر در احوال نظام هستی فرا می خواند و به برتری عالمان و درجات آنها اشاره میکند؛ به گونه ای .. دورانت، تاریخ تمدن، ج ۶، ص ۲۷.

که پیامبر اسلام طلب علم مورد نیاز جامعه را بر هر مسلمانی واجب شمرده است. از این روست که مسلمانان در زمانی کوتاه در همه عرصه های دانش تجربی و انسانی و عقلی، سرآمد و الگویی برای جهانیان شدند که به نمونه هایی از آن اشاره میکنیم

در قلمرو صنعت کاغذ: یکی از عوامل مهم پیشرفت علمی و فرهنگی جامعه اسلامی، آشنایی آنها با صنعت کاغذ بود. در زمانی که اروپای غربی نه کاغذ را می شناخت و نه کتابت را، در قرن دوم هجری در بغداد و مصر صنعت کاغذسازی وجود داشت و کاغذ با عالی ترین کیفیت تولید می شد. این صنعت کم کم در سال ۴۹۴ هجری به مراکش و سپس در سال ۵۴۵ هجری به اسپانیا راه یافت. در قلمرو شیمی: ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می گوید:

شیمی تقریباً از مبدعات مسلمین است. جابر بن حیان (۱۴۹ - ۸۳ ق) یکی از شیمیدان های بزرگ جهان اسلام، پدر علم شیمی لقب گرفته است که مورخان بیش از یکصد تألیف را به او نسبت داده اند. جابر غیر از دستور تهیه برخی مواد و ترکیبات شیمیایی، در باب روش های مربوط به مطالعات

شیمی نیز نظریات درخوری دارد. در قلمرو صنعت: مسلمانان در قلمرو صنعت کارهایی انجام دادند که بعدها به دست غربیها کامل تر شد. انواع ساعت های آبی نزد مسلمان رواج داشت. آسیای بادی نیز قرن ها پیش از آنکه در اروپا به وجود آید، در ممالک شرق اسلامی معمول بود. همچنین آنان در صنعت چرم سازی و مکانیک پیش رو بودند."

در قلمرو ریاضیات: مسلمانان در عرصه ریاضیات نیز پیشرفت های چشمگیری داشتند . یکی از معروف ترین ریاضی دانان مسلمان، خوارزمی (۲۳۶ - ۱۶۴ ق) است که در کتاب حساب الجبر والمقابل، راه حل های هندسی را برای حل معادلات درجه دوم نشان داد که اولین کتاب در باب جبر و مقابله است. او را از مؤسسان علم جبر دانسته اند و علم جبر نیز برگرفته از همین کتاب است.

د لطیور

پیشینه دین و پیامبری

۱. زرین کوب ، کارنامه اسلام، ص ۴۰. ۲. همان، ص ۷۳؛ دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۳۱۳. ۳. زرین کوب ، کارنامه اسلام، ص ۷۲؛ نیز بنگرید به : ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران ، ج ۱، ص ۱۸۲-۹۲.

اندیشه اسلامی

کتاب او که به لاتین نیز ترجمه شده، در قرون وسطا نزد اروپاییان اهمیت بسیاری داشت و تا سال ۱۶۰۳ میلادی مبنای مطالعات ریاضی اروپاییان بود.

در قلمرو پزشکی: در مدرسه طب دانشگاه پاریس دو تصویر رنگی از دو طبیب مسلمان آویخته شده است یکی محمد رازی (۳۱۳ - ۲۵۱ ق) و دیگری ابن سینا (۴۲۸ - ۳۷۰ ق) است که در پیشرفت علم پزشکی تأثیر بسیاری داشته اند. رازی در باب تشخیص آبله و سرخک رساله ای نگاشته که از سال ۱۴۹۸ تا ۱۸۶۶ میلادی چهل بار به زبان انگلیسی چاپ شده است. از جمله کتاب های معروف وی الحاوی است که بزرگترین و جامع ترین و درواقع دائرة المعارف بزرگ طبی است که از همه فروع طب سخن گفته است. این کتاب به زبان لاتین ترجمه شده و به احتمال زیاد تا چند قرن معتبرترین کتاب طبی و مهم ترین کتاب مرجع این علم بوده است. کتاب معروف ابن سینا در طب (قانون) یکی دیگر از کتاب های مرجع علم پزشکی است که به تفصیل به وظایف اعضا، علم بهداشت، درمان و داروشناسی پرداخته است. کتاب قانون در قرن دوازدهم میلادی به لاتین ترجمه شد و به جای کتاب های رازی و جالینوس در مدرسه های طب اروپا تدریس می شد و تا نیمه های قرن هفدهم جایگاه خود را حفظ کرد. ۲

دانشمندان اسلامی همچنین در قلمرو نجوم، جغرافیا، تاریخ نویسی، عقاید و مذاهب، علوم تربیتی و جز اینها پیشگام بودند. در واقع پیشرفت های علمی امروز جهان تا حد بسیاری مرهون کوششهای علمی دانشمندان مسلمان است. اما انحطاط تمدن اسلامی زمانی آغاز گردید که مسلمانان از عمل به آموزه های دینی فاصله گرفتند.

۲ - - - - ما

به ۱۰۰۰ - جده - ویراست دوم

یکی دیگر از مظاهر تمدن اسلامی، اهتمام پیامبر اسلام را به تحقق و بسط عدالت در همه جنبه های زندگی است؛ تا بدانجا که ایشان رسالت خود را اجرای عدالت می داند. ۲ اصولا یکی از عناصر محوری تمدن، عدالت است؛ آن سان که بدون عدالت، تمدن

۱. زرین کوب ، کارنامه اسلام، ص ۶۶. ۲. دورانت، تاریخ تمدن، ص ۳۱۶؛ زرین کوب ، کارنامه اسلام، ص ۵۳. ۳. همان، ص ۳۱۹. . آیژت لأغیل بنگ. شوری (۱۵:۴۲)

فصل اول

محتوای واقعی نخواهد داشت. یکی از ثمرات عدالت، شکوفایی استعدادها و به کمال رساندن آنهاست؛ زیرا اگر افراد بااستعداد بدانند که با شکوفاسازی نبوغ خود، بدون هیچ

ظلم و بی عدالتی به حق خود می رسند، در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند، اما اگر در جامعه ای بی عدالتی و رابطه به جای ضابطه، حاکم باشد و ملاک برتری، لیاقت و کاردانی و فرهیختگی نباشد، بی شک افراد در جهت رشد و توسعه استعدادهای خود گام بر نمی دارند و در نتیجه تمدنی شکل نمی گیرد.

برپایی و اجرای عدالت - در همه ابعادش - آن چنان اهمیت دارد که خداوند آن را هدف نهایی ارسال پیامبران و کتاب های آسمانی می داند. در آن تأکید اسلام بر ایجاد عدالت را، عامل مهمی در شکل گیری تمدن اسلامی دانست .! : . ابعاد عدالت را به اجمال بررسی می نماییم

عدالت در داوری: در این عدالت، تفاوتی بین حاکم و محکوم ، فقیر و غنی و ... نیست. وظیفه حاکم اسلامی آن است که در تمامی ارکان حکومت، و دستورهای خود، بر پایه عدالت عمل نماید. |

عدالت در برابر قانون: همه مردم در برابر قانون و اجرای آن برابرند و از آبین نظر هیچ تفاوتی میان طبقات اجتماعی نیست؛ چه آنکه از نظر اسلام همه انسان ها از یک زن و مرد آفریده شده اند و در آفرینش و خلقت تفاوتی با یکدیگر ندارند. ازاین روست که قاضی نباید در گفتار و رفتار خود بین حاکم اسلامی و یک فرد عادی هیچ گونه تفاوتی قائل شود.

عدالت در حوزه اقتصاد: اسلام در حوزه اقتصاد نیز اهتمام زیادی به اجرای عدالت دارد و می توان تمام دستورهای الهی در این حوزه را برای اجرای عدالت دانست. هرکس به اندازه کوشش خود حق دارد از منافع مادی زندگی بهره مند گردد و اگر فردی خواست ظالمانه رنج و کوشش دیگران را برآید، محکوم و مورد مجازات قرار می گیرد. از همین روست که در اسلام، ربا، احتکار، کم فروشی و جز اینها مورد مذمت قرار گرفته است. عدالت در امور معنوی و مادی: اسلام بر آن است که عدالت نه تنها در همه امور زندگی مادی، که در جنبه های معنوی نیز باید حاکم باشد. از این رو، پیامبر اسلام را - که الگوی

پیشینه دین و پیامبری

انبیاء (۴): ۵.

همه مسلمانان است - نه رهبانیت را برگزیده است و نه اهتمام صرف به دنیا را. قرآن امت اسلامی را امت وسط و میانه معرفی می کند. مسلمانان باید حق همه ابعاد زندگی را براساس عدالت ادا کنند. اگر هم به امور دنیوی می پردازند، باید بدانند که دنیا راهی به سوی آخرت است و نباید آن را غایت زندگی تلقی نمود. همچنین هنگامی که به آخرت توجه میکنند، نباید به گونه ای باشد که از دنیا رویگردان شوند. قرآن دراین باره می فرماید:

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَبِيكَ مِنَ الدُّنْيَا.

و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن. همچنین امیرمؤمنان علی ع در روایتی می فرماید که با دنیا آخرت کسب می شود .

... اندیشه اسلامی

ویراست دوم)

واسه. مدارا و همزیستی مسالمت آمیز

ر یکی دیگر از عوامل پیشرفت تمدن اسلامی، تأکید اسلام بر همزیستی مسالمت آمیز با پیروان دیگر مذاهب است. اسلام حقوق اقلیت های دینی را محترم می شمارد و به مسلمانان توصیه می نماید که با آنها خوش رفتاری نموده و در روابط اجتماعی عادلانه عمل نمایند. قرآن می فرماید:

ولا تجادلوا أهل الكتاب إلا بالتي هي أحث

و با اهل کتاب، جز به شیوه ای که بهتر است، مجادله مکنید. پیامبر در روایتی می فرماید:

هرکس به یک ذمی [= اهل کتاب آزاری برساند، من دشمن او می شوم و در روز قیامت از او انتقام خواهم گرفت قانون اسلام حکم می کند که حکومت اسلامی باید حافظ مال و جان و ناموس و شرف اقلیت های مذهبی باشد و کلیساها و عبادتگاه های آنان را حفظ کند؛ آن سان که بتوانند

! .! قصص (۲۸): ۷۷. ۲. بنگرید به: نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

۳. عنکبوت (۲۹): ۴۶. ۴. به نقل از: سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۵۲۹.

۵. بنگرید. به: ممتحنه (۶۰): ۸؛ عنکبوت (۲۹): ۴۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

آزادانه مراسم و شعایر و اعمال مذهبی خود را به جای آوردند. حکومت اسلامی نباید هیچ اقلیتی را از ترویج مذهب خود برای پیروان خویش بازدارد. آنان از لحاظ قضایی نیز کاملاً آزادند و در منازعات و اختلافات خویش می توانند به دادگاه های خود مراجعه کنند و اگر دادگاهی نداشتند و یا با افراد مسلمان اختلافی یافتند، می توانند به دادگاه اسلامی مراجعه نمایند. قاضی نیز موظف است بر پایه عدالت حکم کند و حتی یک فرد از اقلیت مذهبی می تواند از حاکم اسلامی شکایت کند؛ چنان که در مورد امیرمؤمنان علی عا اتفاق افتاد. این برخورد مناسب و شایسته مسلمانان با اهل کتاب، عامل مهمی در شکل گیری تمدن اسلامی گردید و از همین روی بود که اهل کتاب با کمال میل حاضر بودند از مسلمانان استقبال کنند و دروازه شهرهای خود را به سوی مسلمانان بگشایند. برای نمونه، هنگامی که سپاهیان اسلام به فرماندهی ابوعبیده جراح به سرزمین اردت رسیدند، مسیحیان اردن نامه ای بدین مضمون به مسلمانان نوشتند:

ای مسلمانان! شما پیش ما از رومیان محبوب ترید، گرچه آنها هم کیش ما هستند، ولی شما نسبت به ما باوفا تر، مهربان تر، عادل تر و نیکوکارترید. رومیان علاوه بر اینکه بر ما مسلط شدند، منازل و هستی ما را هم غارت کردند.

پیشینه دین و پیامبری

حتی پاره ای از متفکران اروپایی تصریح کرده اند که اگر امروز نامی از یهود باقی است مرهون رأفت و مهربانی مسلمانان با آنهاست، وگرنه مسیحیان، آنها را قتل عام می کردند ۲۰

بنابراین یکی از ویژگیهای مهم تمدن، همزیستی مسالمت آمیز با پیروان مذاهب دیگر است که اسلام منادی آن می باشد و در این راه تلاش بسیاری نموده است. ۲

همچنین تأکید اسلام بر اموری نظیر بهداشت عمومی و نظافت و تطهیر جسم و روح، وفای به عهد، صلح و آرامش و امنیت، عمران و آبادانی، تجارت و بازرگانی، کار و تلاش و رعایت حسن خلق و برخورد نیکو با دیگران، در شکل گیری تمدن اسلامی تأثیرگذار بوده است. هنگامی که مسلمانان از این تعالیم فاصله گرفتند، تمدن اسلامی رو به افول نهاد،

۱. سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۵۳۲. ۲. بوازار، اسلام و حقوق طبیعی انسان، ص ۴۹. ۳. باید این رأفت اسلامی با اهل کتاب را با برخورد صهیونیست ها در فلسطین و قتل عام مسلمانان در بوسنی و هرزگوین مقایسه کرد.

اما اینک که مسلمانان دوباره به خویشتن خویش بازگشته اند، امید آن می رود که سازنده تمدنی گردند که در آن به همه ابعاد وجودی انسان توجه می شود و همچنین با عمل به تعالیم دینی خود، مبلغ عملی آیین جهانی اسلام گردند.

در پایان می توان تعالیم مسیحیت و برخورد اصحاب کلیسا با دانشمندان و سایر آموزه های آن را با تعالیم اسلامی و تشویق اسلام به کسب دانش و بسط عدالت و اخلاق و مدارا با مذاهب دیگر مقایسه کرد و بین آنها به قضاوت نشست .

..... اندیشه اسلامی ۲ .

.. هم --

..... مید

ویراست دوم)

فصل اول

برای پژوهشی

. در کاوش های باستانی ، آثار و نشانه هایی کشف شده که بر ریشه دار بودن اعتقاد به نوعی دین و عالم غیب دلالت دارند. برخی از آنها را مورد تحقیق و بررسی قرار دهید . ۲. علل تجدید نبوت ها و شریعت ها و همچنین رمز جاودانگی شریعت اسلام را بررسی کنید . ۳. سیمایی که کتاب مقدس (عهدین) و قرآن مجید از پیامبران الهی به دست می دهند را با یکدیگر مقایسه نمایید. ۴. دیدگاه قرآن مجید را در مورد یهودیت و مسیحیت، بکاوید. ۵. از دیدگاه قرآن مجید، تمامی پیامبران الهی از جمله عیسی نا

منادی توحید و یکتاپرستی بوده اند. اعتقاد به تثلیث و الوهیت عیسی ع از چه هنگام وارد مسیحیت شده و چه دلایلی بر رد آنها وجود دارد؟ ۶. اهداف و نقش دین در زندگی انسانها را مورد تحقیق قرار دهید. ۷. برخی احکام خلاف عقل و فطرت را در آیین مسیحیت و یهودیت تحریف شده ، بررسی کنید. ۸. پاره ای از متفکران، تمدن

امروز غربی را وام دار تمدن اسلامی و شرقی می دانند. دلایل آنها را مورد بررسی قرار دهید. منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. آراسته خو، محمد، وام داری غرب قدیت فیه شرق، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹. ۲. اسمارت، نینیان، تجربه دینی بشر، ج ۲، ترجمه دکتر محمد محمد رضایی و دکتر ابوالفضل محمودی، تهران، تمت، ۱۳۸۳. - ۳. ۳.

۴. تجربه دینی بشر، ج ۱، ترجمه مرتضی گودرزی، تهران، بسمت، ۱۳۸۳. ۴. جوادی آملی، عبد الله، سیره پیامبران در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ج ۷، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۶. ۵. -، وهی و نبوت (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ج ۳، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱. ۶. دو رانت، ویل، تاریخ تمدن، جا (مشرق زمین گاهواره تمدن)، ترجمه احمد آرام، ع پاشایی و امیرحسین آریان پور، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۱. ۷. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹. ۸. سبحانی، جعفر، منشور جاوید (نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی)، ج ۱۲، تجزیه و تحلیل از زندگانی پیامبران خدا از حضرت شعیب تا حضرت عیسی)، قم، مؤسسه امام صادق

۱۳۸۲، ش. ۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.

... پیشینه دین و پیامبری

۱۰. کاشفی، محمدرضا، فرهنگ و مسیحیت در غرب، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰. ۱۱. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ترجمه دکتر عبدالحسین آذرنگ، تهران، سخن، ۱۳۸۲. ۱۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (خدمات متقابل اسلام و ایران)، ج ۱۴، تهران، صدرا، ۱۳۷۵. ۱۳. نصری، عبد الله، انتظار بشر از دین، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹. ۱۴. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.

..... اندیشه اسلامی

.... ب

ا ما برو

به ...)

ویراست دوم):

، ا، "

، جنه ::

فصل کوم اهداف، ابعاد و

قلمرو دین
پرعد- "" :: ""

الف) ضرورت وحی و پیامبری

مقدمه

یکی از اصول اساسی دین اسلام نبوت است. نبوت باور به این حقیقت است که خداوند حکیم انسان های والا و شایسته ای را برای هدایت و سعادت انسان ها برانگیخته است تا برنامه های حیات بخش و دستوره های سعادت آفرین او را که از طریق وحی الهی دریافت کرده اند، به آدمیان ابلاغ نمایند. این برنامه ها و دستورها «دین» نامیده می شود و حاملان آن نیز

پیامبران الهی» هستند. معمولاً پیامبران برای اثبات حقانیت پیام خود به معجزه متوسل می شوند و معجزه پیامبر اسلام با خود پیام او، یعنی قرآن است. فیض الهی در قالب دین، از نخستین روزی که انسان شایستگی بهره گیری از آن را یافته، از جانب خدا نازل گردیده و تا عصر پیامبر اسلام آخرین پیام آور الهی ادامه داشته است. آیین و برنامه هر پیامبری نسبت به زمان و امت خود، کامل ترین آیین و برنامه بوده است و با استمرار این فیض الهی است که انسان به کمال و سعادت واقعی خود می رسد.

بیگمان هر فردی، شایسته مقام پیامبری نیست و تنها کسانی لایق این مقام اند که در طول زندگی آلوده به گناه نشده و معصوم از گناهانند. پیامبران همچنین در ابلاغ پیام الهی از هر نوع خطا و اشتباهی ایمن هستند و حتی از هر نوع بیماری و نقص عضوی که موجب تنفر و دوری مردم از گرایش به آنها می شود، میرایند.

عناصر محوری نبوت از دو چیز تشکیل یافته: یکی وحی الهی و دیگری پیام آور این وحی الهی که پیامبران هستند. مباحث نبوت در قالب دو بخش نبوت عامه و خاص مطرح می شود؛ بدین بیان که اگر این مباحث به طور کلی باشد، «نبوت عامه» و اگر مربوط به پیامبری خاص مانند پیامبر اسلام باشد، «نبوت خاصه» نامیده می شود.

اندیشه اسلامی ۲.

اندیشه اسلامی ۹۰۰۲

ای را که

اکنون پرسیدنی است آیا با وجود قوه عقل و حس و علوم بشری، به پیامبران الهی نیازی هست؟ آیا عقل و دانش بشری نمی تواند راه سعادت خود را بیابد؟ متکلمان اسلامی بر پایه منابع دینی برآن اند که انسان ها همواره به تعالیم پیامبران الهی نیازمند هستند و بر این نظر دلایلی نیز برشمرده اند. آنها سعادت انسان را در گرو تعالیم پیامبران می دانند. برای روشن شدن بحث، ابتدا مقدماتی را باز می گوئیم و سپس به نتیجه گیری می پردازیم.

.. آفریدگار همه هستی از جمله انسان) حکیم است و حکیم، کار لغو و بیهوده انجام نمی دهد.

۲. هدف از آفرینش هر موجودی آن است که به کمال مطلوب خود برسد، از این رو حکمت خداوند اقتضا می کند که زمینه نیل به کمال را نیز فراهم نماید.

۳. زندگی انسان، محدود به زندگی دنیایی نیست، بلکه آدمیان پس از زندگی دنیوی وارد زندگی دیگری می شوند که جاودانه است و نوع زندگی در آنجا نتیجه و بازتاب زندگی

در این جهان می باشد. بنابراین از آنجا که هر عمل و تفکر انسانی در زندگی جاودانی اثرگذار ... است، باید در مورد آنها و تأثیرشان شناخت کافی یافت که از مهم ترین آنها شناخت در مورد خدا و زندگی اخروی است.

۴. این آگاهی شایسته، از عهده منابع شناخت در آدمی، یعنی عقل و حس و علوم بشری بر نمی آید. دیدگاه ها و نظرات مختلف و متعارض در باب خدا و معاد و مسائل اخلاقی، اجتماعی، حقوقی و ...، شاهی بر نارسایی و ناکارآمدی عقل و دانش بشری است. در قرون اخیر با اینکه دانش و علوم بشری تا اندازه ای پیشرفت کرده است، هر روز فرضیه ای جایگزین فرضیه علمی دیگری می گردد و نظریات جدیدی در عرصه علم شکل می گیرد. همچنین با وجود این پیشرفت، هنوز مجهولات زیادی برای آدمی باقی است که به حقیقت آنها پی نبرده است.

در حوزه خداشناسی با اینکه اعتقاد به خدا امری فطری است، در مورد مصداق آن، اختلاف های بسیاری وجود دارد. برخی مانند کمونیست ها ماده را به جای آفریدگار حکیم و علیم جهان دانسته اند و پاره ای دیگر نیز به جای پرستش خدا، بت می پرستند و از این سو دیگرانی چون مسیحیان، به تثلیث اعتقاد دارند. در حوزه اخلاق نیز برخی از عالمان اخلاق

فصل دوم"

ملاک خوبی را لذت، پاره ای دیگر سودمندی مادی، برخی دیگر قدرت و گروهی هم عرف جامعه می دانند و معتقدان به خدا، اوامر خدا و عقل را ملاک خوبی بر می شمارند. بی گمان اختلاف عقیده در همه حوزه های دانش وجود دارد.

البته هدف از طرح این مطالب آن نیست که به طور کلی منکر شناخت صحیح عقلی گردیم. عقل چه بسا به شناخت های صحیحی نائل می گردد، اما نمی تواند اطلاعات کافی در اختیار آدمی قرار دهد. عقل بدی ظلم و خوبی عدالت را درک می کند، ولی هنگامی که می خواهد مصادیق آن را تعیین کند، به جهت رابطه و تأثیر متقابل انسان با موجودات دیگر، دچار مشقت و سختی می شود. برای مثال، عقل آدمی درک می کند که عدالت نیکوست، اما تعیین مصداق عدل مثلا درباره ارث زن و مرد بسیار مشکل است. آیا عدالت در تساوی است، یا در اختلاف و در این صورت، میزان آن چگونه است؟

بنابراین حس و عقل و دانش انسانی به تنهایی نمی تواند راه سعادت همه جانبه را بازشناسد، از این رو نیازمند شناخت معصومانه دیگری هستیم که راه صحیح را به ما بنمایاند.

خدای حکیم، انسان را آفرید تا با اختیار خود به کمال و سعادت برسد. زندگی انسان نیز محدود به زندگی این جهانی نیست، بلکه زندگی اخروی انسان - که جاودانه است - نتیجه و بازتاب زندگی این جهانی است. پیمودن راه سعادت نیز مستلزم شناخت و آگاهی دقیق نسبت به عوامل اثرگذار در سعادت آدمی است که بی شک این شناخت از عهده حس و عقل و دانش انسانی برنمی آید. در نتیجه خداوند باید راه شناخت دیگری را که همان تعالیم انبیای الهی است، قرار دهد تا انسان در پرتو شناخت عقل و تعالیم وحیانی به کمال و سعادت واقعی خود نائل گردد، چرا که برخلاف حکمت الهی است که انسان برای تکامل و سعادت خلق شود، اما راه و ابزار سعادت در اختیار او قرار نگیرد.

در قرآن و روایات نیز بر این مسئله تصریح شده که انسان ها برای یافتن راه و شناخت صحیح به تعالیم انبیای الهی نیازمندند؛ چنان که در آیه ای می خوانیم:

كان التاش أم واحد بسم الله التبیین ممبرین ومنذرین وأنزل معهم الكتاب بالحق لیحكم بین الناس فیما اختلفوا فیہ

:: اهداف، ابعاد و قلمرو دین

. بقره (۲): ۲۱۳.

مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب خود را به حق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند.

اندیشه اسلامی

۲.

. واضح است که این اختلاف نظر حاکی از نارسایی فکر و علوم بشری است. از این رو، پیامبران با تعالیم الهی، حقیقت هر موضوع اختلافی را روشن می سازند.

قرآن در آیاتی هدف از ارسال رسولان الهی را آموزش تعالیمی میدانند که هرگز انسان توان شناخت آنها را نداشته است. همچنین امام رضا علی فلسفه بعثت پیامبران را ضمن روایتی چنین بیان می نماید:

از آنجا که قوای فکری بشر قادر به درک سود و زیان نیست و خداوند نیز برتر از آن است که خود بر انسان تجلی نماید و با آنان سخن بگوید، ناگزیر رسول خدا بین او و مردم واسطه می شود تا امر و نهی و آداب او را به آنان انتقال دهد و آنان را به سود و زیان خود آگاه سازد؛ زیرا در خلقت آنان چیزی

وجود نداشت تا به وسیله آن بتوانند نیازهای خود را بشناسند. | از این روایت به نیکی برمی آید که چون از یک سو فکر و اندیشه بشری برای تشخیص سود و زیان انسان کافی نیست و از سوی دیگر هر فردی شایستگی دریافت وحی الهی را ندارد، خداوند پیامبران را برانگیخت، تا تعالیم مورد نیاز برای سعادت و کمال آدمی را از طریق آنان به انسان ها ابلاغ کند.

همچنین لازمه این استدلال آن است که انسان از همان آغاز خلقت به پیامبر نیاز دارد تا راه صحیح زندگی را به وسیله وحی باز شناسد .

ویراست دوم) -

انبیای الهی افزون بر نمایاندن راه صحیح برای تکامل و سعادت انسان ها، اهداف مهم فردی و اجتماعی دیگری نیز داشته اند که به برخی از آنها اشاره میکنیم:

. یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون. بقره (۲: ۱۵۱) ۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۴۰.

۱. یادآوری فطریات بسیاری از چیزهایی که عقل آنها را درک می کند و یا به صورت فطری در نهاد انسان هست تا هدایتگر انسان به سوی کمال و سعادت باشد، بر اثر اهتمام به مادیات و غلبه گرایش حیوانی بر انسانی و یا بر اثر تبلیغات سوء ، مورد غفلت و فراموشی واقع می شوند. اما با یادآوری آن مطالب از سوی انبیای الهی و بیدار کردن فطرت خفته انسان ها، دیگر بار آنها مورد توجه قرار می گیرند و در جهت هدایت انسان مؤثر واقع می شوند. از این روست که خداوند، قرآن و پیامبر را تذکر و ذکر و تذکر دهنده می خواند:

إنما أنت ممدد پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای. وانه لتذر للمتقين

در حقیقت [قرآن] تذکارتی برای پرهیزگاران است. امام علی ع در این باره می فرماید:

پس خداوند رسولانش را در میان آنان برانگیخت و پیامبرانش را پی در پی به سوی آنان روانه ساخت تا وفای به پیمان فطرت را از آنها بخواهند و نعمت های فراموش شده او را یادآور شوند و با ابلاغ وحی الهی [حجت را بر آنان تمام کنند و گنجینه های عقول را بر، ایشان آشکار سازند.؟ بنابراین، رمز ماندگاری و جاودانگی تعالیم اسلام، در هماهنگی آنها با فطرت انسان است. تمام آیین هایی که دستورات و تعالیم آنها مخالف فطرت انسانی باشد ، در مدت زمانی کوتاه به حیات خود خاتمه خواهند داد.

فصل دوم

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

۲. آزاد کردن انسان از قید و بندهای نادرست یکی از اهداف انبیا آزادسازی انسان ها از سنت ها و فرهنگ ها و ارزش های ناروا و دروغین

أ. غاشیه (: ۲۹AA) ۲. حاقه (۶۹): ۴۸ ۳. نهج البلاغه، خطبه ۱.

است. پیامبران الهی آمده اند تا با این سنت های غلط - که مانع رشد و تعالی انسان اند - بستیزند و انسان را از چنگال اسارت طاغوت درون و بیرون برهانند و به تعبیری او را از ظلمات به نورانیت هدایت کنند.

برخی از مکتب های مدعی آزادی هر چند تا اندازه ای توانسته اند انسان را از چنگال استبداد برون رها سازند، او را برده تمایلات نفسانی ساخته اند که این بسیار ذلیلانه تر از بردگی تن است.

نباید پنداشت «دین متأثر از فرهنگ زمانه خود است»؛ زیرا رسالت پیامبران الهی، از جمله پیامبر گرامی اسلام از آن بود که با فرهنگ نادرست زمانه خود به مبارزه برخیزند: و یضع عنهم إصرهم و أغلال التی کانت علیهم و از دوش آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است، برمی دارد. اندیشه اسلامی ویراست دوم:..

۳. دعوت به توحید و کسب و کار مهم ترین هدف انبیای الهی دعوت انسان به توحید و پرهیز از شرک است. آدمی با پذیرش توحید در تمامی ابعاد و مراتب نظری و عملی آن است که می تواند به رستگاری دست یابد. از همین روست که پیامبران الهی پیوسته با شرک و مشرکان درگیر بوده و در این راه رنج های بسیار دیده اند. قرآن کریم از این هدف پیامبران این گونه سخن می گوید: ولقد بعثنا فی کل أمة رولا أن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم تا بگوید: خدا را بپرستید و از طاغوت [فریگر] بپرهیزید. .. البته اعتقاد به توحید و صفات الهی، به زندگی انسان معنا می بخشد و او را از سردرگمی و پوچی نجات می دهد. انسان می داند که از جانب خدا آمده و به سوی او باز می گردد و این جهان با قوانین دقیق الهی، به بهترین شیوه ممکن آفریده شده است. انسان با تأمل ۱. اعراف (۷): ۱۵۷. ۲. نحل (۱۶): ۳۶.

و تفکر در آفرینش می تواند به سهولت به ربوبیت الهی پی ببرد و بداند که این جهان محل آزمایش اوست. از این رو در برابر مشکلات صبوری بورزد. انسان با یاد خدا می تواند با نشاط و آرامش خاصی زندگی کنند و هیچ اضطراب و ترسی را به خود راه ندهد و نیز احساس تنهایی نکند. چنین انسانی، مرگ را پایان راه خود نمی داند؛ بلکه دریچه ای می بیند به سوی زندگی ابدی. انسان می داند که خداوند از همه اعمال ظاهری و باطنی او آگاه است و همین اعمال سعادت و شقاوت او را رقم می زنند. او با چنین نگرشی، همواره به رحمت خداوند امیدوار است و به همین جهت از زندگی خود، رضایت دارد.

فصل دوم

ها و

۴. برپایی قسط و عدالت در جامعه بشری .. قسط و عدل، تنها در حوزه اقتصادی مطرح نیست؛ بلکه برپایی عدالت در همه ارکان زندگی، اعم از سیاسی، اجتماعی، قضایی، خانوادگی، فردی، تربیتی و ... یک ارزش است و قوانین چنین دینی، خود نیز باید عادلانه باشند. از این رو خداوند، حکیم، قوانین اسلامی را به عادلانه ترین شیوه ممکن وضع کرده است. قرآن در این باره می فرماید: - -- ۱: یرث الإعدل بینکر ...

..... - - مأمور شدم که میان شما عدالت را برپا سازم. ۲. لقد أرسلنا ممكنا بالبينات و أنزلنا معه الكتاب و المميزات القوة التاش بالقسط
به راستی اما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و : ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.
..... اهداف، ابعاد و قلمرو دین
پیامبر خدا حضرت صالح الا نه تنها خود با اسراف و تبذیر و مسرفان مبارزه می کرد، بلکه افراد جامعه را نیز، برای تحقق هر چه بیشتر عدالت، به مبارزه با آنان فرا می خواند:
. شوری (۴۲): ۱۵. ۲. حدید (۵۷): ۲۵.

فاتقوا الله وأطيعوني = ولا تطيعوا أمر المحترفين و الذين يفدون في الأرض و الايضلون از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید، و فرمان افراط گران را پیروی مکنید؛ آنان که در زمین فساد میکنند و اصلاح نمیکند.
.. اندیشه اسلام

ام وی ام ۵. آشنا کردن مردم با حکمت تعالیم الهی و تزکیه و تطهیر آنان انبیای الهی می باید مردم را با تعالیم و آیات الهی آشنا سازند و آنان را از رذایل اخلاقی بپیرایند تا شایسته فراگیری کتاب و حکمت شوند.
هو النبی بعث فی آیین ولا من یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم ویعله الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل لفی ضلال مبین. اوست آن کس که در میان بیسوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد ،
و آنان قطعا پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. همان گونه که پیش از این مطرح شد، عقل انسان به تنهایی نمی تواند سعادت دنیا و آخرت را تأمین نماید. از این رو خداوند حکیم، معارف لازم برای نیل به آن سعادت و شیوه رسیدن به آن هدف را در قالب برنامه هایی هماهنگ با فطرت در اختیار انسان قرار می دهد .
۶، بشارت و انذار انبیای الهی وظیفه دارند با بشارت و انذار حجت را بر مردم تمام کنند و راه را بر هرگونه بهانه و عذر ببندند؛ چرا که اگر پیامبران الهی مبعوث نمی شدند، ممکن بود برخی بگویند اگر خدا پیامبرانی می فرستاد و ما را تبشیر و نذیر می کرد، ما هرگز گمراه نمی شدیم؛
لا تمرین و منذرین إلا یكون إلی علی الله غ که بعد الشل وکان الله عزیز حکیمه
! شعراء، (۱۵۲: ۲۶)
- ۱۵۰.

پیامبرانی که بشارت گر و هشداردهنده بودند تا برای مردم، پس از [فرستادن پیامبران، در مقابل خدا] بهانه و حجتی نباشد، و خدا توانا و حکیم است.

۷. علاج أمراض هوتی یکی دیگر از اهداف پیامبران مداوا کردن بیماری های روحی انسان است. به همین سبب است که از قرآن نیز به داروی شفابخش یاد شده است. امیرمؤمنان علی عالی درباره مداوا کردن أمراض روحی توسط پیامبر، می فرماید:

پیامبر، طبیبی است روحانی که به وسیله طب و معالجه خویش [برای بهبود مردم همواره گردش می کند و مرهم های شفابخش علوم و معارفش را آماده کرده و ابزارها را سرخ کرده و تافته است. هرجا که لازم باشد، مرهم ها

و ابزارهای داغ کرده را بر روی آن می نهد بنابراین همان گونه که انسان ها در حوزه بیماری جسمی به طبیب نیاز دارند تا آنها را مداوا کند، در حوزه مسایل روحی و روانی و بیماری های معنوی نیز به طبیبان معنوی نیاز دارند. سرآمد این طبیبان، انبیای الهی می باشند که با رفتار و گفتار شفابخش خود، در پی مداوای رنج ها و مشکلات روحی و معنوی بشر هستند.

فصل دوم

.. اهداف، ابعاد و قلمرو دین

۸. به کمال ریاندن فضایل اخلاقی،

اور اس پیامبران می باید مردم را به فضایل و کرامت اخلاقی بخوانند و آنها را در این جنبه ارتقا بخشند. می توان انجام مناسک دین را نیز در این راستا توجیه نمود. پیامبر اسلام یا می فرماید:

اما بحث لأتمم مکارم الأخلاق.

من برای تکمیل کرامت های اخلاقی مبعوث شدم. برخی دستورهای اخلاقی پیامبر اسلام عبارت است از: احسان به پدر و مادر، نکشتن

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷. ۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

بی گناهان، نکشتن فرزندان به دلیل بیم از تنگدستی، دوری جستن از کارهای زشت، حفظ اموال یتیمان، پرهیز از کم کاری و کم فروشی (وجدان کاری داشتن)، برپایی جق، عدالت و تقوا و پاکی، پرهیز از ظلم، وفای به عهد، شرک نورزیدن به خدا، راستگویی و پرهیز از تهمت.

شاید بتوان هدف بعثت انبیا را در این جمله خلاصه نمود: انجام هرآنچه خوبی است و پرهیز از هر آنچه بدی است.

البته اعتقاد به خدا و جهان آخرت، پشتوانه بسیار نیرومندی برای عمل به دستورات اخلاقی است. انسانی که خدا را ناظر بر کردار خود می بیند به تجسم یافتن اعمال خود در دنیای دیگر آگاه است، با رغبت بیشتری به وظایف اخلاقی، فردی و اجتماعی خود عمل می نماید.

... اندیشه اسلامی ۲:::

: " ما و

زنده می

ماند.)

ویراست دوم)

در لغت، هر نوع ادراک و تفهیم سی و پنهانی را وحی گویند. اگر «به آهسته سخن گفتن» نیز وحی می گویند، از این روست که گوینده می خواهد به طور پنهانی و سری مخاطب را از مقصود خود آگاه سازد تا دیگری متوجه نگردد. اما وحی در اصطلاح، آگاهی ویژه ای است که خداوند آن را در اختیار پیامبران نهاده تا از آن طریق پیام ها و تعالیم خود را به انسان برساند. ماهیت و حقیقت این نوع وحی بر ما مجهول و یکی از مصادیق عالم غیب است که باید بدان ایمان آورد.

واژه وحی در قرآن افزون بر وحی به پیامبران در موارد دیگری نیز به کار رفته است؛ نظیر وحی به آسمانها، " وحی به زنبور عسل، وحی به مادر موسیه (الهام و القائنات قلبی) و وحی شیطان ها به دوستان خود (القائنات و وسوسه های شیطانی). در واقع همه این معانی، به ریشه واحدی که بیان گردید، باز می گردند. هرگاه وحی به صورت مطلق و بدون قرینه بیان شود، مقصود وحی به پیامبران الهی است.

۱. بنگرید به: انعام (۶): ۱۵۳ - ۱۵۱؛ بقره (۲): ۱۰؛ حجرات (۴۹): ۱۲. ۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۵۸. ۳. فصلت (۴۱): ۱۲. ۴. نحل (۱۶): ۶۸.

۵. قصص (۲۸): ۷. ۶. انعام (۶): ۱۲۱.

و انواع وشی وحی به پیامبران به صورت های گوناگونی است:

۱. گاه روح قوی پیامبر که مورد توجه خداوند نیز می باشد، حقایقی را در عالم رؤیا بسان فجر صادق می بیند و دستورهای الهی از این راه، به او می رسد؛ چنان که حضرت ابراهیم ع برای ذبح اسماعیل دستورهای خداوند را این گونه دریافت نمود. بی گمان خواب پیامبران و اولیای الهی که همواره مورد مراقبت خدا و فرشتگان آسمانی اند، با خواب افراد معمولی که عصمتی ندارند، تفاوت دارد.

۲. گاهی دستورهای الهی به روح و قلب پیامبران الهی القا می گردد و روح والای آنان مرکز نزول وحی آسمانی می شود.

۳. زمانی ممکن است خدا که در حجاب غیبت است، از طریق ایجاد صوت « با پیامبر خود سخن بگوید؛ همان گونه که به حضرت موسی ع در کوه طور " وحی شد.

۴. گاه نیز وحی الهی توسط فرشته وحی - که در برابر دیدگان پیامبر به صورت خاصی ظاهر می شود - نازل می گردد. قرآن مجید در آیه ای به تمامی صورت های وحی اشاره می کند:

وما کان لبشر أن یعلمه اله إلا وحیا و من وراء حجاب أو یزیل شوقیویبی بإذیه ما شاء لاله علی حکیه. -- : - و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز از راه] وحی یا از فراسوی حجابی، با فرستاده ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری،

اوست بلندمرتبه سنجیده کار. در این آیه، «وخیه» به نوع اول و دوم، «من وراء حجاب» به نوع سوم و «ییل شو» به نوع چهارم اشارت دارند. در همه اینها وحی کننده، خداوند و آنچه پیامبران از طریق وحی دریافت می دارند، عین سخنان و دستورهای خداست که بی هیچ تغییری توسط آنان در اختیار آدمیان قرار می گیرد.

فصل دوم - -- ...

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

.. صفات (۳۷): ۱۰۲. ۲. طه (۲۰): ۱۹. ۳. شوری (۴۲): ۵۱

نام :

من هو

، اندیشه اسلامی ۲، ...

تفسیرهای نادرستی از وحی مطرح است که به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

. برخی، پیامبران را از نوابغ دانسته و وحی را نیز محصول تفکر و آرای آنها پنداشته اند. اینان بر آن اند که انبیا آرا و افکار خود را در قالب تعالیم و حیانی بازگفته اند و چنین تعالیمی هرگز با جهان ماورای طبیعت ارتباطی ندارد.

یکی از پیش فرض های این تفسیر، تفکر مادی گرایانه نسبت به جهان هستی است. چنین نگرشی که عالم هستی را محدود به عالم ماده می داند، برخلاف تفسیر واقع گرایانه از هستی می باشد. ما حتی در وجود خود، حقیقتی به نام روح داریم که هیچ یک از ویژگی های اساسی ماده را دارا نیست. ازاین رو، اینگونه نیست که هستی با ماده مساوی باشد تا براساس آن بخواهیم هر چیزی از جمله وحی را به گونه ای مادی تفسیر کنیم. همچنین این نظریه با سخنان پیامبران الهی نیز سازگار نیست؛ زیرا آنان پیوسته اعلام می داشته اند که آنچه می گویند، جز وحی الهی نیست و برای اثبات حقانیت سخنان خود به معجزه متوسل می شده اند. البته حقانیت سخنان پیامبر اسلام را در خود سخن اوست؛ چرا که قرآن معجزه پیامبر می باشد. بر این اساس، لازمه تفسیر فوق آن است که پیامبران الهی، افرادی دروغگو تلقی شوند که این با مقام والای آنان که تاریخ از آن خبر داده، در تنافی است.

۲. برخی، وحی انبیا را از سنخ تجربه های عرفانی عارفان می دانند. این دیدگاه نیز صحیح نیست؛ چرا که وحی انبیای الهی کاملاً با تجربه عرفانی عرفا تفاوت دارد. در سیر و سلوک عرفانی، ممکن است حقایق برای عارف کشف شود. چه بسا عارف دیگری همان حقایق را به گونه ای دیگر و حتی مخالف با یافته های عارف اول کشف نماید. گاه حتی ممکن است عارفی، وهمبات و حقایق نادرست را به جای حقایق صحیح شهود نماید. در اینجاست که برای تشخیص صحت و سقم یافته ها و حقایق عرفانی عارفان، نیازمند معیار و ملاکی هستیم تا براساس آن، شهودهای صحیح را از ناصحیح بازشناسیم. بنابراین از یک سو تجربه های عرفانی نیازمند معیارند و از دیگر سو اختلافات در بین شهودهای عارفان

ویراست دوم)

۱. سروش، بسط تجربه نبوی، ص ۲۸.

بسیار است. اما وحی انبیای الهی را نمی توان از سنخ تجربه عرفانی دانست؛ چرا که وحشی انبیای الهی خود معیار حقیقت است و انبیای الهی هیچگاه در مورد وحی به خطا نمی روند و همچنین در مسائل اساسی اختلافی بین آنها نیست.

ضمن اینکه وحی معمولاً ملازم با معجزه است؛ یعنی همه انبیای الهی برای اثبات حقانیت، وحی و دستورهایی الهی به معجزه متوسل می شوند، حال آنکه عارفان برای صحت تجربه های عرفانی خود چنین نمی کنند. به معجزه انبیا

متعفای معجزه

فصل دوم

واژه «معجزه» برگرفته از واژه عجز به معنای ضعف و ناتوانی است. معجزه اسم فاعل باب افعال و به معنای ناتوان کننده و به عجز درآورنده است.

اما در اصطلاح به عمل خارق العاده ای معجزه گویند که پیامبران الهی برای اثبات ادعای نبوت خویش انجام می دهند؛ به گونه ای که مردم را به آوردن مثل یا مقابله با آن دعوت میکنند و از این سو مردم از انجام آن عاجز و ناتوان اند. در قرآن کریم از معجزات پیامبران الهی با واژه «آیات» یاد شده است. " در توضیح این تعریف باید به توضیح نکاتی بپردازیم:

.. اموری خارق العاده است که مطابق قوانین عادی و جاری طبیعت نیست. مثلاً برخی با قوانین عادی، چوب به اژدها تبدیل نمی شود، اما حضرت موسی ال به اذن خداوند چنین کرد. البته برخی انسانها بر اثر ریاضت نفس ممکن است به امور خارق العاده ای دست زنند که انجام چنین اموری تنها بر اثر تعلیم و تربیت ممکن است. همچنین چه بسا فرد دیگری اثر چنین عمل خارق العاده ای را خنثی سازد، یا ممکن است چنین عملی مغلوب عمل دیگران واقع شود. اما امور خارق العاده ای که پیامبران الهی انجام می دهند، از یک سو قابل تعلیم و تعلم نیست و از سویی دیگر کسی نمی تواند آنها را خنثی سازد.

۲. عملی معجزه است که همراه با ادعای نبوت و همچنین مطابق خواسته او باشد .

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

تنها

انلمتنه الغلامی

۲ و ... با

ایران با

۳. معجزه باید همراه با دعوت به مقابله با تحدی باشد؛ یعنی باید مردم را دعوت کند که مثل آن را بیاورند، و اثر آن را خنثی سازند که باید مردم نیز از انجام آن عاجز و ناتوان باشند .
بنابراین امور خارق العاده ای که همراه با دعوی نبوت و تحدی نباشد، معجزه نامیده نمی شود و در اصطلاح به آن کرامت می گویند.
و برای مطالعه بیشتر

معجزه و قوانین عقلی آیا معجزات انبیای الهی با قوانین عقلی سازگار است؟ آیا معجزات علت خاصی دارند، با بدون علت واقع می شوند و آیا براساس قوانین عادی طبیعت هستند، یا برخلاف آنها؟ در پاسخ به این سؤالات به اجمال می توان گفت معجزات انبیای الهی برخلاف قوانین عقلی از جمله قانون علیت نیستند، هرچند ممکن است بر خلاف قانون عادی و شناخته شده طبیعت باشند. برای مثال، یکی از معجزات حضرت موسی عال تبدیل شدن عصا به مارو اژدها بود. جریان عادی طبیعت بدانگونه نیست که چوب به مار تبدیل شود و هنگامی که چنین حادثه خارق العاده ای رخ دهد، شاید برخی بپندارند که این حادثه برخلاف اصل علیت، یعنی بدون علت است؛ زیرا آنها هیچگاه در طبیعت مشاهده نکرده اند. که چوب به مار تبدیل شود. این باور که معجزه برخلاف اصل علیت است، برخاسته از نوعی نگرش مادی گرایانه به

طبیعت است که تمام علت های پدید آمدن یک حادثه را تنها علت طبیعی و مادی و آن هم علت های طبیعی شناخته شده می دانند؛ درحالیکه هر حادثه - اعم از معجزه و غیرمعجزه - می تواند افزون بر علت طبیعی شناخته شده ، علت غیرمادی و غیرطبیعی نیز داشته باشد که از قلمرو عالم مادی و علوم تجربی بیرون است. به طور کلی علت وقوع یک حادثه می تواند یکی از امور ذیل باشد: . علت طبیعی عادی و متعارف: مثلاً علت طبیعی پیدایش یک مار، تخم گذاری است که پس از مدت زمانی بر اثر یک سلسله فعل و انفعال ها، نوزاد مار از تخم سر برمی آورد و به تدریج رشد میکند تا به صورت یک مار بزرگ درآید.

. علت طبیعی غیرعادی و ناشناخته: ممکن است برای پیدایش یک پدیده ، افزون بر علت شناخته شده، علت ناشناخته دیگری وجود داشته باشد که افراد عادی از آن بی خبرند. اما پیامبران الهی از آنجاکه با منبع وحی و علم و قدرت نامتناهی خداوند ارتباط دارند، ممکن است از این طریق با چنین علت هایی آشنا شده باشند. برای نمونه ، تا پیش از کشف انرژی هسته ای ، افراد عادی و حتی دانشمندان می پنداشتند دستیابی به انرژی به روش های شناخته شده تولید انرژی منحصر است؛ حال آنکه آگاه نبودند چه انرژی عظیمی در هسته اتم نهفته است.

امین الله ...

*. تأثیر نفوس و ارواح: ممکن است پیدایش برخی از پدیده ها، معلول تأثیر نفوس و ارواح قوی پیامبران باشد. امروزه در برخی نقاط جهان ، مرتاضانی هستند که بر اثر ریاضت نفیس، کارهای عجیبی انجام می دهند که از حیطه توانایی افراد عادی بیرون است. انجام این اعمال تنها از طریق تأثیر نیروی مرموز روح آنها قابل توجیه

است.. بنابراین آیا نمی توان گفت که پیامبران الهی بر اثر توجه و عنایت بی پایان قدرت الهی می توانند با نفوس قوی خود به یک سلسله امور خارق العاده دست بزنند که از حیطة قدرت نوع بشر بیرون است؟ ۴. علل غیرمادی: ممکن است پیدایش پدیده ای ، معلول علت های غیرمادی مانند فرشتگان الهی باشد؛ یعنی فرشته های الهی از طرف خداوند مأمور به انجام عملی به شیوه ای غیرمتعارف شوند، یا پس از درخواست پیامبر، به امر خداوند چنین کارهایی را انجام دهند. قرآن از فرشته های الهی به «المدبرات أمراً» یاد کرده است. یک پدیده طبیعی می تواند در پرتو هر یک از این علل چهارگانه به وجود آید و هرگز علت یک پدیده طبیعی ، منحصر به علل طبیعی عادی و شناخته شده نیست. از این رو، اگر در پیدایش یک پدیده ، علت عادی را مشاهده نکردیم، نباید گمان کنیم که این پدیده بدون علت است. بنابراین می توان معجزات پیامبران الهی را به یکی از سه علل اخیر توجیه نمود: .. ناشی از علل مادی ناشناخته هستند. ۲. نفوس قوی و نیرومند پیامبران موجب پیدایش آنها می گردد.

۳. به دنبال درخواست پیامبران ، فرشتگان الهی و با یک سلسله علل غیبی ، معجزات را خلق می کنند. .. بنابراین تمام معجزات انبیای الهی علت دارند، اما ممکن است علت آن برای ما شناخته شده نباشد.

فصل دوم

: ۰ . ۰ . ۰ . ۰ . ۰ . ۰

۰ . ۰ . ۰

۰ ۱۰۰۰

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

یکی دیگر از شرایط نبوت، عصمت انبیای الهی است که در ادامه به آن می پردازیم:

می غفیه

به معنای عصمت عصمت در لغت به معنای منع کردن و بازداشتن و نگهداری و مصونیت است و در اصطلاح نازعات (۷۹): ۵. ۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۶۹؛ دهخدا، لغت نامه، ج ۱۰، ص ۱۵۹۲۶.

مصونیتی خاص با ملکه ای نفسانی است که پیامبران را از ارتکاب گناه و خطا و اشتباه باز می دارد و یکی از شرایط نبوت است.

اقسام عصمت .. عصمت انبیا در سه قلمرو قابل بررسی است؛

۱، عصمت در مقام دریافت، حفظ و ابلاغ وحی؛ ۲ عصمت از معصیت و گناه؛ ۳. عصمت از خطا و اشتباه در امور فردی و اجتماعی.

پیامبران براساس حکمت الهی باید در هر سه قلمرو معصوم باشند. اینک به اجمال هریک از این سه قلمرو را بررسی می کنیم:

اندیشه اسلامی ۲:

ویراست دوم)

این نوع عصمت، از مقومات نبوت و نیز مورد اتفاق همه متکلمان اسلامی است؛ چرا که بدون آن، هدف نبوت تحقق نمی یابد و ارسال رسولان عبث خواهد بود. به دیگر بیان، اگر بر پیامبری وحی شود و او نتواند بین وحی و القائنات درونی خود و القائنات دیگران تفاوت نهد و آنها را با یکدیگر خلط کند و یا در مورد وحی به تردید افتد، چنین پیامبری قابل اعتماد نیست و نمی تواند وحی الهی را درست و صحیح به مردم انتقال دهد. همچنین اگر پیامبری وحی را به درستی دریافت نمود، اما در مقام حفظ و ابلاغ وحی دچار اشتباه و خطا شد، یعنی محتوای وحی را کم و زیاد نمود و با مطالب دیگر درآمیخت، اعتماد به چنین پیامبری نیز روا نیست. برای اثبات این نوع از عصمت می توان به دلایل عقلی و نقلی تمسک نمود:

نیز به دلیل عقلی .. دلیل این نوع عصمت آن است که چون خداوند، حکیم و عالم و قادر مطلق است، می باید وحی بی هیچ خطایی توسط پیامبران به دست مردم برسد تا به کمال واقعی خود نائل . همان.

گردند. البته ناگفته نماند علم و قدرت نامتناهی خداوند هر مانعی را از سر راه برخواهد داشت تا وحی به طور صحیح به انسان ها برسد. بنابراین حکمت و علم و قدرت مطلق خداوند اقتضا می کند که این نوع عصمت تحقق یابد.

به دلیل نقلی قرآن در آیهای یادآور می شود که خداوند پیامبران را تحت مراقبت کامل قرار می دهد تا وحی الهی به درستی به انسان ها ابلاغ گردد

عالم القی لا یظهر علی غیبو أحد * إلا من ارتضى من رشول إنه یمتلك من بین یدی ومن خلفی صدا و لیعلم أن قد أبلغوا برسالات ربهم و أحاط بما لدیهم وأخصی کل شیء عددا دانای نهان است، و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند؛ حجز پیامبری را که از او خشنود باشد، که در این صورت برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت؛ تا معلوم بدارد که پیامهای پروردگار خود را رسانیده اند؛ و [خدا] بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است.

فصل دوم ...

کنید تا او را به مایه

این آیه از دو نوع نگهبان برای صیانت از وحی سخن می گوید: فرشتگانی که پیامبر را از هر سو احاطه کرده اند و خداوند بزرگ که بر پیامبر و فرشتگان احاطه دارد.

هدف از این مراقبت کامل آن است که خداوند حکیم، غرض نبوت را که همان رساندن صحیح وحی به انسان هاست، تحقق بخشد.

أهداف، ابعاد و قلمرو دین

سه شنبه

۲. عمت از معصیت و گناه پیامبران الهی در عمل به احکام شریعت خود، باید از هرگونه گناه و نافرمانی و لغزش مصون باشند و یا به بیان دیگر، نباید هیچ عمل حرامی را مرتکب شوند برای اثبات این نوع عصمت نیز می توان به دلایل عقلی و نقلی استناد کرد.
. جن (۷۲): ۲۸ - ۲۶.

اندیشه اسلامی

۰۰۲ دی ۱۳۹۶ : ----

تعالیم الهی در دو شکل گفتار و کرداری صورت می پذیرد؛ یعنی همان گونه که گفتار پیامبران می تواند راه صحیح سعادت را به مردم نشان دهد، اعمال آنها نیز به گونه ای شدیدتر چنین است. از این رو در روایات تصریح شده است که مردم را با غیر زبان، یعنی با عمل، دعوت به هدایت کنید؛ چرا که تأثیری فزون تر دارد. بنابراین اگر پیامبر الهی در گفتار، مردم را از عمل حرامی نهی کند، ولی خود مرتکب آن شود، مردم در تشخیص راه صحیح دچار اشتباه خواهند شد و در نتیجه غرض بعثت انبیای الهی تحقق نمی یابد و این خلاف حکمت الهی است.

پیامبران الهی افزون بر تعلیم دستورهای الهی، عهده دار تربیت و تزکیه مردم نیز هستند. به سخن دیگر، پیامبران الهی هم معلم مردم اند و هم مربی آنان. بدیهی است در حوزه تربیت، عمل مربی و سازگاری آن با گفتار او نقشی بسیار سازنده و اعمال ناشایست و ناسازگاری آن با گفتار، نقشی بسیار منفی در تربیت انسان ها ایفا می کند.

بنابراین نقش تربیتی پیامبران الهی و وظیفه به کمال رساندن فضایل و مکارم اخلاقی انسان ها، مستلزم آن است که آنان از هر گناه و آلودگی پیراسته باشند تا به نیکی بتوانند اعتماد مردم را جلب کرده، وظیفه خود را به انجام رسانند، و چنانچه پیامبری خود اهل گناه و معصیت باشد، نه تنها نقش یک مربی الهی را از دست می دهد، بلکه عملاً مردم را به گناه و معصیت ترغیب می کند که این با حکمت الهی سازگار نیست.

همین دلیل نیز اقتضا می کند که پیامبران از آغاز زندگی خود معصوم از گناه باشند، وگرنه منکران انبیای الهی می توانند بر نقاط تاریک زندگی آنان دست نهاده، به مخدوش کردن شخصیت والای آنان پردازند و در نتیجه رسالت آنها را با مشکل مواجه سازند که این امر نیز با حکمت الهی در تنافی است.

همچنین نباید در پیامبران ویژگی ها و خصلت های ناپسند و بیماری های واگیردار باشد؛ زیرا برخی بیماری های جسمی نظیر بیماری های واگیردار و یا خصلت های زشت روحی مانند تندخویی، مایه تنفر و انزجار مردم می شود. از این رو، پیامبران الهی باید از عیب های جسمی و روانی نزه باشند تا مردم از آنها منزجر نشوند. |

یا)

ویراست دوم).

دلیل نقلی عصمت پیامبران از گناه و معصیت در آیات گوناگونی مورد تأکید قرار گرفته که به برخی از آنها اشاره میکنیم:

۲. در قرآن کریم انبیای الهی کسانی معرفی شده اند که خداوند آنها را خالص گردانیده و از این رو شیطان هیچ تصرفی بر آنها ندارد. بنابراین آنها از هر گناه و معصیتی مصون اند.

۲. در قرآن از امامت به عهدهی الهی یاد شده است که به افراد ظالم نمی رسد. ظلم معنای وسیعی دارد که ظلم به خود، ظلم به حقوق دیگران و ظلم به خداوند را - که شرک از بارزترین آنهاست - شامل می شود و به تعبیری ظلم مترادف با عصیان و گنهکاری است. بنابراین عصمت در امامان امری مسلم است و چون برخی پیامبران مقام امامت نیز داشته اند و از سویی نبوت نیز عهدهی الهی است، پیامبران نیز باید از هر گناه و معصیتی مصون باشند.

۳. قرآن کریم پیامبران را کسانی می داند که خدا آنها را برگزیده و هدایت نموده است؟ و کسی را که خداوند هدایت کند، هیچ کس قادر به گمراه ساختن او نیست. از این رو پیامبران الهی هیچگاه در معرض گمراهی قرار نمی گیرند و از آنجا که انجام گناه، خود از نمونه های روشن گمراهی است، پیامبران الهی هرگز به گناه و معصیت آلوده نمی گردند و در این حوزه نیز معصوم اند.....

فصل دوم

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

۳. عصمت در امور فردی و اجتماعی پیامبران در امور عادی خود نیز باید از خطا و اشتباه و سهو و نسیان مصون باشند؛ چراکه اینها از اعتماد مردم میکاهد. البته اشتباه و خطا در امور روزانه و عادی، ملازم با اشتباه در بیان احکام الهی نیست و چه بسا ممکن است پیامبری در بیان تعالیم معصوم باشد، ولی در امور عادی خطاکار، و عالمان بتوانند بین آنها تمایز قائل شوند. اما عموم مردم .. قال فبعزتك لأغوينهم أجمعين إلا عبادك هم المخلصين. ص

۸۳:۳۸

(۸۲- ۳. و إذ ابتلى إبراهيم به بكلمات قات

قال إني جاعلك للناس إماماً قال وین تربیتی قال لا ینال عهدی الظالمین . بقره (۲: ۱۲۴) ۳. واجبناهم وهديناهم إلى صراط مستقيم، انعام (۸۷:۶)

(۴. ومن يهد الله فما له من ملئ. زمرز

۳۷:۳۹

به سختی می توانند بین این دو موضوع تفاوت قائل شوند. ای بسا آنان با دیدن خطا و اشتباهی در امور جزئی و عادی پیامبران، این خطا را به تمامی تعالیم آنان و نیز قلمروهای دیگر عصمت درایت دهند و در نتیجه دیگر به آنان اعتماد نکنند که این نیز با هدف بعثت پیامبران سازگار نیست.

اندیشه اسلامی ۲، ...

با ما تماس

با ما

ویراست دوم)

متکلمان اسلامی در این باره به دو عامل اشاره نموده اند:

۱. پیامبران و اولیای خاص الهی از نظر آگاهی و شناخت خداوند، در مرتبه ای بسیار رفیع قرار دارند و هیچ چیز را بر رضا و خشنودی خداوند و عشق به او، ترجیح نمیدهند. به تعبیر دیگر، شناخت آنان از عظمت و جمال و جلال خداوند، مانع از آن می شود که به غیر خدا توجه کنند و با عشق بورزند و اندیشه ای جز رضای خدا را در سر پیورانند. چنین افرادی همواره خدا را ناظر اعمال و کردار خود می دانند و اصولاً در محضر چنین خدایی، فکر گناه و معصیت به ذهن آنها خطور نمی کند، تا چه رسد به انجام آن. اینان اگر خدا را نیز میستایند، به دلیل شایستگی و اهلیت و عظمت مقام الهی است و نه چیز دیگر. به تعبیری دیگر، آنان از سر عشق به مقام الهی عبادت میکنند.

۲. پیامبران و اولیای خاص الهی از نتایج نیکوی اطاعت خدا و پیامدهای ناگوار معصیت و گناه، آگاهی کامل دارند. بی گمان انسان عاقل اگر از نتایج ناگوار عمل خود آگاهی یابد، طبعاً از آن عمل روی می گرداند. برای مثال، فرد عاقلی که می داند اگر به سیم برق دست بزند می میرد، هرگز چنین کاری نمی کند. بنابراین او نسبت به این عمل، نوعی مصونیت دارد. حال اگر افرادی مانند پیامبران و پارسایان از نتایج بسیار ناگوار گناهان آگاه گردند - به گونه ای که جهنم و عذاب را با چشم ببینند و از اراده نیرومندی نیز برخوردار باشند - طبعاً به نوعی از گناه مصونیت می یابند. بنابراین منشأ عصمت پیامبران الهی، علم آنان نسبت به عظمت و جمال و جلال خداوند و آگاهی کامل آنها از نتایج ناگوار گناهان است. این آگاهی همچنین سبب می شود اراده بر انجام و یا ترک عمل نیز نیرومندتر گردد. البته عنایات و امدادهای غیبی خداوند نیز شامل حال آنان می شود، ولی به گونه ای نیست که اختیارشان را سلب کند.

بنا به آنچه بیان شد عصمت پیامبران الهی به سبب «شایستگی ذاتی»، «مجاهد هسته های فردی و اجتماعی آنها» و از سویی به دلیل «عنایات و توجهات خداوند» است؛ عنایاتی که مسئولیت بیشتری برای آنان به ارمغان می آورد. البته تأثیر امدادهای غیبی و عنایتهای خداوند در عصمت نوع اول بیشتر است.

علامت و اختیار

فصل دوم

رابطه عصمت و اختیار، با توجه به بحث های مربوط به منشأ عصمت به خوبی روشن میگردد. عصمت به گونه ای نیست که با آزادی و اختیار فرد معصوم در تنافی باشد. پیامبران به دلایلی که پیشتر گفتیم، به خطا نمی روند و دارای ملکه عصمت اند؛ اما اگر بخواهند، می توانند به انجام آن کارها مبادرت ورزند. درست مانند فرد عاقلی

که گرچه می تواند به سیم برق دست بزند، ولی چنین نمی کند. بی شک انجام ندادن چنین کاری به معنای نداشتن قدرت بر انجام آن عمل نیست. بنابراین پیامبران با اینکه می توانند گناه کنند، ولی هیچگاه چنین کاری را انجام نمی دهند. قرآن نیز در آیاتی بدین نکته اشاره می کند:

یا أيها الشول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل فما بلغت رسالته ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر

نکنی پیامش را ترسانده ای. این آیه آشکارا بر توانایی پیامبر برای عصیان و نافرمانی خدا دلالت میکند. اگر فرد معصوم بر انجام گناه قدرت نداشت، خداوند می فرمود که «ای پیامبر! اگر چنین کاری را انجام ندهی، رسالت خدا را ابلاغ نکرده ای.» بنابراین آیه آشکارا تصریح می کند که پیامبران بر عصیان و نافرمانی خدا توانایی دارند، هرچند که معصوم اند، و هیچ گناهی از آنان سر نمی زند.

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

(د) نقش قوانین در زندگی دنیایی

امروزه پرسش هایی در باب گستره تأثیر دین مطرح است: آیا دین تنها برای ستادت اخروی
۱. مائده (۵):

انسان ها نازل شده، یا افزون بر آن به سعادت و تدبیر زندگی دنیوی انسان ها نیز نظر دارد؟ آیا دین تنها بر جنبه فردی انسان ها تأکید دارد، با اینکه بر جنبه اجتماعی آدمیان نیز انگشت می نهد؟

در پاسخ به این پرسشها یک دیدگاه بر آن است که دین جنبه فردی دارد و ناظر به سعادت اخروی انسان هاست، اما دیدگاه دیگر می گوید خداوند دین را برای سعادت دنیا و آخرت انسان ها نازل فرموده و سعادت اخروی انسان تابع و بازتاب زندگی سعادت‌مندانه انسان در دنیاست که تنها از طریق عمل به تعالیم دین میسر است. اهداف پیامبران الهی بیانگر آن است که دین در تمامی ارکان زندگی انسان نقش بسزایی دارد. نقش دین در زندگی را در قالب چند بحث پی می گیریم .

اندیشه اسلامی

۲...

همه ما را

ویراست دوم)

است ۱. جامعیت و کمال دین

اور امارات را برای دین اسلام، آخرین آیینی است که خداوند از طریق پیامبر خاتم برای هدایت، تکامل و سعادت انسان ها نازل کرده است. اعمال انسان ابعاد مختلفی مانند فردی و اجتماعی، جسمی و روحانی و دنیوی و اخروی دارد. همچنین رفتار و عمل انسان گاهی متوجه خود او، خدا و یا اجتماع است. رفتار انسان در برابر

اجتماع، گاه مربوط به زندگی خانوادگی و گاهی نیز مربوط به زندگی اجتماعی است. زندگی اجتماعی نیز دارای ابعاد مختلفی نظیر؛ اخلاقی، حقوقی، اقتصادی، بین المللی و حکومتی است. جامعیت دین بدین معناست که دین اسلام به همه این ابعاد نظر دارد و برای تمامی آنها متناسب با نیازهای انسان، قوانین عام و خاصی وضع نموده است؛ به گونه ای که آدمی با عمل به آنها می تواند به سعادت همه جانبه دست یابد. درواقع می توان گفت دین اسلام کامل است و در پاسخ به نیازهای انسان هیچ نقصی ندارد. قرآن دراین باره می فرماید:

اليوم اكملت لكم دينكم و امروز دین شما را برایتان کامل گردانیدم.

و ..

مأثده (۵): ۳.

ولنا عليك الكتاب يبيننا لي شي وهدى ورحمة وبشرى للمسلمين و ما اين كتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت

و بشارت برای مسلمانان است. البته منظور از هر چیز، یعنی هر آنچه به هدایت، تکامل و سعادت انسان ها مربوط است؛ چراکه هدف پیامبران جز این نیست. امام علی ع دراین باره می فرماید:

پس قرآن فرماندهی است و بازدارنده ... [خدا] دین خود را به وسیله آن به کمال رساند و جان پیامبر خویش را هنگامی ستاند که از رساندن احکامی که

موجب رستگاری آفریدگان است، فارغ ماند همچنین در روایات دیگری آمده است که خداوند قرآن را - که بیان کننده هر چیزی است - فرو فرستاد و حلال و حرام و احکام و تمام آنچه را که مردم بدان نیاز دارند در قرآن و سنت، بیان نمود. بنابراین قرآن به همه ابعاد وجودی و رفتاری انسان توجه نموده و حکم الهی را در آن مورد - هرچند به گونه ای کلی بیان کرده است. اینکه به برخی از شبهات دراین باره می پردازیم.

فصل دوم

ما را دارند و از

شیهان - .. گروهی به خطا پنداشته اند که دین فقط برای سعادت اخروی انسان ها نازل گردیده و تدبیر زندگی دنیوی مردم به عقل و خرد آنها وانهاده شده است. این گونه نگرش، نوعی تفکر سکولاریستی است که با روح تعالیم اسلامی ناسازگار است؛ چرا که در قرآن آیاتی هست که بخشی از اهداف پیامبران را تنظیم روابط اجتماعی براساس عدالت، مبارزه با مفساد اجتماعی و سنت های ناپسند مستکبران، تشویق مردم به کارهای نیکو و رشد و تربیت

أهداف، ابعاد و قلمرو دین

.. نحل ۱۶: ۸۹. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳.

. همان، خطبه ۱ و ۸۶؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۷۷. ۴. لقد أرسلنا رسلنا بالبينات و أثلنا تقم التاب و الميزان ليقوم التاش بالين. ل . حدید (۵۷: ۲۵) ۵. قد جاء تكم بيه من ربكم فأتوموا الكيل و الميزان و لا تبخشا الناس أشياء لهم و لا تفيدوا فی الأرض بعد إصلاحها ذلکم خير لکم إن م مؤمنين . اعراف (۷: ۸۵) ؛ همچنین بنگرید به: هود (۱۱): ۸۵ و شعراء (۲۶): ۱۴۶ و ۱۵۲. و قال موسى لأخيه هارون الفنى فى قومى و أضل و لا تشيع سبيل المتفیدين . اعراف (۱۴۲۰۷)

اندیشه اسلامی ۲،

صحیح می داند. بی گمان بدون تشکیل حکومت تحقق چنین اهدافی میسر نیست و حاکم اسلامی نیز وظیفه دارد بستر اجرای احکام الهی را در جامعه مهیا نماید تا جامعه براساس عمل به آن احکام الهی، به سعادت برسد. ۲. برخی برآن اند که چون دین اسلام و اصول و احکام آن جاودانه و برای همه عصرهاست، طبعاً باید اصول آن ثابت باشد، درحالی که کیفیت زندگی انسان متغیر است. اگر بگوییم دین افزون بر سعادت اخروی انسان، سعادت دنیوی وی را نیز مورد توجه قرار داده، چگونه اصول ثابت می تواند با زندگی متغیر انسان ها سازگار باشد؟ بنابراین به ناگزیر باید گفت دین برای سعادت اخروی انسان ها آمده است، نه تدبیر زندگی دنیوی آنها. در پاسخ به این شبهه باید گفت: اول اینکه زندگی اخروی انسان از زندگی دنیوی او جدا نیست. به سخن دیگر، دنیا مزرعه آخرت است و زندگی در آخرت، تابع و بازتابی از زندگی این جهانی است. دوم اینکه تحقق بسیاری از احکام و قوانین الهی، مبتنی بر تشکیل حکومت و تدبیر زندگی دنیوی توسط متولیان دین است. بنابراین چگونه می توان به قرآن اعتقاد داشت و بسیاری از احکام را بی فایده و عبث دانست؟ در واقع اعتقاد به احکام ملازم با تدبیر زندگی این جهانی است.

همچنین قرآن و روایات در بسیاری از موارد حکم کلی ثابت را بیان می دارند که می توان حکم هر مسئله جزئی را با توجه به آن کلیات ثابت، آشکار نمود؛ درست مانند علوم ریاضی که اصول آن ثابت است، ولی هر مسئله ای را می توان با توجه به آن اصول ثابت حل کرد. نیز می توان گفت برخی از نیازهای آدمی نیز ثابت است، اما شکل و مصداق آن تغییر می کند. برای نمونه، قرآن می فرماید: توان دفاعی خود را در برابر دشمنان بالا ببرید. این حکم و قاعده ثابت است، ولی مصادیق آن در زمان های مختلف متفاوت می باشد: در یک زمان مصداق توان دفاعی، اسب و شمشیر بود، اما اکنون هواپیما و موشک و تانک و جز اینهاست. بنابراین تدبیر زندگی دنیوی انسان با اصول ثابت و جاودانه اسلام منافاتی

و)

ویراست دوم)

ندارد.

قرآن با تعقل و خردورزی مخالف نیست و در برخی موارد، تدبیر و برنامه ریزی زندگی را

..گما زلنا فیکم رشو ثم یتلوا علیکم آیاتنا ویژگیگم ویعلم الکتاب والحکمۃ ویتلهم مائم تووا تعلمون . بقره (۲: ۱۵۱)
(۲. و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و دوم، انفال (۸: ۶۰)

نیز به عهده عقل نهاده است. بنابراین وحی الهی به کمک عقل می تواند ستادت اندران را در دنیا و آخرت تأمین نماید .

۲. در کولاریسم امروزه در جوامع غربی، تفکری وجود دارد که می کوشد بدون استعانت از دین به ساماند. «نی زندگی دنیوی انسان ها بپردازد. معتقدان به این نگرش، تأثیر دین را تنها در جنبه شخصی و خصوصی زندگی انسان محدود کرده اند. این جای این پرسش است که آیا چنین تفکری می تواند بر مبانی صحیحی استوار باشد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا به اختصار به تعریف سکولاریسم و زمینه ها و عوامل شکل گیری و سپس به مبانی آن اشاره می کنیم و در انتها به نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت .

فعلی دوم

التعریف دم سکولاریسم

سکولاریسم در اصل مفهومی غربی است که توصیفگر نوعی تفکر خاص درباب جهان و انسان و تدبیر جامعه است که در شرایط خاص جامعه غربی رخ نموده است. این واژه در زبان فارسی به معنای دنیامداری، دنیا محوری، دین گریزی و دین جدایی است.

در معنای اصطلاحی، براین ویلسون در دائرة المعارف دین، سکولاریسم را چنین تعریف میکند:

سکولاریسم یک ایدئولوژی است که مدافعان آن آگاهانه همه امور و مفاهیم ماورای طبیعی و وسایط و کارکردهای مربوط به آن را نفی می نمایند و از اصول غیزد بنی یا ضد دینی به عنوان مبنا أستغلاقی شه شناسی و سازمان اجتماعی دفاع می کنند.

ها اف، ابعاد و قلمرو دین

به تعبیری دیگر، قائلان به سکولاریسم میکوشند زندگی انسان را از طریق ابزارهای مادی صرف، یعنی عقل ابزاری، و علوم تجربی و بدون استعانت از وحی، توسعه و سامان بخشند .

1. Secularism.

۲. الیاده، فرهنگ و دین برگزیده مقالات دائرة المعارف، دین، ص ۱۲۶.

به لحاظ فلسفی، سکولاریسم خود را در ساختار نظام های فکری و رفتاری عقلانی نمودار می سازد؛ به گونه ای که آموزه های وحیانی و ماورای طبیعی را کاملاً نادیده می گیرد، یا مورد انتقاد قرار می دهد. به لحاظ سیاسی نیز می کوشد سیاست را از تأثیر آموزه های دینی دور نگاه دارد. در حوزه تعلیم و تربیت نیز سعی می کند تا تعلیم دینی را از برنامه آموزشی کنار نهد .

در زمینه ها و عوامل پیدایش سکولاریسم عواملی چند باعث پیدایش سکولاریسم در مغرب زمین شد که به برخی از آنها اشاره می کنیم

اندیشه اسلامی ۲

نو بیگ. متون مقدس و منابع اولیه دینی و با او امان اور اور رواد اری اور تفسیرهای ناروا از کتاب مقدس مسیحیان و اندیشه های تحریف شده ای که در این کتاب راه یافته بود راه را برای ظهور سکولاریسم هموار ساخت که برخی از آنها بدین قرار است:

ان ها را دارید)

ویراست دوم)

جدایی دین از سیاست و دوستان اور در کتاب مقدس مسیحیان آمده است که حضرت عیسی ع در پاسخ به این پرسش فریسیان که آیا جزیه دادن به قیصر رواست، گفت: «مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا.»^۲

این عبارت بدین معناست که جزیه دادن که کاری دنیوی است، شأن و مقام قیصر است و به خدا ارتباطی ندارد، یا به تعبیر دیگر، شأن و مقام حکومت از شئون بشری و دنیوی است و نه از شئون الهی و دینی. براساس چنین تفسیری، جدایی دین و امور خدایی از سیاست و حکومت، آموزهای دینی است. |

1. Pelikan, "Christianity in: Western Europe" in Encyclopedia of Religion, vol. 3, p. 385.

۲. فریسیان، یکی از فرقه های کلامی و نیز یک حرکت اجتماعی و حزب سیاسی یهودی هستند که اعتقاد دارند که تمامی شریعت یهود که از طرف خداوند نازل شده، در تورات موسی ع ثبت نشده است. همچنین آنها، طبقه ای از معلمان شریعت یهود بودند که به سبب توانایی و مهارتشان در امور شرعی و دارا بودن رهبری دینی از منزلتی والا در میان یهودیان برخوردار بودند... |^۳. کتاب مقدس، متی،

۱۲/۲۲ - ۱۸؛ مرقس،

۱۲/۱۵

در تعبیری دیگر، حضرت عیسی ع در پاسخ به سؤال پیلطس که پرسید: آیا تو پادشاه یهود هستی؟ فرمود: اگر پادشاهی من از این جهان می بود، خدام من جنگ می کردند تا به یهود تسلیم نشوم، لکن اکنون پادشاهی من از این جهان نیست. |

از این تعبیر نیز به خوبی برمی آید که پادشاهی این جهان، مربوط به عیسی علل و حواریون او نیست و کسان دیگری که با او نسبتی ندارند، باید در این جهان پادشاهی کنند. این آموزه درواقع جدایی دین از سیاست را اعلام میدارد.

فصل دوم .

نبود قوانین اجتماعی و حکومتی در آیین مسیحیت، قوانین اجتماعی و حکومتی یا به تعبیری شریعت وجود ندارد و حتی مسیحیانی که تا نیمه اول قرن اول میلادی به شریعت تورات ملتزم بودند، از آن تاریخ به بعد شریعت تورات را که مشتمل بر برخی احکام اجتماعی بود، نسخ و ملغی کردند. در سال ۵۰ (یا ۴۹) میلادی شورای مسیحیان اورشلیم مرکب از یعقوب ، پولس، برنابا و دیگران، به نسخ شریعت موسی علی فتوا دادند که

این خود به معنای حلال دانستن ربا، شراب، گوشت خوک و جز اینها بود. ایشان از محرمات، تنها به زنا و خوردن حیوانات خفه شده و خون و ذبیحه بت ها بسنده کردند.۳
طبیعی است هنگامی که در مسیحیت برای تدبیر و ساماندهی زندگی اجتماعی قوانین دینی نباشد، به ناگزیر باید از قوانین عقلی مدد گرفت.

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

ناسازگاری آموزه های کلامی و فلسفی مسیحیت با عقل و علوم تجربی
در کتاب مقدس تحریف بافته مسیحیان، آموزه هایی وجود داشت که با عقل و دانش
ا. پونتییوس پیلاتس، حاکم یهودی را در قدس از جانب رومیان در زمان مسیح در بین سال های ۲۶ تا ۳۶ پس
از میلاد بود. شهرت وی بیشتر به علت محاکمه عیسی ما بود. | ۲. کتاب مقدس، یوحنا: ۱۹ / ۳۶. ۳. رامیار،
بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، ص ۱۹۶ : کتاب مقدس، کتاب اعمال رسولان،

۱۵/۲۹

- ۲۳ اسمارت ، تجربه دینی بشر، ج ۲، ص ۹۹ |

تجربی سازگار نبود و این خود عامل و زمینه ای بود برای روشنفکران، دانشمندان و فیلسوفان که نسبت به
مسیحیت بی اعتنا و بی رغبت شوند و موضعی سکولاریستی اتخاذ کنند و چون در دنیای غرب، مسیحیت کامل
ترین دین تلقی می شد، مسیحیت گریزی درواقع دین گریزی لحاظ شد. برای مثال می توان به آموزه های گناه
ذاتی انسان، مرگ فدیة وار عیسی مسیح ال ، الوهیت و تجد مسیح، تثلیث و عشای ربانی اشاره نمود که مخالف
عقل است. همچنین قدیس آگوستین (۴۳۰ - ۳۵۴م) و قدیس آکویناس (۱۲۷۴ - ۱۲۲۴م) فلسفه افلاطونی و
ارسطویی را چنان با تعالیم مسیحی آمیخته بودند که انکارشان، انکار مسیحیت تلقی می گردید. آیان باربور
دراین باره می گوید:

الهیات اهل کتاب در قرون وسطی آن چنان با مکتب ارسطو درهم آمیخته بود که هر معارضه ای با کیهان
شناسی ارسطو را به حساب معارضه با مسیحیت می گذاشتند.۲

. اندیشه اسلامی

۲.....:

برای

ایران به منته)

ویراست دوم)

البته در قرن های هفدهم و هجدهم تفکر توماس آکویناس دچار فراموشی شد، اما دیگر بار احیا گردید که این
امر تا حدی نتیجه بخشنامه پاپ لئوی دوازدهم بود. او در این بخشنامه، مطالعه آثار توماس آکویناس را بر همه

دانشجویان الهیات ضروری دانست و تعلیمات آکویناس را معیاری قرار داد که عالمان الهیات نباید جز به دلایل مهم از آن دور شوند. همچنین جنجالی که بر سر تئوری تکاملی داروین و نظر گالیله و کوپرنیک در نجوم . از دیدگاه مسیحیت، خطای آدم و حوا در خوردن درخت ممنوعه، یعنی درخت معرفت باعث شد آنان ذاتاً گنهکار و پلید گردند و بدین طریق، این گناه ذاتی را برای بشریت به ارث بگذارند. تورات، سفر پیدایش، ۱۷ - ۲ براساس این آموزه، جستجوی معرفت در تعارض با رستگاری و خلود انسان در بهشت است. انسان یا باید علم و دانش را برگزیند، با سعادت در بهشت را به نظر مسیحیان، عیسی از رنج را تحمل نمود و به صلیب کشیده شد تا مرگ او فدیۀ انسان گنهکار گردد. (ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۶۰۷؛ اسمارت، تجربه دینی بشر، ج ۲، ص ۱۴۴) طبق این آموزه، همه انسان ها به علت خطای دو نفر گنهکار مورد خشم و غضب الهی قرار می گیرند و عیسی رنج را تحمل می کند تا فرد دیگر به سعادت برسد. این آموزه مخالف عقل است؛ زیرا چگونه به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی عا می تواند گناه را از انسان های دیگر بزداید؟ ۲، آیین مسیحی که تکرار عمل عیسی ما در آخرین شام اوست مسیحیان در نان و شراب به یاد عیسی ال شریک می شوند. بعضی از آنها معتقدند که نان و شراب واقعه جسم و خون مسیح است. ر.ک: جووویور، درآمدی به مسیحیت، ص ۴۹۰. ۳. باربور، علم و دین، ص ۶۳. ۴. اسمارت، تجربه دینی بشر، ج ۲، ص ۱۷۷.

و تحقیقات انتقادی مربوط به کتاب مقدس و ... در عالم مسیحیت به پا شد، بسیاری از روشنفکران نیمه دوم قرن نوزدهم را به این فکر انداخت که دین و علم ضرورت در تعارض با یکدیگرند .
اور دو. رفتار و برخورد نادرست متولیان کلیسا رفتار و برخورد ناشایست متولیان کلیسا، مردم را از دین گریزان کرد و سبب شد آنان در ساماندهی زندگی خود، دیگر به کلیسا اعتنایی نکنند. فساد مالی و اخلاقی، فروش آمرزش نامه ها و دادگاه های تفتیش عقاید ازجمله این رفتارهای پلید و نادرست بود که به برخی از آنها به اختصار اشاره می نماییم:

فصل دوم .. .

و فساد اخلاقی

اصولاً یکی از عوامل دین گریزی آن است که رفتار متولیان و متصدیان دین با گفتار آنها متفاوت باشد. از این روست که در تعالیم اسلامی تأکید شده است کسانی که به تربیت دینی مردم همت می گمارند، پیش از پرداختن به تربیت آنها باید به تربیت و تأدیب نفس خود بپردازند. تفاوت در گفتار و رفتار حاکمان کلیسا و اخلاق ناپسند آنها، خود یکی از عوامل دین گریزی بوده است. " ویل دورانت، مورخ بزرگ مغرب زمین می نویسد:

زمینه اخلاق در میان روحانیان به قدری سست بود که میشد هزاران شاهد برای اثبات آن آورد. زندگی بی بندوبار روحانیان ایتالیا موضوعی است که به کرات در ادبیات ایتالیا نمودار شده است.

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

پاپ لئوی دهم در سال ۱۵۱۶م درباره راهبان چنین می گوید: «بی انضباطی در دیرهای فرانسه و زندگی نامتعادل و ناسنجیده راهبان، چنان فزونی یافته است که هیچکس - نه پادشاه، نه حاکم و نه مردم - برای آنها ارزش و احترامی قائل نیست ۲.

۱. دوران، تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۶۰۴. همان.

ویل دوران در همین باره می نویسد: «نفرت مردم از روحانیان فاسد در این ارتداد و از دین برگشتگی بزرگ، عامل کوچکی نبود».

شده ام، چو خوردهای خشن با دانشمندان . . .
اندیشه اسلامی ۲،

دینی که باید حامی علم و تفکر و تعقل باشد، به گونه ای جلوه کرد که هیچگاه با پیشرفت و طرح نظریات جدید علمی سر سازگاری نداشت. بنابراین میان روشنفکران و متفکران، این اعتقاد پدید آمد که باید از میان آن دو یکی را برگزینند: دین و با پیشرفت و طرح نظریات علمی. متفکران و اندیشمندان به جای اینکه با دین تحریف شده و روحانیان فاسد مبارزه کنند، به خطا اصل دین را کنار نهادند.

ویل دوران آمار قربانیان این برخورد خشن را بدین سان گزارش می دهد: «از سال ۱۴۸۰ تا ۱۴۸۸م، ۸ هزار و ۸۰۰ تن سوخته و ۹۶ هزار و ۴۹۴ تن به کیفرهای مختلف محکوم شدند و از سال ۱۴۸۰ تا ۱۸۰۸م، ۳۱ هزار و ۹۱۲ تن سوخته و ۲۹۱ هزار و ۴۵۰ تن محکوم شدند» ۲.

براین اساس کلیسا بدترین نوع خشونت را با استناد به دین و به نام دفاع از اعتقادات دینی، علیه دانشمندان و آزادی خواهان اعمال می کرد. این رفتارها دین را در اذهان دانشمندان و متفکران، علم ستیز و خردسوز جلوه داد و در نتیجه آنان را در صف مخالفان دین قرار داد.

تاکنون برخی از عوامل و زمینه های مهم پیدایش سکولاریسم را برشمردیم. اکنون اجما به مبانی و اصول سکولاریسم خواهیم پرداخت.

سمیه

ویراست دو

مبانی سکولاریسم با توجه به تعریف سکولاریسم که می کوشد زندگی انسان را در حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از طریق ابزارها و روشهای مادی صرف و یا براساس اصول غیردینی یا ضددینی ساماندهی کند، می توان علم گرایی و عقل گرایی را از مبانی آن دانست .

. همان، ص ۶۲. همان، ج ۶، ص ۲۶۳.

والیک. علم گرایی

علم گرایی برگردان فارسی واژه Scientism است، به معنای اعتقاد به لزوم محوریت علوم تجربی و روش تجربی در همه شئون زندگی، متفکر سکولار اعتقاد دارد که براساس علم تجربی می توان به تدبیر جامعه پرداخت. با رشد و تکامل و موفقیت ها و دستاوردهای

چشمگیر علوم تجربی نظیر فیزیک، ریاضیات، شیمی، زیست شناسی و نجوم در عرصه های مختلف، این اعتقاد در ذهن برخی شکل گرفت که می توان به روش مشابه، نظامی فکری در باب زندگی این جهانی طراحی کرد. از آنجا که روش علوم تجربی، روش مکانیکی و مشاهده و آزمایش است که براساس آن هر حادثه ای برحسب حادثه پیش از خود تبیین می گردد،

طبعاً جهان نیز همانند ماشینی مکانیکی در نظر گرفته می شود که وجود هر حادثه و حرکتی با توجه به علت آن ضروری و حتمی است و دیگر نیازی به فرض عالم ماورای طبیعت نیست.

از آنجا که روش مکانیکی در همه قلمروهای دانش نظیر اخلاق، مابعدالطبیعه و دین کارآیی نداشت، چنین قلمروهایی از حوزه معرفت کنار نهاده شد و به حوزه معرفت تجربی بسنده گردید. در نتیجه، سکولار کردن دانش بدین معنا شد که حوزه معرفت باید به حوزه دانش تجربی محدود گردد و علوم غیرتجربی به عنوان امور نامعقول و غیرعقلانی باید از حوزه علم جدا شود. به سخن دیگر، علم گرایی در حوزه شناخت، تجربه گرا شد که روش شناخت آن مشاهده و آزمایش و تجربه است.

می توان گفت پشتوانه تفکر سکولاریستی، نوعی مادی گرایی است که قلمرو هستی را به عالم ماده محدود می کند و ماورای عالم ماده و تأثیرات عالم ماوراء الطبیعی در عالم ماده را قابل شناخت نمیداند. در نتیجه مفاهیم و آموزه های کتاب مقدس نظیر خدا، فرشته، بهشت، جهنم، وحی، امدادهای غیبی، دعا و معجزات که از مفاهیم آزمون ناپذیر تجربی اند و در مقیاس تجربه نمی گنجند، باید از حوزه علم و معرفت بیرون روند. بدین ترتیب دین و مفاهیم بنیادی آن از تدبیر و تبیین گری امور دنیوی کنار نهاده شد.

فصل دوم با

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

جیو اردو، عقل گرایی عقل گرایی، این باور است که همه رفتارها و عقاید باید مبتنی بر عقل باشد، نه احساسات
1. Rationalism.

اندیشه اسلامی

با عقاید دینی. البته تصور سکولاریسم از عقل، آن عقلی است که از مبانی دینی بهره نمی گیرد. این تعریف و کارکرد عقل، صحیح نیست؛ زیرا چه بسیار فیلسوفان عقل گرایی که با تکیه بر عقل، خدا و عقاید دینی را اثبات نموده اند و در زمره متدینان زندگی میکنند. بنابراین چنین معنایی از عقل گرایی - که براساس آن عقل نباید از اصول دینی بهره گیرد - در واقع ایجاد نوعی محدودیت بی دلیل برای عقل است. در هر حال اندیشمندان دوره رنسانس با توجه به توانایی عقل در حوزه علم تجربی گمان کردند که می توان در همه عرصه های زندگی به جای دین بر عقل تکیه کرد و براساس آن، زندگی این جهانی را سامان بخشید.

حال پرسیدنی است چه عواملی باعث شد برخی از متفکران مغرب زمین به این باور برسند که باید با عقل صرف و بدون استعانت از وحی به تدبیر زندگی این جهان پردازند؟ عوامل متعددی در این باره مؤثر بود که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

آموزه های مسیحیت: بسیاری از آموزه های مسیحیت نظیر تثلیث، گناه ذاتی انسان، الوهیت و تجسد عیسی مسیح ال رازوار بوده و با عقل هماهنگی ندارد و نمی توان آنها را با عقل فهم کرد. از همین رو، این فکر در اذهان برخی پدید آمد که یا باید تعقل و تفکر را برگزید، یا دین و اعتقادات دینی را. تعبیر متفکران بزرگ مسیحی: این متفکران تعبیری دارند که بر اعتقاد آنان به ناسازگاری عقل و دین دلالت میکند:

ترتولیان (۲۲۰ - ۱۶۰) از پدران کلیسای اولیه می گفت: آتن را با اورشلیم چه کار؟ آکادمی را با کلیسا چه کار؟ روشن است که آتن و آکادمی نماد تعقل، فلسفه و علم، و اورشلیم نماد دین و کلیسا است.؟ پولس، حواری عیسی مسیح ع نوشت که باخبر باشید کسی شما را به فلسفه و مکر باطل نرباید. ۲.
را دارد.....

ویرا

ویراست دوم)

.. فرهنگ آکسفورد، ص ۹۶۵. ۲. اسمارت، تجربه دینی بشر، ج ۲، ص ۱۱۷. ۳. کتاب مقدس، رساله پولس به کولسیان، ۲/۸.

در این تعبیر، فلسفه که نماد عقل گرایی است، در کنار مکر باطل قرار گرفته است. برخورد نادرست کلیسا با متفکران و فیلسوفان: عالمان و فیلسوفان بر اثر برخورد متولیان کلیسا با آنان به این باور رسیدند که از دین فاصله گیرند و تنها با عقل به تدبیر زندگی پردازند.

فصل دوم ادا

نقد و بررسی از آنچه گفتیم، به نیکی برمی آید که سکولاریسم پدیده ای غربی است که با توجه به شرایط و زمینه های آن در جامعه غربی شکل گرفته است. برخورد نادرست حاکمان کلیسا با دانشمندان و عالمان چه بسا بیشترین نقش را در کنار نهادن دین داشته است. هرچند دانشمندان علوم تجربی و متفکران شاید تا اندازه های حق داشته باشند که با حاکمان کلیسا به جهت برخوردهای نادرستشان، مخالفت ورزند، اما این مخالفت دلیلی نیست که براساس آن با اصل دین، خدا، عالم آخرت و قوانین عقلانی الهی نیز موافق نباشند. برای مثال، ممکن است کسانی طلای قلبی به بازار عرضه کنند و افرادی را نیز اغفال کنند. افراد اغفال شده که بسیار ناراحت و عصبانی اند، آیا باید از اصل طلا روی گردان شوند، یا از طلای غیرواقعی و سوء استفاده کنندگان از آن؟

انسان واقع گرا می تواند ضمن احترام به علوم تجربی و عقل بشری، از تعالیم وحیانی انبیای الهی نیز برای ساماندهی زندگی خود و آخرت خویش مدد گیرد؛ چراکه هیچ ناسازگاری بین علوم تجربی و عقل انسانی و تعالیم وحیانی وجود ندارد. از نگاه اسلام، کسب علم بر هر مسلمانی واجب و ضروری است و عقل انسان همسنگ با تعالیم انبیای الهی از حجیت و اعتبار برخوردار است، اما باید در کنار این اعتبار احترام، قلمرو محدود آنها نیز مورد توجه قرار گیرد .

اینک به اختصار به نقد علم گرایی و عقل گرایی و نیز به دیدگاه اسلام در باب سکولاریسم می پردازیم
م ه أهداف، ابعاد و قلمرو دین

همراه با نقد علم گرایی ۱. هرچند اسلام برای علم ارزش بسیاری قائل است، این نکته را نیز باید یادآور شد که

. اندیشه اسلامی

۲

حوزه فعالیت علوم تجربی، محدود به عالم مادی و آزمایش و تجربه است و در بیرون از این حوزه، یعنی عالم ماورای طبیعی نمی تواند نفیا و اثباتا به اظهارنظر بپردازد. موضع علم تجربی در حوزه ماورای عالم ماده، لادری گری یا ندانم گویی است. بنابراین اگر سکولاریسم بر آن است که از علوم تجربی در زندگی مادی انسان بهره گیرد، کاملا امری پسندیده است، اما اگر با بافته های علوم تجربی می خواهد همه ابعاد وجودی انسان از جمله بعد اخلاقی و معنوی و همچنین عالم ماورای طبیعی و عالم آخرت را توجیه نماید، بی شک چنین تفکری نادرست است؛ زیرا ابزار علم تجربی مشاهده و آزمایش است و چنین ابزاری در این حوزه ها کارایی لازم را ندارد. ۲. یافته ها و نتایج علمی از قطعیت لازم برخوردار نیست؛ چه آنکه پیوسته فرضیه ای نو به جای فرضیه پیشین می نشیند. حال چگونه می توان با این یافته های لرزان و تغییرپذیر، به اظهارنظر قطعی درباب عالم پرداخت و عالم ماورای طبیعت و آخرت را انکار نمود و زندگی انسان را به عالم مادی محدود کرد.

۳. اعتقاد به خدا و عالم آخرت، در ساماندهی زندگی انسان نقش تعیین کننده ای دارد، اما لازمه علم گرایی و مادی گرایی نادیده گرفتن چنین اعتقاداتی و درواقع نادیده انگاشتن بخش مهمی از نیازهای اساسی انسان است؛ چراکه انسان به لحاظ فطری خداجو و جاودانه طلب است.

بنابراین علم گرایی، قلمرو هستی را به عالم ماده محدود کرده است و از قلمروهای دیگر هستی نظیر عالم ماورای طبیعت و آخرت، غفلت ورزیده. همچنین از میان شیوه های مختلف کسب آگاهی، به شیوه مشاهده و آزمایش بسنده کرده و از روش عقلی و شهود عرفانی و تعالیم وحیانی، صرف نظر نموده است. چنین غفلتی، محروم کردن انسان از دستیابی به حوزه های دیگر معرفت است که ضایعه ای بس بزرگ برای انسان بشمار می رود.

ویراست دوم)

وانا ان نقد عقل گرایی

ر در بحث نیاز انسان به تعالیم انبیای الهی یادآور شدیم که عقل حجت درونی انسان و مورد تکریم اسلام است، اما تنها با استفاده از آن نمی توان به سعادت دنیا و آخرت نایل گردید.

عقل انسان برای تدبیر زندگی دچار اختلاف و تناقضات بسیار است. هرکس براساس عقل ادعا می کند که شیوه او برای ساماندهی زندگی اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی صحیح تر است، از این رو اتفاق نظر افراد بر سر یک شیوه واحد، بسیار دشوار است. حال چگونه می توان بر پایه عقل، به شیوه ای واحد برای ساماندهی جامعه دست یافت؟ چنین آرمانی، هیچگاه برای آدمی حاصل نمی شود، از همین روی تنها راه چاره، متوسل شدن به دین و قوانین آن برای اداره جامعه است.

همچنین عقل انسان بسیاری از خوبی ها و بدی ها (نظیر خوبی عدالت و بدی خلل) را به طور کلی درک می کند، ولی در تشخیص مصادیق آن با مشکل روبه روست. بنابراین عقل به تنهایی نمی تواند راهگشای انسان باشد.

فصل دوم

... دیدگاه اسلام در باب لد سکولاریسم

از دیدگاه اسلام پیامبران الهی برای این مبعوث شده اند که انسان را از ظلمت برهانند و عدالت را در جامعه برپا نمایند و فضایل و کرامت اخلاقی را نیز به اوج رسانند. بی گمان لازمه اجرای این اهداف آن است که پیامبران، سرپرستی جامعه انسانی را برعهده گیرند.

پاره ای از مسلمانان طرفدار سکولاریسم که دین را تنها در عرصه مسائل فردی خلاصه کرده اند و بر این باورند که اگر دین در عرصه سیاست دخالت کند از قداست آن کاسته می شود، از آموزه های اسلامی فاصله گرفته اند. چرا که پیامبر اسلام با هدایت امور دینی و دنیوی مردم را توأمان برعهده داشت و پس از او نیز امامان معصوم اپی این هدایت عام را عهده دار شده اند. قرآن در آیه ای به صراحت بیان می کند که دین با فرمانروایی و تدبیر سیاسی جامعه سازگاری دارد:

ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم؟ در این آیه منظور از کتاب و حکمت، مرجعیت علمی و دینی است و مقصود از فرمانروایی بزرگ نیز مرجعیت سیاسی است که خداوند به فرزندان حضرت ابراهیم علی عطا کرده است.

اجرای احکام اسلامی نیز نیازمند تشکیل حکومت است. اعتقاد به حکومت جهانی

... .. اهداف، ابعاد و قلمرو دین

، بیشتر در بحث نیاز ضروری انسان به نبوت، درباره نارسایی عقل انسانی دم ۲. نساء (۴): ۵۴.

حضرت ولی عصر لان وال نیز بیانگر آن است که دخالت دین در عرصه مسائل اجتماعی و حکومتی، آموزهای دینی است. بنابراین دین با تدبیر زندگی دنیایی مردم هم سو است و سکولاریسم نیز با تعالیم قرآن ناسازگار است.

۳. لیبرالیسم امروزه جوامع غربی می کوشند از تفکری به نام لیبرالیسم دفاع کنند و آن را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. اما لیبرالیسم چیست و آیا می توان زندگی انسان را براساس ارزشها و مبانی آن تدبیر نمود؟ برای پاسخ به این پرسش به اختصار به بحث در باب لیبرالیسم می پردازیم:

اندیشه اسلامی ۲... به

.. مه

معنای لغوی و اصطلاحی ممکن است با ایران است و تنها لیبرالیسم به معنای آزادی خواهی و آزادمنشی است که از واژه لیبرال به معنای آزادی خواه برگرفته شده است. لیبرال، فردی است که به آزادی و اختیار و قدرت انتخاب انسان ها استند و او را در این اعتقاد دارد و از آنجا که افراد گوناگون در برهه های زمانی متفاوت از آزادی، معانی مختلفی قصد کرده اند، لیبرالیسم چند معنا و مبهم شده است."

لیبرالیسم پدیده و ایدئولوژی غرب صنعتی است؛ به گونه ای که نمی توان آن را از تمدن غرب متمایز کرد. این اصطلاح در اصل اسپانیولی است و از نام حزبی سیاسی برآمده است که

در اوایل قرن نوزدهم از استقرار حکومت مشروطه در اسپانیا طرفداری می کرد. بعدها اصطلاح لیبرال در کشورهای اروپایی دیگر نیز رایج شد و برای نامگذاری حکومت، حزب، سیاست، یا عقیده ای به کار رفت که طرفدار آزادی و مخالف دیکتاتوری و خودکامگی بود. لیبرالیسم در مقام نظام فلسفی، به نظامی بسته از تفکر با اصول ثابت و تغییرناپذیر تبدیل نمی شود. ۲.

لیبرالیسم را میتوان به طور دقیق نگرشی به زندگی و مسائل آن وصف کرد که بر ارزش هایی همچون آزادی برای افراد، اقلیت ها و ملتها تأکید دارد.

ویراء

۱. این مسئله را در بحث ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت به تفصیل پی خواهیم گرفت.

2. Liberalism. 3. Cranston, "Liberalism", in: Encyclopedia of Philosophy, ed: paul Edwards, Vol.4, p. 458.

۴. هیوود، درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ص ۶۵؛ شاپیرو، لیبرالیسم معنا و تاریخ آن، ص ۱۳.

: زمینه های شکل گیری لیبرالیسم برخی سقراط (۳۹۹ - ۴۷۰ ق.م) را از آن رو که به آزادی تحقیق و بیان اعتقاد داشت و همچنین پیتر آبلارد (۱۱۴۲ - ۱۰۷۹ م) متکلم قرون وسطی را که از پذیرفتن بی چون و چرای آمریت آبای کلیسا سرباز زد و بر عقل تأکید بسیار می کرد، از لیبرال های برجسته دوران باستان و قرون وسطی

می دانند. اما چنان که گفتیم، لیبرالیسم زاییده تمدن بعد از رنسانس غرب است. شماری از پیشگامان لیبرالیسم در طلوع عصر جدید به صحنه آمدند که برجسته ترین آنها دزیدریوس اراسموس هلندی (۱۵۳۶ - ۱۴۶۵)، رنه دکارت فرانسوی (۱۶۵۰ - ۱۵۹۶) و جان میلتون انگلیسی (۱۶۷۴ - ۱۶۰۸) و ایمانوئل کانت آلمانی (۱۸۰۴ - ۱۷۲۴) می باشند.

اراسموس، انسان گرای مسیحی و برجسته دوره رنسانس معتقد بود که آرمان های انسان گرایی، این امکان را دارند که در درون ایمان مسیحی جایی بیابند. دکارت در کتاب گفتار در روش، با بیانی ساده و روشن و درعین حال جسورانه مدعی حاکمیت عقل در امور انسانی شد. از نظر دکارت، عقل یگانه روش کشف حقیقت است. میلتون نیز منادی آزادی بود و کانت برای انسان به عنوان یک فرد ارزشی ذاتی قائل شد. ۲۰

افکار این متفکران درواقع زمینه ظهور لیبرالیسم در غرب را فراهم نمود. البته

اندیشمندان دیگری نیز در شکل گیری لیبرالیسم نقش داشتند که برای نمونه می توان بهجان لاک انگلیسی، جان استوارت میل و ژان ژاک روسو اشاره نمود.

فصل دوم

.. مبانی و ارزش های لیبرالیسم لیبرالیسم، نوعی ایدئولوژی است که در کشورهای مختلف، صورت های گوناگونی به خود گرفته است، اما می توان یک مجموعه از اصول و ارزش ها را به عنوان مبانی در همه آنها مشترک دانست:

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

یک. فردگرایی یکی از مبانی لیبرالیسم، فردگرایی و یا برتری فرد بر هر گروه اجتماعی یا هیئت جمعی است که براساس آن باید با هر فرد همچون غایتی فی نفسه رفتار شود، نه همچون وسیله ای برای .. همان، ص ۱۱. ۲. محمد رضایی، تبیین و نقد فلسفه اخلاق کانت، ص ۱۳۵.

پیشبرد اغراض و منافع دیگران. جامعه باید به گونه ای ساخته شود که از منافع و استقلال و هویت فرد حمایت کند. از این رو، برتری فرد بر جامعه یکی از ویژگی های اساسی ایدئولوژی لیبرالیسم است. فردگرایی در مقابل تفکری در عصر فئودالیسم اروپایی بود که در آن افراد

دارای هویت های شخصی و منحصر به فرد نبودند، بلکه افراد، اعضای گروه های اجتماعی. بشمار می آمدند؛ مانند خانواده، آبادی، جامعه محلی یا طبقه اجتماعی. بنابراین زندگی و هویت افراد اساساً بر مبنای وضعیت گروه های اجتماعی تعیین می شد.

اندیشه اسلامی

ان دو آزادی. از دیدگاه لیبرالیسم، اعتقاد به شأن والای فرد، به تعهدی در برابر آزادی او می انجامد. لیبرال ها به شدت معتقدند که زندگی بدون آزادی ارزش زیستن ندارد و از همین روست که آنان همواره خواسته اند فرد

را از تضییقات و اجبارهای ناعادلانه و بازدارنده ای که حکومتها، نهادها و سنت ها به او تحمیل می کنند رها سازند.

فرد خود مختار باید آزاد باشد تا شغلش را برگزیند؛ عقایدش را اظهار کند و حتی ملیت خود را تغییر دهد. اما با این حال لیبرال ها هرگز بر این باور نیستند که فرد حق بهره مندی مطلق از آزادی را دارد. اگر آزادی نامحدود باشد، به صورت مجوز یا یک حق برای آسیب رساندن به دیگران در می آید ۲۰
: ویراست دوم)

دو سه. عقل گرایی

دفاع لیبرالیسم از آزادی، با اعتقاد به عقل گرایی پیوندی تنگاتنگ دارد. از دیدگاه لیبرالیسم، انسان با عقل خود می تواند بهترین منافع خود را بشناسد و پی گیرد و به تعبیری عهده دار زندگی خود شود و سرنوشت خویش را بسازد. از این رو لیبرال ها، عقل را راهنما و هدایتگر خود می دانند و نه وحی را. ۴۰
.. هیود، درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ص ۶۸ - ۶۶؛ گری، لیبرالیسم، ص ۱۶؛ شاپیرو، لیبرالیسم معنا و تاریخ آن، ص ۴. ۲. همان. ۳. هیوود، درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ص ۶۹. ۴. همان، ص ۷۵ - ۷۳؛ شاپیرو، لیبرالیسم معنا و تاریخ آن، ص ۷.

لیبرال ها به جهت عقل گرایی، همان گونه که مدافع آزادی بی دینی و بی اعتقادی هستند، از آزادی اعتقاد و دین نیز دفاع می کنند. بدین بیان، آنان کلیسا را نهادی خصوصی می دانند که باید آن را همانند همه نهادهای دیگر پذیرفت. از نظر لیبرال ها، رسیدن به آزادی کامل دینی مستلزم دنیوی یا غیردینی ساختن زندگی عمومی است. به طور کلی لیبرال ها در همه جا از جدایی کلیسا از دولت، آموزش همگانی و غیردینی، ازدواج مدنی و قوانین اجازه دهنده طلاق دفاع کرده اند. به تعبیری دیگر، آنان به نوعی سکولاریسم اعتقاد دارند که در آن نهاد دین باید از نهاد دولت و حکومت جدا باشد و دین تنها به حوزه خصوصی افراد مربوط است.

فصل دوم

چهار عدالت و برابری حقوق انسانها یکی دیگر از اصول بنیادین تفکر لیبرال، برابری و عدالت است که بر طبق آن همه افراد از حقوق و احترام یکسان برخوردارند و در برابر قانون دارای حقوق برابرند و حق دارند از آزادی مدنی برخوردار باشند. هیچ قانونی نباید به برخی، امتیازات خاصی بدهد و به برخی نیز تبعیض های خاصی تحمیل کند. قانون، خواه یاری دهنده و حمایت کننده و خواه مجازات کننده باید برای همه یکسان باشد. لیبرال ها کسب ثروت را نشانه شایستگی افراد می دانند. آنها معتقدند افراد از طریق پشتکار و به کارگیری قابلیت های فردی دارایی و ثروت را کسب نموده اند.

. اهداف، ابعاد و قلمرو دین

تساهل به معنای مدارا، آرمانی اخلاقی و اصلی اجتماعی است که به مردم اجازه میدهد که به طریقی سخن بگویند و عملی کنند که مطلوب ما نباشد. لیبرال ها اغلب این جمله معروف ولیر (۱۷۷۸ - ۱۶۹۴) را تکرار کرده اند که من از آنچه تو می گویی بیزارم، اما تا پای مرگ از حق تو برای گفتن آن دفاع می کنم. ۳. همان، ص

۲. همان، ص ۴؛ هیوود، درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ص ۷۶. ۳. همان، ص ۷۹.

آزادی های مدنی نظیر آزادی بیان، آزادی تشکیل انجمن ها و آزادی دین و مذهب، جملگی ضامن تساهل اند. از این رو، بیشتر مفسران می پذیرند که لیبرالیسم دست در دست کثرت گرایی تلاش میکند؛ آن هم در راستای ایجاد تنوع در ارزش ها و عقاید و علایقی که فی نفسه خوب تلقی می شوند. دفاع لیبرالیسم از تساهل ابتدا در قرن هفدهم در تلاش نویسندگانی همچون جان میلتون (۱۶۷۶ - ۱۶۰۸) و جان لاک برای دفاع از آزادی گزینش دین و مذهب، ظهور کرد. جان لاک در نامه ای درباره تساهل استدلال کرد که چون وظیفه حقیقی حکومت همانا صیانت از حیات، آزادی و مالکیت افراد است، هیچ گونه حقی برای مداخله در «مراقبت از روح انسان ها ندارد. بنابراین لیبرالیسم درواقع مشوق نسبیت گرایی اخلاقی و فرهنگی است.

اندیشه اسلامی

۲.

ویراست دوم

و نقد و بررسی

ما با ما چنانکه گفتیم، لیبرالیسم ساخته غرب صنعتی است که با توجه به شرایط حاکم در غرب رشد و تکامل یافت. میانی و ارزشهای لیبرالیسم تا حدی در عناوین کلی آن نظیر احترام به فرد، عدالت، پیروی از عقل و همزیستی مسالمت آمیز، مورد قبول عقل و اسلام است. اما همان گونه که متفکران لیبرالیست نگرش های مختلفی نسبت به این آموزه ها دارند و با این وجود عناوین کلی آن را می پذیرند، اسلام نیز این گونه عناوین را قبول دارد، ولی معنای خاصی از آنها اراده میکند. این برخی از ارزشها و مبانی لیبرالیسم را مورد نقد و بررسی قرار میدهیم:

.. فردگرایی، آزادی و عقل گرایی را می توان ملازم هم دانست. اگر باید در برابر هر گروه اجتماعی برتری را به فرد داد، بدین معناست که باید آزادی او محترم شمرده شود. دفاع از آزادی فرد، ملازم با اعتقاد به عقل گرایی که عنصر محوری آن آزادی است می باشد.

آزادی مفهوم بسیار دلنشینی است که همه انسانها بدان عشق می ورزند و برای آن مبارزه می کنند و حتی جان خود را در این راه قربانی می کنند. اما هنگام سخن درباره آزادی، باید از خود پرسید آزادی از چه چیز و برای چه چیز؟

همان .

فصل دوم

لیبرال ها براین باورند که آزادی به معنایی که قبلا مطرح شد به معنای رها شدن فرد به حال خود است تا فارغ از مداخله دیگران به دلخواه خویش عمل کند. این معنای از آزادی جنبه منفی دارد؛ زیرا مبتنی بر نبود محدودیت ها و الزامات خارجی برای فرد است. اما سؤال مهم تر، آزادی برای چه چیزی بود که لیبرال های جدید و متأخر، هوادار و مجذوب آن شدند و آن را آزادی مثبت نامیدند که براساس آن انسان آزاد است تا استعدادهای خود را شکوفا سازد .

در بحث آزادی پرسش اساسی این است که آدمی باید آزاد باشد تا چه کاری انجام دهد؟ روشن است که انسان دارای دو دسته تمایلات است: یکی خواست هایی که برخاسته از تمایلات نفسانی و حیوانی اوست که با حیوانات مشترک است و دیگری خواست هایی که مترقی و عالی است و مربوط به جنبه های انسانی اوست. چه بسیار انسان هایی که اگر به حال خود رها شوند، پیرو هوای نفس و تمایلات نفسانی خود می گردند که میگساری، قماربازی، شهوترانی بی حد، خودکشی، همجنس بازی اعتیاد به مواد مخدر، ثروت اندوزی و استعمارگری و برده داری نوین، به گونه ای که در ظاهر با آزادی فرد منافاتی ندارد، در زمره این تمایلات است. افرادی که مرتکب این اعمال زشت می گردند - که شمار آنها هم کم نیست - چنین اعمالی را براساس عنصر آزادی و احترام به فرد و عقلانیت، توجیه می کنند.....

انسان لیبرال از قید و بندهای خارجی آزاد شده است تا چه انجام دهد؟ او تمایلات حیوانی و نفسانی خود را ارضا می کند یا خصایص عالی انسانی، یعنی حقیقت طلبی عدالت خواهی، ظلم ستیزی و جز اینها را؟ درست است که انسان لیبرال به ظاهر خود را از اسارت قدرت های بیرونی فارغ نموده است، اما برده و اسیر تمایلات نفسانی خود شده که این نوع بردگی ذلیلانه تر از بردگی بیرونی است؛ چنان که امیرمؤمنان علی و می فرماید: | عبد الهوة أذل من عبد الوق. بنده شهوت از بنده مالی و ارباب ذلیل تر است.

این نام و نشان داده اند واهداف، ابعاد و قلمرو دین

. همان، ص ۷۲.

۲. آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۳۰۴.

اندیشه اسلامی

...۲

پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

مبارزه با تمایلات نفسانی، جهاد اکبر است که مهم تر از مبارزه با دشمنان

بیرونی انسان است که جهاد اصغر می باشد. یکی از اهداف پیامبران الهی نیز آن است که انسان را تزکیه کنند و به گونه ای بیروارند که بتواند در عرصه صفات انسانی رشد و تعالی یابد و به تعبیری اسیر و بنده شهوت نگردد. بسیاری از مناسک دین نظیر نماز و روزه نیز در این راستا قابل توجیه اند.

بنابراین تعلیم و تربیت و شرایط زندگی در جامعه باید به گونه ای برنامه ریزی شود که در جهت رشد و تعالی صفات اخلاقی و انسانی باشد، نه اینکه تعلیم و تربیت و برنامه آموزشی خنثی باشد و حتی برنامه ها به سوی رشد ویژگی های حیوانی و رذایل اخلاقی جهت یابد. این در حالی است که از نظر لیبرال ها، دولت هیچگونه حقی برای مداخله در مراقبت از روح انسان ها ندارد.

بنابراین اشکال عمده لیبرالیسم این است که کوشیده انسان را به ظاهر از الزامات بیرونی برهاند، ولی او را گرفتار و بنده هوای نفس گردانیده است. انسان ها برای رهایی از بندگی برون و درون ناگزیرند از دین حقیقی و تحریف ناشده که همان دین اسلام است، پیروی نمایند تا سعادت دنیا و آخرت خود را تأمین کنند.

همچنین اعتقاد به فردگرایی نباید مانع از آن باشد که جامعه نیز بستر و زمینه رشد و تعالی معنوی در فرد را فراهم آورد؛ چراکه جامعه و فرد تأثیری متقابل برهم دارند؛ یعنی همان گونه که به فرد اصالت می دهیم، باید به جامعه نیز اصالت دهیم که این برخلاف آموزه لیبرالیسم است.

۲. در بحث از عقل گرایی مطرح شد که لیبرالها عقل را راهنما و هدایتگر خود می دانند، نه وحی را. شکل گیری چنین اعتقادی که در آن عقل در برابر وحی و دین قرار می گیرد، ناشی از آموزه های دینی مسیحیت است؛ بدین بیان که آموزه های اساسی این دین نظیر تثلیث، الوهیت عیسی عل، مرگ فدییه وار عیسی عالی، گناه ذاتی انسان و عشای ربانی با عقل همخوانی ندارد و انسان برای اعتقاد به این آموزه ها باید عقل خود را کنار نهد و به آنها ایمان آورد. لیبرال ها با توجه به این نوع نگرش به دین، این باور را پذیرفتند که انسان ویراست دوم)

۱. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۱۱۰.

یا باید از دین تبعیت کند، یا از عقل. بنابراین عقل گرایی بدین معناست که انسان از عقل پیروی کند، نه از دین و وحی.

این پندار لیبرال ها از رابطه عقل و دین به هیچ رو صحیح نیست. در اسلام بر این نکته تصریح شده است که خردمندان و صاحبان عقل و خرد هستند که خدا و دین را می پذیرند و خوبی و بدی را باز می شناسند و به بهشت رهنمون می گردند؛ و در مقابل کافران و مخالفان دین افرادی اند که از تعقل و خردورزی بی بهره اند. عقل در دین اسلام حجت باطنی نام گرفته که همسنگ با حجت بیرونی (انبیا و رسولان الهی) است. بنابراین انسان ها در عین حال که می توانند عقل را راهنما و هدایتگر خود بدانند، همین عقل آنها را به دین رهنمون می کند تا جامعه خود را براساس آموزه های دین تدبیر نمایند؛ چه آنکه دین، رشد و تعالی صفات اخلاقی و انسانی را در پی دارد.

۳. لیبرالها براساس عقل گرایی، به حکومت سکولار معتقد شده اند که در آن نهاد دین باید از نهاد حکومت جدا باشد. اندرو هیوود دراین باره می گوید:

یکی از ویژگی های مهم فرهنگ لیبرالیستی را تمایز میان قلمرو عمومی و خصوصی زندگی تشکیل می دهد. بر مبنای این تمایز، یک جدایی کامل

میان قلمرو عمومی و خصوصی زندگی وجود دارد: قلمرو عمومی زندگی توسط قواعد اجتماعی به وجود می آید و تابع اقتدار سیاسی است. در

قلمرو خصوصی زندگی، مردم از این آزادی بهره مند هستند که به میل خود رفتار کنند. مزیت بزرگ این تمایز از منظر یک لیبرال این است که با محدود کردن قدرت دولت به لحاظ دخالت در امور شخصی با خصوصی، آزادی فرد را تضمین می نماید. اما ضمناً آثار و عوارض مهمی برای دین دارد؛ زیرا آن را به زندگی خصوصی محدود می کند و اجازه می دهد که زندگی اجتماعی بر یک مبنای دقیقاً غیردینی سامان یابد

فصل دوم، وه

أهداف، ابعاد و قلمرو دین

بنابراین قائلان به لیبرالیسم اعتقاد دارند که دین امری شخصی است و نباید در حوزه اجتماعی و تدبیر زندگی دخالت نماید .

.. هیوود، درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ص ۵۰۴.

اندیشه اسلامی ۲

اشکال این دیدگاه آن است که ما از پیش برای دین تعیین تکلیف کرده ایم که تو در چه حوزه ای دخالت کن و در چه حوزه ای دخالت نکن. حال اگر با بررسی دین به ویژه اسلام آشکار شد که بسیاری از آموزه های آن مربوط به حوزه اجتماعی است، آیا می توان به اسلام باوران گفت که شما متدین به دین اسلام باشید، ولی بسیاری از آموزه های آن را ناصحیح بدانید؟ این تناقض است که انسان ها آزادی انتخاب دین را داشته باشند، اما نتوانند به آموزه های آن دین جامه عمل بپوشانند. البته خصوصی سازی دین در مورد مسیحیت ممکن است روا باشد؛ چه آنکه تدبیر و برنامه ریزی مشخصی برای زندگی اجتماعی انسان ها ندارد، ولی این امر در مورد اسلام صحیح نیست.

۴. یکی دیگر از مبانی لیبرالیسم، عدالت و برابری انسان ها در برابر قانون است. اینکه همه انسان ها در برابر قانون، حقوق برابر داشته باشند، امری بسیار نیکوست. اما عدالت، تنها به این جنبه محدود نمی شود. برای مثال، عدالت در ساختار حاکمیت و دولت به چه معناست؟ آیا حاکمان باید دارای صفات اخلاقی نیکو باشند، یا اینکه تبهکاران و صالحان به یکسان حق حاکمیت دارند؟ آیا عدالت اقتضا می کند که حاکمان فقط به جنبه های مادی و حیوانی انسان توجه کنند و زمینه رشد و شکوفایی آن را مهیا سازند، یا اینکه باید به صفات و فضایل اخلاقی انسان نیز بنگرند و بستر رشد آن را فراهم کنند؟ آیا اقتضای عدالت این است که حکومت، کانون خانواده

را حفظ کند، با زمینه تلاشی شدن آن را فراهم سازد؟ آیا عدالت اقتضا می کند که نسبت به تربیت فرزندان، مادر عهده دار آن شود با پدر و یا هر دو؟ در حوزه قانون گذاری عدالت به چه معناست؟ بنابراین عدالت ابعاد وسیعی دارد. ما هنگامی می توانیم در مورد انسان ها و زندگی خانوادگی و اجتماعی آنها قوانین عادلانه ای وضع کنیم که کاملاً ابعاد وجودی انسان را بشناسیم و این کاری است که از عهده آدمی بر نمی آید. بی شک تنها خداوند حکیم که خالق انسان هاست می تواند با علم و حکمت نامتناهی اش قوانین عادلانه ای برای انسان ها و اداره زندگی شان وضع نماید که البته این قوانین در قالب دستورهای دینی جلوه گر شده است. خداوند یکی از اهداف بعثت انبیا را اقامه قسط و عدل در جامعه می داند؛ بدین معنا که باید روابط و مناسبات اجتماعی براساس عدالت تنظیم شود.

نه.....)

ویراست دوم)

. بنگرید به : حدید (۵۷): ۲۵.

حتی پیامبر اسلام می فرماید: من مأمور هستم که در میان شما عدالت ورزم. از این رو، یکی از اهداف پیامبران اجرای عدالت در تمام ارکان زندگی است. شواهد بسیار حاکی از آن است که اگر می باید عدالت در تمامی ابعاد در جامعه اجرا شود، این وظیفه از عهده پیامبران الهی بهتر برمی آید تا افراد لیبرال.

در پایان باید گفت که لیبرالیسم در عمل به گونه ای دچار ضعف و تزلزل گردیده است که تاریخ شاهد شکست مبانی و اصول و ارزش های ناشی از آن است.

ه) گوهر مشترک دین و راز تعدد شریعتها

گوهر مشترک دین

فصل دوم

گوهر و حقیقت مشترک همه شریعت های الهی، اسلام است که همان تسلیم بودن در برابر خداست. بی شک همه ادیان الهی در اصول دین، یعنی توحید، نبوت و معاد و در اصول اخلاقی و کلیات احکام فردی و اجتماعی مشترک اند.

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

راز تعمل فی الشرایع شرایط زندگی انسان ها در طول تاریخ اقتضا دارد که برخی احکام جزئی و فرعی با هم متفاوت باشند. از آنجا که چنین شرایطی متغیر است ، تبعاً احکام متناسب با آنها نیز متغیر می باشد و راز تعدد و نسخ شریعت ها نیز همین است. از این روست که خداوند می فرماید:

یکل جعلنا منذ شرعة ومنهاجة

برای هر یک از شما آامتها شریعت و راه روشنی قرار داده ایم. بنابراین شریعت های گوناگون، متناسب با استعداد و شرایط زندگی انسان ها و مقام انبیای الهی شکل می گیرند. همه شرایع در اصول مشترک هستند و با هم اختلافی ندارند، اما در برخی احکام به مقتضای زمان با هم تفاوت دارند و شریعت بعدی، شریعت پیشین را ۱. شوری (۴۲): ۱۵. ۲. مائده (۵): ۴۸.

در آن مورد نسخ میکند. آخرین شریعت که پیام های آن تا روز رستاخیز اعتبار خاصی دارد و شریعتی پس از آن نخواهد آمد، شریعت پیامبر خاتم بر است.

راز جاودانگی و حقانیت شریعت اسلام
.. الی جبهه اسلامی ۰۲-۰۰-۲۰ ...

از آنجا که دین اسلام آخرین و کامل ترین شریعت است، قوانین اساسی آن نیز جاودانه می باشد. قرآن و روایات اسلامی نیز جاودانه بودن احکام و قوانین اساسی اسلام را به صراحت بیان می دارند. خداوند در قرآن کریم اعلام می کند که هیچ باطلی به قرآن راه ندارد. همچنین پیامبر در حدیثی می فرماید:
حلال حمیر حلال الی یوم القیامه و حرامه حرامه الی یوم القیامه حلال محمد تا روز قیامت حلال است، و حرام وی تا روز قیامت حرام.

... سمند)

ویراست دوم):

اکنون جای این پرسش است که راز جاودانگی شریعت اسلام در چیست؟ در پاسخ باید گفت، قوانین اسلام براساس ساختار وجودی و فطرت انسان وضع شده اند و چون این گوهر وجودی در طی اعصار و قرون ثابت است، قوانین اسلام نیز ثابت و پابرجاست و رمز بقای قوانین اسلام نیز همین است.

هرچند رشد صنعت و فناوری، شکل زندگی را دگرگون ساخته است، اما نتوانسته با ماهیت انسان چنین کند. بی شک یک سلسله امور که برخاسته از فطرت آدمی است، در طی اعصار و قرون ثابت مانده است؛ علاقه به علم آموزی و رشد و تکامل، علاقه به هم نوع و حتی حیوانات و محیط زیست، تمایل به تجارت و مالکیت خصوصی و روابط اجتماعی و خانوادگی، نیاز به همسر، مسکن و پوشش، صیانت نفس، عشق به زیبایی و همچنین یک سلسله مسائل اخلاقی نظیر گرایش به عدالت، وظیفه شناسی، کمک به هم نوع، ایثار و فداکاری و اجتناب از ظلم، دروغ و خیانت از این دست امور هستند.

بنابراین هرچند شکل زندگی امروزه با گذشته تفاوت یافته است، اما امور فطری انسان همچنان ثابت و پابرجاست. قرآن نیز بر این حقیقت تأکید می کند:

.. لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم جید. فصلت (۴۱:۴۲) ۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۸.

فأقم وجهك للين حنيفا فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الى القيد ولكن أكثر الناس لا يعلمون. پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییر پذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

فصل دوم

براساس این آیه، گرایش انسان به دین، مقتضای فطرت آدمی است و این فطرت نیز تغییرپذیر نیست و همچنین خود دین نیز مطابق با فطرت اوست.

ممکن است پرسیده شود از آنجا که جامعه انسانی روز به روز در حال پیشرفت و گسترش است و انسان ها همواره با مسائل تازه روبه رو می گردند و با توجه به محدودیت و ثبات قوانین اسلامی چگونه می توان حکم همه این مسائل را تعیین نمود؟

در پاسخ باید گفت منابع احکام اسلامی آن چنان غنی و گسترده است که حکم هر مسئله ای را می توان با توجه به این منابع تعیین نمود؛ درست همانند مسائل ریاضی که ریاضیدانان می توانند هر مسئله را با توجه به اصول اساسی ریاضیات حل کنند.

عالمان اسلام افزون بر منابع غنی و سرشار دینی، ابزارهای دیگری نیز در اختیار دارند که می توانند با بهره گیری از آنها حکم هر مسئله ای را مشخص نمایند. این ابزارها عبارتند از:

.. حجیت حکم عقل: اسلام با اعتباربخشی به احکام صحیح عقلی توانسته است حکم برخی از مسائل را تعیین کند. در روایات اسلامی، حجیت عقل هم طراز با حجیت قرآن و روایات قرار گرفته است. از این رو، عقل یکی از منابع فقه اسلامی است که به مدد آن می توان حکم پاره ای از مسائل را تعیین نمود.

۲. قاعده اهم و مهم: از آنجا که احکام اسلامی، تابع مصالح و مفاسد است و از سویی مصلحت و مفسده چیزها نیز یکسان و مساوی نیست، عالمان اسلامی در برخی موارد باید مصالح و مفاسد را با هم بسنجند و مصلحت کم اهمیت تر را فدای مصلحت مهم تر نمایند. این همان قاعده اهم و مهم است که به کمک آن بسیاری از مشکلات فراروی عالمان اسلامی حل می شود. مثلا از یک سو، در روزگار ما تشریح جسد برای پیشرفت علم پزشکی

... اهداف، ابعاد و قلمرو دین

.. روم ۳۰:۳۰.

. اندیشه اسلامی

ضروری شناخته شده است و از سوی دیگر در اسلام جسد و بدن میت مسلمان از احترام خاصی برخوردار است. بنابراین هر دو امر مصلحت است، ولی باید دید کدام مصلحت مهم تر است. آیا پیشرفت و تحقیقات پزشکی که موجب سلامتی هزاران فرد می شود، مهم تر است یا احترام به بدن میت؟

۳. گشوده بودن باب اجتهاد: این مورد که از افتخارات و امتیازات مذهب تشیع است، خود از عوامل مؤثر در جاودانگی شریعت اسلام بشمار می رود. عالمان دین با استفاده از قرآن، روایات، اجماع و عقل، در پرتو اجتهاد زنده، پویا و مستمر، حکم مسائل و حوادث جدید را استنباط می کنند.

۴. پیروی از قواعد حاکمه فقهی: در شریعت اسلام یک سلسله قواعدی نظیر «نفی حرج» و «نفی ضرر» وجود دارد که عالمان اسلامی بسیاری از گره ها را با به کارگیری آنها می گشایند. فقها این قواعد را «قواعد حاکمه» نامیده اند؛ یعنی قواعدی که بر تمامی احکام و مقررات اسلامی چیره اند و بر همه آنها حکومت می کنند. بر پایه این قواعد، هر حکمی از احکام اسلامی که مستلزم حرج و مشقت و ضرر و زیان باشد، برداشته می شود. البته تشخیص مصادیق آن برعهده عالمان دین است. بر این اساس می توان گفت پیروان مکتبی که از این قاعده ها بهره می گیرند هیچگاه در زندگی به بن بست نمی رسند.

از آنچه بیان شد به خوبی برمی آید که شریعت اسلام جاودانه است و تا ابد می تواند پاسخگوی نیازهای دینی آدمیان باشد.

۲ ۵... * ۱۱۰۰۱۰۰ ویراست دوم)

اور کثرت گرایی دینی و گوهر مشترک : را در بحث های گذشته دیدگاه اسلام را در باب مذاهب و شریعت های مختلف بیان نمودیم. امروزه تبیین و توجیه تکثر و تنوع ادیان یکی از مسائل مهم در عرصه فلسفه دین و دین پژوهی است. دراین باره پرسش اساسی این است که آیا مذاهب و شریعت های مختلف از حقانیت و نجات بخشی یکسانی برخوردارند؟ به تعبیری دیگر، آیا همه آنها حق و عمل .. حج (۲۲): ۷۸. ۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۹۲.

بدانها موجب رستگاری و دستیابی به بهشت جاویدان است، با اینکه یکی از آنها حق و بقیه آمیزه ای از حق و باطل اند و یا آنکه عمل به تعالیم یکی از ادیان موجب رستگاری در آخرت می شود و رستگاری پیروان دیگر ادیان بسته به شرایطی است؟ |

دیدگاه هایی را که برای پاسخ به این پرسش شکل گرفته اند می توان به سه دسته بخش بندی کرد:

۱. حقانیت و نجات بخشی مطلق یک دین (انحصارگرایی) براساس این دیدگاه تنها یک دین حقانیت کامل دارد و بقیه مذاهب هرچند ممکن است از حقانیت بهره ای داشته باشند، حق مطلق نیستند و پیروان واقعی آن دین حقیقی نیز به طور مطلق اهل نجات اند، اما پیروان سایر مذاهب چنین فرجامی ندارند.

فصل دوم .

نقد و بررسی

۱ در

اسلام در جایگاه کامل ترین و واپسین دین الهی، خود را حق و نجات بخش مطلق می داند. اما همه مذاهب پیش از خود را نیز تأیید میکند و اعلام می دارد که ادیان دیگر تحریف شده اند، و پیروان آنها با شرایطی اهل نجات خواهند بود.

اسلام برای اثبات حقانیت خود، قرآن را معجزه جاویدان معرفی می کند و اعلام می دارد که اگر کسی در حقانیت آن تردید دارد، سوره ای مانند آن بیاورد. قرآن در تأیید نجات بخشی مطلق خود می فرماید:

فإن آمنوا بمثل ما آمنتم به فقد اهتدوا . پس اگر آنان [هم] به آنچه شما بدان ایمان آورده اید، ایمان آورند، قطعاً

هدایت شده اند.

أهداف، ابعاد و قلمرو دین

حال باید دید وظیفه مردم در شرایطی که مذاهب گوناگون نظیر اسلام، یهود و مسیحیت، هریک مدعی حقانیت و نجات بخشی مطلق باشند چیست؟ بیگمان همه

.. وإن ثم فی رء ۲. بقره (۲): ۱۳۷.

ما نلنا علی عبدنا فأتوا بشورۃ من ممثلی و اغوا شهداکم من دون الله إن کنتم صادقین . بقره (۲): ۲۳

ادیان نمی توانند از حقانیت یکسان برخوردار باشند؛ چراکه مسیحیت به تثلیث اعتقاد دارد و آخرین پیامبر و اصل خوی وحی را حضرت عیسی ان می داند، درحالی که اسلام به خدای واحد معتقد است و پیامبر اسلام او را آخرین پیامبر و خود را آخرین تعالیم الهی می داند. به هر روی، همه این عقاید نمی توانند حقانیتی یکسان داشته باشند. اما وظیفه مردم آن است که دلایل مذاهب مختلف را با توجه به معیارهایی که در اختیار دارند، ارزیابی کنند و هر کدام را که قوت و استحکام بیشتری داشت، برگزینند. قرآن در این باره می فرماید:

فبر عبالج و البیین یشیعون القول فییون أخته پس بشارت ده به آن بندگان من که: به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند

اندیشه اسلامی ۰۲

همچنین در آبهای دیگری آمده است:

قل هاتوا برهانکم إن صادقین . . بگو: اگر راست می گوئید، برهان خویش را بیاورید.

ویراست دوم) :

برخی از متفکران مغرب زمین معتقدند اینکه بک دین به طور مطلق حق و نجات بخش باشد و فقط پیروان خاص این دین اهل نجات باشند و پیروان مذاهب دیگر در آخرت گرفتار عذاب شوند، با رحمت واسعه خداوند منافات دارد. آنان این پرسش را مطرح کرده اند که چگونه ممکن است خدای رحمان و رحیم تنها اندکی از انسان ها را به بهشت برد؟

در پاسخ به این اشکال می توان گفت اسلام در کنار اعتقاد به حقانیت و نجات بخشی مطلق خود، به رحمت واسعۀ خداوند نیز معتقد است؛ آن گونه که می گوید: رحمت خدا همه چیز را فرا گرفته است. از همین رو، اسلام معتقد نیست که بیشتر انسان ها هرچند از پیروان مذاهب دیگر باشند، گرفتار عذاب می شوند؛ زیرا آنها به دو گروه تقسیم می شوند:

۱. گروهی که بر اثر عوامل محیطی و تبلیغاتی نتوانسته اند به حقانیت اسلام پی برند و عوامل بیرونی مانع از دریافت پیام های دین نجات بخش توسط آنان شده است. به جهت استضعاف فکری محکوم به عذاب الهی نخواهند بود.

.. زمر (۳۹): ۱۸ - ۱۷. ۲. نمل (۲۷): ۶۴.

۲. گروهی که به آخرین شریعت الهی دسترسی داشته و می توانسته اند آیین حق را از غیر آن بازشناسند، اما در این مورد تقصیر نموده و به عللی بر پیروی از آیین نیاکان خود اصرار ورزیده اند که بی شک اینان اهل عذاب الهی خواهند بود.

۲. شمول گرایی

شمول گرایی بر آن است که یک دین خاص، حق مطلق است و پیروان آن نجات می یابند، اما پیروان مذاهب دیگر نیز به اندازه انطباق با دین حق می توانند اهل نجات شوند. خاستگاه این نگرش، جهان مسیحیت است. مدافعان این دیدگاه معتقدند با اینکه دین مسیحیت از حقانیت و نجات بخشی مطلق برخوردار است، کسانی هم که مسیحی نیستند، می توانند به سعادت جاودانه برسند و به تعبیر کارل رانر، متکلم برجسته کاتولیک، غیرمسیحیان می توانند حتی بدون آگاهی خود، مسیحیان گمنام نامیده شوند. امروزه شمول گرایی گسترده ترین دیدگاه پذیرفته شده در میان متکلمان مسیحی و رهبران کلیساست .

فصل دوم

است اما باید بدانید:

نقد و بررسی

-- اهداف، ابعاد و قلمرو دین

شمول گرایی، تبیینی واقع گرایانه از تکرر دینی نیست. باید دید اگر پیروان هر دینی، دبین خود را حق و معیار و پیروان سایر مذاهب را پیروان گمنام آن دین معرفی کنند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ به نظر می رسد لازمه این نگرش، دیدگاهی غیر واقع گرایانه در باب شناخت واقعیت ها و حقایق است. هر دینی دارای آموزه های شناختی است که گاه این آموزه های شناختی با هم متعارض و ناسازگار است. مثلاً دین مسیحیت به تثلیث معتقد است و اسلام به خدای واحد. حال اگر پیروان هر دینی اظهار دارند که دین آنها حق است، عملاً با آموزه های ناسازگار با هم روبه رو خواهیم بود. وظیفه هر انسانی آن است که با تأمل سعی کند به آموزه صحیح دست یابد و یا از میان

شریعت ها، شریعت حقیقی و درست را برگزینند. حال اگر افرادی بر اثر تعقل به این نتیجه رسیدند که خدا یگانه، تعالیم پیامبر اسلام ای همگی وحی الهی و قرآن نیز معجزه جاویدان است، اما بر مخالفت با این آموزه ها .. هیک، پلورالیسم دینی و اسلام، ص ۴۵.

اصرار داشتند، آیا باز اهل نجات اند. از آنجا که خداوند این افراد را مورد مذمت قرار می دهد، نمی توانند اهل نجات باشند. چنین می نماید که شمول گرایی دست کم برخلاف نظر اسلام است. البته اسلام با شرایطی، پیروان مذاهب دیگر را اهل نجات می داند، ولی نه به طور کلی، همچنین پیروان هر دینی باید به منابع دینی خود مراجعه کنند تا آشکار شود چه کسانی اهل نجات اند و چه افرادی اهل نجات نیستند. اگر منابع دینی بک مذهب و آیین، پیروان مذاهب دیگر را با شرایطی اهل نجات نداند، آیا پیرو آن دین باز می تواند به شمول گرایی اعتقاد پیدا کند؟ از این رو، شمول گرایی نمی تواند مبنای صحیح برای تبیین تکثر مذاهب مختلف باشد. اندیشه اسلامی، ۲، ...

. اویراست دوم

براساس دیدگاه کثرت گرایی همه مذاهب هم زمان از حقانیت و نجات بخشی یکسان . برخوردارند. این دیدگاه، آموزه های گوناگون و گاه متناقض همه مذاهب را به طور یکسان صحیح و همچنین پیروان همه مذاهب را، اهل نجات می داند و تفاوتی بین مذاهب مختلف قائل نیست. امروزه در جهان غرب، جان هیک به عنوان یکی از صاحب نظران در قلمرو فلسفه دین، مدافع و مروج این دیدگاه است.

وی در توجیه فلسفی این رویکرد معتقد است که بک واقعیت متعالی یا حقیقت مطلق در خارج وجود دارد که وقتی انسان ها با آن روبه رو می شوند، تفسیرهای مختلفی از آن به دست می دهند که همه آنها صحیح است و آنچه مهم است، مواجهه با این واقعیت متعالی است، نه تفسیرهای مختلف از آن. براساس این دیدگاه، پیروان هیچ دینی نباید تفسیرهای خود را از این واقعیت متعالی، مطابق واقع بدانند، بلکه تنها باید بگویند برای ما چنین به نظر رسید.

نقد و بررسی . .. جان هیک از لحاظ فلسفی اعتقاد دارد که بک واقعیت متعالی یا حقیقت مطلق در خارج

دیده بیمه .. م،

و ----

. همان، ص ۴۹.

وجود دارد که هیچ مذهبی نباید مفهوم و عقیده و تفسیر خود را بدان نسبت دهد. حال باید پرسید وی از کجا و به چه روشی به این اعتقاد رسیده که یک واقعیت متعالی در خارج هست؟ اگر راه و روشی برای رسیدن به این اعتقاد وجود دارد، ما می توانیم با همان روش، صفات و ویژگی های دیگر این واقعیت متعالی را کشف کنیم و به عالم خارج نسبت دهیم و در نتیجه یک تفسیر از خدا صحیح می شود، نه همه تفسیرها. اما اگر هیچ روشی برای

شناخت صحیح واقعیت متعالی وجود ندارد، از چه راهی می توان وجود آن را کشف کرد؟ بنابراین جان هیک با بن بستى روبه روست که یا باید واقعیت متعالی را انکار کند، یا اینکه برخی تفسیرها از واقعیت متعالی را صحیح بداند. او به هر یک از این دو اعتقاد بآید، با مشکل مواجه است.

۲. چنین دیدگاهی برخلاف اعتقادات مذاهب مختلف است. هر مذهبی تفسیر خاص خود از خدا و واقعیت متعالی در خارج را صحیح می داند و دیگر تفسیرها را نادرست. برای مثال، اسلام اعتقاد دارد که خداوند حقیقت واحد، خالق، رحیم، رحمان، رزاق، حیات دهنده، میراننده و جز اینهاست و هر تفسیری را که مخالف آن باشد، نادرست می شمارد. از این رو، اگر به مسلمانان گفته شود که شما تفسیر خود را از خداوند به خارج نسبت ندهید، آنها چنین دیدگاهی را نخواهند پذیرفت. بنابراین کثرت گرایی، تبیینی نیست که پیروان مذاهب به آن تن در دهند. ۳. قرآن که وحی الهی است، پیامبر اسلام

را پیام آور همه جهانیان و خود را نیز کتاب آسمانی همه مردم معرفی می کند و در این دعوت عمومی هیچ قوم و قبیله و پیروان مذهب دیگری را استثنا نکرده است:

وما أرسلناک إلاّ اقلّة للّٰتٰی بشیر دیرة وما تو را جز به سمت بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم، نفرستادیم.

فصل دوم

: أهداف، ابعاد و قلمرو دین

وما أرسلناک إلاّ املّة للعالمین و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

اگر تفسیرهای دیگر از خدا و سایر مذاهب صحیح می بود، قرآن نمی بایست پیامبر

.. سبأ (۳۴): ۲۸. ۲. انبیاء (۲۱): ۱۰۷.

اسلام له را پیامبر همه جهانیان و قرآن را کتاب آسمانی همه مردم معرفی کند.

این در حالی است که قرآن حتی اهل کتاب را مذمت می کند که چرا از اسلام پیروی نمیکنند:

یا اهل الکتاب یتّم تبلیشون الحق بالباطل وتکون الحق وأنتم تعلمون ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل درمی

آمیزید و حقیقت را کتمان می کنید، با اینکه خود می دانید؟

در آیه دیگری نیز می فرماید:

اگر آنها نیز به مانند آنچه شما ایمان آورده اید ایمان بیاورند، هدایت یافته اند؟

. اندیشه اسلامی

۲...

براساس این آموزه های قرآنی پیامبر اسلام، اهل کتاب را به پذیرش آیین اسلام دعوت می نمود که نامه های

پیامبر به سران کشورهای روم، حبشه، ایران و رهبران قبایل یهودی و مسیحی از آن جمله است. پیامبر از

نجاشی، حاکم نصرانی حبشه، می خواهد که به آیین اسلام درآید:

همانا من تو را به خدای واحد بیشریک و اطاعت از او دعوت می کنم و می خواهم از من تبعیت کرده و به آیین من ایمان بیاوری؛ چرا که من فرستاده خدا هستم.
کا نام در بانه --

ویراست دوم).

آن حضرت در نامه ای به حاکم مسیحی قبط مصر و هرقل، پادشاه روم می فرماید:
من تو را به اسلام دعوت می کنم و در صورت عدم پذیرش، مسئول گناه تمامی مردم قبط و روم خواهی بود. |
بنابراین کثرت گرایی تبیین درستی برای مذاهب مختلف نیست و همچنین برخلاف آموزه های قرآنی است. در واقع تبیین درست، همان نگاه اسلام به مذاهب و شریعت های مختلف است.
.. آل عمران (۳): ۷۱. ۲. قان آمنوا بمثل ما آمئتم به فقد اهتدوا. بقره (۲): ۱۳۷ ۳: احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۱۲۱ ۴. همان، ص ۹۷ و ۱۰۵.

و رابطه علم و دین

فصل دوم - - - - -

پس از رنسانس و برخورد نادرست کلیسا با دانشمندان، در حوزه دین پژوهی رابطه علوم تجربی با دین مورد توجه بیشتری قرار گرفت. یافته های علمی با دین سازگار است یا ناسازگار و در صورت ناسازگاری، ترجیح با کدام است؟ اصولاً چه نوع رابطه ای بین علم و دین وجود دارد؟ آیا مشاهده و آزمایش را که روش علوم تجربی است، می توان در مورد امور ماورای طبیعی به کار گرفت و به اظهارنظر در این قلمرو پرداخت؟ دیدگاه اسلام درباره علوم تجربی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش ها باید به رابطه علم و دین بپردازیم، اما پیش از آن بجاست تعریفی اجمالی از «علم» و «دین» بیان کنیم:

تعریف علم: علم گاه به معنای عام اراده می شود که اعم از علوم عقلی، نقلی، تجربی، اخلاقی، عرفانی، هنری، ادبی و جز اینهاست و گاه نیز معنای خاص آن اراده می شود که همان علوم تجربی است؛ علمی که روش آن مشاهده و آزمایش است و شامل روان شناسی، جامعه شناسی، باستان شناسی و علوم طبیعی نظیر نجوم، فیزیک، زیست شناسی و شیمی می باشد. منظور از علم در این بحث، علوم تجربی و بیشتر علوم طبیعی است.....
تعریف دین: درمورد دین تعریف های بسیاری مطرح شده که هر یک ناظر به یکی از ابعاد دین است، اما در این بحث منظور ادیان ابراهیمی است، یعنی بیهودیت، مسیحیت و اسلام، و همان گونه که در تعریف دین گذشت، دین تعالیمی است که خداوند به واسطه پیامبران برای هدایت بشر نازل کرده است. این تعالیم، دارای ابعاد مختلفی است که بخشی مربوط به عالم ماورا و غیب، بخشی مربوط به حوزه اخلاق، بخشی مربوط به تکالیف فردی و اجتماعی و بخشی نیز مربوط به نظریاتی در باب جهان و انسان و برخی حوادث خارجی و ... است.
برای روشن شدن بحث رابطه علم و دین، به برخی ویژگی های علوم تجربی که پس از رنسانس شکل خاصی به خود گرفته، اشاره می کنیم.

به اف، ابعاد و قلمرو دین

اندیشه اسلامی، ۲. .

و دارای ویژگی های علوم تجربی .. علوم تجربی، علمی است که از طریق روش تجربی، یعنی مشاهده و آزمایش به دست می آید و به تعبیری قلمرو فعالیت آن، امور مادی است و در امور غیرمادی و غیرتجربی نمی تواند به فعالیت و اظهارنظر پردازد؛ چراکه در قلمرو امور ماورای طبیعی و غیرتجربی، مشاهده و آزمایش کارساز نیست. ۲. مفاهیم و قوانین علمی، بازنمود جهان عینی اند و به تعبیری دانشمندان در کار علمی خویش معتقد به رئالیسم (واقع گرایی) هستند. اخترشناسان، زمین شناسان، زیست شناسان و شیمیدانان تقریباً همواره نظریه های علمی را بیانگر رویدادهای جهان خارج تلقی می کنند .

۳. در قلمرو علوم تجربی، صحت هیچ نظریه ای را نمی توان اثبات کرد و حداکثر چیزی که درباره یک نظریه می توان گفت، این است که توافق بیشتر با بهتری با معلومات موجود دارد و در حال حاضر از نظریه های بدیل، جامع تر است. چه بسا نظریه های دیگری باشند که در آینده با این معیارها موافق با موافق تر درآیند. بنابراین در این قلمرو هر ضابطه سازی و تدوینی (قانون) موقتی و دستخوش بازبینی است. |

بنابراین در حوزه علم تجربی هرگز یقین به دست نمی آید. آرنیوس شیمیدان به خاطر نظریه تجزیه الکترولیتی خود جایزه نوبل دریافت کرد، اما چندی بعد همان جایزه به شیمیدان دیگری به نام دبای " که نارسایی های نظریه آرنیوس را نشان داده بود، تعلق گرفت. همچنین مفهوم جفت نمایی " (تقارن چرخش) که دیرگاهی به عنوان اصلی اساسی در ساختمان هسته پذیرفته شده بود، در سال ۱۹۵۶ متزلزل شد .

ازاین رو، برخی فیلسوفان نظیر رودلف کارنپ (۱۸۹۱ - ۱۹۷۰) فیلسوف پوزیتیویست و منطق دان آلمانی و هانس رایشنباخ (۱۸۹۱-۱۹۵۳) فیلسوف پوزیتیویست اتریشی - آمریکایی، ویراست دوم)

۱. باربور، علم و دین، ص ۲۰۷. ۲. سوانته آوگوست آرنیوس (۱۸۵۹ - ۱۹۲۷) دانشمند سوئدی در رشته شیمی - فیزیک و برنده جایزه نوبل شیمی در سال ۱۹۰۳. ۳. پیتر یوزف دمای (۱۸۸۴ - ۱۹۶۶) دانشمند هلندی - آمریکایی در رشته شیمی - فیزیک و برنده جایزه نوبل شیمی در سال ۱۹۳۶. (مصاحب ، دائرة المعارف فارسی)
4. Parity. 5. Skin Symmetry.
۶. باربور، علم و دین، ص ۱۸۰ - ۱۷۹.

طرفدار محاسبه میزانی از احتمال بودند که بر طبق آن می توان یک نظریه را معتبر شمرد. امروزه حتی مطرح می شود که جامعه اهل علم، از یک سنت خاص علمی تبعیت می کند و نظریات مخالف با سنت یا خلاف عرف علم را یا رد می کند، همانند هیپنوتیزم، یا آنها را نادیده می گیرد، همانند مسئله ادراک فراحسی، و یا با آن کج دار و مریز رفتار میکند، همانند طب سوزنی. حتی توماس کوهن، انقلاب علمی را مطرح

می سازد که براساس آن با تحولی در سرمشق های علمی، همه نظریات، معنای جدیدی به خود می گیرند. این باربور در این باره می گوید:

تلاش علمی غالباً در چارچوب یک «سنت مأثور» انجام می گیرد که تعیین می کند چه نوع تبیینی را باید جستجو کرد (بدین سان وقتی قوانین نیوتون به صورت «سرمشق» درآمد، از آن پیس تبیینها بر وفق نیروها و حرکات ذره های انجام می گرفت). سنت بر مفاهیمی که دانشمندان از خلال آنها جهان را می نگرند و انتظاراتی که حاکم بر کار آنهاست و زبانی که به کار می برند، تأثیر می گذارد. کوهن بر آن است که وقوع نادر یک تحول عظیم در سرمشقها یا نمونه های عالی آرمانی چنان آثار دراز آهنگی به بار می آورد که می توان آن را انقلاب علمی نام نهاد. از جمله مثال های او اخترشناسی کوپرنیکی، فیزیک نیوتنی، کشف اکسیژن لاوزیه و نسبیت انیشتین است. به عرصه آمدن یک سرمشق جدید مستلزم از میدان خارج شدن سرمشق کهن است، نه اینکه فقط چیزی بر نظریه های پیشین افزوده شود، بلکه به داده های مأنوس به شیوه ای کاملاً نو نگریسته می شود و اصطلاحات قدیم تحول معنایی می یابند؟

فصل دوم

.... نا

.... اهداف، ابعاد و قلمرو دین

بنابر آنچه گفتیم، نظریات و قوانین علمی هیچگاه به صورت یقینی مطرح نمی شوند، بلکه همواره موقتی و دستخوش بازنگری هستند. با این همه، پیشرفت علوم تجربی و دستاوردهای آن، برخی را به این فکر واداشت که روش علمی تنها راه کشف حقایق عالم است و هر چیزی که به محک مشاهده حسی و آزمایش درنیاید، امری باطل و بی معناست. بر این اساس اخلاق و مابعدالطبیعه و مسائل دینی که با روش مکانیکی علمی متناسب نبود،

۱. همان، ص ۱۸۶. ۲. همان، ص ۱۸۸.

از گردونه کاوش انسان کنار نهاده شد و نگاه علمی به جهان، درواقع به فلسفه مادی گرایانه و الحادی انجامید؛ حال آنکه این نتیجه گیری، خود نوعی فلسفه پردازی است، نه کاوشی علمی. روش علمی درواقع به کشف رابطه دو پدیده مادی می پردازد و نمی تواند خارج از پدیده های مادی و روابط آنها نفی و اثبات به اظهارنظر بپردازد. درواقع موضع روش علمی در قلمرو ماورای پدیده های مادی، موضع لادری گرایانه است و نه نفی آن قلمرو.

اندیشه اسلامی ۲ به

به)

ویراست دوم) ..

و او را از دیدگاه اسلام درباره علوم تجربی خداوند در قرآن بر تعقل و تفکر تأکید بسیاری نموده است؛ آن گونه که حتی در آیه ای مطرح می کند از آنچه بدان علم ندارید، تبعیت نکنید. همچنین به انسان ها سفارش می کند که به خلقت حیوانات و آسمانها و زمین و جز اینها بنگرند تا به عظمت و حکمت خداوند پی برند. از دیدگاه قرآن، بدترین جانداران نزد خدا کسانی هستند که کر و لال اند و به هیچ رو تعقل نمی کنند. قرآن همچنین دوزخیان را افرادی معرفی میکند که به دستور عقل رفتار نکرده اند. ۴ امام کاظم ع در روایتی می فرماید:

خداوند بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و ظاهری و حجت باطنی. رسولان و انبیا و امامان، حجت آشکارند و عقول مردم نیز حجت باطنیه بنابراین از دیدگاه اسلام، عقل و تفکر حجتی خاص دارد و همسان با سخنان پیامبران الهی است و هیچ گاه این دو سر ناسازگاری با هم ندارند. مطالبی که بیان شده در باب حجیت عقل است و یکی از حوزه های فعالیت عقل، علوم تجربی است که با روش مشاهده و آزمایش به کشف اسرار و قوانین طبیعت می پردازد. بنابراین ، بدهد و

.. ولا تشف ما لیش تلق به علم. اسراء (۳۶:۱۷) ۲. «قل ییثوا فی الأرض قانظروا گئی بدأ الخلق ثم الله یئی النشاء الأخریة إلی الله علی کل شیء قدیر» عنکبوت (

۲۹:۲۰) ۳. إن

الدواب عند الله التهم البکم الذین لا یعقلون. انفال (۸: ۲۲) ۴. و قالوا لو تا تشمع أو نعقل ماتا فی أصحاب الشعیر. ملک (

۶۷:۱۰) ۵. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶.

فصل دوم

اگر عقل و با علم به نتیجه ای قطعی و یقینی رسید، از دیدگاه اسلام قابل اعتنا و پیروی است. در روایتی پیامبر اسلام ا طلب علم را بر هر مسلمانی واجب می شمارد که در این روایت معنای علم اعم از علوم تجربی و غیرتجربی است. ایشان در روایتی دیگر می فرماید: علم را طلب کنید، هرچند که در چین باشد. بی شک علمی که در چین آن زمان بوده، علم دینی نبوده است؛ چه آنکه مرکز یادگیری علم دینی، مکه و مدینه و دیگر نقاطی بود که پیروان شرایع پیشین در آن می زیستند. از این رو بی گمان منظور ایشان علوم تجربی بوده است. بنابراین اسلام بر خردورزی و فراگیری علوم تجربی تأکید بسزا دارد. در حالی که اگر علوم تجربی، متعارض و ناسازگار با دین باشد، چنین تأکیدی صحیح نیست. از این رو می توان نتیجه گرفت که یافته های علوم تجربی نمی تواند با آموزه های دینی در تنافی باشد. حتی می توان گفت یکی از ابعاد اعجاز قرآن، اعجاز علمی آن است که در جای خود بدان اشاره خواهیم کرد.

البته در کتاب مقدس مسیحیان، آموزه هایی وجود دارد که با عقل و نتایج علمی سازگاری ندارد. شاید یکی از دلایل این ناسازگاری تحریف کتاب مقدس مسیحیان باشد که قرآن و تحقیقات تاریخی نیز این تحریف را تأیید می کنند. حتی به اذعان برخی از متفکران مسیحی، انجیل های چهارگانه پنجاه سال پس از مسیح و تألیف یافته اند. براساس تحقیقات تاریخی، پنج کتاب اول عهد عتیق نیز که سنتا منسوب به خود موسی علی است، نشانه هایی از چند مؤلفی بودن دارد که مربوط به زمان های مختلف است. پارهای از اندیشمندان مسیحی نیز چنان فلسفه ارسطو و از جمله کیهان شناسی او را با الهیات مسیحی درآمیختند که هرگونه انتقادی به کیهان شناسی ارسطو، درواقع مخالفت با دین تلقی می شد. ۲.

البته چنین تعارضاتی را نباید به حساب تمام کتاب های آسمانی از جمله قرآن گذاشت و چنین نتیجه گرفت که دین با علم ناسازگار است. حال با توجه به این مقدمات، به انواع رابطه علم و دین می پردازیم. البته منظور از علم، برخی گزاره های علمی و منظور از دین نیز پاره ای از گزاره ها و آموزه های دینی است، نه تمامی آنها؛ زیرا آنچه در مسئله علم و

۱۳۹۱ - ۱۰۰۰ -

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

! همان، ص ۳۰. ۲. متقی هندی، کنز العمال، ح ۲۸۶۹۷. ۳. باریور، علم و دین، ص ۱۳۰. ۴. همان، ص ۶۳.

دین مورد بحث قرار می گیرد، حوزه ای مشترک است، یعنی موضوعاتی که هم علوم تجربی درباره آنها سخن گفته و هم دین. بنابراین مقصود از دین نیز آن گزاره هایی است که در حوزه طبیعیات به اظهارنظر پرداخته، نه تمامی گزاره های دین.

انواع دیدگاه ها درباره رابطه علم و دین
را دارد و

فون ۱۸

و اندیشه اسلامی ۱۰۲ ۰۰۰ ..

این دیدگاه بر آن است که گزاره های علمی و دینی، حقایق مشترکی را درباره جهان، اما به دو بیان و شیوه مختلف باز می گویند و اگر میان این گزاره ها اختلافی هم باشد، سطحی است که اگر به درستی تحلیل گردند، روشن می شود که در توافق با یکدیگر هستند.

برای مثال، قرآن به صورتی زیبا و لطیف با اشاره به حرکت زمین، آن را به گاهواره تشبیه می کند؛ ازاین رو زمین نیز چون گاهواره در حرکت است. دانشمندان علم نجوم مانند کپرنیک، گالیله و کپلر نیز به شیوه خاص خود و از طریق روش تجربی به حرکت زمین اشاره می کنند.

گاليله طبيعت و متن مقدس را دو راه هم طراز و رهنمون به خداوند می داند. به تعبیر دیگر آیات کتاب مقدس و آیات طبیعت، هر دو کلمه الله هستند. بنابراین علم و دین، حقیقت واحدی را به دو شیوه مختلف بیان می دارند. براساس این دیدگاه، هیچ تعارضی بین علم و دین وجود ندارد.

ویر دست دوم . .

۲. علم، تایید کننده دین

۱ در این

بر پایه این دیدگاه، نظریات علمی پشتیبان آموزه های دینی هستند. به بیانی دیگر هرچه علم، اسرار و قوانین طبیعت را بیشتر کشف کند، انسان به ظرافت ها و پیچیدگی های نظام هستی بیشتر پی می برد و بهتر می تواند به خداوند حکیم و دانا و توانا آگاه گردد.

. همان، ص ۳۶. ۲. همان.

همچنین برخی از آموزه هایی که در دین وجود دارد با پیشرفت علوم تجربی، اسرار آن بیشتر کشف می شود. برای نمونه، خداوند در قرآن می فرماید: ما از هر چیزی جفت آفریدیم و گیاهان را نیز به صورت نر و ماده قرار دادیم. بدین ترتیب قرآن مسئله زوجیت عمومی از جمله زوجیت در گیاهان را چهارده قرن پیش به گونه ای لطیف و زیبا مطرح نموده است .

شاید در عصر نزول این آیات، مردم به حقیقت آن آگاه نبودند. اما در قرن هجدهم میلادی گیاه شناسان مسئله زوجیت عمومی را کشف کردند ۳.

قرآن در آبهای دیگری به گونه ای بسیار ظریف به قانون جاذبه عمومی اشاره می کند؛ اما این نیوتن (۱۷۲۸ - ۱۶۴۲) بود که آن را در قلمرو فیزیک کشف کرد. به همین سان، بسیاری از احکام و آموزه های دینی وجود دارند که بر اثر پیشرفت علم، اسرار آن کشف می شود. بنابراین علم تأییدکننده دین است. می توان از جهاتی، این دیدگاه و دیدگاه پیشین را به هم شبیه دانست.

فصل دوم به این را با نام

۳. علم و دین، مکمل یکدیگر

مطابق این دیدگاه، علم و دین را باید مکمل یکدیگر دانست؛ بدین بیان که هر یک جنبه

خاصی از حقیقت را بررسی می کنند و شناخت کامل حقیقت مستلزم آن است که هر دو نگرش را گرد آوریم. مثلاً برای ارزیابی کامل یک شخص، هم ارزیابی جسمانی و هم ارزیابی اخلاقی لازم است و این دو ارزیابی ما را در شناخت بهتر او یاری می رسانند. همچنین در مورد جهان طبیعت، هم باید نسبت به ساختار طبیعی آن شناخت داشت و هم نسبت به هدف و مبدأ آن. به تعبیر دیگر، علم به پرسش هایی مانند «چه چیزهایی و چگونه رخ می دهند»، برحسب عواملی که قابل مشاهده تجربی اند، پاسخ می دهد و دین نیز با سؤالاتی نظیر «چرا رخ می دهند و هدف و غایت آنها چیست»، سروکار دارد.

دونالد ملکی (۱۹۸۷ - ۱۹۲۲) فیلسوف و دانشمند انگلیسی، رابطه علم و الهیات را

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

.. ذاریات (۵۱): ۴۹. ۲. رعد (۱۳): ۳: ۳۶: ۳. ر.ک: دانشنامه زیست شناسی، ص ۳۸۵. ۴. رعد (۱۳): ۲.

..... . اندیشه اسلامی

به عهده دار به جا مانده اند و ما را

رابطه میان دو امر مکمل می داند که علم در پی کشف «علل» وقایع است و هدف الهیات نیز کشف «معنای» وقایع. مککی معتقد است میان این دو مدعا که «پیدایش این عالم محصول فرایندهای طبیعی است.» و «عالم مخلوق خداوند است.» تعارضی وجود ندارد.

استاد مرتضی مطهری بر این اعتقاد است که علم و ایمان مکمل و متمم یکدیگرند، نه متضاد با هم. علم نیمی از ما را می سازد و ایمان نیمی دیگر را. ایشان همچنین معتقد است که در شناخت کامل جهان، هم به شناخت علمی نیازمندیم و هم به شناخت دینی. از نظر علم، جهان کهنه کتابی است؛ که اول و آخر آن افتاده است؛ به عبارت دیگر نه اولش معلوم است و نه آخرش. از این رو برای شناخت بهتر جهان می باید آغاز و فرجام آن نیز مشخص گردد. ایشان رابطه علم و ایمان را چنین ترسیم می کند:

علم به ما روشنایی و توانایی می بخشد و ایمان عشق و امید و گرمی. علم ابزار می سازد و ایمان مقصد. علم سرعت می دهد و ایمان جهت. علم توانستن است و ایمان خوب خواستن. علم می نمایاند که چه هست و ایمان الهام می بخشد که چه باید کرد. علم انقلاب برون است و ایمان انقلاب درون. علم جهان را جهان آدمی می کند و ایمان روان را روان آدمیت می سازد. علم وجود انسان را به صورت افقی گسترش می دهد و ایمان به شکل عمودی بالا می برد. علم طبیعت ساز است و ایمان انسان ساز. هم علم به انسان نیرو می دهد هم ایمان، اما علم نیروی منفصل می دهد و ایمان نیروی متصل. علم زیبایی است و ایمان هم زیبایی است. علم زیبایی عقل است و ایمان زیبایی روح. علم زیبایی اندیشه است و ایمان زیبایی احساس. هم علم به انسان امنیت می بخشد و هم ایمان. علم امنیت برونی می دهد و ایمان امنیت درونی. علم در مقابل هجوم بیماری ها، سیل ها، زلزله ها و طوفان ها ایمنی می دهد و ایمان در مقابل اضطراب ها، تنهایی ها، احساس بی پناهی ها، پوچ انگاری ها. علم جهان را با انسان سازگار می کند و ایمان انسان را با خودش.

با ما درباره

ویراست دوم).

البته گاهی دین افزون بر معنای وقایع، به علل وقایع نیز می پردازد. بنابراین گاه دین

.. مطهری، مجموعه آثار انسان و ایمان، ج ۲، ص ۳۲.

وظیفه علم را نیز انجام می دهد. حال جای این پرسش است که اگر بین تبیین دینی و تبیین علمی در مورد علل وقایع تمارض واقع شد، چه باید کرد؟

راه حل این تعارض روشن است؛ چرا که از یک سو نظریات علمی، قطعی و یقینی نیستند و با تردید آمیخته اند و از سوی دیگر متون دینی نیز تا حدی مجال تفسیر و تأویل دارند. اگر تعارض بین علم و دین واقع شود، یا تفسیر از دین صحیح نیست و با اینکه نظریه علمی قطعی نمی باشد، ولی به مثابه نظریه قطعی تلقی شده است. بنابراین اگر تفسیر از دین قطعی و یقینی بود، به احتمال زیاد نظریه علمی از قطعیت لازم برخوردار نیست و شاید در آینده نظریه علمی دیگری جایگزین این نظریه علمی گردد که با تفسیر دین سازگار باشد. اگر نظریه علمی قطعی بود که بسیار بعید است - در آن صورت پی می بریم که تفسیر ما از دین صحیح نبوده و در مقدمات آن باید تجدید نظر کنیم.

فصل دوم ۱۰۰۰۰۰ ۱۳۶۰

۴. ناسازگاری علم و دین

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

دین و علم دست کم در برخی موارد با هم ناسازگارند و نمی توان هر دو را پذیرفت. برای مثال، نظریه زمین مرکزی و سکون آن، نظریه ای دینی (براساس دیدگاه مسیحیت) و نظریه خورشید مرکزی و حرکت زمین، نظریه ای علمی و نظریه تکامل انسان از حیوانات پست تر نظریه ای علمی و نظریه خلقت انسان به همین شکلی که الان وجود دارد، نظریه ای دینی است که قبول یکی از نظریات به منزله رد نظریه دیگر است.

از یک سو همان گونه که پیش تر اشاره نمودیم از نظر قرآن و تحقیقات تاریخی، کتاب مقدس مسیحیان تحریف شده است و برخی متکلمان مسیحی نیز به خطا کیهان شناسی ارسطو را با الهیات مسیحی به گونه ای تلفیق کردند که هر معارضه ای با کیهان شناسی ارسطو معارضه با مسیحیت تلقی می شد. از این رو، بسیاری از آموزه هایی که به نام دین معروف اند، به واقع دینی نیستند. از سوی دیگر، قرآن که کتاب آسمانی تحریف نشده است، به حرکت و کروی بودن زمین اشاره می نماید که متناسب با نظریه خورشید مرکزی است. بنابراین چنین نیست که ثابت بودن زمین، یک نظریه دینی قطعی باشد و با خورشید مرکزی و حرکت زمین ناسازگار. بنابراین شایسته است بگوییم نظریه خورشید مرکزی و حرکت زمین، یک نظریه دینی است. از این رو، در عنوان دینی بودن و علمی بودن باید بسیار دقت نمود.

اندیشه اسلامی

۲ ...

در مورد نظریه تکامل انسان، از یک سو این نظریه علمی فرضیه ای است که هنوز قطعیت آن اثبات نشده و حتی شواهد علمی بسیاری برخلاف آن وجود دارد. از سوی دیگر، نظریه خلقت انسان در متون دینی نیز قابلیت تفسیرهای مختلف دارد؛ زیرا کتاب مقدس به صراحت درباره خلقت انسان به صورت کنونی، سخن نگفته است..

ازاین رو، تعارض و ناسازگاری بین این نظریه های دینی و علمی باقی نمی ماند و می توان به سهولت بین آنها سازگاری ایجاد کرد.

در جهان مسیحیت هنگامی که نظریه تکامل مطرح شد، برخی از مسیحیان تحت عنوان بنیادگرایی کوشیدند که از معنای ظاهری عبارات کتاب مقدس در برابر هر نوع اکتشاف علمی ناسازگار با آن، دفاع کنند و برخی حتی داروینیسیم را با الحاد برابر داشتند. اما پاره ای دیگر از مسیحیان، الهیات رسمی و سنتی را با نظریه تکامل جمع پذیر دانستند. برخی دیگر نیز واقع نمایی نظریات علمی را انکار نموده، از ابزارانگاری نظریات علمی دفاع کردند. بر طبق این دیدگاه، نظریه های علمی بیانگر واقعیت نیستند و تصورات حاصل از آنها عیناً منطبق بر مابه ازایی در عالم خارج نیست. نظریه های علمی صرفاً ابزارهایی ریاضی یا افسانه ها و مجعولاتی هستند که دانشمندان برای پیش بینی و محاسبه حوادث، از آنها استفاده می کنند. بنابراین براساس دیدگاه ابزارانگاری، نظریات علمی منطبق بر واقع نیستند؛ چرا که اساساً انطباق با عدم انطباق با واقع معنایی ندارد تا با آموزه های دینی ناسازگار شوند.

برخی دیگر نیز در مسئله تعارض علم و دین، جانب علم را گرفتند و از دین دست شستند. با توجه به غیرقطعی بودن نظریات علمی، این دیدگاه صحیح نیست و اگر انبیای الهی برای صدق گفتار خویش با معجزه خود تحدی کنند، به گونه ای که آدمی به یقین اعتقاد یابد که دین وحی الهی است، دیگر به سهولت نمی توان از دین دست کشید.

... .. ویراست دوم)

ایران ۵. جدایی کامل حوزه علم از دین

اورا و

ر طبق این دیدگاه، حوزه علم از حوزه دین کاملاً جداست و هیچگونه تعارضی با هم ندارند؛

۱. باربور، علم و دین، ص ۱۲۲. ۲. همان، ص ۱۹۹

زیرا تعارض بین دو چیز در صورتی پیش می آید که موضوع واحدی داشته باشند و احکام ناسازگاری در مورد آن موضوع به دست دهند. اما در جایی که موضوع و روش و غایت آن دو چیز متفاوت است، بین آنها تعارضی به وجود نمی آید.

برای مطالعه بیشتر

. دیدگاه نوآرثو دوکانی مطابق این دیدگاه، میان دین و علم تباین جدی وجود دارد. کارل بارت، متکلم پروتستانی اهل سوئیس (۱۹۶۸ - ۱۸۸۶) که نماینده نامدار نوآرثو دوکسی است، معتقد بود الهیات و علم با موضوعات و روش ها و غایات اسأناً متفاوتی سروکار دارند. موضوع الهیات، تجلی خداوند در مسیح است و موضوع علم نیز جهان طبیعت. براساس روش الهیات، خدای متعال و رازآمیز را فقط از طریق تجلی اش بر ما می توان شناخت، اما قلمرو

طبیعت را به مدد عقل بشری . غایت دین آن است که شخص را برای مواجهه با خداوند مهیا کند؛ حال آنکه غایت معرفت علمی ، شناختن الگوهای حاکم بر طبیعت است. بنابراین وقتی میان موضوعات ، روش ها و غایات علم و دین تمایزی اساسی وجود دارد ، در آن صورت میان آن دو هیچ فصل مشترکی باقی نمی ماند و از همین رو امکان تعارض آنها نیز منتفی می گردد.

. دیدگاه اگزیستانسیالیسمدینی اگزیستانسیالیسم نهضتی فلسفی است که در قرن نوزدهم، فیلسوفی دانمارکی به نام کی برکه گارد (و ۱۸۵۵ - ۱۸۱۳) آن را بنیان نهاد. بر پایه این دیدگاه، ما تنها زمانی می توانیم وجود انسانی اصیل خود را درک کنیم که به طور شخصی در مسئله ای درگیر شویم و به عنوان موجودی مستقل آزادانه تصمیم بگیریم یا انتخاب کنیم ، نه اینکه مفاهیم کلی انتزاعی مربوط به انسان یا قوانین و قواعد کلی را تکرار و تلقین نماییم). مطابق این دیدگاه ، موضوع دین. واقعیت های شخصی و اخلاقی و به تعبیری حقایق جاندار است، ولی موضوع علم، اشیای مادی و بی جان و نقش و کارکرد آنهاست . مارتین بوبر (۱۹۶۵ - ۱۸۷۸) متأله یهودی مدعی شد رابطه میان یک شخص و یک شیء مادی ، رابطه «من - آن» است ، اما رابطه میان مؤمن دیندار و خداوند رابطه «من -- تو» است. بنابراین موضوع آنها کاملاً متفاوت است. غایت معرفت دینی در واقع معطوف به رابطه متقابل دو شخص است که حاکی از درگیر اهداف، ابعاد و قلمرو دین

. بدین معنا که خداوند را تنها از طریق مسیح می توان شناخت. خداوند موجودی متعالی و کاملاً متمایز است و تنها او را تا حدی می توان شناخت که خود را بر ما آشکار کرده باشد و نه از طریق عقل. ۲. باربور، علم و دین، ص ۱۴۵: پترسون ، عقل و اعتقاد دینی، ص ۳۶۶.

شدن همه جانبه و از جان و دل مایه گذاشتن و ادراک بی واسطه و مستقیم و پرداختن به دیگری همچون غایت و نه به عنوان یک شیء و یا وسیله است؛ در حالی که غایت معرفت علمی معطوف به رابطه شخص با یک شیء بی جان و ناآگاه است. دین را نمی توان صرفاً در قالب مقولات علمی خنثی و فارغ از شور و احساس درک کرد. دین و علم در روش نیز با هم متفاوت اند. درواقع موضع عقلی و فارغ دلانه یک دانشمند تجربه گرا با موضع یک مؤمن متدین - که متضمن درگیری شخصی شدید است - بسیار متفاوت می باشد. بنابراین براساس این دیدگاه علم و دین مربوط به دو حوزه کاملاً متفاوت است و هرگز نمی توان بین آنها ارتباطی قائل شد. |
اتل مته المعمر ب

..... |

۳. دیدگاه فیلسوفان تحلیل زبانی براساس این دیدگاه ، علم و دین به دلیل داشتن زبان های گوناگون، از یکدیگر جدایند. ویتگنشتاین (۱۹۵۱ - ۱۸۸۹) دراین باره تعبیر «بازی زبانی» را به کار می برد و برآن است که علم و دین دو بازی زبانی متمایز، ولی کاملاً مجازند که هر یک منطق و معیار سنجش خاص خود را دارد و هیچکدام

نباید با منطق و معیار دیگری مورد قضاوت قرار گیرد. زبان علمی برای پیش بینی و کنترل است، اما زبان دینی برای مقاصدی نظیر نیایش و کسب آرامش.

و)

ویراسته دوم).

۴. دیدگاه کانتی ایمانوئل کانت (۱۸۰۴ - ۱۷۲۴) فیلسوف بزرگ آلمانی معتقد است که علم و دین مربوط به دو حوزه جداگانه اند. او عقل آدمی را به دو حوزه نظری و عملی تقسیم کرد و علم را مربوط به حوزه عقل نظری و دین را مربوط به حوزه عقل عملی. بر این اساس نباید پنداشت که علم و دین بتوانند با هم ناسازگاری داشته باشند. کانت کوشید دین را از اخلاق به دست آورد و حتی خدا و جاودانگی نفس را لازمه نظام اخلاقی خود دانسته و استدلال ها و احکام عقل نظری را به حوزه تجربه و دانش تجربی محدود کرد.

نقد و بررسی براساس این دیدگاه، حوزه علم از حوزه دین کاملاً جداست، از این رو هیچ گونه تعارضی بین این دو پدید نمی آید. اما همه دیدگاه های جدا انگاری حوزه علم از دین، یک اشکال اساسی دارند و آن اینکه ارائه دهندگان این نظریات بی آنکه به ابعاد مختلف دین توجه

. همان، ص

۱۴۷. ۲. محمدرضایی، تبیین و نقد فلسفه اخلاق کانت، ص ۲۶۳.

کنند و دین را مورد بررسی قرار دهند، به قضاوت در باب آن پرداخته اند، مثلاً وقتی شناخت بسیاری از صفات خدا از طریق عقل میسر است و همچنین اسلام در پاره ای از موارد به قوانین حاکم بر طبیعت پرداخته و از آدمیان می خواهد که در این قوانین، ژرف بیندیشند تا به عظمت و حکمت الهی پی برند، این بیانگر آن است که در برخی موارد، جهان شناسی و انسان شناسی موضوع مشترک دین و علم است. بر این اساس دین و علم در پاره ای موارد از جهت موضوع و روش، مشترک هستند. درمورد دیدگاه اگزیستانسیالیسم نیز با تأمل در دین در می یابیم که یکی از ابعاد دین رابطه انسان با خداست. البته دین ابعاد دیگری نیز دارد که یکی از آنها مواجهه انسان با اشیای مادی بی جان و قوانین حاکم بر آنهاست. درواقع دین برای هدایت و سعادت انسان ها نازل شده است و یکی از ابعاد زندگی آدمی، رابطه او با طبیعت و قوانین آن و حتی حفظ محیط زیست می باشد. همچنین زبان دین کاملاً با زبان علم متفاوت نیست و جهات مشترکی نیز در آنها وجود دارد. با تأمل در آموزه های دینی روشن می گردد که بسیاری از مباحث دین، مربوط به عقل نظری است، نه عقل عملی. همچنین لازمه برخی از دیدگاه های مذکور مانند اگزیستانسیالیسم محدود کردن دین به امور فردی و غفلت از بعد اجتماعی دین است که چنین امری صحیح نیست. همچنین دین برخلاف دیدگاه اگزیستانسیالیسم، از پیروان خود می خواهد که با تعقل و تفکر، دین را برگزینند؛ حال آنکه این مکتب، به تعقل در باب دین اهمیتی نمی دهد و حتی معتقد است هرچه انسان جاهل تر باشد، ایمان او قوی تر است. لازمه پاره ای از این دیدگاه ها، دست کشیدن از معنای ظاهری و حقیقی متون دینی است که این نیز برخلاف تعالیم دین است.

فصل دوم .

په اند و

بالا

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

نتیجه گیری اگر بخواهیم درباره نسبت های علم و دین قضاوت نماییم، می توان گفت از میان نسبت های مختلف، دیدگاه اول و دوم و سوم از اتقان بیشتری برخوردار است.

ز) علم دینی با پیروزی انقلاب اسلامی بحث «علم دینی» یا «اسلامی شدن علوم» یا «اسلامی شدن دانشگاه ها» با تأکید بیشتری مطرح شد و مقام معظم رهبری، آن را موضوع محوری تحولات فرهنگی در دانشگاه ها معرفی کردند. پس از بحث درباره رابطه علم و دین شایسته است توضیح روشنی از علم دینی ارائه گردد. آیا می توان علوم تجربی و علوم انسانی را با

وصف دینی تصویر نمود یا اینکه علم، علم است دینی و غیردینی بودن آن معنایی ندارد؟ برای پاسخ به این سؤال، چند مقدمه ذکر می شود. |

.... : ویتیین تحت

.. اندیشه اسلامی ۲

در تمدن اسلامی، با توجه به توصیه و تشویق اسلام به فراگیری دانش، مسلمانان در همه عرصه های دانش تجربی، انسانی و عقلی، سرآمد و الگویی برای جهانیان شدند. آنها در قلمرو صنعت و علوم پایه و پزشکی و فلسفه، ابداعات و پیشرفتهای چشمگیری به دست آوردند. در آن زمان، دانشمندان معمولاً عالمان دین نیز بودند. برای نمونه، ابن سینا درعین حال که بک دانشمند و فیلسوف بزرگ بود، یک عالم دین نیز محسوب می شد. ناسازگاری چندانی بین علم و دین مشاهده نمی شد و علوم تجربی، صبغه دینی نیز داشت. ابن سینا برای حل معضلات علمی و فلسفی خود، از آموزه های دینی استمداد می گرفت. از نظر وی، عالم تکوین و تشریع و قوانین آنها، نشانه های خداوند هستند که می توان با تأمل و تفکر در این آیات، به علم و قدرت نامتناهی آفریدگار حکیم پی برد.

نتیجه آنکه، علوم تجربی از نظر آنها هم مبانی و هم غایات دینی داشت و هر علمی از جمله علوم تجربی را تعلیم خداوند حکیم میدانستند. از نظر او، علم دینی موجه و معنادار بود.

اما افول تمدن اسلامی، رشد و پیشرفت تمدن غربی - به ویژه بعد از رنسانس - و حاکمیت کلیسا در قرون وسطا و برخورد نامناسب آنان با دانشمندان و متفکران و نیز تحولات فلسفی در نگرش انسان به عالم و هستی، همه و همه دست به دست هم داد و جریانی به نام «پوزیتیویسم» را پدید آورد که علم را با دین ناسازگار می انگاشت و دوران تبیین دینی از حوادث را مربوط به زمان های گذشته می دانست که عمر آن به سر آمده است.

بنابراین دیدگاه علمی، تجربی و پوزیتیویستی با دیدگاه دینی ناسازگار است و این دو با هم جمع نمی شوند. این دیدگاه، علت طبیعی و تجربی یک حادثه را با علت الهی ناسازگار میدانند و آنها را در عرض هم قرار می دهد، نه در طول هم.

جریان فلسفی که پس از رنسانس به شیوه تجربه گرایی ظهور پیدا کرده بود، در تفکر ویراست دوم...

.. فروغی، سیر حکمت در اروپا، ص ۴۵۱.

فلسفی ایمانوئل کانت و پوزیتیویست های منطقی و مکتب های تحلیلی و فلسفه های فوئرباخ، مارکس، فروید، برتراند راسل، جان دیویی، اگزیستانسیالیست های الحادی و ... به راه خود ادامه داد. نکته مشترک همه این فلسفه ها آن بود که دین را از حوزه سنجش تفکر فلسفی و عقلی خارج می دانستند و به ناسازگاری تفکر عقلی و علمی از دین دامن می زدند.

.. چپستی علم دالینی برای اینکه تصور روشنی از علم دینی پیدا کنیم، باید نگاه ما به علم و دین و رابطه بین آن دو تصحیح شود. مراد از دین، دین حقیقی و تحریف نشده، یعنی اسلام است. اسلام مجموعه ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی و نیز معارفی در باب انسان و جهان و خداست که خداوند برای هدایت انسان ها بر پیامبر گرامی اسلام پر نازل فرموده است. قرآن، معجزه جاودانه پیامبر گرامی اسلام ابا و بهترین دلیل بر حقانیت این دین است .

قرآن سفارش زیادی به خردورزی در آفاق و انفس، یعنی در خلقت زمین و آسمان ها و در خود انسان می کند، به گونه ای که به صراحت اعلام می دارد که ظن و گمان بهره ای از حقیقت ندارند و نباید از هر آنچه به آن آگاهی نیست ، تبعیت کرد.

دین اسلام، خدا را خالق همه موجودات می داند که براساس قوانین منظمی هدایت

فصل دوم :

...تین دن

می شوند.

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

قال ربنا الی أعطی کل شیء خلقه هدی. گفت: پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که در خور اوست داده ،

سپس آن را هدایت فرموده است. خداوند تمام مخلوقات را در نهایت اتقان و کمال آفریده و نظم و قانون مشخصی بین آنها قرار داده است. همچنین خوبی ها و بدی ها را به انسان الهام نموده است و علم نیز

. فصلت (۴۱): ۵۳. ۲. یونس (!): ۳۶. ۳. اِسرَاء (۱۷): ۳۶. ۴. طه (۲۰): ۵۰. ۵. نمل (۲۷): ۸۸. ۶. شمس (۹۱):

۷.

.. اندیشه اسلامی

مخلوق الهی است که خداوند به انسان ها تعلیم می دهد؛ هرچند واسطه آن معلم باشد. البته اینکه خداوند خالق همه هستی است، منافاتی با اصل سببیت در نظام هستی ندارد که برخی از موجودات، علت وجود بعضی دیگر باشند. خداست که به خورشید و ماه، گرمی و درخشندگی بخشیده و آنها را علت گرمی و درخشندگی قرار داده است.

بنابراین اگر ما در علمی کشف کردیم که باد علت حرکت ابر یا خورشید علت روشنایی است یا علت رفع فلان مرض، فلان دارو است، این به معنای انکار وجود خدا نیست؛ بلکه کشف رابطه بین موجودات این عالم است که خدا با حکمت خود، آنها را در نهایت اتقان آفریده است و به تعبیری آنها آیات الهی هستند. ا علم نیز گاهی به معنای عام به کار می رود که شامل همه علوم تجربی، فلسفی، تاریخی،

عرفانی، هنری و ... می شود و گاه نیز به معنای خاص به کار می رود که منظور علوم تجربی است که روش آن مشاهده و آزمایش است؛ اعم از علوم انسانی، نظیر روان شناسی، جامعه شناسی و ... و علوم طبیعی مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی و ...

وظیفه علوم تجربی آن است که از طریق مشاهده و آزمایش به کشف روابط پدیده ها بپردازد که گاهی به واقع دسترسی پیدا می کند و رابطه واقعی را کشف می کند و گاهی دانشمندان در این باره تلاش خود را به کار می برند، اما به حقیقت نمی رسند و نظریه خود را با میزانی از احتمال مطرح می نمایند. ویژگی نظریات تجربی به گونه ای است که همواره در معرض تجدیدنظر هستند.

حال سوال این است که معنای علم دینی چیست؟ برای نمونه، آیا می توان فیزیک دینی و اسلامی را تصور نمود یا اینکه علم فیزیک، دینی و غیر دینی ندارد؟

در این رابطه می توان به دو دیدگاه اصلی اشاره نمود:

۱. دیدگاه الحادی و سکولار که بر آن است که جهان با همه محتویات آن براساس یک سلسله قوانین، خودبه خود پدید آمده است و کشف رابطه دو پدیده ، تمام واقعیتی است که ما به آن دسترسی داریم. پیش فرض های چنین دیدگاه عبارتند از: (۱) جهان مادی بدون آفریننده الهی است. (۲) حوزه شناخت محدود به عالم تجربه است. (۳) روش علمی نیز تنها روش کشف واقعیت است.

ویراست دوم) ::

!. علق (۹۶): ۵.

فصل دوم

۲. دیدگاه الهی و دینی که معتقد است این جهان، براساس حکمت، قدرت و علم نامتناهی خداوند پدید آمده است. همچنین خداوند جهان را براساس قوانین منظم و سنت های ثابت و در کمال اتقان، هدایت و تدبیر می

نماید. خداوند از انسان ها می خواهد همان گونه که در آیات قرآن تفکر و تعقل کنند ، در آیات و نشانه ها و اسرار جهان تکوین و به تعبیری در آیات آفاقی و انفسی نیز تأمل نمایند؛ تا از طریق آنها پی ببرند که تنها خداوند حق است و این جهان باطل آفریده نشده است؛ بلکه خداوند، از خلقت آن، هدفی داشته است . خداوند جهان را براساس نظام علی و معلولی آفریده است؛ اما علت، منحصر در علل طبیعی عادی و شناخته شده یا ناشده نیست؛ بلکه عالم ماورای طبیعت و نفوس و ارواح و به تعبیری علت های غیرمادی نیز در پیدایش یک حادثه مادی مؤثرند. معجزات انبیا و نیز کارهای عجیب و غریب برخی از نفوس نیز شاهی بر این مدعاست. براساس این دیدگاه، کشف رابطه دو پدیده، در حقیقت کشف سنت ها و قوانینی است که خداوند در طبیعت قرار داده است؛ اما کشف علت قریب یک حادثه مادی، تنها علت حقیقی آن حادثه نیست؛ بلکه تأثیربخشی همه علت ها به اذن و قوه الهی صورت می گیرد و علت العلل همه علت ها خداوند حکیم است. بنابراین اگر دانشمندانی در تحقیقات علمی خود به این نتیجه برسند که در تحقق حادثه (الف) تنها حادثه (ب) مدخلیت دارد، تمام واقعیت را بیان نکرده اند..

از نظر اسلام، دانشمندان که در تحقیقات خود در پی کشف قوانین الهی در عالم تکوین هستند، همانند عالمی خواهند بود که در پی کشف احکام الهی از قرآن است. اگر دانشمندان به واقعیت حکم و قانون الهی نائل شدند، که بیان آن قوانین درواقع بیان قوانین الهی است؛ اما اگر به واقع و قطعیت دسترسی پیدا نکردند، بلکه با حالت اطمینان و ظن نزدیک به علم به قضایا پی بردند، احکام آنها، احکام الهی است؛ زیرا نهایت تلاش خود را به کار بسته اند. همان گونه که مجتهدان و اسلام شناسان نیز گاهی حکم واقعی شرعی را نمی یابند؛ ولی چون برحسب اصول و ضوابط ، نهایت سعی خود را کرده اند تا به اصول واقعی برسند، سعی آنها مورد رضایت خداوند است.

حال سؤال دیگر این است که آیا ایمان و کفر دانشمند علوم طبیعی یا مفسر قرآن تأثیری در یافته های علمی آنان می گذارد؟ از مطالب گذشته به خوبی برمی آید که ایمان و کفر در بیان کر دیا

: اهداف، ابعاد و قلمرو دین

. اندیتیۀ اب

مرتبه نازل علم تأثیری ندارد؛ برای نمونه، اگر دانشمند بی دینی رابطه دو پدیده را که بر هم تأثیر دارند، کشف کند . مثل یک پزشک یا داروساز که کشف کند فلان دارو، علت رفع فلان مرض است یا ادیبی همانند ولید بن مغیره که از ادیبان بزرگ عصر جاهلی بود، به اعجاز ادبی و فصاحت و بلاغت قرآن اعتراف کند . در همان حد، حکم الهی را کشف کرده است. با این حال آنها به تمام واقعیات نرسیده اند. مراتب برتر فهم کتاب تکوین و تشریع در سایه تقوای الهی حاصل می شود. هرچه ایمان و تقوای دانشمند بیشتر باشد، او به مراتب برتری از علم رهنمون می شود.

بنابراین علم سکولار، مرتبه نازل علم است و علم دینی، مرتبه برتر و کامل تر آن که دارای جامعیت نیز هست. البته اعتقادات دینی یا تأمل در آموزه های دینی مرتبط می تواند در فهم بهتر روابط و ارائه بهتر نظریات علمی یاری رسانند؛ مثلاً آیات قرآنی به صورت لطیف - که مختص زبان قرآن است - به حرکت زمین و نیروی جاذبه و زوجیت گیاهان و زوجیت عمومی و ... اشاره کرده اند. دانشمندان الهی در صورت در این لطایف می توانستند نظریات علمی صحیحی ارائه دهند.

بنابراین ایمان و آموزه های دینی، هم در فهم بهتر واقعیات و مراتب برتر علم ما را یاری می دهند و هم در ارائه بهتر و صحیح تر نظریات علمی. از این رو دینی شدن علم به معنای نفی علم نیست؛ بلکه ارتقا و تعالی سطح علم است.

؟ ... - مات

جانبی

- - د د ده لویراست دوم .

م انا

یکی دیگر از عواملی که می تواند در تصور علم دینی نقش داشته باشد، اهداف و کاربرد علم است. امروزه مسیر پاره ای از علوم به دست قدرت طلبان و استعمارگران تبیین می شود؛ مثلاً برخی از کشورهای استعمارگر برای چپاول بیشتر ملت های دیگر، در جهت سلاح های کشتار جمعی نظیر سلاح های میکروبی، شیمیایی، هسته ای و ... سرمایه گذاری می کنند و مسیر فعالیت دانشمندان را جهت دهی خاصی می کنند. از نظر دین اسلام، این غایت باید بازنگری شود و کشتار جمعی انسان ها هیچ گاه مطلوب اسلام نیست. از نظر دینی، جهت دهی و اهداف علوم باید در مسیر نیازهای واقعی انسان ها باشد، نه در مسیر ارضای هواهای نفسانی استعمارگران.

مسیری را که خداوند برای انسان تعیین نموده ، مقام قرب و لقاء الهی است. کسانی که می خواهند به این هدف والا نائل شوند، باید علم آنها در این راستا باشد. در آن صورت پژوهش های علمی دانشمندان هم در زمره عمل صالح قرار می گیرد.

بنابراین علمی دینی است که در راستای اعتلای انسانیت در نیل به لقاء الله باشد، نه در جهت نابودی انسان های مظلوم یا محرمات الهی. آموزه ها و دستورات دینی باید مانند قطب نما، مسیر علم را جهت دهی کنند.

فصل دوم

بی ام

نتیجه گیری حاصل آنکه ، در صورت رعایت اصول ذیل، علم دینی محقق می گردد:

.. مبانی فلسفی تجربه گرایی علوم تجربی و انسانی رایج باید کاملاً متحول شوند و در عوض، جهان بینی الهی و دینی جایگزین آن شود.

۲. نهضت علم گرایی باید از دعاوی بلندپروازانه خود در دست بکشد؛ زیرا هر حوزه شناخت، ابزار مناسب خود را می طلبد. روش علمی، تنها روش کشف حقایق هستی نیست.
۳. علم که همان کشف رابطه دو پدیده قابل مشاهده است، با دیدگاه الهی ناسازگاری ندارند. به تعبیری این نظر نادرست آگوست کنت که «امروز دوران علم است و باید از مرحله ربانی دست کشید باید اصلاح شود. علت الهی در طول علتهای مادی است، نه در معرض آنها.
۴. عقل که یکی از حوزه های فعالیت آن، علوم تجربی و انسانی است، با دین ناسازگار نیست؛ بلکه مورد توجه و اهتمام دین اسلام و از منابع آن است. |
۵. عالم مادی از سر بخت و اتفاق و بدون هدف آفریده نشده است؛ بلکه مخلوق الهی است که براساس قوانین و نظم خاصی هدایت می شوند و کشف این قوانین در حقیقت کشف سنت های غیر متغیر الهی است.
۶. علم ، تعلیم الهی است که خداوند به بندگان خود افاضه می فرماید.
۷. دانشمندان بی دین، تنها به مرتبه نازل علم دسترسی پیدا میکنند و مراتب برتر علم تنها در سایه ایمان به خدا و تقوای الهی ممکن است.
۸. آموزه ها و اعتقادات دینی می توانند ما را در کشف و ارائه بهتر نظریات علمی یاری دهند.
. اهداف، ابعاد و قلمرو دین

۹. تلاش برای کشف و اعلام قوانین عالم تکوین، همانند کشف و اعلام قوانین کتاب تشریع، مورد رضایت خداوند است.
۱۰. تعیین هدف و سمت و سوی علم باید به دست صالحان و متدینان صورت گیرد. اهداف علم باید دینی و در جهت رفع نیازهای واقعی انسان باشد، نه اینکه هدف گذاری علم به دست استعمارگران، قدرت طلبان، لذت طلبان و افراد فاسد صورت گیرد.
- اگر تولید علم و ارائه نظریات علمی همراه با اصول ده گانه فوق صورت گیرد، می توان گفت آن علوم دینی هستند. بنابراین تصور علم دینی ممکن است. همچنین اگر اصول ده گانه فوق بر فعالیت دانشمندان علوم تجربی و انسانی حاکم گردند، وضعیت جهان بسیار بهتر از وضعیت کنونی خواهد شد. به امید آن روز.
- اندیشه اسلامی ۲ که از ان
ها و)
ویراست دوم:

برای پژوهمندی او در سال های اخیر در جوامع غربی، گرایش به دین و معنویت ، نسبت به گذشته بیشتر شده است. دلایل آن را بررسی کنید. ۲. جوامع غرب با اینکه در حوزه علوم تجربی و تمدن مادی ، پیشرفت های چشمگیری داشته اند اما در حوزه فضایل اخلاقی، استحکام کانون خانواده، غلبه بر اضطراب ها و احساس یأس و

نومیدی و خودکشی ها، با مشکلات بسیاری روبه رویند. دلایل آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهید. ۳. چرا امروزه برخی از نظام های حکومتی با اینکه به نقش دین در رشد فضایل اخلاقی و عفت عمومی جامعه و کاهش جرایم اجتماعی اعتراف دارند، با مظاهر دینداری مخالفت می ورزند؟ ۴. به چه دلایلی اسلام با سکولاریسم مخالف است؟ ۵. دیدگاه اسلام در باب آزادی انسان ها و رابطه آن با امر به معروف و نهی از منکر را مورد بخش قرار دهید. ۶. معجزه پیامبران با عمل مرتاضان چه تفاوت هایی دارد؟ ۷. تفاوت وحی با تجربه های دینی را مورد بررسی قرار دهید. ۸. چرا انسان ها در همه زمانها به تعلیم انبیای الهی نیاز دارند؟ ۹. عصمت پیامبران اکتسابی است، یا خدادادی؟ در این باره تحقیق کنید. ۱۰. چگونه دین می تواند آدمی را از پوچگرایی و بی هدفی در زندگی نجات دهد؟ ۱۱. نظریات دیگر را در باب علم دینی مورد بررسی قرار داده و سپس مشابهت ها و تفاوت های آنها را با نظریه مختار بیان نمایید. منابعی برای مطالعه بیشتر .. امام خمینی، سید روح الله ، نبوت از دیدگاه امام خمینی، تهران ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، ۱۳۸۰. ۲. باربور، ایان ، علم و دین ، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی،

فصل دوم ..

. با این زبان ها و

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

۱۳۶۲.

۳. پارسانیا، حمید، حدیث پیمانه ، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی ، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۶. ۴. علم و فلسفه ، تهران ، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳. ۵. جوادی آملی: عبد الله ، دین شناسی، قم، اسراء ، ۱۳۸۱. ۶.

، منزلت عقل در هندردشه معرفت دینی ، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹. ،

، نسبت دین و دنیا (بررسی و نقد نظریه سکولاریسم)، قم، اسراء ، ۱۳۸۳. ۸.

، وحی و نبوت در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ج ۳، قم، اسراء ، ۱۳۸۱.

..... اندیشه اسلامی ۲

دو ، من ، ما به :

۹. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی علی ، ج ۳ ، تهران ، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰. ۱۰. سس ، دموکراسی قدسی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۲. ۱۱. سبحانی، جعفر، الهیات و معارف اسلامی، قم، مؤسسه امام صادق

، ۱۳۸۴. ۱۲. سس، رسالت جهانی پیامبران و برهان رسالت ، قم، مکتب اسلام، ۱۳۷۴. ۱۳.

، عقاید اسلامی در پرتو قرآن، حدیث و عقل ، قم، دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۹. ۱۴. سس ، منشور عقاید امامیه، قم، مؤسسه امام صادق طلا، ۱۳۸۵. ۱۵. سوزنچی ، حسین ، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی،

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۹. ۱۶. صادقی، محمد، زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، تهران، کتابفروشی مصطفوی بوذرجمهری، بی تا.

۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، اصول عقاید و دستورات دینی (۴ - ۱)، به اهتمام اصغر ارادتی، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی، ۱۳۸۲، ۱۸. قدردان قراملکی، محمد حسن، قرآن و سکولاریسم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.

۱۹. گلشنی، مهدی، از علم سکولار تا علم دینی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.

۲۰.

-، از علم سکولار تا علم دینی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.

" ۲۱.

، علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.

۲۲. محمد رضایی، محمد، «پلورالیسم دینی: نقد، راه حل»، قبسات، ش ۳۷ (ویژه پلورالیسم دینی)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بهار ۱۳۸۴. ۲۳. سس، «رابطه عقل و ایمان»، قبسات، ش ۳۵ (ویژه دین و فلسفه)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پاییز ۱۳۸۴. ۲۴. سسس، کلام جدید با رویکرد تطبیقی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰. ۲۵.

-، «نگاهی به تجربه دینی»، قبسات، ش ۲۶ (ویژه تجربه دینی)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، زمستان ۱۳۸۱. ۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، ج ۲، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹. ۲۷.

، راهنمایشناسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵. ۲۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (نبوت)، ج ۴، تهران، صدرا، ۱۳۷۴.

۱۱۱ - ۱ - ب - ویراست دوم) ...

، مجموعه آثار روحی و نبوت)، ج ۲، تهران، صدر، ۱۳۷۴. ۲۹. میرباقری، سید محمد مهدی، جهت داری علوم از منظر معرفت شناسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷

فصل دوم

.. با

درباره ما

.. ... مه مه .

اهداف، ابعاد و قلمرو دین

فصل بیمه شناخت ایلام

: مقدم

پیش از پرداختن به منابع شناخت اسلام می باید به اختصار تعریفی از اسلام ارائه کنیم: تعریف اسلام واژه اسلام در لغت به معنای تسلیم شدن و گردن نهادن است. قرآن کریم از این رو دینی را که مردم را به آن دعوت می کند، اسلام نامیده است که برنامه کلی آن، تسلیم شدن انسان در برابر احکام الهی است.

حضرت ابراهیم سال اولین کسی است که این دین را اسلام و پیروان آن را مسلمان نامید. بی گمان دین در نزد خداوند همان اسلام است که در طول تاریخ به صورت شریعت های متفاوت جلوه گر شده است. اما در اصطلاح، اسلام آخرین و کامل ترین شریعتی است که خداوند برای هدایت همه انسان ها تا به ابد، نازل فرموده است. قوانین چنین آیینی، مطابق فطرت و عقل آدمی و نیز پاسخگوی همه نیازهای فردی و اجتماعی و هدایتی انسان است. بی شک انسان ها با پیروی از دستورهای چنین آیینی است که میتوانند به کمال معنوی و مادی و سعادت دنیا و آخرت خود نائل گردند.

. و من أخی دینا بن أسلم وجهه لله وهو خیس؛ و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است. «نساء ۴: ۱۲۵» ۲- «ربنا واجعلنا مسلمین للک و من تریتنا أمه ممشلمه لک؛ پروردگارا، ما را تسلیم فرمان خود قرار ده؛ و از نسل ما، امتی فرمانبردار خود اپدید آرا» بقره (۲: ۱۲۸)، «ملة أبیکم إبراهیم هو تمام المسلمین؛ آیین پدرتان ابراهیم نیز چنین بوده است او بود که قبلا شما را مسلمان نامید. حج (۲۲: ۷۸) ۳. إن التریین عند الله الإسلام. آل عمران (۳: ۱۹)

اندیشه اسلامی ۲ و
ما را

الف) قرآن و سنت

اندیشه اسلامی

۲، ۲۰۰۰.....

ن به

من ۱. قرآنی استاندارد

کردار ادا کر دیا اور قرآن، هدیه و رحمت و داروی شفابخشی است که خداوند از سر لطف به انسان ها ارزانی داشته است؛ گنجینه ای که گوهرهای آن هیچ گاه پایان نمی یابد و فروغی که هرگز خاموشی نمی پذیرد. در گستره تمدن و فرهنگ دینی انسان، هیچ کتاب آسمانی به اندازه قرآن، عصمت، صحت، صلابت، اتقان، اعتبار تاریخی و حقانیت ندارد. این کتاب را خداوند عزیز و مهربان برای هدایت مردم نازل کرده و خود نیز نگاهبان آن

است تا از هرگونه تحریف و دستبرد مصون بماند و بتواند رسالت خود را - که هدایت انسان ها از ظلمات به سوی روشنائی است - به نیکی به انجام رساند. زبان خطاب های قرآن - با وجود اعجازآمیز بودن - همان زبان متعارف عقلایی است؛ چرا که مخاطبان، آحاد انسان هایند.

اما با اینکه ظواهر، قرآن روشن و آشکار است، چنان نیست که از تفسیر بی نیاز باشد. به دیگر سخن، قرآن قول ثقیل است؛ یعنی هرچند زبان آن عقلایی و واژگانش عربی مبین است، اما بدین معنا نیست که بهره همگان از این کتاب الهی یکسان باشد. در واقع معارف قرآنی مراتبی دارد و هر مرتبه ای برحسب استعداد افراد، عاید گروهی خاص می شود؛ چنان که از امام حسین و امام صادق علی نقل شده است:

خداوند معارف خود را در قرآن کریم به چهارگونه بیان فرموده است: به صورت عبارت و لفظ صریح، اشاره، لطایف و حقایق. عبارات برای فهم توده مردم است؛

اشاراتش برای خواص و لطایف آن برای اولیا و حقایق آن برای انبیای الهی نتیجه آنکه قرآن، ظاهر و عمقی دارد، از این رو کلام خدا را نباید در سطح کلام بشری خلاصه کرد. اما نکته ای که نباید نادیده انگاشت، اینکه باطن هیچگاه منافای ظاهر نیست، بلکه تعمیق آن ظاهر است. عمق همواره از ظاهر می گذرد، ازاین رو هرگز نباید ظاهر آن فدای عمق و عمق آن فدای ظاهر شود. بنابراین استنباط معارف و معانی از دو سطح آن، کار مفسران آگاه و صاحب صلاحیت های آفاقی و انفسی است.

لاین .. - ، ماه ، ۰۰۰ ویراست دوم)

.. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۷۸

خداوند بیان و تبیین قرآن را بر عهده پیامبر و سپس امامان معصوم بنا نهاده است و امامان نیز این وظیفه مهم را بر دوش عالمان و مفسران متعهد و پرهیزکار قرار داده اند. مفسران با صلاحیت به دلیل احاطه بر قرآن و سنت معصومان لاتا و براساس شیوه و روش صحیح می توانند از این کتاب الهی بهره گیرند.

قرآن معجزه جاویدان پیامبر اسلام است که برای همیشه، کتاب هدایت انسان ها باقی خواهد ماند. بی شک این کتاب، نبوت پیامبر را نیز اثبات می کند؛ چراکه دعوی نبوت همراه آن صورت گرفت؛ مردم را به معارضه با خود دعوت کرد و مردم از این مقابله عاجز ماندند."

دشمنان اسلام در طی پانزده قرنی که از پیدایش این آیین می گذرد، برای ضربه زدن به اسلام از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و حتی پیامبران را به سحر و جنون متهم نمودند، اما هرگز نتوانستند از پس مقابله با قرآن برآیند. امروزه نیز که تهاجمات استکبار جهانی علیه اسلام و پیامبر شدت گرفته است، نتوانسته اند به تحدی آشکار قرآن پاسخ دهند که این بهترین دلیل برای اثبات اعجاز قرآن است.

قرآن بر تمامی معجزات پیامبران پیشین نیز برتری دارد؛ چرا که همگام با زمان پیش می رود تا ندای خود را به گوش جهانیان برساند و حجت را بر همه آیندگان تمام سازد. به بیانی ساده تر، قرآن به گونه ای نیست که مانند

معجزات انبیای دیگر در برابر افرادی اندک شمار و در زمانی خاص به وقوع پیوسته باشد، بلکه این معجزه همواره در اختیار مردم است.

پیامبر اسلام که آخرین پیامبر الهی است و رسالتی دائمی دارد، باید معجزه او نیز دائمی و جاویدان باشد که چنین است.

فصل سوم

شناخت انسلام

ابعاد اعجاز قرآن قرآن از جنبه های مختلفی دارای اعجاز است که برخی از آنها را به اجمال بررسی میکنیم :

۱. اعراف (۷): ۱۵۸. ۲. بقره (۲): ۲۳. ۳. اسراء (۱۷): ۸۸.

فصاحت و بلاغت

۱...

... اندیشه اسلامی ۲

قرآن به زبان عربی نازل شده و همانند دیگر متون عربی از حروف الفبای عربی تشکیل گردیده است، اما ساختار عبارات آن به شیواترین و رساترین وجه است. خداوند برای ابلاغ پیام خود، شیواترین و زیباترین الفاظ و جذاب ترین ترکیب را به کار گرفته است (فصاحت)؛ به گونه ای که به بهترین شیوه، معانی خود را به مخاطبان می رساند (بلاغت). هنگامی که اعراب و ادیبان و عالمان زبان عربی، آیات الهی را از زبان پیامبر را شنیدند، ناگهان با سخنی نو که نه شعر بود و نه نثر روبه رو شدند که آهنگی زیباتر از شعرو بیانی رساتر از نثر داشت.

آیات قرآن آن چنان لذت بخش و اعجاب برانگیز است که هر فرد منصفی را به خود جلب می کرد. کافران ناگزیر جوانان خود را از شنیدن قرآن برحذر می داشتند و یا هنگام تلاوت قرآن هیاهو میکردند تا صدای قرآن به کسی نرسد.

یکی از ادیبان و بلیغان و حکیمان عرب به نام ولید بن مغیره که از او به «ریحانة العرب» یاد می کنند، پس از شنیدن آیاتی چند از پیامبر اسلام او درباره آن چنین داوری می کند:

من از محمد سخنی شنیدم که نه به سخن انسانها شبیه است و نه به سخنان جنیان. سخن او شیرینی خاص و زیبایی مخصوصی دارد و ساختار آن پربار و ریشه آن پربرکت است؛ سخنی است والا که هیچ سخنی والاتر از آن نیست و هرگز قابل رقابت نمی باشد. ۲

ویراست دوم)

دیگر ادیبان بزرگ عرب نیز مانند عتبۀ بن ربیع و طفیل بن عمرو به اعجاز ادبی قرآن اعتراف و از مقابله با آن اظهار ناتوانی کرده اند.

حکمت الهی نیز اقتضا می کند معجزه هر پیامبری متناسب با اوضاع و شرایط و هنر عصر او باشد تا جنبه برتری اعجاز به خوبی مشخص گردد. از این روست که خداوند قرآن را به عنوان معجزه پیامبر اسلام به برگزیده تا با

هنر مردم آن عصر که سخنوری و شاعری بود، متناسب باشد و بدین رو ناتوانی مردم در مقابله با قرآن بهتر آشکار گردد. قرآن نه تنها اعراب عصر رسالت را به معارضه با خود دعوت کرد، بلکه همه انس و جن را در طول تاریخ

! فصلت (۴۶): ۲۶. ۰۲ به معنی گل سرسبد بوستان عرب. ۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸۷.

مورد خطاب قرار داده و جملگی را به مبارزه طلبیده است، ولی هیچکس تاکنون نتوانسته به معارضه با قرآن برخیزد.

فصل سوم،

.. دو. اعجاز قرآن از نظر معارف الهی قرآن دارای معارف و علوم است که از جهت گستردگی و ژرفا، همواره از آغاز نزول تاکنون روشنی بخش افکار و اندیشه های متفکران بوده است.

قرآن دارای ژرف ترین معارف و علوم، عادلانه ترین قوانین حقوقی و جزایی، بهترین قوانین فردی و اجتماعی، حکیمانه ترین مناسک عبادی، ارزشمندترین دستورها و مواعظ و اندرزهای اخلاقی، متقن ترین نکات تاریخی و کارآمدترین شیوه های تربیتی است؛ تا جایی که هرچه علوم بشری پیشرفت می کند، حقانیت و اسرار این معارف بیشتر جلوهگر می گردد. وجود این معارف بلند در قرآن، گویای آن است که از منشأ وحی صادر شده اند؛ به ویژه آنکه همه این معارف از زبان فردی «امی» و درس ناخوانده بیان شده است.

ومات

توا من قبله من کتاب ولاته بینک إذا کتاب المبطلون. و تو هیچ کتابی را پیش از این نمی خواندی و با دست راست خود (کتابی

نمی نوشتی، و گر نه باطل اندیشان قطعا به شک می افتادند. پیامبر این آیات را در برابر اقوام و خویشاوندان خود و مردمی که او را کام می شناختند، تلاوت نمود و هیچ کس سخن او را تکذیب نکرد. سکوت آنان در برابر چنین ادعایی، گواهی قطعی بر صدق گفتار اوست که همه این آیات، وحی الهی است. جالب اینکه مردم در مدت چهل سال زندگی پیامبر، چنین سخنانی را هرگز از او نشنیده بودند.

بنابراین پیدایش قرآن با این معارف بلند از فردی درس ناخوانده، جنبه دیگری از اعجاز قرآن است.

محمد

. به این

: سه. اعجاز قرآن از نظر هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا :: قرآن مجموعه آیاتی است که طی ۲۳ سال و در حالات و شرایط گوناگون بر پیامبر اکرم

لا

.. عنکبوت (۲۹): ۴۸.

نازل شده است، اما این گونه گونی حالات هیچگاه در شیوه و سبک بیان و محتوای مطالب قرآن تأثیری ننهاده است. بی شک این هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا خود دلیل دیگری است بر اعجاز قرآن. اگر پیامبر مطالب قرآن را از جانب خود و بدون ارتباط با وحی مطرح می نمود، طبعاً اختلاف در سبک و تناقض و ناهماهنگی در محتوا به چشم می خورد؛ چراکه یک. علوم و مهارت انسان و یا آثار فکری انسانی به مرور زمان کامل تر می شود و طبعاً چنین تکاملی در سخنان فرد آشکار می گردد. حال اگر پیامبر در طی ۲۳ سال مطالب قرآنی را از پیش خود می گفت، بی شک اختلاف چشمگیری در سبک بیان او نمودار می شد.

دو. حالات درونی انسان مانند نشاط و شادی، غم و رنج، هیجان و آرامش، در شیوه سخن گفتن او تأثیر می نهد. به بیان دیگر تغییر در سبک سخنان، بازتاب حالات درونی فرد است. بنابراین سخنان فرد عادی نمی تواند در تمامی این حالات یکنواخت و هماهنگ باشد، بلکه اختلاف و ناهماهنگی در آنها نمایان است. حال اگر بپذیریم قرآن محصول فکر پیامبر بوده است، باید اختلاف و ناهماهنگی در محتوای مطالب آن به چشم بخورد؛ حال آنکه چنین نیست. قرآن در آیه ای به این جنبه از اعجاز خود اشاره نموده است:

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا آیا در معانی قرآن نمی اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند.

بیه ابنان ے کی

ویراست دوم)

از آنچه بیان شد به خوبی برمی آید که قرآن، وحی الهی است و نه سخنان خود پیامبر .
'' علم ''

چهار. اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش قرآن در آیات متعددی از اسرار قوانین هستی و طبیعت و اجرام آسمانی پرده برمی دارد . کشف این اسرار برای فردی درس ناخوانده جز از طریق وحی الهی امکان پذیر نیست. البته قرآن کتابی علمی نیست که در آن قوانین علمی آمده باشد، بلکه اگر برخی از اسرار .. نساء (۴): ۸۲.

طبیعت را باز می گوید، به دلیل جنبه ای تربیتی، اخلاقی و خداشناسانه است؛ چراکه قرآن کتاب هدایت و تربیت انسان هاست. قرآن به دلیل شرایط علمی عصر نزول، این اسرار را با احتیاط و اشاره و کنایه مطرح می کند، زیرا درک حقایق علمی برای مردم آن عصر، دشوار و پیچیده بود. اما به تدریج با پیشرفت علم و کشف اسرار طبیعت، حقایق علمی قرآن نیز آشکار می گردد. اینک به دیدگاه قرآن در باره برخی از این قوانین اشاره می کنیم:

ذہ الهواء ::

، فصل دوم .:

در عصر نزول قرآن، نظریه حاکم بر جامعه علمی، نظریه زمین مرکزی بود؛ بدین معنا که زمین ثابت، ولی سیارات دیگر از جمله خورشید به دور زمین در گردش اند. اما قرآن به شیوه ای لطیف و زیبا به حرکت زمین اشاره میکند که برخلاف آن نظریه است.

الی جعل له الأرض مهد

همان کسی که زمین را برایتان گهواره ای ساخت. قرآن در توصیف زمین، از لفظ مهد (= گهواره) استفاده کرده که حرکتش چنان ملایم است که کودک درون آن به آرامی به خواب می رود. حرکت وضعی و انتقالی کره زمین، که برای سکونت انسان آفریده شده، نیز همانند حرکت گهواره نرم و آرام است. قرآن در آیه ای در باره حرکت کوه ها می فرماید:

وترى الجبال تحسبها جاده وهى تمر مر السحاب و كوه ها را می بینی او می پنداری که آنها بی حرکتند و حال آنکه آنها ابرآسا

در حرکتند. از این آیه، نیک برمی آید که حرکت کوه ها بدون حرکت زمین امکان ندارد. چرا که حرکت کوه ها بدین معناست که کره زمین در حرکت است و همچنین حرکت زمین همانند حرکت ابرها بی سروصداست. این در حالی است که گالیله و کوپرنیک تقریباً هزار سال بعد به حرکت زمین اشاره نمودند.

شناخت اسلامی

. طه (۲۰): ۵۳. ۲. نمل (۲۷): ۸۸.

قرآن در آیه های دیگر به حرکت منظومه شمسی نیز اشاره می کند که خورشید و ماه هرکدام در مسیر خود شناورند و حتی خورشید به سوی قرارگاهش در حرکت است.

بنابراین قرآن، هم به حرکت زمین و هم به حرکت خورشید و ماه اشاره دارد که این دیدگاه برخلاف نظریه حاکم در عصر نزول، یعنی نظریه بطلمیوس بوده است. قرآن در آیاتی به کروی بودن زمین نیز اشارتی دارد. .

و اندیشه اسلامی

تلقیح نباتات به وسیله باد از دیگر اسرار شگفت انگیزی که در قرآن بیان شده، نیازمندی برخی گیاهان به تلقیح یا گرده افشانی از طریق باد است: |

وَأرسلنا الرياح لواقع. .

و بادها را باردارکننده فرستادیم. همچنین قرآن در آیاتی می گوید که ما از هر چیزی جفت آفریدیم و این نر و مادگی نه تنها در حیواناتی که در گیاهان نیز وجود دارد:

ومن كل شيء خلقنا زوجين لعلکم ت ژون؟ و از هر چیزی دو گونه آیینی نر و ماده آفریدیم، امید که شما عبرت گیرید. سبحان الذی خلق الأزواج لها ما ثبت الأرض ومن أنفسهم ومما لا یغلون پاک است (خدایی که از آنچه زمین می رویاند و نیز از خودشان و از آنچه

نمی دانند، همه را نر و ماده گردانیده است. مسئله زوجیت عمومی در دنیای گیاهان را گیاه شناسان در قرن هیجدهم میلادی کشف کردند، هرچند در گذشته اعتقاد به نروماده بودن برخی گیاهان از جمله درخت خرما وجود داشت.

اه یس (۳۶): ۴۰ - ۳۸. ۲. حجر (۱۵): ۲۲. ۳. ذاریات (۵۱): ۴۹. ۴. یس (۳۶): ۳۶.

وعاد فیه

هو دهم

اهمیت قانون جاذبه عمومی به اندازه ای است که برخی قرن هفدهم را قرن نیوتن نامیده اند. براساس قانون جاذبه عمومی، همه اجسام بر یکدیگر نیرو وارد می کنند و نیروی جاذبه با فاصله دو جسم نسبت عکس دارد. یعنی هرچه فاصله بین دو جسم کمتر باشد، نیروی جاذبه بین آنها بیشتر و هرچه فاصله بیشتر، نیروی جاذبه کمتر است. البته در اجسام دورانی، نیروی گریز از مرکز نیز وجود دارد. هنگامی که نیروی جاذبه با نیروی گریز از مرکز مساوی باشد، جسم در مدار ثابت به دور جسم دیگر در حرکت باقی می ماند. بسیاری از سیارات و قمرها در پرتو این دو نیرو به دور یکدیگر در گردش اند. قرآن در چهارده قرن پیش چنین می گوید:

الله الذی رفع السماوات بغير عملی ترونها | خدا [همان کسی است که آسمان ها را بدون ستون هایی که آنها را ببینید،

برافراشت. در آسمان، سیارات و ستاره های بسیاری هست که در مداری ثابت در حال حرکت اند. قرآن اشاره می کند که برافراشتن آسمان ها براساس ستون های نامرئی است که همانند ستون های بی ساختمان، سقف را از سقوط حفظ میکنند. این ستون های نامرئی همان نیروهای جاذبه و دافعه ای است که نگاه دارنده اجرام آسمانی است.

از آنچه بیان شد، آشکار می شود که قرآن نمی تواند محصول افکار خود پیامبر باشد، بلکه وحی الهی است که خداوند برای هدایت انسان بر پیامبر خود نازل فرموده است.

فصل سوم

ما را دوباره من

شناخت السام

قرآن در آیاتی، از حوادث مهمی که جملگی مربوط به آینده بوده، خبر داده که بعدها به همان سان و بی هیچ کم و کاستی به وقوع پیوسته است. این خبرهای غیبی به همراه دعوی نبوت دلالت بر آن دارند که آنها از جهان وحی گرفته شده اند. ممکن است برخی بر اثر ریاضت های نفسانی، برخی از حوادث آینده را پیش بینی کنند، اما نه به طور قطعی و با جزئیات کامل؛

۱. رعد (۱۳): ۲.

ضمن آنکه آنها دعوی نبوت نیز ندارند. اینک به برخی از خبرهای غیبی قرآن می پردازیم.
ناتوانی انسان ها از مغاره ق

پیامبر برای اثبات نبوت خود از جانب خدا، قرآن (معجزه جاویدان) را به مردم عرضه کرد و اعلام نمود که اگر انس و جن جمع شوند، نمی توانند مانند آن را بیاورند
قل لئن اجتمعین الإنس والجن علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بله ولو کان بعضهم لبعض ظهیرة. بگو:
«اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند
آورد، هرچند برخی از آنها پشتیبان برخی دیگر باشند.» اکنون چهارده قرن از این خبر غیبی میگذرد و هنوز
آدمی نتوانسته است سوره و حتی آبهای همانند قرآن بیاورد.
اندیشه اسلامی ۲

ویراست دوم)

هنگامی که سپاه ایران در دوران حکومت خسرو پرویز به قلمرو رومیان حمله برد، شام، فلسطین و آفریقا را فتح کرد و اورشلیم را غارت نمود و امپراتور روم شرقی را سخت شکست داد. مشرکان مکه و دشمنان اسلام با شنیدن این خبر، آن را به فال نیک گرفتند و پنداشتند که آنها نیز بر سپاه محمد پیروز خواهند شد. اما قرآن در آبهای اعلام داشت که کمتر از ده سال دیگر، این رومیان اند که ایران را شکست می دهند. هنوز ده سال نگذشته بود که در سال دوم هجری سپاه روم بر سپاه ایران پیروز گشت و این پیش بینی تحقق یافت. مقارن با این پیروزی، در جنگ بدر، مسلمانان نیز برسران قریش غالب آمدند که قرآن آن را نیز خبر می دهد:
رومیان شکست خوردند؛ در نزدیکترین سرزمین، والی بعد از شکستشان، در ظرف چند سالی، به زودی پیروز خواهند گردید؛ [فرجام کار در گذشته و آینده از آن خداست، و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می گردند؟]

۱. اسراء (۱۷): ۸۸. ۲. لبت الروم * فی أدت الأرض وهم من بعد تلبيهم يلبون * فی بضع یسین لل الأمر من قبل و بین بغد ویؤمنی یفرح المؤمنون . روم)

۴:۳۰

(۲ -

پیروزی پیامبر ای بر مشرکان قرآن در آبهای به پیامبر اعلام می دارد:
پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب؛ که ما [شر] ریشخندگران را از تو برطرف خواهیم کرد؛ همانان که با خدا معبودی دیگر قرار می دهند. پس به زودی [حقیقت را خواهند دانست
این آیه از آیات مکی است که در سال سوم بعثت نازل گردیده است. محدثان درباره شأن نزول این آیه می گویند گروهی از مردم مکه هرگاه پیامبر را در کوچه و بازار می دیدند، به طعن و بدگویی می پرداختند و می گفتند: «این مرد، مدعی است که من پیامبرم و فرشته وحی بر من نازل میگردد.» این آیه برای پاسخ دادن به

بدگویی آنان نازل شد و بدین ترتیب از پیروزی و گسترش آیین پیامبر و کمک های خداوند به او و ذلتی که نصیب دشمنانش خواهد شد، پرده برداشت. هنگامی که این خبر اعلام شد، کسی باور نمی کرد روزی فرابرسد که شوکت و قدرت قریش شکسته شود و پیامبر را بر آنها پیروز گردد و مکه را فتح نماید.

فصل سوم

شناخت اسلام

خبر بازگشت پیامبر به مکه آن هنگام که پیامبر به دستور خداوند مکه را به قصد مدینه ترک کرد، در بین راه با خود می اندیشید که آیا دوباره به مکه بازمی گردد. در این هنگام آیه ای نازل گشت:

إِنَّ الْبَنِيَّ فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ أَرَادَ إِلَيَّ مَعَاذٍ.

در حقیقت، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، بقینا تو را به سوی وعده گاه بازمی گرداند. معاد در لغت به معنای بازگشتگاه است. از این نظر به وطن معاد می گویند که فرد مسافر هر کجا برود، دوباره به همان جا باز می گردد.

قرآن از بازگشت پیامبر به مکه - در زمانی که هیچ شاهی بر آن گواهی نمی داد -

.. فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشركين * إنا كفيناك المستهزئين و الذين يجعلون مع الله إلهًا آخر سوؤف يعلمون . حجر (۱۵: ۹۶ - ۹۴) ۲. قصص (۲۸): ۸۵.

خبر می دهد که چند سال پس از نزول این آیه پیامبر پیروزمندانه به مکه بازگشت .

مصونیت قرآن از تحریف ... را نشان بنانا اور بی گمان کتاب های آسمانی پیامبران پیشین نظیر تورات و انجیل تحریف شده اند و درواقع این کتاب ها به صورتی که حضرت موسی و عیسی اطلاع از وحی دریافت کرده اند، اکنون در دسترس نیست که قرآن و شواهد تاریخی و عقلی، این مسئله را اثبات می کنند. حال جای این پرسش است که آیا قرآن بی هیچ تحریف و کم و کاستی به همان صورت نخستین است، با اینکه تغییرات و تحاریفی را پذیرفته است؟

بی تردید قرآن برخلاف کتاب های آسمانی پیشین، از هرگونه تحریفی در امان مانده است؛ چرا که اگر فزونی و کاهشی در قرآن صورت گرفته باشد، دیگر از نظر سبک و محتوا معجزه نخواهد بود و دیگران می توانند مانند آن را بیاورند. بنابراین براساس همان دلایلی که معجزه بودن قرآن در سبک و محتوا را ثابت می کند، مصونیت قرآن از تحریف نیز اثبات می شود. حکمت الهی نیز اقتضا می کند کتابی که باید تا ابد هدایتگر مردم باشد، دست نخورده باقی بماند تا رسالت خود را به انجام رساند.

اندیشه اسلامی

۲ مه مه .. و

باید دید ، مد.....

ویراست دوم)

برخی از دلایل تحریف ناپذیری قرآن

را در ادا .. تاریخ گواه آن است که مسلمانان به آموزش و حفظ و کتابت قرآن عنایت ویژه ای داشتند؛ آن سان که تنها در یک جنگ، شمار شهدایی که حافظ قرآن بودند، به هفتاد نفر رسید. حال با توجه به اهتمام بسیار مسلمانان در حفظ قرآن - و حتی تعداد آیات و کلمات و سوره های آن - چگونه می توان گفت چنین کتابی با این همه قاری و حافظ و علاقه مند، تحریف شده باشد؟ اگر تحریفی صورت می گرفت، در تاریخ ثبت می شد و بی شک مسلمانان در برابر آن واکنش تندی نشان می دادند و از آن مانع می شدند. به تعبیر دیگر، اجماع مسلمانان بر عدم تحریف قرآن، خود دلیلی بر تحریف ناپذیری آن است. ۲. خداوند خود در آیه ای، حفظ و صیانت قرآن را برعهده گرفته است: نان تلتا النیر

وإننا له لحافظون

. حجر (۱۵): ۹

بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بولی.

در این آیه که با نشانه های تأکید «إن»، «نحن»، «لام تأکید» و «جمله اسمیه» آمده، خداوند با تأکید بسیار، نزول قرآن و نگاهبانی از آن را به خود نسبت داده است. در آیه ای دیگر آمده است: لا یأتیه الباطل من بین یدی ولا من خلف؛ تنزیل من کیر می د از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید؛ وحی انامه ای است از حکیمی ستوده (صفات).

منظور از باطل که به هیچ رو در قرآن راهی ندارد، هر باطلی است که مایه وهن قرآن گردد و چون کم و زیاد کردن الفاظ قرآن موجب وهن آن می شود و خود از مصادیق باطل است، بر این اساس هیچگونه فزونی و کاهشی در قرآن راه نمی یابد.

۳. امام علی و سایر امامان معصوم پیام هیچگاه در مورد تحریف قرآن سخنی نگفته اند بلکه به عکس، آنان همواره مردم را به تدبر و عمل به قرآن می خواندند، درحالی که اگر تحریفی در قرآن صورت می پذیرفت، امامان معصوم اِل هرگز سکوت نمی کردند که این خود گواهی است بر تحریف ناپذیری قرآن. البته ممکن است روایاتی نیز باشند که بتوان از آنها تحریف قرآن را استنباط نمود. اما عالمان و محققان بزرگ شیعه و سنی جملگی تصریح دارند که این گونه روایات ضعیف هستند و نمی توان به آنها اعتنا کرد.

فصل سوم - وی را برای اولین بار به به شناخت اسلام

۲. سخت

پیامبر اسلام که افزون بر مقام دریافت و ابلاغ وحی الهی، مقام تبیین و توضیح آیات الهی را نیز برعهده داشت؛ چرا که تمام جزئیات احکام الهی در قرآن نیامده است. مثلاً تعبیر «أقیموا الصلاة» بارها در قرآن آمده، اما در

هیچ جای آن تعداد رکعت‌های نماز بیان نشده است. برخی از آیات قرآن نیز نیازمند تفسیر صحیح است. از این رو، پیامبر با
. فہیات (۴۱): ۴۲. ۲. نہج البلاغہ، خطبہ ۱۷۱.

گفتار و رفتار خود به تبیین جزئیات آیات و تفسیر آیه‌های مربوط به احکام می‌پرداخت. مثلاً در مقام تبیین جزئیات نماز فرمود:
نماز را به جا آورید، همان گونه که می‌بینید من نماز می‌گذارم. پس از پیامبر، وظیفه تبیین و توضیح آیات الهی برعهده امامان معصوم لا است...
سنت در لغت به معنای روش و طریقه است کہ ہم در قرآن و ہم در روایات بہ کار رفتہ
بیت:

... اندیشہ اسلامی

۲.....

نا.....:

هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت. ۲. در روایتی از پیامبر اسلام یا می‌خوانیم:
نکاح و ازدواج سنت من است. هرکس از سنت من روی بگرداند، پیرو من نیست. ۲ اما در اصطلاح، تمام گفتارها و کردارها و تقریرهای معصومان علینا سنت نامیده می‌شود. ۴
توضیح اینکه، به مطلبی که پیامبر و امامان معصوم علی در تبیین آیات الهی بیان میکنند، در اصطلاح «گفتار» می‌گویند. کردار و فعل معصوم نیز دستکم بر مباح بودن و مشروعیت آن عمل دلالت دارد؛ همان گونه که انجام ندادن عملی از سوی آنان نیز دست کم بر واجب نبودن آن عمل گواهی می‌دهد. اگر شخص یا گروهی در حضور معصوم عملی انجام دهند یا سخنی بگویند که امام در برابر آن هیچ موضع مخالفی اعلام نکند و سکوت را برگزیند، چنین عملی را تقریر، امضا و تأیید معصوم می‌نامند؛ زیرا اگر آن عمل و سخن مشروعیت نداشته باشد، بر معصوم واجب است نامشروع بودن آن را از باب امر به معروف و نهی از منکر و یا ارشاد جاهل ابراز نماید.
ویراست دوم) ...

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۲۷۹؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶۲. ۲. فلن تجد لى الله تبديلا و لن تجد لى اللى وىلا. فاطر)
۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰. ۴. سبحانی، الموجز فى أصول الفقه، ص ۱۶۱. ۵. همان.

بنابراین، به آنچه پیامبر و امامان معصوم را در تبیین آیات الهی گفته با انجام داده اند، «سنت» می‌گویند که یکی از منابع فقه شیعه بشمار می‌رود.

: حجیت سنت از دیدگاه شیعه، پیامبر و امامان عالی، معصوم و از هرگونه خطا و اشتباه و گناهی مصون اند، از این رو گفتار و کردار و تقریر آنان حجت است. برخی از دلایل حجیت سنت از این قرار است: |
وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الرِّبِّينَ لِلتَّائِي مَالِ إِلَيْهِمْ وَ إِنْ قَرَأْنَ رَا بَه سَوِي تُو فَرُوْد آوَرْدِيْم، تَا بَرَاي مَرْدَم آنچَه رَا بَه سَوِي ايشان نازل شده است توضیح دهی.

فصل سوم

... م ..

اینکه تبیین آیات الهی برعهده پیامبر را نهاده شده، خود دلیلی است بر حجیت کلام پیامبر در تبیین و تفسیر آیات قرآن.

يَا أَيُّهَا الْبَنِينَ آمِنُوا أَطِيعُوا آلَهُ وَأَطِيعُوا الشُّوْلَ وَ أَوَّلِي الْأَمْرِيْنِغ اِي كَسَانِي كَه اِيْمَان آوَرْدَه اِيْد! خِدا رَا اطاعت كنيد و پیامبر و اولیای امر خود

را [انیز] مطیع باشید. خداوند در این آیه اطاعت خود و پیامبر و اولی الامر را واجب کرده است. از نظر شیعه مصداق اولی الامر، امامان معصوم اند که اطاعت آنها همسان با اطاعت خداوند دانسته شده

..... .. شناخت اسلام

است.

اما خود پیامبر در شأن دارد: یکی بیان و توضیح احکام الهی که با وحی غیرقرآنی از جانب خداوند به او می رسد و به این وسیله کلیات قرآن را برای ما تبیین می کند و دیگری مربوط به مسائل حکومتی و قضایی است که آیه «التَّحْكَمُ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللهُ» بر آن

.. نحل (۱۶): ۴۴. ۲. نساء (۴): ۵۹. ۳. نساء (۴): ۰۵.

دلالیت دارد. بنابراین آیه به صورت مطلق امر می کند که از پیامبر و اولی الامر پیروی کنید چرا که یکی از وظایف پیامبر، تبیین آیات الهی است. بنابراین این تبیین ها که در قالب سنت مطرح می گردد، حجت اند. |

اب و

تحر بعد از و

وال ے نجمهور

د واندا

، ، اندیشه اسلامی

و آنچه را فرستاده آوا به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت،

بازایستید. مطابق این آیه ، آنچه پیامبر در مقام «تبیین احکام الهی» می گوید، بخشی از وحی الهی، و حجت است. پیامبرای او در حدیث ثقلین می فرماید:

من دو چیز گرانبها در میان شما می گذارم: یکی کتاب خدا و دیگر اهل بیت و عترتم را. مادامی که به آن چنگ می زنید، هیچگاه گمراه نخواهید شد.

، دیه ۳۰ ، ۰۰۰ را در ایران

، ۰۰۰ ویراست دوم)

پیامبر در این حدیث، عترت و اهل بیت خود را همسنگ با قرآن قرار داده که تمسک به گفتار و کردار آنان همانند تمسک به قرآن، مانع از گمراهی و ضلالت می شود. بنابراین مطابق این حدیث، حجیت سنت امامان معصوم و اهل بیت پیامبر اثبات می شود. پیامبر در حدیث سفینه می فرماید: |

آگاه باشید که اهل بیت من در میان امتم مانند کشتی نوح است که هرکس بر آن سوار شود، نجات یابد و هرکس به آن پناه نبرد ، غرق می گردد. ۲.

پیامبر در این حدیث اهل بیت خود را همانند کشتی نوح می داند؛ بدین بیان که تمسک به گفتار و کردار آنان در تفسیر آیات قرآن، انسان را از هلاکت می رهاوند. طبق این حدیث نیز حجیت سنت امامان معصوم علی اثبات می شود.

البته ناگفته نماند آنچه امامان معصوم را می گویند، جملگی را از پیامبر اسلام و گرفته اند و گفتار آنان همان گفتار پیامبر است.

.. حشر(۵۹): ۷. ۲. ابن حجاج، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۲. ۳. ابن حجر الهیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۲۸۲.

(ب) عقل و جایگاه آن در شناخت دین

و جایگاه عقل عقل در لغت به معنای منع و بازداشتن است و گاه به وسایلی که به نوعی بازدارندگی دارد، عقل اطلاق می گردد؛ مانند افسار که از بیراهه رفتن حیوان جلوگیری می کند. از این رو به قوه ای که انسان را از بیراهه باز می دارد، عقل می گویند.

عقل در اصطلاح: قوه ای است در انسان که او را از سایر حیوانات متمایز می سازد و انسان به واسطه آن به تفکر و استدلال می پردازد و امور خوب و بد و حق و باطل را از یکدیگر باز می شناسد. این قوه کم و بیش در همه انسان ها وجود دارد.

فصل سوم

.. شناخت اسلام

ان تقسیمات عقل عقل از جهات مختلف انوعی دارد که در اینجا به یکی از تقسیمات آن اشاره می کنیم : « عقل نظری» و «عقل عملی» . البته باید گفت ما دو نوع عقل نداریم، بلکه یک عقل است با دو کاربرد و به تعبیری عقل به لحاظ متعلق شناخت، به دو نوع تقسیم می گردد. اگر عقل اموری را درک کند که مستقیم و بی واسطه مقتضی تأثیر در مقام عمل نباشد ، نظیر « محال بودن اجتماع تناقض»، به آن عقل نظری می گویند. به تعبیر دیگر اگر عقل با حوزه «هست ها» و «بودها» سروکار داشته باشد و یا موضع کارکرد عقل، چیزهایی باشد

که شایسته دانستن است، آن را عقل نظری می خوانند؛ مانند اینکه «انسان موجودی وابسته (یا «جهان متغیر است، اما اگر عقل اموری را درک کند که مستقیم مقتضی تأثیر در مقام عمل است، نظیر «قبیح بودن ظلم»، به آن عقل عملی می گویند. به بیان دیگر، چنانچه متعلق عقل «خوبیها» و «ندی ها» و «بایدها و نبایدها» باشد و یا اگر متعلق عقل از اموری باشد که شایسته انجام یا عدم انجام است، مانند خوبی عدالت و بدی ظلم، عقل عملی نام میگیرد .

. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۷۸. ۲. محمدرضایی، تبیین و نقد فلسفه اخلاق کانت، ص ۳۱.

، ۱۰۰۰

، ثه

دنیا

اندیشه اسلامی

۲، معد

حجیت احکام یقینی عقل نظری و عملی، ذاتی است و لزومی ندارد حجیت خود را از منبع دیگری به دست آورد. البته این حجیت ذاتی، مخصوص احکام بدیهی با استدلالهای برهانی و یقینی عقل است، وگرنه برخی احکام غیربدیهی و با استدلال های غیریقینی عقل ممکن است خطا و اشتباه باشد. اصولا به واسطه عقل است که حجت های دیگر را درک میکنیم. لازمه عدم حجیت احکام و استدلال های یقینی عقل، شکاکیت محض است. بدین بیان، اگر کسی محال بودن اجتماع تناقض، نیازمندی معلول به علت و نیکویی عدالت و زشتی ظلم را انکار کند، سرانجام همه چیز را انکار خواهد کرد و به تعبیری، فرجام کارش شکاکیت خواهد بود.

عالمان اصولی و متکلمان امامیه برآن اند که عقل، جدای از حکم دین و شریعت، می تواند حسن و قبح پاره ای از افعال مانند خوبی عدالت و زشتی ظلم را درک کند. در مقابل، اشاعره اعتقاد دارند هیچ فعلی به خودی خود نه زیباست و نه زشت، نه حسن است و نه قبیح. اینان می گویند محسن و قبح منشأ دیگری جز امر و نهی شارع ندارد؛ بدین بیان که اگر خدا فعلی را امر کند، نیکو و حسن و اگر نمی کند، زشت و قبیح است.

دلیل متکلمان شیعه بر حسن و قبح ذاتی اشیا این است که اگر حسن و قبح اشیا ذاتی نباشد، شرع و دین هم ثابت نمی شود؛ زیرا اگر دروغ گفتن قبیح نباشد، چنانچه پیامبری هم که نبوت او ثابت شده، خبر دهد که دروغ قبیح است، از او نمی توان پذیرفت، چراکه ممکن است دروغ گفته باشد. از سویی پیامبری او نیز ثابت نمی شود؛ چه آنکه خلاف حکمت بر خدا قبیح نیست و تصدیق دروغگو نیز قبیح نمی باشد و بعید نیست کسی به دروغ ادعای نبوت کند و خدا معجزات را به دست او جاری سازد و او را تصدیق نماید و او نیز بسیاری چیزها را که خدا منع نکرده و یا امرنفرموده، برای مردم حرام و واجب گرداند.

بنابراین اگر خوبی و بدی افعال، تنها از طریق شرع و اخبار پیامبران الهی معلوم شود، ما نمی توانیم به خوبی و بدی هیچ فعلی حکم کنیم؛ چرا که در گزارش های آنها احتمال دروغ وجود دارد و فرض این است که قبح دروغ هنوز ثابت نشده است.

و ()

ویراست دوم)

.. سبحانی، حسن و قبح عقلی، ص ۸۸؛ شعرانی، ترجمه و شرح کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۴۲۴

قرآن و روایات نیز به روشنی بر حسن و قبح عقلی گواهی می دهند. برای نمونه، در آیه های می خوانیم:
إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ
. در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که پند گیرید.

فصل سوم

از این آیه، نیک برمی آید که خدا براساس عدل و احسان امر می کند و از افعال ناپسند باز می دارد. همچنین ظاهر آیه دلالت میکند که همان اعمالی که نزد همگان معروف و عدل و احسان، یا منکر و ناپسند است، مورد امر و نهی الهی اند. افزون بر این در ذیل آیه آمده است: «خدا به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید.» که این تعبیر حاکی از آن است که امر الهی به عدل و احسان و نهی از فحشا و منکر، جنبه یادآوری دارد نه آموزشی؛ زیرا انسان براساس عقل خود آنها را درک می کند. |

امام صادق عا در روایتی می فرماید:

بالعقل عرف العباد خالقهم ... وروای الحسن من القبیح پس بندگان خدا با عقل، خدای خویش را شناختند و به واسطه آن، کار پسندیده و زیبا را از ناپسند و زشت تشخیص دادند.
در این روایت نیز به صراحت این نکته بیان گردیده است که عقل توانایی بازشناسی افعال پسندیده از ناپسند را دارد.

بنابراین عقل، جدای از حکم شرع، به خوبی و بدی برخی از اعمال پی می برد. از دیدگاه شرعی نیز این احکام قطعی عقل، حجیت دارند و از همین رو عقل یکی از منابع دین دانسته شده و حتی در پاره ای از روایات، حجت باطنی نام گرفته است.

.. نحل (۱۶): ۹۰. ۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۹.

بر این اساس احکام قطعی عقل - اعم از نظری و عملی - در حوزه خاص خود همانند احکام صریح قرآن دارای اعتبارند.

با توجه به بحث هایی که در باب حجیت احکام عقلی مطرح شد، مناسب است به صورت مختصر در باب رابطه عقل و دین بحث کنیم.

اندیشه اسلامی ۲

ویراست دوم)

این رابطه عقل و دین رابطه عقل و دین یکی از مسائل مهم در حوزه دین پژوهی است. دیدگاه های مختلفی در این باره وجود دارد که در این زمینه ما تنها به دو دیدگاه اصلی می پردازیم: ایمان گرایی و عقل گرایی. ایمان گرایی، دیدگاهی است که ساحت دین را قلمرویی می داند که فعالیت عقلانی در آن کارآمد نیست. معتقدان به این دیدگاه میگویند متدینان نباید براساس عقل، باورهای دینی را بپذیرند، بلکه باید به آنها ایمان آورند. در مقابل این دیدگاه، عقل گرایی قرار دارد که اعتقادات دینی را قابل ارزیابی با معیارهای عقلانی می داند و به نوعی سازگاری بین دین و عقل معتقد است

البته هریک از این دیدگاه ها انوعی دارد که به آنها نمی پردازیم، بلکه بیشتر رابطه عقل و دین از دیدگاه اسلام را بررسی می کنیم. از دیدگاه اسلام، عقل و دین دو موهبت الهی است که خداوند به بشر ارزانی داشته است و توأمان آدمی را به سعادت جاودانه می رسانند، نه به تنهایی. عقل، دین را و دین نیز عقل را تأیید می کند. برای نمونه به برخی از آیات و روایات در باب عقل می پردازیم:

قرآن مجید اصولاً نزول قرآن را برای تعقل می داند؛ تا جایی که بدترین جنبنندگان را کسانی می داند که تعقل نمی ورزند

إنا أنزلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون. ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیندیشید. إن شر التواب عند الله الله البکم الذین لا یعقلون؟

.. محمدرضایی، رابطه عقل و ایمان، ص ۱۲. ۲. یوسف (۱۲): ۲. ۳. انفال (۸): ۲۲.

قطعا بدترین جنبنندگان نزد خدا کران و لالانی اند که نمی اندیشند.

امام کاظم اول در روایتی عقل را حجت درونی و باطنی می خواند. امام صادق ال می فرماید:

هرکس عاقل است، دین دارد و کسی که دین دارد، به بهشت می رود.

فصل سوم

بنابراین دین برای تعقل و خردورزی است تا سرانجام آدمی را به بهشت رهنمون شود. از این رو بین عقل و دین رابطه ای متقابل و تنگاتنگ وجود دارد. |

هیچ فرقه اسلامی تعقل و خردورزی را به کلی انکار نکرده و اختلاف فقط در قلمرو و حیطه کارکرد عقل است. حتی اهل حدیث که هرگونه بحث و چون و چرا و استدلال عقلی در مسائل دینی را حرام می شمردند، با عقل خود، دین را پذیرفته اند. اینان هنگامی که وارد حریم دین می شوند، به کارگیری عقل را در کشف احکام و معارف الهی انکار میکنند.

اما از دیدگاه شیعه، همان گونه که برای پذیرش دین به عقل نیازمندیم و اصول دین را با کمک عقل اثبات می کنیم، برای استنباط احکام دینی نیز باید از عقل بهره گیریم تا احکام دینی را از احکام غیر آن تمیز دهیم. از همین روست که احکام قطعی عقل به عنوان یکی از منابع احکام الهی مطرح است.

در جهان مسیحیت به علت غیرعقلانی بودن اصول اساسی مسیحیت نظیر تثلیث، الوهیت و تجسد عیسی مسیح عال، گناه ذاتی انسان و عشای ربانی، متکلمان مسیحی چاره ای نداشته اند جز آنکه بگویند ایمان بیاورید تا بفهمید، نه اینکه ابتدا بفهمید، سپس ایمان بیاورید. برخی از ایمان گرایان اعتقاد دارند ایمان، ضد عقل است، اما پاره ای دیگر میگویند ایمان دینی، فراتر از عقل آدمی است، نه ضد عقل.

پولس، حواری عیسی مسیح عا می نویسد: «باخبر باشید که کسی شما را به فلسفه و مکر باطل نرباید.» پولس فلسفه و خردوزی را هم ردیف با مکر و باطل می داند و به مردم توصیه میکند که از آن پرهیز کنند. همچنین ترتولیان از مسیحیان صدر اول می گوید: «آتن را با اورشلیم چه کار؟» مقصود او از آتن، فلسفه و خرد ورزی، و از اورشلیم، کلیسای مسیحی

شناخت ابراهام

.. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱۰۲. کتاب مقدس، رساله پولس به کولیسان،

۲/۸.

است، پاسخ او به این پرسش این بود که هیچ ایمان و فلسفه هیچ وجه مشترکی ندارند و بلکه کاملاً ضد یکدیگرند ۱۰

برخی دیگر مانند کی یرکگارد؟ (فیلسوف و متفکر دینی دانمارکی و پایه گذار فلسفه اگزیستانسیالیسم الهی) برآن اند که ایمان دینی اصیل هنگامی ظهور می یابد که عقل به پایان خود برسد.

البته در مسیحیت، دیدگاه عقل گرایانه درباب دین نیز وجود دارد، ولی همان عقل گرایان نیز در برخی موارد ناگزیر به ایمان گرایی توسل می جویند. برای مثال، توماس آکویناس (۱۲۷۴ - ۱۲۲۴م) متکلم عقل گرای مسیحی که کوشید فلسفه ارسطو را با آموزه های مسیحیت همسو کند، معتقد است برخی اصول اساسی مسیحیت نظیر تثلیث را نمی توان از طریق عقل فهمید، بلکه باید بدان ایمان آورد.

در پایان می توان نتیجه گرفت همان گونه که قرآن تصریح می کند، دینی که با عقل سازگار نباشد، تحریف شده است و دین واقعی و تحریف نشده با عقل همخوانی دارد، چنان که دین اسلام چنین است.

اندیشه اسلامی *

و

برای

(ج) خاتمیت

اور یکی از ضروریات دین اسلام، مسئله خاتمیت است. خاتمیت بدین معناست که سلسله پیامبران الهی با پیامبر اسلام و ختم می شود و پس از او هیچ پیامبری نیامده و نخواهد آمد. قرآن و روایات متواتر، آشکارا بر این مسئله تأکید دارند.

خاتمیت در قرآن را با ما تماس با م ا قرآن در آیاتی آشکارا و در برخی ضمنی به خاتمیت پیامبر اسلام با اشاره می کند؛ مثلاً در این آیه:

2. Kierker sosophy of Religion, P. 397; Peterson. Reason and Religious Belief, p.33.
1. Pojman, philosophy of Religion, P. 397; Peterson,..., Reason and Religious Belief, p.33. 2.
Kierkegaard. 3. Pojman, Loc. Cit.
۴. ژیلسون، مبانی فلسفه مسیحیت، ص ۵۷.

ماکان محمد أبا آخر من رجالک ولكن رسول الله وخاتم النبیین محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.

قرآن در این آیه به صراحت اعلام می دارد که محمد ا خاتم انبیاست. خاتم از ماده «ختم»، به معنای «پایان دادن به چیزی» است. ابن فارس، از علمای بزرگ لغت در قرن چهارم هجری می نویسد:

ختم، یک معنای اصلی بیشتر ندارد و آن رسیدن به پایان چیزی است و اینکه مهر زدن بر چیزی را نیز ختم می گویند، از همین باب است؛ زیرا همیشه بعد از پایان دادن چیزی بر آن مهر می نهند؟

نسل سوم

... " ان

روایات اسلامی نیز خاتم را «پایان» معنا نموده اند. برای نمونه، امام باقر عالی در تفسیر آیه «ما کان ممکن أبا اکبر» می فرماید:

خاتم النبیین یعنی لانبی بعد محمد. خاتم انبیا به این معناست که هیچ نبی بعد از حضرت محمد نیست. ها را نمی توانم شناخه ای الأمر

گاه برخی خاتم را «زینت» معنا کرده اند ، از این رو خاتم انبیا به معنای زینت تمام پیامبران است، نه پایان دهنده آنها . اما باید گفت خاتم در لغت هرگز به معنای زینت نیامده است ، البته به معنای انگشتر آمده است؛ ازاین رو که به وسیله آن، نامه ها و چیزهایی مانند آن را ختم و مهر می کنند.

اگر کلمه ای در غیر معنای رایج آن به کار رود، باید در کلام قرینه و نشانه ای باشد که شنونده و خواننده به وسیله آن، مقصود گوینده را تشخیص دهد. اما در اینجا هیچ قرینه و نشانه ای نیست تا دلالت بر آن کند که معنای حقیقی خاتم منظور نبوده و از آن، معنایی غیر حقیقی و مجازی اراده شده است.

د. احزاب ۳۳: ۴۰ . ۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۵۵. ۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۱۹.

الدینیة اسلامی

برخی ممکن است بگویند از مطالب گذشته برمی آید که «خاتم» به معنای پایان دهنده است، اما اشکال اینجا است که آیه می فرماید: پیامبر اسلام خاتم انبیاست، نه خاتم رسولان. بنابراین پس از پیامبر بیشک نبی دیگری نمی آید، ولی ممکن است رسولی بیابد.

در پاسخ باید گفت واژه نبی و رسول به دو معنا است: نبی به کسی گفته می شود که از طرف خدا به او وحی شود و در نتیجه می تواند از جهان غیب خبر دهد، خواه مأمور باشد که آنچه به او وحی شده، به مردم یا گروهی از مردم تبلیغ کند یا نکند و خواه کتاب آسمانی و شریعت جداگانه داشته باشد و یا پیرو شریعت و کتاب آسمانی پیامبر دیگری باشد. اما رسول فقط به آن دسته از انبیا گفته می شود که افزون بر اخذ وحی و خبر داشتن از جهان غیب، دست کم یکی از این سه امتیاز را داشته باشد

۱. مأمور باشد که آنچه به او وحی شده، به مردم یا گروهی از آنان تبلیغ کند؛ ۲. دارای شریعت جداگانه ای باشد؛ ۳. دارای کتاب آسمانی باشد. | از این رو نبی، عام تر از رسول است. به بیان دیگر، هرکسی که رسول است، نبی هم هست، ولی هر نبی، رسول نیست. بنابراین ختم نبوت به معنای ختم رسالت نیز هست.

در روایتی ابوذر از رسول گرامی پرسید تعداد انبیای الهی چندتا است؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: ۱۲۴ هزار نفر. سپس عرض کرد: رسولان آنها چند نفر هستند؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: سیصد و سیزده نفر.

چنان که پیداست، در این روایت سیصد و سیزده نفر از انبیای الهی رسول اند؛ یعنی افزون بر مقام نبوت، دارای مقام رسالت نیز هستند. بنابراین هنگامیکه آیه می فرماید پیامبر اسلام ان خاتم انبیاست، بر خاتم رسولان نیز دلالت دارد.

همچنین در قرآن، آیات دیگری هست که هرچند به صراحت بر خاتمیت دلالت نمی کند، از فحوای آن می توان این مسئله را دریافت. اینک به برخی از این آیات اشاره میکنیم:

خداوند دین پیامبر اسلام او را دین کامل معرفی میکند و از آنجا که دین به کمال خویش نایل شده، دیگر لزومی ندارد که وحی برای این اکمال تداوم یابد:

ویراست دوم)

.. واذکر فی الکتاب موتی إنه کان مخلصا و کان رشو تبیا. مریم (۱۹: ۵۱) ۲، مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۲؛ سبحانی، منشور جاوید، ج ۱۰، ص ۱۳۸.

مع دینا

لما بلی

م کی درملیسا للحر الدم

ینا امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما به عنوان آیینی برگزیدم. از این آیه به خوبی برمی آید که دین پیامبر اسلام و کامل است و دیگر نیازی نیست خداوند دین دیگری بفرستد تا نیازهای بندگان را برآورد.

و اثل ما أوحى إليك من كتاب ربك لا بيل المايه و لن تجد من گوی؟ ملح و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان . کلمات او را تغییردهنده ای نیست، و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت.
فعل بد تر

در این آیه، «لن تجد» برای نفی ابد و تأکیدی بر تغییرناپذیری کلمات وحی است؛ یعنی هیچگاه غیر از خدا و کتاب او پناهگاهی وجود ندارد . درواقع این تعبیر، وجود پناهگاهی غیر از قرآن را تا ابد نفی می کند. همچنین در تعبیر «لا مثل لکلماته» ضمیر کلماته به «کتاب ربک» باز می گردد؛ بدین معنا که هیچ امری نمی تواند کلمات قرآن را تغییر دهد. |

این آیه دلیلی بر خاتمیت آیین اسلام است. این آیه و آیه پیشین، خاتمیت پیامبران صاحب شریعت را نیز اثبات می کند.

وما أرسلناک إلا اقۀ بیانای بشیر و نیر. و ما تو را جز به سمت بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم، نفرستادیم.

قل یا ایها الناس إلی ولی الله إلیکم جمیعاً

بگو ای مردم! من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم. مطابق این آیات، رسالت پیامبر اسلام ای جهانی و همگانی است و عموم انسان ها را

ی شناخت اسلام

. مائدهم (۵): ۳. ۲. کهف (۱۸):

۲. ۳. سبأ (۳۴): ۲۸. ۴. اعراف (۷): ۱۵۸.

شامل می شود. در نتیجه انسان های آینده نیز تا پایان جهان مشمول این آیه اند. از این رو این آیات، هم بر جاودانگی قرآن دلالت دارد و هم بر خاتمیت پیامبر اسلام را .
جانندن

..... اندیشه اسلامی

مسئله خاتمیت پیامبر اسلام در روایات بسیاری به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است که به برخی از آنها اشاره می شود:

هنگامی که پیامبر عازم جنگ تبوک بود، علی عالی را برای اداره امور به جای خود در مدینه گمارد و فرمود:
أما ترضی أن تكون منی بمنزلۀ هارون من موسی إلا أنه لائی بیری آیا راضی نیستی که نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی باشی؟ [با این تفاوت که بعد از من پیامبری نیست.

۲ ...

به : ویرا

این حدیث - که به حدیث منزلت مشهور است - به صراحت می گوید پس از پیامبر، نبی دیگر نخواهد آمد. در روایتی از پیامبر اسلام و آمده است:

مثل من در میان پیامبران مانند مردی است که خانه ای بنا کرده و آن را کامل و زیبا ساخته، جز اینکه جای یک آجر آن خالی است و هرکس وارد آن خانه می شود و به آن نگاه می کند، می گوید: «چه زیباست! جز اینکه جای این آجر خالی می باشد.» سپس فرمود: من جای آن آجر خالی ام و پیامبران به وسیله من ختم شده اند. براساس این روایت نیز پیامبر اسلام تا آخرین پیامبر است. امیرالمؤمنین ع در روایتی می فرماید: |
الله سبحانه و محمد

علیه و اله لانجاز له و اناح نبویه.

۱. ابن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۳۹۸. ۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۵. ۳. نهج البلاغه، خطبه ۱.

خداوند سبحان، محمد ایران را برای وفای به عهد خود و اتمام و اکمال نبوتش مبعوث ساخت.

خداوند به حضرت زکریا، چنین می گوید:

یا زکریا قد فعلت ذلک بشکل صلی الله علیه و آله و بعد و هواه الأنبیاء | ای زکریا! ... محمد خاتم پیامبران است و پس از او نیونی نیست .

این دو روایت نیز گویای خاتمیت پیامبر اسلام ای است.

شبهات درباره ما تمنیت

فصل سوم

۱. خاتمیت، پایان حاکمیت دوره مربیزه اقبال لاهوری توجیه و تفسیری از فلسفه ختم نبوت به دست می دهد که خلاصه وار چنین است: زندگی انسان در گذشته براساس غریزه اداره می شد که وحی مربوط به دوران غریزه است، ولی با پیشرفت انسان، تعقل و تفکر جای غریزه را گرفته است. خاتمیت، یعنی پایان دوران غریزه یا هدایت براساس وحی، و ظهور دوره هدایت عقل .

شناخت اسلام

نقد و بررسی لازمه تقریر اقبال آن است که انسان ها نه تنها به وحی و پیامبری جدید نیاز ندارند، بلکه از راهنمایی وحی نیز مطلقاً بی نیازند؛ چرا که هدایت عقل تجربی، جانشین هدایت وحی شده است. این سخن اگر هم درست باشد، به معنای ختم دیانت است، نه ختم نبوت و گفته او مستلزم آن است که علم را به جای ایمان بنشانیم.

در نقد گفتار او می توان گفت اولاً عقل تجربی هیچگاه نمی تواند جانشین وحی شود؛ زیرا قرآن می فرماید:

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۷۳. ۲. اقبال لاهوری، احیای فکر دینی در اسلام، ص ۱۴۶؛ مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۸۶ .

اندیشه اسلامی

ای پیامبر! تو که برترین انسان هستی، به تو چیزهایی تعلیم دادیم که تو هرگز نمی توانستی بدانی. بنابراین وحی از آن روی به انسان ها نازل شد که با عقل خود نمی توانستند به حقایق و حیانی دست یابند. سخن امام کاظم علی در باب عقل گویای این مدعاست: «خداوند دو حجت برای آدمیان قرار داده است: یکی حجت آشکار که رسولان و انبیا و امامان معصوم هستند و دیگر حجت باطنی که عقول مردم اند.» بنابراین هیچ یک از این دو نمی توانند به جای دیگری بنشینند. از همین رو، این سخن اقبال که هدایت عقل تجربی جانشین وحی شده، خطاست.

دیگر اینکه مؤمنان و متدینان براساس عقل خود به دین مراجعه کرده اند. چه بسیار عاقلان و متفکران برجسته ای که از لحاظ عقلی سرآمدند، ولی باز هدایت و حیانی را پذیرفته اند. پیشتر گفتیم که اصولاً قرآن نزول خود را برای تعقل می داند و بدترین جنبندها را کسانی می داند که نمی اندیشند.^{۲۰} روایات اسلامی نیز متدینان را کسانی می خواند که بر اثر تعقل به هدایت و حیانی دست یافته اند. برای نمونه، امام صادق عا می فرماید: «عقل راهنمای مؤمن است.»^{۲۱}

بنابراین مؤمنانی که قرآن را به عنوان کتاب زندگی خود برگزیده اند، براساس راهنمایی عقل چنین کرده اند. از دیگر سو، آموزه های و حیانی - چه مستقیم و چه غیرمستقیم - جملگی عقلانی اند. بنابراین نمی توان عقل را جایگزین وحی نمود و دیدگاه اقبال در باب خاتمیت به هیچ رو صحیح نیست.

..... و

..... ویراست دوم)

۲، خاتمیت، پایان دوران ولایت شخصی را در ایران در ایران و برخی نظریه اقبال در باب خاتمیت را به گونه ای توجیه و تبیین کرده اند که به گمان خود قابل دفاع باشد. از نگاه آنها، خاتمیت یعنی پایان دوران ولایت شخصی. پیامبر ولایت

.. لك ما لم تكن تعلم. نساء)

۴: ۱۱۳ (. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶.

.. یوسف (۱۲): ۲. ۴. انفال (۸): ۲۲. ۵. کلینی، اصول کافی، ص ۲۵.

شخصی داشت؛ بدین بیان که سخن او نوعاً آمرانه، از موضع بالا و اغلب بدون استدلال است و از این جهت با زبان و چگونگی بیان دیگران تفاوت آشکار دارد. اگر به قرآن بنگریم، به ندرت در آن استدلال می یابیم. به تعبیر دیگر، سخن نبی آن بود که من خود، قانون و حجت. خاتمیت به این معناست که دیگر سخن بدون استدلال پذیرفته نمی شود.

مورد نقد و بررسی استدلال خطابات پیامبر را در خود خطابات است و سخنان ایشان در قالب وحی به گونه ای است که خود حجت و استدلال است. قرآن، خطابات و حیانی پیامبر را برهان و نور می داند که هم خود روشن است و هم روشنی بخش

یا أیها الناس قد جاف برهان من ربکم وأنزلنا إلیک ورا بینا ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است، و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم.
فصل سوم

افزون بر این، قرآن مردم را به تفکر و تعقل فرامی خواند و نیز سفارش می کند که از علم و حجت تبعیت کنید و از آنچه بدان علم ندارید، پیروی نکنید. حال چگونه ممکن است خود را بدون استدلال و آمرانه معرفی کند؟ قرآن در آیه ای دیگری برای تشخیص ادعاهای پیامبر، مردم را با صراحت به تعمق در خود قرآن دعوت میکند: أفلایتدوین القرآن ولوکان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا آیا در [معانی قرآن نمی اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می یافتند.

... .. شناخت اسلام

قرآن در بیش از سیصد آیه، مردم را به تفکر و تعقل و تدبر دعوت نموده و استدلال هایی . سروش، بسط تجربه نبوی ، ص ۱۳۸ - ۱۳۱. ۲. نساء (۴): ۷۴. ۳. ولا تقف ما لیس لک به علم . اسراء ، (۱۷: ۳۶) . نساء (۲۴): ۲A.

را نیز از زبان پیامبران و اولیای الهی نقل می کند. خداوند در هیچ آیه ای به بندگان خود امر نکرده است که جاهلانه به قرآن یا هر مسئله دیگری ایمان بیاورند، بلکه برای اثبات احکام و مسایل استدلال نموده است. البته استدلال های قرآنی به صورت براهین فلسفی و کلامی متعارف نیست، بلکه به گونه خاصی است و با فطرت آدمی تناسب دارد. گزاره های قرآنی نیز با هماهنگی با عقل و یا مبتنی بر عقل هستند؛ یعنی چون از طریق استدلال عقلی، حجیت قول پیامبر - که معصومانه است - به اثبات رسیده، اگر عقل نتواند مستقیما حکمی از احکام قرآنی را درک کند، باز هم پذیرفتنی است؛ زیرا پشتوانه و تکیه گاه آن حکم عقلی است. از این رو می توان ادعا کرد تمام خطابات الهی - مستقیم یا غیرمستقیم - عقلانی است و اینکه سخن پیامبران اغلب بدون استدلال می باشد، سخنی است به گزاف.

اندیشه اسلامی ، ۲ ... ب

۳. ناسازگاری خاتمیت با مرجعیت علمی امامان معصوم ل ا برخی دیگر خاتمیت را با مرجعیت علمی امامان معصوم شیعه که سخن آنان از عصمت و حجیت برخوردار است، جمع پذیر نمیدانند؛ چراکه اگر سخنان ائمه ای معصومانه باشد ، در رتبه وحی خواهد نشست که این با خاتمیت ناسازگار است.

(ویراست دوم

است و

نقد و بررسی

همه مسلمانان به مرجعیت و وثاقت قرآن و سنت قطعی پیامبر اعتقاد دارند؛ چنان که قرآن می فرماید:

این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی همچنین پیامبر در حدیث ثقلین می فرماید:

من در میان شما دو چیز گران بها (قرآن و اهل بیت) را به امانت میگذارم و می روم. مادامی که به این دو چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از

! و أنا إلیه اللیزلین الناس ما تزل إلیهم. نحل (۱۶ : ۴۴)

یکدیگر جدا نمی شوند تا در قیامت ، کنار حوض نزد من آیند.

در این روایت، اهل بیت و هم طراز با قرآن اند؛ یعنی همان گونه که قرآن از هر نوع تحریفی مصون است ، اهل بیت نیز از هرگونه خطای فکری و عملی مبرایند . به بیانی دیگر، کسانی که تمسک به آنها مایه هدایت است و مسلمانان را از ضلالت و گمراهی باز می دارند و از قرآن نیز هرگز جدا نمی شوند، از هرگونه خطا و گناهی مصون اند.

همچنین پیش تر گفتیم که پیامبر با اهل بیت خود را به کشتی نوح مانند کرده که هرکس بر آن سوار شود، از امواج طوفان رهایی می یابد و هرکه از آن تخلف نماید، به هلاکت می رسد.

قرآن در آیه تطهیر به صراحت اظهار می دارد که خداوند رجس را از اهل بیت برداشته است. مقصود از رجس، هر نوع پلیدی فکری و روحی و رفتاری است که گناه و خطا از مصادیق بارز آن است. ازاین رو، گفتار و کردار ائمه معصومین ایام همانند قرآن حجیت دارد. بنابراین کسانی که سخن پیامبران را براساس آموزه های قرآن حجت می دانند، سخنان ائمه ای را نیز براساس آیات و روایات قطعی پیامبر، همین گونه تلقی می کنند . درواقع ممکن نیست کسی به سنت پیامبر باور داشته باشد، ولی حجیت و وثاقت تعالیم ائمه إلا را انکار کند.

بنابراین بین خاتمیت و مرجعیت علمی امامان معصوم هیچگونه ناسازگاری نیست.

فصل سوم

شناخت ایلام

(د) روش فهم دین

.. فهم پذیری دین دین مجموعه تعالیمی است که خداوند برای هدایت بشر نازل فرموده که آخرین و کامل ترین آنها دین اسلام است. هیچ کتاب آسمانی مانند قرآن از اعتبار و حجیت و اتقان تاریخی برخوردار نیست. قرآن نور آشکار، کتاب روشن، هدایتگر مردم و تبیین گر هر

۱. ابن حجاج، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۲. ۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۵۱.

اندیشه اسلامی ۲، به الان .. ۰۰۰۰۰

چیزی است. چنین اوصافی، اقتضا می کند که قرآن قابل فهم، گویا و روشن باشد؛ زیرا از ویژگی های نور آن است که گرچه مراتب و درجات گوناگون دارد، هم خود روشن است و هم به دیگر اشیا روشنی می بخشد. به تعبیر دیگر هر چیز را باید در پرتو نور دید، اما نور با چیز دیگری دیده نمی شود، بلکه ذاتا روشن و آشکار است. همچنین از آنجا که قرآن خود را بیانگر همه معارف سودمند برای هدایت انسان می داند، بی شک باید خود روشن و فهم پذیر باشد تا به بیانگر دیگری نیاز نباشد. از دیگر سو، قرآن کریم افرادی را که از شنیدن آیات و تدبیر در معانی آن روی می گردانند، سخت سرزنش می کند که خود بیانگر قابل فهم بودن قرآن برای همه انسانهاست. در آیه ای می خوانیم: ولقد ترنا القرآن للذكر فهل من م ر . و قطعا قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم؛ پس آیا پندگیرنده ای هست؟ همچنین امام باقر عالی در روایتی می فرماید:

هرکسی گمان کند که قرآن، کتاب مبهمی است، خود را نابود کرده و با نظریه خویش دیگران را نیز به هلاکت می رساند؟! البته فهم پذیر بودن قرآن بدین معنا نیست که همه افراد به یکسان از معارف قرآن بهره مند می گردند، بلکه قرآن دریای بیکرانه ای است که هرکس به اندازه ظرفیت خود می تواند از آن سود جوید . همچنین مراتب فهم قرآن در طول یکدیگرند و هیچگاه با ظاهر قرآن ناسازگار نیستند. ویراست دوم)

: روشمند بودن فهم دین هرچند دین فهم پذیر است، اما این فهم پذیری روشمند است؛ یعنی بدان گونه نیست که هرکس به آیه یا روایتی مراجعه کنند و بی آنکه منطق لازم فهم قرآن را رعایت نماید، حکم اسلامی را استنباط کند، با اینکه با پیش فرض خاصی به سراغ قرآن رود و با تحمیل دیدگاه .. آل عمران ۳: ۹۶؛ نحل (۱۶): ۸۹. ۲. مدثر (۷۴): ۵۱ - ۴۹. ۳. قمر (۵۴): ۲۰. ۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۹۰.

فصل سوم

خود بر قرآن، آن را حکم اسلامی بداند. بنابراین برای تفسیر قرآن باید روش صحیحی براساس رعایت امور ذیل داشت:

۱. آگاهی از قواعد زبان عربی: نخستین پایه برای فهم قرآن، آگاهی از قواعد زبان عربی است تا فاعل از مفعول، ظرف از مضرّف، معطوف از معطوف علیه و ... به خوبی تشخیص داده شود.
۲. آگاهی از معانی الفاظ قرآن: یکی دیگر از پایه های اساسی فهم و تفسیر قرآن، آگاهی از معانی الفاظ و مفردات قرآن است. برای فهم این معانی نباید به معانی رایج این زمان و یا به معانی ارتکازی در ذهن مراجعه نمود؛ زیرا چه بسا معانی الفاظ به مرور زمان دگرگون شده و نسبت به معانی رایج در عصر رسالت به نوعی تغییر کرده باشد. بنابراین باید به طریقی معانی رایج در عصر رسالت را پی جویی کرد که در این راه کتاب های لغت مناسبی وجود دارد.

۳. تفسیر قرآن به قرآن: قرآن که خود را بیانگر همه چیز معرفی می کند، بی شک بیانگر خود نیز هست. بنابراین برای فهم یک آیه می توان به آیات دیگر نیز مراجعه نمود و اگر در آیه ای ابهامی به نظر رسید، باید با توجه به آیات دیگر ابهام را زدود. امام علی ال دراین باره می فرماید:

برخی از آیات قرآن با برخی دیگر به سخن درآمده، معنای خود را می فهماند و بعضی از آن به بعضی دیگر گواهی میدهد. همچنین برای فهم یک آیه باید از یک سو تمامی آیات مناسب آن موضوع را در نظر گرفت و آیه را در پرتو آیات دیگر معنا کرد و از سوی دیگر سیاق یا قبل و بعد آن آیه را نیز مورد توجه قرار داد. درواقع منشأ پیدایش مذاهب و فرقه های مختلف آنجاست که هر یک به آیه ای مراجعه نموده و از آیات دیگر غفلت ورزیده اند.

۴. مراجعه به احادیث صحیح: فهم برخی از آیات، بدون مراجعه به احادیث صحیح اسلامی امکان پذیر نیست؛ زیرا اغلب این آیات، مطلق هایی اند که قیود آنها در احادیث پیامبران و امامان معصوم اپی آمده است. برای مثال، قرآن درباره وجوب نماز، روزه ، لا .

... شناخت اسلام

. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.

اندیشه اسلامی ۲

زکات، خمس و حج سخن گفته، اما جزئیات آنها را بیان نکرده است. از همین رو در این موارد - به حکم قرآن - ناچاریم برای فهم آنها به احادیث پیامبران و امامان معصوم طلاایام مراجعه کنیم. بنابراین برای فهم قرآن آشنایی با احادیث پیامبر و امامان معصوم علی امری ضروری است.

۵. توجه به شأن نزول آیات قرآن در مدت ۲۳ سال و در پی یک سلسله پرسش ها و با رویدادهایی نازل شده است. آگاهی از شأن نزولها، به مفهوم آیه، روشنی می بخشد. البته این بدان معنا نیست که بدون در نظر گرفتن شأن نزول نمی توان به معنای آیه آگاهی یافت و آن را تفسیر نمود، بلکه با توجه به آن، معنای آیه روشن تر خواهد شد.

۶. آگاهی از تاریخ محیط نزول قرآن: قرآن در محیطی نازل شده که مردم آنجا زندگی خاصی داشته اند و آیات قرآن نیز به مناسبت هایی به شیوه زندگی و آداب و رسوم آنها اشاره نموده و سپس به نقد آنها پرداخته است. آگاهی از وضع زندگی عرب قبل از اسلام و معاصر آن، به معنای برخی آیات کمک میکند. برای مثال، قرآن به مسائلی از قبیل «آزلام» و بت هایی مانند «و»، «شواع» و «سر» اشاره می نماید که آگاهی از تاریخ آنها در فهم بهتر آیات مؤثر است.

۷، شناخت آیات مکی و مدنی: آیاتی که پیش از هجرت پیامبر را در مکه نازل شده، منی و آیاتی که پس از هجرت پیامبر در مدینه نازل گردیده، مدنی نامیده می شوند. شناخت دقیق آیات مکی و مدنی، برخی از معانی

قرآن را روشن می سازد. آیات مکی بیشتر به طرح عقاید و معارف اسلامی می پردازند و آیات مدنی بیشتر به طرح احکام.

۸. پرهیز از هر نوع پیش داوری: مفسر برای فهم آیات قرآن باید بدون هیچگونه پیش داوری و تحمیل عقیده به قرآن بنگرد تا به مقاصد آن دست یابد. به تعبیر دیگر، در محضر قرآن باید علم آموخت و شاگردی کرد. در مذمت تفسیر به رأی، روایات بسیاری وارد شده است.

امروزه آفت تفسیر به رأی دامن گیر جامعه اسلامی شده و برخی تحت تأثیر پیشرفت های علوم تجربی و افکار و عقاید مغرب زمینان - که از اتفاق لازم نیز برخوردار نیستند - آیات قرآن و روایات معصومان را تفسیر می کنند . ویراست دوم)

فهم آیات قرآن و روایات نیز باید به گونه ای باشد که با عقل ناسازگار نباشد. برای مثال، دیدگاه گروه هایی مانند جبریه و مجسمه و مشبهه که فهم آنها از قرآن با عقل و همچنین با دیگر آیات قرآن در تنافی می باشد، مقبول نیست.

فصل سوم

شناخت اسلام

.. رهل : سبحانی، « روش صحیح تفسیر قرآن»، قبسات ، ش ۲۹، ص ۲۹ - ۹.

اندیشه اسلامی ۲

برای مطالعه بیشتر تکامل پذیری فهم دین برخی از متفکران مسیحی نظیر آلفرد فیرمین لویزی (۱۹۴۰ - ۱۸۵۷) بر آن اند که فهم ما از دین تکامل می یابد، اما خود دین ثابت و جاودانه است. او یکی از تجددطلبان مسیحی بود که در سال ۱۸۷۹ به مقام کشیشی رسید، اما در سال ۱۹۰۸ تکفیر و از جامعه کشیشیان اخراج شد. پاره ای از نویسندگان مسلمان نیز تحت تأثیر افکار او چنین عقیده ای را مطرح نموده اند. براساس این دیدگاه ، دین امری ثابت و جاودانه است ، ولی معرفت دینی ، معرفتی بشری است و همانند دیگر شاخه های معرفت در تکامل است و مانند هر فهمی ، ناگزیر از تحول می باشد. از این رو، معرفت دینی معرفتی ناقص ، متحول ، تکامل پذیر و غیریقینی است و رشد تدریجی دارد. از آنجا که معارف بشری با یکدیگر در ارتباط اند، تغییر در بخشی از این معرفت ، تغییر در معرفت دین را نیز در پی دارد.. نقد و بررسی ۱. براساس این نظریه، معرفت دینی ناقص و غیریقینی است ، طبعاً خود این نظریه نیز که نوعی معرفت دینی است ، باید ناقص و غیریقینی باشد. چگونه مدافعان این نظریه ، ما را به قبول نظریه ای غیریقینی و لرزان دعوت می کنند؟ ۲. این نظریه بر این اساس است که معرفت های بشری از جمله معرفت دینی در حال تحول و دگرگونی است، بنابراین در نقد این نظریه می توان گفت در حوزه معرفت ، معارفی وجود دارد که قرن ها ثبات یافته و تحول و دگرگونی در آنها راهی نیافته است و احتمال تحول در آنها را نیز نمی دهیم؛ نظیر قواعد ریاضی از جمله $2+2=4$ و معرفت

های عقلی مانند «هر پدیده ای علتی دارد»، «اجتماع تناقض محال است و در هر متحرکی نیازمند محرک است. هرچند ممکن است، مصداق عدد ۲ و پدیده و متحرک، متعدد و متفاوت باشد، اما خود این احکام ثابت انا.. ۳. این نظریه می گوید معرفتهای بشری از جمله معرفت دینی با یکدیگر در ارتباط اند و تغییر در بخشی از این معرفت، تغییر در سایر معرفت ها از جمله معرفت دینی را در پی دارد. این ادعا به گونه ای است که عقل و تجربه نمی تواند آن را اثبات کند. برای مثال، در گذشته کشف شده بود که بلندترین قله جهان، اورست است. حال اگر کشف شود قله ای بلندتر از آن وجود دارد، آیا این تغییر در معرفت، تغییر در معادلات ریاضی و فیزیک را نیز در پی دارد، یا سبب می شود گزاره «هر حادثی علتی دارد» و یا تعداد رکعات نماز صبح تغییر کند؟! روشن است که هرگز چنین ارتباط تنگاتنگی بین همه معرفتها وجود ندارد، به گونه ای که تغییر در بخشی از معرفت، تغییر در کل معرفت ها را در پی داشته باشد.

..... سه ...)

ویراست دوم)

د. محمدرضایی، «خاستگاه و پیشینه نظریه تکامل معرفت دینی»، قبسات، ش ۱۸، ص ۱۰۹.

۴. بسیاری از معرفت دما و احکام دینی وجود دارند که از ظهور اسلام تا کنون ثابت مانده و همه مسلمانان بر آنها اتفاق نظر دارند؛ مانند حج، روزه، نماز، خمس و زکات. بی شک مسلمانان از آغاز تاکنون معرفت خود را در باب رکعات نماز یا وجوب روزه در ماه رمضان تغییر نداده اند. از همین رو، این نظریه که همه معرفت های دینی متغیر و تکامل پذیر است : صحیح نمی باشد.

: برای پژوه علی

. رابطه معجزه الهی را با اصل علیت مورد بررسی قرار دهید . ۲. پیامبر اسلام پایان معجزات دیگری جز قرآن نیز داشته است. در این باره بررسی نمایید .

. دیدگاه های متفکران اسلامی را در باب معجزه بررسی کنید... ۴. درباره اوصاف پیامبران الهی از منظر قرآن تحقیق کنید. ۵. دیدگاه های مختلف در باب رابطه عقل و دین را بررسی نمایید . ۶. اعجاز علمی قرآن را در حوزه های مختلف علمی مورد علاقه خود مورد تحقیق قرار دهید. منابعی برای مطالعه بیشتر ۱. امام خمینی، سید روح الله، فثبوت از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰. ۲. جوادی آملی، عبد الله، قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ج ۱، قم، اسراء، |

فصل سوم

۱۳۷۸.

. شناخت اسلام

۳. خوبی، ابوالقاسم، مرزهای اعمتاز، ترجمه جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق

۱۳۸۵. ۴. سبحانی، جعفر، الهیات و معارف اسلامی، قم، مؤسسه امام صادق خان، ۱۳۸۴. ۵. سس، خاتمیت از نظر قرآن و نقطه ای و عقل، ترجمه رضا استادی، قم، مؤسسه سیدالشهدا، ۱۳۶۹. ۶.

رسالت جهانی پیامبران و بوهان رسالت، قم، مکتب اسلام، ۱۳۷۴. ۷. س، عقاید اسلامی در پرتو قرآن، حدیث، عقل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹. ۸. --، منشور عقاید امامیه، قم، مؤسسه امام صادق عاب، ۱۳۸۵. ۱۰. سعیدی روشن، محمدباقر، معجزه شناسی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر: ۱۳۷۹. ۱۱. مصباح طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق. | ۱۱. یزدی، محمد تقی. آموزش عقاید، ج ۲، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.

۱۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار(نبوت)، ج ۲، تهران، صدرا، ۱۳۷۴. ۱۳.

-، مجموعه آثار روحی و نبوت)، ج ۲، تهران، صدرا، ۱۳۷۴.

اندیشه اسلامی (۲)... ..

ویراست دوم)

فصل چهارم امامت و ولایت

الف) معنای امامت و ولایت امام به معنای پیشوا و رهبر از ریشه «آم» به معنای قصد کردن و توجه نمودن است؛ چراکه مردم با قصد و توجه خاص به سراغ امام می روند. در قرآن، واژه امام اعم از پیشوای صالح و ناصالح است: یوم دعوا أنایں یامامهم

[یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم. امام در اصطلاح متکلمان شیعه، کسی است که در مقام جانشین رسول خدا را نسبت به همه امور دینی و دنیوی جامعه اسلامی ریاست الهی عام و فراگیر دارد ۲.

براساس این تعریف، امام همه منصبها و شئون پیامبری به جز نبوت را داراست. از این رو، امام باید دارای ویژگی هایی باشد: |

.. از جانب خدا نصب گردد؛

۲. دارای مقام عصمت (پیراستگی از گناه و خطا) باشد؛ زیرا بدون داشتن عصمت نمی تواند اعتماد مردم را جلب کند و برای مردم الگو باشد و در قلب ها و اندیشه های آنان راه یابد. بنابراین امام بدین جهت باید از تمام لغزشها و خطاها بری باشد تا مردم را به کژی رهنمون نکند.

۳. نسبت به همه امور دینی علم لدنی و وسیع و گسترده داشته باشد تا در تبیین این امور و رفع مشکلات علمی و دینی جامعه اسلامی، نیازمند دیگران نباشد. امام بدون یک چنین علم وسیعی، نمی تواند خلأیی را که از عدم حضور پیامبر در جامعه اسلامی پدید آمده است، پر کند.

متکلمان اهل سنت با این تعریف متکلمان شیعه مخالف اند. اینان امامت را منصبی عادی و غیرالهی می دانند که با انتخاب مردم، به ویژه

. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۷۸ : دهخدا، لغت نامه، ج ۳، ص ۳۳۰۴ و ۳۳۹۷. ۲. اسراء (۱۷): ۳. ۷۱. سبحانی، پیشوایی از نظر اسلام، ص ۳۰.

اندیشه اسلامی

.....۲

مهاجر و انصار و با علمای اهل حل و عقد، به فردی واگذار می شود. پاره ای از متفکران اهل سنت نیز بر آن اند که حتی امام می تواند با زور و قدرت، سرپرستی جامعه را برعهده گیرد و اگرچه فاسق و شراب خوار باشد، این آلودگی ها موجب عزل و برکناری او نمی گردد.

ابن خلدون، از عالمان اهل سنت، توانسته است در مقدمه خود، حقیقت دو دیدگاه تشیع و تسنن را در باب امامت به اجمال بیان نماید:

امامت در نظر اهل تسنن از مصالح همگانی است که به خود امت بستگی دارد: آنها هرکسی را تعیین کردند، او پیشوا و امام خواهد بود. اما امامت از نظر شیعه، ستون و پایه دین است [و] بر پیامبر جایز نیست آن را نادیده بگیرد یا به امت واگذار کند، بلکه باید امام را تعیین کند و [امام] نیز باید از

گناهان کبیره و صغیره مصون باشد. بر پایه این دیدگاه، امامت از نظر شیعه ادامه رسالت است و پیامبر باید امام بعد از خود را تعیین نماید و چون پیامبر جز وحی نمیگوید، چنین تعیینی، تعیین خداوند است. به عبارت دیگر، امام باید منصوب از طرف خدا و دارای مقام عصمت باشد. البته امام شرط دیگری نیز دارد و آن علم خدادادی است تا بتواند تبیین درستی از جزئیات احکام به دست دهد.

اندیشه اسلامی ۲

ویراست دوم)

تاریخ پیدایش اختلاف در مسئله امامت احادیث و روایات و تاریخ اسلام حاکی از آن است اختلاف درباره مسئله امامت و جانشینی رسول خدا و هرچند پس از رحلت پیامبر در سقیفه به اوج خود رسید و سپس میان عالمان و دانشمندان و مردم مورد توجه گسترده قرار گرفت، ولی در زمان خود پیامبر او نیز مطرح بوده است. گروهی در زمان پیامبر نیا درباره امامت امور مسلمانان پس از رحلت وی زمزمه ها و گفتگوهای داشته اند و حتی برخی مانند اخنس بن شوبق، فرمانروای یمامه، پذیرش اسلام را منوط به این امر کردند که موضوع امامت و خلافت پس از رسول خدا به

. به معنای معتمد مردمان یا کسانی که زمام کار به دست آنهاست. ۲. همان، ص ۲۳. ۳. همان، ص ۲۷؛ ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۱۹۰.

آنان واگذار گردد و چون از جانب پیامبر پاسخ منفی شنیدند، از پذیرش اسلام سر باز زدند. همچنین هرگاه پیامبر از مدینه را به عزم سفر و یا دفاع و جنگ ترک می کرد، جانشینی برای خود تعیین می نمود. تکرار این عمل در دوران حیات پیامبر را حس کنجکاو مسلمانان را تحریک می کرد تا در مسئله امامت و جانشینی فکر کنند و نظر بدهند.

بنابراین براساس دیدگاه شیعه نمی توان گفت آغاز توجه به مسئله حیاتی امامت، پس از رحلت پیامبر این بوده است، بلکه در زمان حیات ایشان نیز مسلمانان کم و بیش به این موضوع می اندیشیده اند. همچنین متفکران شیعه براساس دلایل قطعی برآن اند که امامت و جانشینی امیرالمؤمنین علی عا در زمان خود پیامبر و مطرح بوده و آن حضرت بارها بر این مسئله تأکید نموده است.

فصل چهارم

امامت و ولایت

ان دستاوردهای بحث در باب امامت برخی از عالمان اهل سنت معتقدند اختلاف در باب امامت و جانشینی پیامبران مسئله ای تاریخی بوده که زمان آن سپری شده است و از لحاظ علمی، بحث درباره آن دیگر سودی ندارد.

این باور از دیدگاه شیعه، صحیح نیست؛ زیرا امامت دارای ابعاد مختلف تاریخی، علمی، اجتماعی و دینی است. بحث در باب امامت، یک مسئله تاریخی نیست که زمان آن سپری شده باشد، بلکه بحث درباره شیوه حکومت اسلامی است که یکی از ضروری ترین مباحث روزگار ماست. از آنجا که دین و احکام اسلامی ابدی است، بحث درباره ویژگی های مجری این احکام، یعنی امام و پیشوای جامعه اسلامی نیز جاودانه است. با توجه به اهمیت جایگاه امامت باید حاکم و مجری احکام اسلامی براساس نصب الهی تعیین گردد، نه اجماع و شورای امت. اگر بپذیریم که مقام امامت، مقامی انتصابی است، در آن صورت اجرای احکام شریعت را باید به دست افرادی سپرد که از جانب خدا مسئولیت رهبری امت به آنها سپرده شده است.

در دوران غیبت که آخرین امام منصوب از جانب خدا و پیامبر به دلیل نامساعد بودن

. طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۷۲؛ سبحانی، پیشوایی از نظر اسلام، ص ۳۳.

اندیشه اسلامی

.....۲

شرایط در پس پرده غیبت به سر می برد، این پرسش رخ می نماید که طرح اسلام و امامان برای اجرای احکام جاودانه دین در این دوران چیست؟ آیا در دوران غیبت نیز حاکم اسلامی باید از سوی پیامبر و امامان علی

منصوب شود یا اینکه مردم می توانند هر فردی را به عنوان امام برگزینند؟ از این بیان می توان نتیجه گرفت که بحث درباره امامت بحث از شیوه حکومت اسلامی در همه دوران هاست.

یکی دیگر از ابعاد امامت، از دیدگاه شیعه، موضوع تبیین و تشریح اصول و معارف و بیان احکام و فروع دین و داوری میان اندیشه های مختلفی است که میان مسلمانان پدید می آید. این دیدگاه ها بی گمان برگرفته از سخنان و سنت پیامبر اسلام راه است، از این رو مرجعیت علمی امامان معصوم پیم نه تنها برای معاصران، که برای تمامی نسل های آینده حجت خواهد بود و بسیاری از مشکلات فکری، اجتماعی، اقتصادی و ... گره گشایی خواهد کرد.

بحث در باب امامت، با هماهنگی و وحدت جامعه اسلامی نیز منافاتی ندارد؛ چراکه در این بحث ها بیشتر به مشترکات توجه می شود و مسائل اختلافی نیز در ساحتی علمی و دوستانه، به دور از تعصب و پیش داوری مطرح می گردد، که پرداختن به بحث های علمی و شنیدن سخنان مختلف و پیروی از بهترین آنها مورد سفارش قرآن است.

هدف از تقریب بین مذاهب اسلامی، به هم نزدیک شدن اندیشه ها، تحمل یکدیگر، تأکید بر نقاط مشترک و وحدت و انسجام امت اسلامی در برابر مستکبران و دین ستیزان است. براساس این نگرش بود که شیخ الأزهري، شیخ محمود شلتوت، رسماً پیروی از مذهب شیعه برای برادران اهل سنت را جایز دانست. ایشان در تعبیری می گوید:

مذهب جعفری مشهور به مذهب شیعه امامیه اثنا عشری از جمله مذهبی است که مانند سایر مذاهب اهل سنت شرعاً میتوان از آن تقلید کرد.

ویراست

شما نیاز به وجود امام پیامبر اسلام ای با سه وظیفه را برعهده داشت: دریافت و ابلاغ وحی الهی، تبیین وحی و نیز

، سبحانی، پیشوایی از نظر اسلام، ص ۱۴

فصل چهارم ...

سه با

زمانمداری جامعه اسلامی. پس از رحلت پیامبر کی دوران وحی به سر آمد، ازاین رو آغازین وظیفه او پایان یافت، اما در جایگاه دیگر برای هدایت جامعه اسلامی ضروری می نمود؛ تشکیل حکومت برای اجرا و تحقق قوانین قضایی، اقتصادی و اجتماعی اسلام و همچنین تبیین وحی بعد از پیامبر تا .

از دیدگاه شیعه، پس از پیامبر خداوند امامان معصوم انت را با علم خدادادی نصب کرده تا بتوانند تبیین گر وحی الهی و به تعبیری مرجع و حافظ دین و تدبیرکننده جامعه اسلامی باشند. نصب امامان، بعد از پیامبر براساس دلایل زیر قابل توجیه است: ا. پیامبر

در طول ۲۳ سال نبوتش فرصت نیافت تمام تفاسیل و جزئیات احکام الهی را بیان نماید؛ چرا که از یک سو اصولا بسیاری از مسائل و احکام در زمان پیامبر موضوعیت نیافت و از این رو پرسشی نیز مطرح نشد؛ از سوی دیگر در مدت سیزده سال نبوت پیامبر در مکه تنها اندکی ایمان آوردند و در ده سال آخر عمر حضرت در مدینه نیز جنگ های زیادی پیش آمد و به همین رو شرایط مهیا نشد تا ایشان به تفصیل احکام الهی بپردازد. بنابراین پس از پیامبر جامعه اسلامی به آگاهانی بری از خطا نیاز داشت تا بدین امر روی آورند. ۲. پس از پیامبر فرقه های مختلفی نظیر معتزله، خوارج، مرجئه، اشاعره و شیعه به وجود آمدند که هریک عقاید خود را به قرآن مستند می کردند و آیات الهی را مطابق با باور خود تفسیر می نمودند که بی شک از میان این تفاسیر، تنها یکی صحیح بود. از این رو باید کسانی باشند که بتوانند تفسیر صحیح را از ناصحیح بازشناسند و آن را به جامعه اسلامی معرفی کنند تا در آینده گروندگان به اسلام، راه درست را برگزینند. مثلا درباره کیفیت وضو با اینکه پیامبر روزانه چند بار در حضور مردم وضو می گرفت و همه می دیدند که چگونه دست ها و صورت خود را می شوید و سر و پای خود را مسح می کند، اما اهل سنت و تشیع با توجه به آیات قرآن به دو صورت وضو می گیرند که درواقع یکی از آنها مطابق با وضوی پیامبر است.

بنابراین وجود امام معصوم برای به دست دادن تفسیر صحیح در مورد معارف و احکام اسلامی نظیر صفات خدا، لوح و قلم، عرش و کرسی، قضا و قدر، جبر و اختیار، شفاعت و بهشت و دوزخ، امری ضروری است.

دین امامت و ولایت

اندیشه اسلامی ۲

۳. پس از رحلت پیامبر بازار جعل احادیث مستند به پیامبره

داغ شد و جاعلان حدیث با انگیزه های گوناگون وارد این میدان شدند. برخی یهودیان و مسیحیان مسلمان نما مانند کعب الاحبار یا وهب بن منبه به خاطر عداوتی که با اسلام داشتند، اسرائیلیات و مسیحیات را به تاریخ اسلام وارد کردند و گروهی از مسلمانان سست ایمان نیز به تحریک خلفا و امرای وقت یا به انگیزه مقام خواهی و یا دلایلی دیگر به جعل حدیث پرداختند. در این مسئله نیز وجود امام معصوم و پیراسته از گناه و اشتباه کاملاً احساس می گردد تا مردم با مراجعه به وی، حدیث حق را از باطل بازشناسند. البته افزون بر این، امام می باید ریشه این نوع احادیث مجعول و منقولات باطل و افکار بی پایه را بسوزاند و جامعه را از چنگ این دروغ پردازان برهاند. برای نمونه، به یکی از این جاعلان اشاره میکنیم

سمره بن جندب به نام صحابی پیامبر، گرداننده دستگاه تبلیغاتی معاویه بود. او با گرفتن چهارصد هزار درهم شأن نزول دو آیه را دگرگون ساخت. وی آیه ای را که درباره جانبازی علی عا در لیلۃ المبیت (شبیه که امیرمؤمنان علی ع در خوابگاه پیامبر خوابید) نازل شده بود، از فضایل قاتل ایشان ابن ملجم خواند و گفت این آیه در حق وی نازل گردیده است. همچنین از این سو، آیه ای که در مذمت منافقان وارد شده بود، درباره علی ال دانست. ۲

این دروغ پردازی ها در حضور هزاران تازه مسلمان شامی که از منزلت علی ان در پیشگاه پیامبر و آگاهی نداشتند، سبب عداوت شدید آنان نسبت به حضرت و شیعیان وی و برپایی جنگی شد که صدها هزار کشته برجای نهاد.

امیرالمؤمنین علی درباره منافقانی که در لباس صحابی پیامبری جعل حدیث میکردند، می فرماید:
ویراست دوم)

.. «و من الناس من یشری تفته ابتغاء مرضاء الله و الله رؤف بالباي؛ و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد، و خدا نسبت به این بندگان مهربان است.» بقره (۲: ۲۰۷) ۲. «و من الناس من یعجبک قوله فی الحیاء الاثیاء و یشهد الله علی ما فی قلبی و هو الله الخصام، و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تورا به تعجب و می دارد، و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد، و حال آنکه او سخت ترین دشمنان است.» بقره (۲: ۲۰۴) ۳. بلاغی، آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۱۸۴.

اگر مردم یک چنین افرادی را می شناختند که آنان منافق و دروغگو هستند، هرگز آنها را تصدیق نکرده و سخن آنها را قبول نمی نمودند، ولی مردم، فریب صحابی بودن آنان را خورده و با خود می گویند که اینان پیامبر خدا را دیده اند و حقایقی از او شنیده و اخذ کرده اند و هرگز سخنی برخلاف حقیقت نمی گویند؛ در صورتی که از وضع و حال این دسته آگاهی ندارند.

فصل چهارم .

مرحوم علامه امینی در کتاب الغدير با مراجعه به کتاب های رجالی اهل سنت، نام و ویژگی های هفتصد نفر از جاعلان حدیث را بیان می کند.

بنابراین برای حفظ اسلام و جلوگیری از زشت نمایی سیمای نورانی اسلام باید امامان معصوم لای و آگاهی باشند تا معیار حق و باطل شوند. در روایات اسلامی به وجود این حجت پس از رحلت پیامبر اشاره شده است. برای مثال، امام صادق ع در روایاتی می فرماید:

زمین خالی از پیشوا [ای معصوم] نمی باشد تا اگر افراد با ایمان مطلبی را در دین افزودند، آن را رد کند و اگر کم کردند، تکمیل نماید؟

خداوند زمین را از حجت خالی نمی گذارد؛ زیرا در غیر این صورت، حق از باطل شناخته نمی شود.

. ما برو به

. امامت و ولایت

هشام بن حکم، متکلم بزرگ و شاگرد برجسته امام صادق ال نیز در دو مناظره، وجود امام را پس از رحلت پیامبر ضروری می داند. او در مناظره مفصلی با دانشمندی شامی درباره مسئله رهبری چنین استدلال می کند:

- آیا خداوند پس از درگذشت پیامبر برای رفع هر نوع اختلاف در میان مسلمانان، دلیل و حجتی فرا راه آنها قرار داده است یا نه؟ - آری، قرآن و احادیث پیامبر برای رفع اختلاف کافی است. - اگر قرآن و احادیث برای رفع اختلاف کافی است، چرا من و شما با هم

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۵. ۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸. ۳. همان.

اختلاف داریم، در حالی که هر دو، شاخه یک تنه و عضو یک درختیم؟ چرا هر کدام مسیری را انتخاب نموده ایم که برخلاف مسیر دیگری است؟

همچنین هشام بن حکم در بحث گسترده ای با عمرو بن عبید، پیشوای معتزله در بصره، به فایده معنوی وجود امام به گونه ای دلپذیر اشاره می کند:

هشام: آیا چشم داری؟ عمرو: بلی. - با آن چه میکنی؟ - رنگها را می بینم. - گوش داری؟ - آری. - با آن چه می کنی؟ - با آن صداها را می شنوم.

اندیشه اسلامی ۲، مه مه ...

ویراست دوم)

وی سپس از وجود حواس دیگر مانند بویایی، ذائقه و لامسه و اعضای از قبیل دست و پا و نقش آنها در وجود انسان پرسید و از عمرو نیز پاسخ های صحیح شنید. سپس افزود: عقل هم داری؟ وی در پاسخ گفت: آری، هشام گفت: نقش عقل در انسان چیست؟ وی گفت: به وسیله عقل آنچه بر اعضای بدنم می گذرد، تمیز می دهم. هشام افزود: نقش دیگر آن در بدن چیست؟

عمرو گفت: هرگاه یکی از حواس در ادراک خود خطا یا تردید نماید، به عقل رجوع میکند و تردید او را از بین می برد.

در این هنگام هشام نتیجه گرفت خداوندی که برای رفع تردید حواس و اعضای من چنین پناهگاهی را آفریده، آیا ممکن است جامعه انسانی را به حال خود واگذارد و پیشوایی برای آنان تعیین نکند تا تردید و حیرت و خطای آنها را برطرف نماید؟

۴. مراجعه به تاریخ صدر اسلام و در نظر گرفتن شرایط موجود منطقه و جهان در زمان رحلت پیامبر اکرم (ع)، به روشنی لزوم تنصیبی بودن منصب امامت را اثبات می کند:

کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۰؛ سبحانی، الهیات و معارف اسلامی، ص ۳۸۳.

به هنگام درگذشت آن حضرت، خطری سه گانه آیین اسلام را تهدید می کرد که بک سوی آن امپراتوری روم، سوی دیگر آن امپراتوری ایران و سوی آخر آن را منافقان داخلی تشکیل می دادند. در اهمیت خطر نخستین همین بس که پیامبر را تا آخرین لحظه از فکر آن فارغ نبود، از این رو در روزهای پایانی عمر خویش سپاه عظیمی را به رهبری أسامه بن زید برای نبرد با رومیان بسیج و اعزام کرد و متخلفان از آن سپاه را نیز نفرین

نمود. خطر دوم، دشمن بدسگالی بود که نامه پیامبر ایران را پاره کرد و به فرماندار یمن نوشت که با پیامبر را دستگیر کند و با سر او را از تن جدا کرده، بفرستد. اما درباره خطر منافقان داخلی باید دانست که این گروه پیوسته در مدینه یا بیرون از آن مزاحم پیامبر بودند و با توطئه های خویش سخت او را می آزرדند؛ چنان که در سوره های مختلف قرآن درباره سنگ اندازی های آنان بسیار سخن رفته و حتی سوره ای از قرآن به نام آنها و در شرح افکار و کردارشان نازل شده است.

اینک پرسیدنی است که آیا با وجود چنین خطرهایی شایسته است پیامبر ع امت اسلامی و آیین اسلام را - که دشمن از هر سو در کمین آن نشسته - بدون رهبر به حال خود وانهد؟

بیشک پیامبر می دانست زندگی عرب، زندگی قبیله ای است و در میان افراد قبایل، تعصب نسبت به سران قبیله با جان آنان درآمیخته است. بنابراین واگذاری تعیین رهبر به چنین مردمی، مایه چنددستگی و نزاع قبایل خواهد بود و دشمن از این اختلاف بهره خواهد برد. برای اساس، تعیین جانشین پیامبر از طریق نص پیامبر درست تر می نماید.

فصل چہارم ...

.. امامت و ولایت

(ب) ادله نصب و عصمت امامان

۱. دلایل نصب

در مباحث پیشین برخی از دلایل عقلی ضرورت امامت مطرح گردید. این به برخی از دلایل قرآنی و روایی در این باب اشاره می‌کنیم:

० ०९ ..

. بدانديش وېدخواه.

دلایل قرآنی

نانو

.. : " .

بیک۔ آیہ انذار .

وَأَبْرَزَ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَ اخْفَضَ جَنَاحَكَ يَمِينَ اتَّبِعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * فَإِنْ عَوَّكَ فَقُلْ إِلَىٰ بَرَاءٍ مِّمَّا تَعْمَلُونَ وَ خَوِشَانِ زَنَدِيكَتَ رَا هَشْدَارِ دَه؛ وَ بَرَايَ آن مُؤْمَنَانِي كِه تُو رَا پِيروِي كُردِه اَنَد، بَالِ خُودِ رَا فَرُو گَسْتَر؛ وَ اِگَر تُو رَا نَافَرْمَانِي كُردَنَد، بَگو: مَن اَز آنچِه مِي كَنِيَد

بیزارم.

اندیشہ اسلامی

ویراست دوم)

وحی الهی در کوه حرا بر قلب پیامبر نازل شد و او به مقام نبوت و رسالت مفتخر گردید. از آنجا که جبرئیل زمان آغاز تبلیغ رسالت را معین نکرد، پیامبر به مدت سه سال، از دعوت عمومی پرهیز نمود و تنها از رهگذر ارتباط های خصوصی با شایستگان، توانست افراد اندکی را به آیین خویش متمایل کند. سرانجام پس از گذشت سه سال، فرمان الهی رسید که پیامبر دعوت همگانی خود را با دعوت خویشاوندان و بستگان آغاز نماید: «بستگان نزدیک خود را از عذاب الهی بیم ده .

دعوت از خویشان در آغاز دعوت همگانی، از این روی بود که تا نزدیکان یک رهبر الهی با اجتماعی به او ایمان نیاورند و از او پیروی نکنند، بیگانگان به دعوت او پاسخ نخواهند داد؛ چراکه نزدیکان انسان پیوسته بر اسرار و ملکات خوب و بد وی آگاه اند و ایمان آوردن آنها نشانه وارستگی مدعی رسالت و رویگردانی آنان نیز نشانه ناراستی آن رهبر است. بدین جهت، پیامبر

به علی ان دستور داد ۴۵ نفر از شخصیت های بزرگ بنی هاشم را برای ضیافت ناهار دعوت کند. مهمانان همگی این دعوت را اجابت کردند اما پس از صرف غذا ابولهب عموی پیامبر، با سخنان سبک خود، آمادگی مجلس را برای شنیدن سخنان پیامبر برهم زد و مجلس بی هیچ نتیجه ای پایان یافت و مهمانان خانه رسول خدا او را ترک گفتند.

. شعراء (۲۶): ۲۱۶ - ۲۱۴

فردای آن روز، پیامبر و تصمیم گرفت ضیافت دیگری ترتیب دهد و همه را جز ابولهب به خانه خود دعوت کند. دیگر بار پیامبر با پس از صرف غذا در جمع بزرگی از شخصیت های بنی هاشم که در آنجا گردآمده بودند، برای دعوت آنان به آیین توحیدی و رسالت خویش به پا خاست و چنین آغاز نمود:

به راستی هیچ گاه راهنمای مردم به آنان دروغ نمی گوید. به خدایی که جز او خدایی نیست! من فرستاده او به سوی شما و عموم جهانیان هستم. هان! آگاه باشید. همان گونه که می خوابید، می میرید و همچنان که بیدار می شوید روز رستاخیز، زنده خواهید شد. نیکوکاران به پاداش اعمال و بدکاران به کیفر کردار خود می رسند و بهشت جاویدان برای نیکوکاران و دوزخ همیشگی برای بدکاران آماده است. هیچ کس از مردم برای کسان شود، چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده ام، نیاورده است: من خبر دنیا و آخرت برای شما آورده ام. خدایم به من فرمان داده که شما را به توحید و یگانگی وی و رسالت خویش دعوت کنم. چه کسی از شما مرا در این راه کمک میکند تا برادر و وصی و نماینده من در میان شما باشد؟

فصل چهارم

امامت و ولایت

حضرت اندکی درنگ نمود تا ببیند کدام یک از آنان به ندای او پاسخ مثبت می گوید. در این هنگام، سکوتی آمیخته با بهت و تحیر بر مجلس حاکم بود و همگی سر به زیر افکنده و در فکر فرو رفته بودند.

ناگهان علی الا که سن او در آن روز از شانزده سال به بیانی سیزده سال تجاوز نمی کرد، برخاست و گفت: «ای پیامبر خدا! من تو را در این راه یاری می کنم.» و دست خود را به سوی پیامبر دراز کرد تا دست پیامبران را به عنوان پیمان فداکاری بفشارد. در این هنگام، پیامبر ایران دستور داد که علی بنشیند. حضرت بار دیگر گفتار خود را تکرار نمود. باز علی الن برخاست و آمادگی خود را اعلام کرد. این بار نیز پیامبر به وی دستور داد که بنشیند. در مرتبه سوم بسان دو مرتبه پیشین جز علی : کسی برخاست و تنها او .. امینی، الغدیر، ج ۲، ص ۲۸۹ - ۲۷۸؛ ابن حنبل، مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۵۹؛ سبحانی، پیشوایی از نظر اسلام، ص ۱۵۸.

بود که پشتیبانی خود را از پیامبر را اعلام داشت. آن گاه پیامبر و دست خود را در دست علی ای گذاشت و جمله تاریخی خود را بر زبان راند:

هان ای خویشاوندان و بستگان من! بدانید که علی برادر و وصی و خلیفه من در میان شماست

بدین ترتیب در آغاز رسالت پیامبر که نخستین وحی اسلام نیز تعیین گردید. از اینکه پیامبر در یک روز، هم نبوت خود و هم امامت علی را اعلام کرد، می توان به جایگاه ممتاز امامت و جدا نبودن نبوت و امامت از یکدیگر و اینکه همواره امامت مکمل برنامه رسالت است پی برد.

اندیشه اسلامی ۲.....

ویراست دوم

ان دو آیه ولایت محدثان و مفسران اهل سنت و شیعه براساس احادیث متعدد معتقدند آیه ولایت درباره علی ای که در حال نماز، انگشتر خویش را به مستمند بخشید، نازل شده است:

ما ولی الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة ویؤتون الزکاة و هم راکعون ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند. همان کسانی

که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات میدهند. دلالت آیه بر امامت علی سایت با ذکر مقدماتی آشکار می گردد

. بسیاری از مفسران و محدثان درباره شأن نزول این آیه گفته اند: سائلی وارد مسجد شد و درخواست کمک کرد، اما کسی به او چیزی نداد. امام عا درحالی که در رکوع بود، با انگشت کوچک خود که انگشتری در آن بود، به فقیر اشاره کرد تا انگشتری را از دست او درآورد. فقیر نیز انگشتری را از دست امام درآورد و رفت.

هنگامی که این خبر به پیامبر رسید، از خدا چنین درخواست نمود: «همان طور که

.. امینی، الغدیر، ج ۲، ص ۲۸۹ - ۲۷۸؛ ابن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۱۵۹؛ سبحانی، پیشوایی از نظر اسلام، ص ۱۵۸. ۲. مائده (۵): ۵۵.

برای موسی ملل از خاندان خودش وزیری معین نمودی، پروردگارا برای من نیز از اهل بیتم وزیری معین بفرما.» در این لحظه فرشته وحی فرود آمد و آیه یاد شده را برای پیامبر خواند. بنابر آنچه بیان شد مقصود از «الذین آمنوا الین یقیمون اللأه...» در آیه مورد بحث، علی بن ابی طالب بان است. ۲. تعبیر «ولی» در این آیه به معنای سرپرست، حاکم و صاحب اختیار است که خداوند اصالتا و پیامبر و جانشین وی نیز در پرتو موهبت الهی عهده دار آن هستند، چرا که اگر ولی به معنای دوست، ناصر و یاور باشد، انحصار آن به سه نفر - که از تعبیر «انما» (به معنای تنها) برمی آید - بی معنا خواهد بود؛ چه آنکه مطابق آیات، مؤمنان جملگی دوست و باور یکدیگرند. ۲. شاهد این مدعا، آیه بعدی است که می فرماید: | ومن یتول الله ورسوله والذین آمنوا فإن حزب الله هم الغالبون و هرکس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده اند، ولی خود بداند، پیروز است؛ چراکه حزب خدا همان پیروزمندان اند. فصل چهارم " .. و

دار چایی امامت و ولایت

این آیه، قرینه دیگری است بر اینکه ولی به معنای سرپرست، حاکم و صاحب اختیار است؛ زیرا تعبیر «حزب الله» و غلبه بر دشمنان، مربوط به تشکیل حکومت اسلامی است که از نوعی تشکل و همبستگی اجتماعی برای هدفی مشترک حکایت می کند، نه یک دوستی ساده. از سویی دیگر، اگر «ولی» به معنای دوست و باور بود، تعبیر «و الذین آمنوا» کافی بود و هرگز ضرورتی نداشت موضوع نماز و زکات مطرح گردد؛ چراکه مؤمنان همه با هم دوست بوده و ناصر یکدیگرند. ممکن است گفته شود علت بازگویی نماز و زکات، اهمیت این امر است که یکی نظام عبادی و دیگری مالی است. در پاسخ می توان گفت اگر هم ذکر نماز و زکات به جهت اهمیت آن باشد، اما در آیه به نکته دیگری اشاره شده و آن اعطای زکات در حال رکوع نماز است. این حالت چه خصوصیتی دارد که در آیه آمده است؟

او متقی هندی، کنزالعمال، ج ۶، ص ۴۰۵، ح ۶۱۳۷؛ رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۲، ص ۳۸۳؛ امینی، الغدیر، ج ۲، ص ۵۲؛ سبحانی، پیشوایی از نظر اسلام، ص ۱۶۹. ۲. و المؤمنون و المؤمنات تغهم أولیاء بعضی. توبه (۷۱۰۹) ۳. مائده (۵): ۵۶.

اندیشه اسلامی ۲

بنابراین از تعبیر «الذین آمنوا»، فرد خاصی اراده شده چرا که اگر مقصود همه مؤمنان بودند، دلیلی نداشت که این قید در آیه بیاید و اگر آیه به فرد خاصی نظر داشته است، دیگر نمی توان گفت مقصود از «ولی»، دوست و یا باور است.

۳. منظور از زکات در این آیه، اصطلاح فقهی آن نیست، بلکه معنای عام قرآنی آن مدنظر است. قرآن به هر اتفاقی که برای خدا انجام گیرد، زکات می گوید که اعم از زکات واجب و مستحب (انفاق) است. قرآن این واژه را

در آیات مکی به کار برده است در حالی که زکات اصطلاحی بعد از هجرت واجب شده . بر این اساس، این اشکال که به بخشش انگشتر زکات نمی گویند ، برطرف می گردد.

۴. برخی می گویند اگر مقصود آیه، امیرالمؤمنین عا است، چرا الفاظ الذین آمنون»، الذین یقیمون»، «یؤتون» و «لهم راکعون» به صورت جمع آمده است؟ |

پاسخ این است که، در قرآن به کرات الفاظ جمع در مورد فرد به کار رفته است. برای مثال، در آیه مباهله " کلمه «نساءنا» (= زن های ما) «و انفسنا» (= جان های ما به صورت جمع آمده؛ حال آنکه مفسران اسلامی اتفاق نظر دارند که مقصود از «زن های ما» فاطمه زهرا ع و مراد از جان های ما، علی عا است. همچنین در مواردی بسیار، هنگامی که خدا از خود سخن می گوید ، با اینکه ذات خدا یگانه و یکتاست، ضمیر جمع به کار می برد. بنابراین از آیه به نیکی برمی آید که خدا و پیامبر و امیرالمؤمنین عا ولایت و حاکمیت بر مؤمنان و حق تصرف در امور آنان را دارند و هر ولایتی که بر محور آنها و یا به اجازت آنها نباشد، نامشروع است. کرده

ویراست دوم)

در مدرسه . آیه تبلیغ

یا ایها الرسول بلغ ما أوی إلیک من ربک وإن لف تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من التائی؟
.. انبیاء (۲۱): ۷۳؛ مریم (۱۹): ۳۱. ۲. مؤمنون (۲۳): ۴۳. آل عمران (۳): ۶۱. ۴. مائده (۵): ۶۷.

ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای. و خدا تو را از گزند مردم نگاه می دارد. |

فصل چهارم -

ابر و باد

بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت و تمامی مفسران و محدثان شیعه برآن اند که این آیه در مورد امامت علی عا و داستان غدیر نازل شده است. |

در آخرین سال عمر پیامبر مراسم حجۃ الوداع باشکوه هرچه تمام تر به پایان رسید . در این مراسم نه تنها مردم مدینه ، بلکه بسیاری از باران پیامبری از نقاط مختلف سرزمین اسلامی افتخار همراهی ایشان را داشتند. پیامبر باید در هیجدهم ماه ذیحجه در سرزمینی به نام غدیرخم - که در حقیقت چهارراهی بود که کاروان حجاج را از هم جدا می کرد - دستور توقف داد و به همراهان فرمود: از جانب خداوند مأموریت دارد که پیام مهمی را به آنها برساند و اگر چنین نکند، رسالت خود را انجام نداده است.

آن گاه منبری برای پیامبر از آماده ساختند و او بر فراز منبر قرار گرفت و به مردم گفت: در آینده نزدیک دعوت حق را لبیک خواهیم گفت. شما درباره من چه می گویید؟ در پاسخ گفتند: گواهی میدهم تو آیین خدا را به ما ابلاغ کردی و خیرخواهی نمودی و در راه هدایت ما تلاش بسیار کردی. خدا به تو جزای خیر دهد.

آنگاه فرمود: آیا بر وحدانیت خدا، رسالت من و واقعیت روز رستاخیز گواهی میدهید؟ همگی پاسخ مثبت دادند. سپس فرمود: من قبل از شما بر حوض کوثر وارد می شوم. بنگرید با دو جانشین گران بهای من چگونه رفتار می کنید؟ شخصی پرسید: مقصود از دو جانشین گران بها چیست؟ پیامبر با پاسخ داد: یکی کتاب خدا و دیگری عترت من است و خدای لطیف و خبیر به من خبر داده که این دو از یکدیگر جدا نمی شوند، تا آنکه در روز قیامت در کنار حوض به من در آیند. بر آن دو پیشی نگیرید که نابود می شوید و از آنها نیز فاصله نگیرید که هلاک می گردید. آن گاه دست علی ما را گرفت و بالا برد و فرمود: |
أيها الناس من أولى التاي بالمؤمنين من أنفسهم؟ ای مردم چه کسی بر مؤمنان از خود آنان سزاوارتر [صاحب اختیارتر است؟
امامت و ولایت

در پاسخ گفتند: خدا و پیامبر او بهتر می دانند. پیامبر فرمود: خداوند مولای من، و من نیز مولای مؤمنانم و بر آنان از خودشان صاحب اختیارترم . سپس سه بار فرمود: |
من ن ت مولاه فعلى مولاه. آن کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست.
... اندیشه اسلامی ۲

ویراست دوم)

آنگاه افزود:

پروردگارا! دوست بدار آن کس را که علی را دوست می دارد و دشمن بدار آن کس را که با علی دشمن است و مهربان باش با هرکس که نسبت به علی مهربان است و خشم آور بر کسی که بر علی خشم آورد و یاری کن آن کس را که علی را یاری کند و خوار ساز آن کس را که علی را خوار سازد و حق را با او و در مدار او قرار ده. حاضران این مطلب را به غایبان ابلاغ کنند. حدیث غدیر از احادیث متواتر است و راویان حدیث - ۱۱۰ نفر از صحابه ، ۸۹ نفر از تابعین و ۳۵۰ نفر از علما و محدثان اسلامی - از آغاز تاکنون به تواتر آن را نقل کرده اند، ازاین رو در له .. اصالت و اعتبار این حدیث جای هیچ تردیدی نیست؟

اینک باید دانست مقصود از مولی بودن پیامبر و علی ال چیست؟

قزاین بسیاری گواهی میدهند که مراد از این تعبیر، زعامت و رهبری است که به برخی از آنها اشاره می کنیم
۱. در ماجرای غدیر، پیامبر به کاروان زائران خانه خدا را در سرزمینی بی آب و علف ، آن هم در نیم روزی بسیار گرم متوقف ساخت. گرمی هوا به حدی بود که حاضران نیمی از عبای خویش را بر سر افکنده و نیم دیگر را زیرانداز خود کرده بودند. با این وضعیت، بیشک پیامبر باید سخنی بگوید که در هدایت امت، نقشی سرنوشت ساز داشته باشد و به راستی چه کاری از تعیین جانشین - مایه وحدت کلمه مسلمانان و حافظ دین - سرنوشت سازتر است؟ ۲. پیامبر یا

پیش از طرح ولایت علی عالی از اصول سه گانه توحید و نبوت و معاد .. امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۵ - ۱۴. ۲. همان.

سخن گفت و بر این امر از مردم نیز قرار گرفت و آن گاه پیام الهی را ابلاغ کرد. از توأم بودن این اصول و گرفتن اقرار به آنها می توان به اهمیت پیام پی برد و دریافت که بی گمان هدف پیامبر از آن همایش عظیم، امری عادی - همچون سفارش به «دوستی» - نبوده است.

۳. در آغاز خطبه، حضرت از نزدیک بودن رحلت خود خبر داد که این امر نشان می دهد ایشان از وضع امت پس از خویش نگران بوده است و از این رو با تعیین جانشین، آیین خود را در برابر طوفان حوادث آینده بیمه می کند. ۴. پیامبری

پیش از بیان پیام الهی درباره علی ال ، از مولویت و اولویت خود سخن به میان آورد و فرمود: خدا مولای من است و من مولای مؤمنانم و نسبت به آنان از خودشان سزاوارترم. بیان این مطلب، گواه آن است که «مولی بودن» علی ان از سنخ همان مولوت و اولویت مربوط به پیامبر اکرم او بوده و ایشان به فرمان الهی این امور را برای علی الا نیز ثابت کرده است.

مقصود از «اولویت» نبی اکرم یا همان است که در قرآن بدان تصریح شده؛ آنجا که می فرماید:
التي أولى بالمؤمنين من أنفسهم | پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر و نزدیکتر است.

فصل چهارم

..... امامت و ولایت

و مقصود از سزاوارتر بودن پیامبر ، این است که به امر الهی حق تصرف در نفوس و اموال مؤمنان را دارد؛ یعنی اگر به جهاد و یا انفاق دستور دهد، باید آنها بی چون و چرا بپذیرند. لازمه چنین اطاعتی، همان ولایت و سرپرستی جامعه اسلامی است که از جانب خدا به او داده شده است و این مقام پس از وی به امام علی غالب عطا شد و او به مقام سرپرستی نائل آمد.

۵. پیامبر اکرم و پس از بیان پیام الهی، از حاضران خواست آن را به گوش غایبان برسانند. سپس از منبر پایین آمد و به یاران خود دستور داد به علی به عنوان «امیر مؤمنان» تهنیت و تبریک بگویند. به همین رو، امام علی در خیمه ای قرار گرفت و باران پیامبر ایرانی احزاب (۳۳): ۶.

نیز گروه گروه وارد می شدند و به او تبریک میگفتند. ابوبکر و عمر نیز وارد خیمه شده، رو به امام کردند و گفتند:

هنيئاً لك يا علي بن أبي طالب أصبحت مولاي و مولا مؤمن ومؤينةً گوارا باد بر تو ای علی! امروز سزاوارترین فرد نسبت به هر مرد و زن مؤمن

شده ای.

اندیشه اسلامی ر؟ و ان شاء

الله)

ویراست دوم)

تاریخ اسلام نشان می دهد دشمنان پیامبر برای خاموش کردن دعوت الهی او، به شیوه های گوناگونی از متهم کردن پیامبر به سحر و جادو گرفته تا تصمیم به قتل آن حضرت در بستر خویش، دست یازیدند. اما در تمام موارد، دست عنایت حق با پیامبر بود و وی را از نقشه های شوم مشرکان حفظ کرد. آخرین امید آنان - به ویژه با توجه به فرزند پسر نداشتن پیامبر - این بود که با مرگ پیامبر این دعوت نیز خاموش خواهد شد می گویند: شاعری است که انتظار مرگش را می بریم و چشم به راه با زمانه بر اوبیم [..]؟

اما پیامبر با تعیین جانشینی با کفایت، امید مخالفان را به یأس مبدل ساخت. با تعیین چنین رهبری نعمت اسلام به کمال رسید. از این روست که پس از نصب علی عالی در روز غدیر، آیه «کمال دین» فرود آمد: "امروز کسانی که کافر شده اند، از [کارشکنی در دین شما نومید گردیده اند. پس، از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما به عنوان آیینی

برگزیدم البته آیات دیگری نیز بر امامت علی ان دلالت میکند که در این مختصر امکان بیان آنها نیست. |

، امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۳ - ۲۷۹. ۲. أم يقولون شاعر تتربص به ريب المتن. طور)

۳۵:۵۲ (۳۵:۵۲) ۳. امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۳۵ - ۳۳؛ سبحانی، پیشوایی از نظر اسلام، ص ۲۱۵. ۴. اليوم یش الذین کفروا مٹ دینگن فلا خؤم و الخوی اليوم أکملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا. مائده (۳:۵)

... دلایل روانی

فصل چهارم .

. یک. حدیث منزلت پیامبر اسلام یا در موارد مختلف، منزلت و مقام علی ما نسبت به خود را، همان منزلت و مقام هارون نسبت به موسی دانسته و تنها یکی از مقامات هارون - یعنی نبوت - را از علی ان سلب کرده است.

|

در اینکه چه هنگامی این حدیث را پیامبر بیان فرموده اند چنین گفته شده است که پیامبر ا وقتی آگاه شد سپاه روم در حال آماده شدن برای پورش به مدینه است، بسیج عمومی اعلام کرد و سپاهی را برای مقابله با هجوم رومیان آماده نمود و در اردوگاهی گرد آورد. در این لحظه به پیامبر این گزارش رسید که منافقان مدینه تصمیم دارند در غیاب وی در مدینه دست به کودتا زنند. پیامبران برای پیشگیری از هر نوع حادثه احتمالی، علی ال را به جای خود نشانند و دستور داد تا بازگشت وی به امور دینی و دنیوی مردم رسیدگی نماید. هنگامی که منافقان

از این امر آگاه شدند و دیدند که توطئه آنان نقش بر آب شده، به فکر چاره افتادند، از این رو شایعه کردند که روابط علی بن ابی طالب با پیامبر را به تیرگی گراییده و وی مورد بی مهری پیامبر قرار گرفته است. انتشار چنین شایعه ای در محیط مدینه موجب ناراحتی دوستان علی بن ابی طالب شد. امام برای خنثی کردن این شایعه، خود را به پیامبری که فاصله زیادی تا مدینه نداشت - رسانید و ایشان را از جریان امر آگاه ساخت. در این هنگام، پیامبر از جمله تاریخی خویش را بیان فرمود:

أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعده، إنه لا
بي أن اذهب إلا وأنت خليفة آیا راضی نمی شوی که نسبت به من بسان هارون نسبت به موسی باشی، جز
آنکه پس از من پیامبری نیست. هرگز شایسته نیست که من بروم، مگر اینکه تو خلیفه و نماینده من باشی.
امامت و ولایت

. بحرانی، غایة المرام، ص ۱۲۶ - ۱۰۹؛ ابن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۱۷۵ - ۱۷۳؛ بخاری، صحیح بخاری،
ج ۶، ص ۴۳ متقی هندی، کنز العمال، ج ۸، ح ۲۵۰۴.

براساس حدیث منزلت، علی بن ابی طالب تمام مقام های هارون را جز نبوت داراست. به نص قرآن کریم، هارون مقام
نبوت، وزارت و جانشینی و خلافت حضرت موسی ع را داشت. بنابراین یکی از مقام های هارون جانشین حضرت
موسی علی بود و به همین روی بعد از موسی علل اطاعت از او بر بنی اسرائیل واجب بود. بر این اساس، بر
مسلمانان نیز لازم است پس از پیامبر از علی ع پیروی نمایند.
پیامبر اسلام

.. اندیشه اسلامی

و در روایتی اهل بیت خود را به کشتی نوح مانند کرده است: ألا إن مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح في
قومي من ركبها نجي ومن تلف عنها غرق. آگاه باشید که اهل بیت من در میان امتم، مانند کشتی نوح است که
هرکس بر آن نشست، نجات یافت و هرکس که به آن پناه نبرد، غرق شد.
اهل بیت پیامبر مانند کشتی نوح، یگانه پناهگاه و راه نجات اند، از این روی هر که از آنها پیروی نکند، گمراه
خواهد شد.
ویراست دوم)

پیامبر را تنها به نصب علی بن ابی طالب به امامت بسنده نکرد، بلکه به آمدن امامان دوازده گانه ای پس از خود خبر داد
که عزت دین به مدد آنها تحقق پذیرفت. ایشان در روایتی می فرماید:
لا يزال الإسلام عزيزا إلى اثني عشر خليفة.. همواره اسلام به دوازده خلیفه عزیز خواهد بود.

.. ووهبنا له من رحمتنا أخاه هارون بيا. مریم (۱۹: ۵۳) ۲. واجعل لی وزیرا من أهلی. طه (۲۰: ۲۹) ۳. وقال
موسی لأخيه هارون الخلفی فی قومی و أصلخ ولا تتبع سبیل المفسدين. اعراف (۱۴۲۰۷) ۴. ابن حجر الهیثمی،

الصواعق المحرقة، ص ۲۸۲؛ سبحانی، پیشوایی از نظر اسلام، ص ۲۱۰. ۵. بخاری، صحیح بخاری، ج ۹، ص ۸۱؛ ابن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۸۶؛ سبحانی، پیشوایی از نظر اسلام، ص ۲۴۹.

در حدیث دیگری نیز چنین می فرماید:

همواره این دین، قدرتمند و شکست ناپذیر خواهد بود تا دوازده خلیفه بر آن حکومت کنند. بی گمان این دوازده خلیفه و جانشین پیامبر - که مایه عزت اسلام اند - تنها امامان شیعه اند؛ زیرا خلفای نخستین چهار نفر بودند و حاکمان بنی امیه نیز چهارده نفر که همه آنها به جز عمر بن عبدالعزیز مرتکب ظلم و ستم های آشکار شدند و از سویی شمار حاکمان بنی عباس سی و هفت نفر بود که آنها نیز مایه سرافکندگی اسلام بودند. بنابراین معنای حدیث کام آشکار است، اما عجیب آنکه این حدیث از نگاه مذاهب دیگر، به صورت یک معما درآمده است.

برای اثبات دوازده گانه بودن امامان معصوم عالی می توان ابتدا امامت و عصمت علی الا را از طریق قرآن و احادیث معتبر ثابت نمود، سپس با استناد به روایات در مورد تعداد امامان و نام و مشخصات آنها، امامت سایر امامان را نیز اثبات نمود.

فصل چهارم

۲. عصمت امامان

یکی دیگر از ویژگی های امامان، عصمت یا مصونیت از خطا و گناه می باشد. چرا که همه منصب ها و شئون پیامبری به جز نبوت را دارا هستند، ازاین رو همان دلایلی که اقتضا میکرد انبیا از خطا و گناه مصون باشند، در مورد امامان نیز صادق است. بنابراین عصمت مساوی با نبوت نیست و چه بسا افرادی که مقام عصمت دارا هستند به مانند حضرت مریم عالی و حضرت فاطمه زهرا علی - ولی پیامبر نیستند.

... امامت و ولایت

دلایل عصمت

یک. بر این اساس که امامت یک منصب الهی است خداوند اطاعت مطلق از امامان را لازم شمرده و آن را همسنگ با اطاعت از خود و پیامبر دانسته است. بنابراین امر به اطاعت مطلق از آنان، به معنای ضمانت عصمت است.

۱. بخاری، صحیح بخاری، ج ۹، ص ۸۱؛ ابن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۸۶؛ سبحانی، پیشوایی از نظر اسلام، ص ۲۴۹.

... اندیشه اسلامی ۲ ...

به تعبیر دیگر، امامت عهدی الهی است و عهد الهی به ظالمان نمی رسد. هنگامی که ابراهیم عالی مقام امامت را برای برخی از ذریه و فرزندان خود تقاضا کرد، با اجابت مشروط از جانب خدا روبه رو شد:

لاینال عهدی الظالمین

پیمان من به بیدادگران نمی رسد. از سوی دیگر، ظلم به معنای عام شامل ظلم به خود و دیگران است، به گونه ای که شرک و هرگونه اعتقاد باطل و گناه را در برمی گیرد. بنابراین اگر امامت عهد و منصب الهی است، در آن صورت ملازم با عصمت است.

دو. عصمت اهل بیت اول را می توان با آیه تطهیر نیز اثبات نمود. براساس این آیه، اراده قطعی و حتمی خداوند بر پاکی و طهارت اهل بیت ام از رجس و هرگونه پلیدی که گناه مصداق بارز آن است قرار گرفته: ما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت وی بتره تطهیرة خدا فقط میخواهد آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزداید و شما را پاک

و پاکیزه گرداند. و از این آیه به خوبی برمی آید که اراده تکوینی الهی به این تعلق گرفته که اهل بیت پیامبر را از هر نوع پلیدی بپیراید. تحقق اراده خداوند حتمی و تخلف ناپذیر است؛ چراکه در برابر چنین اراده ای هیچ مانعی توان ایستادگی ندارد . .

تطهیر مطلق، با مقام عصمت در تلازم است؛ زیرا مقصود از «رجس» در آیه، هر نوع پلیدی فکری و روحی و رفتاری است که گناه از مصادیق بارز آن است و چون این اراده به افراد خاصی، یعنی اهل بیت اختصاص دارد نه به همه افراد، بی شک با اراده تطهیر همگان تفاوت خواهد داشت. توضیح اینکه، اراده تطهیر همگان تشریعی است و چه بسا بر اثر نافرمانی و گناه و معصیت تحقق نپذیرد، ولی اراده مورد بحث تکوینی، و وقوع آن ویراست دوم)

. بقره (۲): ۱۲۴. ۲. أحزاب (۳۳): ۳۳. ۳. إنما أمره إذا أراد شیئا أن یقول له کن گوئی. یس ()

۴. و لکن یرید لیهم ولیتم نعمته علیکم. مائده (۵): ۶۴

فصل چهارم

حتمی است. براساس روایات متواتر، مقصود از اهل بیت در این آیه، علی، فاطمه زهرا تالا و امام حسن و امام حسین عالی هستند.

شایان ذکر است اراده تکوینی خدا بر عصمت اهل بیت، مایه سلب اختیار و آزادی از آنان نیست؛ چه آنکه عصمت آنان از علم و آگاهی بسیار و ایمانی سترگ مایه گرفته که هم جنبه اکتسابی و هم جنبه موهبتی دارد. انسان هایعادل نیز هرچه علم و آگاهی و ایمان آنان به خطری و یا چیزی فزونی یابد، به همان نسبت درمورد آن معصوم اند. مثلا چون انسان عاقل از خطر سم کشنده آگاه است، از مصرف آن می پرهیزد، با اینکه اختیار و توانایی مصرف آن را دارد. انبیا و امامان اپنی چون از نتایج گناه آگاهاند و به خدا و روز قیامت باوری عمیق دارند، هرگز خود را به آن نمی آلاینند.

سه . براساس حدیث ثقلین، اهل بیت وعترت پیامبر همسنگ با قرآن اند؛ یعنی همان گونه که قرآن از هر نوع خطا و اشتباهی مصون است، اهل بیت عالی نیز از هرگونه کژی مبرا هستند؛

إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبدا ... وإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض من دو چیز گران بها برای شما باقی می گذارم : کتاب خدا و عترتم را . مادامی که به این دو تمسک جویید، هیچ گاه گمراه نمی شوید ... و این دو از هم جدا

نمی شوند، تا اینکه بر حوض بر من وارد شوند. روشن است چیزی که تمسک به آن مایه هدایت است و از گمراهی باز می دارد و هرگز از قرآن جدا نمی شود، باید از هرگونه خطا و گناه مصون باشد.

چهار. پیامبر در حدیثی اهل بیت خود را به کشتی نوح تشبیه میکند که هرکس بر آن درآید، از هلاکت و امواج طوفان رهایی می یابد و هرکس از آن روی گردان شود، غرق خواهد شد. بدین سان، همان گونه که کشتی نوح، یگانه راه نجات است، تمسک به اهل بیت ع و اطاعت و پیروی از آنها نیز تنها راه نجات و رستگاری است. بر این اساس کسانی که مایه رستگاری امت اند، طبقاً از خطا و اشتباه به دور خواهند بود.

امامت و ولایت

۱. سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۶؛ ابن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۸۳. ۲. ابن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴؛ ابن حجاج، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۲. ۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص

۳۵؛ ابن حجر الهیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۲۳۰.

و محبت به اهل بیت باپ اور زرد و نود و یا با ما درباره ما تماس با ما محبت به اهل بیت پیامبر که در قرآن و روایات بر آن تأکید شده، از ضروریات دین است. قرآن در این باره می فرماید: -

قل لا أتک علیه أجرا إلا المودة فی القری. بگو: «به ازای آن (رسالت) پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی

درباره خویشاوندان» محدثان اهل سنت از ابن عباس روایت کرده اند که وقتی آیه مودت نازل شد، اصحاب گفتند:

اندیشه اسلامی، ۲، ..

ای رسول خدا! نزدیکان و خویشان تو که مودت آنها بر ما واجب شده است، چه کسانی هستند؟ پیامبر فرمود: علی و فاطمه و پسرانشان.

ویراست دوم)

در احادیث متواتر از پیامبر اکرم ا در باب دوستی اهل بیت روایت شده که هرکس آنها را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هرکه آنها را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است. ۲

اما در پاسخ این پرسش که محبت به اهل بیت چه سودی دارد، باید گفت محبت به انسان باکمال و پرفضیلت، خود نردبان صعود به سوی کمال است. آدمی هرگاه فردی را از بن جان دوست داشته باشد، می کوشد خود را با او همگون سازد و آنچه مایه خرسندی اوست، انجام دهد و آنچه او را می آزارد، ترک نماید. یکی از بازتاب های

محبت به اهل بیت عالی، پیروی عملی از آنان است. کسانی که تنها اظهار علاقه ظاهری کرده، ولی در عمل با محبوب خود مخالف اند، از محبت واقعی به دورند. اهل بیت پیامبر، همان هایی هستند که خدا آنها را از هر پلیدی فکری و روحی تطهیر نموده و آنان را اصل و اساس هر خوبی و نیکی قرار داده است. بنابراین دوستی با اهل بیت درواقع دوستی با خوبی ها و نیکی ها و پیروی از آنهاست.

۱. شوری (۴۲): ۲۳. ۲. بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۸۹؛ ابن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۴۹۳. ۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۳. ۴. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۲ |

از دیدگاه شیعه، امامان معصوم دوازده نفرند که نخستین آنها علی بن ابی طالب * و آخرینشان حضرت ولی عصر این است که ایشان به اذن خدا در پس پرده غیبت است، اما روزی که جهان پر از ظلم و ستم شده باشد، به اذن خدا با ظهور خود، جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد و اسلام را در سراسر عالم خواهد پراکند. بی شک تحقق این امر، هدف نهایی پیامبران الهی به ویژه پیامبر خاتم ب است.

امام دوازدهم فرزند امام حسن عسکری عالی در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا چشم به دنیا گشود. نام و کنیه آن حضرت همانند نام و کنیه پیامبر است و از لقب های ایشان می توان به حجت، مهدی، قائم و ولی عصر اشاره نمود.

حضرت ولی عصر الان دو غیبت داشت: غیبت صغری و غیبت کبری. غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری، یعنی با شهادت امام یازدهم آغاز شد. البته از آنجا که حضرت در دوران کودکی و پیش از امامت نیز از دیده ها پنهان بودند، برخی آغاز غیبت را هنگام ولادت ایشان یعنی سال ۲۵۵ هجری می دانند که پایان آن نیز سال ۳۲۹ هجری است.

در دوران غیبت صغری، شیعیان از طریق چهار نایب خاص با حضرت ارتباط داشتند: عثمان بن سعید که از اصحاب امام هادی و امام عسکری این بود؛ محمد بن عثمان، فرزند نایب اول که نیابتش تا سال ۳۰۵ هجری به طول انجامید؛ حسین بن نوح نوبختی، از عالمان برجسته شیعه که تا سال ۳۲۶ نیابت داشته و سرانجام علی بن محمد تمری که نیابت وی تا سال ۳۲۹ هجری بود. چند روز پیش از مرگ نایب چهارم، حضرت ولی عصر الک ضمن قدردانی از نایبان خاص خود آغاز غیبت کبری را اعلام نمود که این دوره از غیبت تاکنون نیز ادامه دارد. در دوران غیبت کبری، شیعیان برای امور شرعی و حکومتی خود باید به نایبان عام حضرت، یعنی فقیهان آگاه و عادل مراجعه نمایند.

فصل چهارم

.. .. امامت و ولایت

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۲۶. ۲. توبه (۹): ۳۳. ۳. نخستین نائب خاص حضرت مهدی ایمان است که مدت نیابت او از زمان غیبت تا وفات او که در سال ۲۶۰ یا احتمالاً ۲۶۷ ق بوده است. ۴. طوسی، الغیبه، ص ۳۹۵ - ۳۶۵؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۱۶.

برپایه روایات اسلامی، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی و مصلح جهانی، امری تردیدناپذیر است؛ چنان که پیامبر فرمود:

لولى من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج رجل من ولدى فيها عدو قسطا كما ملئت ظلما و جورا اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می کند تا مردی از فرزندان من قیام نماید و دنیا را از عدل و قسط پر

سازد، همان گونه که از جور و ستم پر شده است. بنابراین قیام و ظهور مردی از خاندان پیامبر در آخرالزمان، باور تمامی مسلمانان، اعم از شیعه و سنی است، اما اختلاف در این است که آیا امام مهدی ال از مادر متولد شده و هم اینک زنده است، یا اینکه در آینده به دنیا خواهد آمد؟ عالمان شیعه و محققان اهل سنت برآن اند که آن حضرت در سال ۲۵۵ هجری از مادر متولد شده و اکنون در پس پرده غیبت است، گروهی از اهل سنت نیز معتقدند که ایشان در آینده متولد خواهد شد.

اندیشه اسلامی ۲

(ویراست دوج) .

از دیدگاه قرآن، اولیای الهی بر دو دسته هستند، ولی ظاهر که مردم او را می شناسند و ولی غایب که از نظرها پنهان است و مردم وی را نمی شناسند، هرچند او در میان آنهاست و از حال ایشان، باخبر است.

قرآن در آیه ای به هر دو دسته اشاره می کند: یکی حضرت موسی علی و دیگری حضرت خضرا که در سفر دریایی و زمینی همراه بودند. حضرت خضرا به گونه ای بود که حتی حضرت موسی علی او را نمی شناخت و تنها با راهنمایی و اشاره خدا بود که او را شناخت و از علمش بهره برد:

تا بندهای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم؛ موسی به او گفت: «آیا تو را به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده ای به من یاد دهی - پیروی کنم؟»

«

۱. ابن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۹۹. ۲. فوجدا عبد من عبادنا آتنا رحمه من عندنا وعلمناه من لدنا لما قال له موسی قل أبنیة علی أن تعلمین یمّا

قرآن سپس به کارهای سودمند آن ولی الهی اشاره می کند که مردم او را نمی شناختند، ولی از آثار و برکات وجود او بهره مند بودند.

حضرت ولی عصر را نیز به همین سان، ولی ناشناخته ای است که مایه برکات بسیار برای امت است. از این رو، غیبت حضرت به معنای جدایی او از جامعه نیست، بلکه وی بر پایه روایات، همانند خورشید در پس ابر است که دیدگان آن را نمی بیند، اما به اهل زمین روشنایی و گرمی می بخشد. افزون بر این، در طول غیبت حضرت ولی

عصر را بسیاری از پاکدلان و پارسایان که شایستگی تشریف به حضور وی را داشته اند، به محضرش رسیده و از او بهره برده اند و دیگران نیز به واسطه آنها از برکات وجودی آن حضرت بهره مند شده اند.

فصل چهارم

..... این کار

ادامه

راز غیبت .. غیبت حضرت ولی عصر الان یکی از رازهای الهی است که شاید ما نتوانیم به نه و حقیقت آن پی ببریم. غیبت های موقت رهبران الهی از میان مردم، در امت های گذشته نیز سابقه داشته است: موسی بن عمران و چهل روز از امت خود غایب شد و در میقات به سر برد. حضرت مسیح الت به مشیت الهی از دیدگاه امت خویش پنهان گردید، به گونه ای که دشمنان قادر به کشتن او نگشتند. حضرت یونس را نیز مدتی از قوم خود غایب شده

اصولا هرگاه مطلبی از طریق نقل متواتر ثابت شود، ولی انسان نتواند به راز آن کاملاً پی ببرد، نباید آن را مورد تردید یا انکار قرار دهد. بی شک غیبت حضرت ولی عصر را نیز از این قاعده بیرون نیست، اما با این حال می توان با اندیشه محدود انسانی، تا اندازه ای راز غیبت را دریافت.

خداوند امام زمان ان را آخرین حجت معصوم برای تحقق آرمانی بزرگ - یعنی عدل

تو ولایت

علمت ژشد. کُهِف (۱۸ : ۶۵ و ۶۶) | .. کُهِف (۱۸) : ۸۲ - ۷۹. ۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۵. ۳. اعراف (۷) : ۱۴۲. ۴. نساء (۴) : ۱۵۸ - ۵. صافات (۳۷) : ۱۴۰.

فراگیر و به اهتزاز درآوردن پرچم توحید در سراسر جهان - در نظر گرفته است. بی گمان تحقق این مهم، نیازمند آمادگی روحی و شکوفایی عقل و دانش بشری است تا مردم، استعداد پذیرش آن رهبر الهی را بیابند. اگر آن حضرت پیش از فراهم شدن مقدمات و بستر مناسب ظهور کند، چنان دیگر حجت های الهی، پیش از انجام وظیفه خود دیده از جهان برخاوه بست.

در روایات نیز به این حکمت اشاره شده است؛ چنان که امام باقر می فرماید: برای حضرت قائم غیبتی است قبل از ظهور، راوی علت آن را جويا شد. امام فرمود: برای جلوگیری از کشته شدن .

افزون بر این، در برخی از روایات، مسئله آزمون الهی نیز مطرح شده است؛ بدین معنا که مردم در عصر غیبت آزموده می شوند تا مراتب استواری آنان در ایمان و اعتقاد سنجیده شود؟

اندیشه اسلامی بر ۲

.... امامی

ویراست دوم) -

و طول عمر حضرت مهدی ر

۱ از آنجا که حضرت مهدی

ایران در سال ۲۵۵ هجری دیده به جهان گشوده است از عمر شریف ایشان بیش از یازده قرن می گذرد. اصولاً عمر طولانی با توجه به قدرت گسترده و نامتناهی خداوند، امر پیچیده ای نیست؛ یعنی خدایی که وجود و بقای همه مخلوقات به اراده اوست، می تواند عمر حجت خود را بسیار طولانی گرداند، چنان که در امت های پیشین نیز عمر برخی را طولانی نموده است. برای نمونه قرآن رسالت حضرت نوح را نهصد و پنجاه سال می داند و درباره حضرت یونس عالی نیز می فرماید:

فلولا أنه كان من المحتجين للث في بطنه إلى يؤير يبعثون؟ و اگر او از زمره تسبیح کنندگان نبود؛ قطعاً تا روزی که برانگیخته می شوند،

در شکم آن (ماهی) می ماند. براساس این آیه، عمر و حیات انسان تا روز قیامت، امری ممکن است. از سوی دیگر،

"سدد الله ، ۰۰۰ ۰۰۰ : ۲۰۳۰ = ::="

.. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، باب ۱۴، ح ۸ و ۹. ۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۲. ۳. و لقد أرسلنا وحه إلى قومه قلبه فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً هم الطوفان و هم ظالمون. عنكبوت (۱۴:۲۹) ۴. صافات (۳۷): ۱۴۴ - ۱۴۳.

"-:۰۰"

، هه تا ۱۰

دانشمندان معتقدند که اگر انسان از برخی عوامل مانند سوء تغذیه ، اضطراب های روحی و روانی و جز اینها دوری کند ، عمری بسیار طولانی تر از عمر معمول خواهد داشت.

بنابراین با توجه به آنچه بیان شد، عمر طولانی حضرت مهدی اول از نظر قرآن و علم کاملاً پذیرفتنی است. هنگام ظهور حضرت مهدی انال این امر از رازهایی است که مانند زمان برپایی روز رستاخیز، فقط خدا به آن عالم است و بس. بنابراین نمی توان ادعای افرادی که می گویند وقت ظهور حضرت را می دانند پذیرفت. البته در روایات، نشانه هایی کلی برای ظهور حضرت بیان شده که به دو دسته نشانه های حتمی و غیر حتمی تقسیم می شوند.

فصل چهارم

: برنامه و بازی و ...

به ...

معنای انتظار اکنون جای طرح این پرسش است که وظیفه مسلمانان در دوران غیبت چیست؟ | براساس روایاتی که از حضرت مهدی را نقل شده است در زمان غیبت، مردم برای امور دینی و دنیایی خود باید به مجتهدان آگاه و عادل مراجعه کنند و دستورهای آنان را که چیزی جز عمل به قرآن و سنت پیامبر و امامان

معصوم علی نیست سرلوحه کار خویش قرار دهند. همچنین وظیفه دارند در انتظار ظهور حضرت باشند و از خدا بخواهند. فرج ایشان را نزدیک گردانند.

اما معنای انتظار چیست؟ انتظار در لغت به معنای «چشم به راه بودن» و در اصطلاح چشم به ظهور حضرت مهدی را با داشتن است. در انتظار نوعی عمل و کوشش وجود دارد: شخص منتظر درعین حال که چشم به راه است، می کوشد تا زمینه و محیط را به گونه ای مناسب برای فرد مورد انتظار فراهم آورد. حضرت یعقوب عال با آنکه در انتظار فرزندش حضرت یوسف ع بود، به فرزندان خود نیز فرمود:

یابنی اذهبوا فتشوا من یوش وأخیه ولا تشوا من روح الله

. یوسف (۱۲): ۸۷.

ای پسران من، بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید م باشید.

از پیامبران نیز روایت شده است؛

أفضل أعمال أمتی إنتظار الفرج من اللیر عروجل برترین اعمال امت من، انتظار فرج از ناحیه خداست.

اندیشه اسلامی و

در این روایت، انتظار از سنخ عمل شمرده شده، نه خمودگی و انفعال. از این رو در پاسخ این پرسش که در عصر غیبت وظیفه مسلمانان چیست، باید گفت: آنان باید با خودسازی و دگرسازی و بنای جامعه ای نمونه، یعنی با عمل به آموزه های دینی و تبلیغ عملی و گفتاری، زمینه ظهور حضرت ولی عصر را فراهم نمایند؛ زیرا سنت الهی بر این تعلق نگرفته است که سرنوشت آدمیان از طریق اعجاز - و به طور دفعی - تغییر کند، بلکه تا اندیشه و روان و فطرت آنها آماده نگردد، سرنوشت آنان تغییر نخواهد یافت. در قرآن می خوانیم:

إن الله لا یغیر ما بقویی حتی یتخیروا ما بأنفسهم.؟. در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. برای خودسازی بی شک باید پرهیزکار بود و اخلاق نکو داشت. امام صادق علت در این باره می فرماید: -

هرکس خوشحال است که از اصحاب امام قائم باشد، باید منتظر باشد و درحالی که منتظر است، به ورع و اخلاق

نیکو متصف شود. ۲.

ویراست دوم)

سیمای جامعه انسانی در عصر ظهور اما فی دار عصر ظهور

وجود ایران

د ارد در عصر ظهور، ظلم و فساد رخت برمی بندد و عدل و قسط جای آن را در همه ارکان و ابعاد جامعه می گیرد که به برخی از مصادیق آن اشاره می کنیم:

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۷. ۲. رد (۱۳): ۱۱. ۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰. ۴. رشاد، فرجام قدسی تاریخ، ص ۳۲.

.. تکامل و اعتلای عقلانیت؛ ۲. بسط و کمال علم و معرفت و حکمت؛ ۳. تحقق وحدت و صمیمیت؛ ۴. توسعه دیانت و معنویت؛ ۵. تکامل اخلاق؛ ۶. زوال تبعیض و گسترش رفاه عمومی؛ ۷. تحقق آزادی؛ ۸. گسترش صلح جهانی؛ ۹. تحقق عدالت فراگیر جهانی؛ ۱۰. وفور نعمت و باروری و بازدهی منابع؛ ۱۱. گسترش امنیت؛ ۱۲. ارتقای سطح معیشت و ریشه کن شدن فقر؛ ۱۳ ۱۴، توسعه آبادانی؛ ۱۳ ۱۴. ارتقای صنعت و فناوری؛ ۱۴ ۱۵. صیانت و سلامت محیط زیست؛ ۱۵

فصل چهارم

قوانین ، ان

امامت و ولایت

.. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵. ۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷ و ۳۵۲. ۳. همان، ص ۳۷۲. ۴. همان، ص ۱۹۲. ۵. همان. ۶. همان، ص ۳۳۹. ۷. همان، ج ۵۱، ص ۷۵. ۸. همان، ص ۷۸. ۹. همان، ص ۶۸. ۲۰. همان، ج ۵۲، ص ۱۹۲. ۱۱. همان، ص ۳۳۵. ۱۲. همان، ص ۳۳۹. ۱۳. همان، ص ۱۹۲. ۱۴. همان، ص ۳۳۶. ۱۵. همان، ج ۵۱، ص ۸۱.

۱۶. تحقق رضایتمندی مردم؛ ۱۷. افول دولتهای باطل.

.... اندیشه اسلامی

با هم به ما دو بهنا بج

هو - - - ا)

ویراست دوم)

. همان، ص ۷۴. ۲. همان، ص ۶۲.

و برای پژوهش

، چرا شیوه حاکمیت پس از رحلت پیامبر اسلام یا باید تنصیصی باشد، نه انتخابی؟ ۲. جایگاه امام معصوم لا پس از رحلت پیامبر

چیست؟ ۳. خلافت خلیفه دوم و سوم انتخابی بود، با انتصابی؟ در این باره تحقیق کنید . ۴. درباره شورای شش نفره که خلیفه دوم آن را برای تعیین خلیفه دوم تشکیل داد، بررسی کنید. ۵. اعتقاد به منجی بشری در مذاهب دیگر نیز وجود دارد. دیدگاه آنها را با دیدگاه اسلامی مقایسه کنید. ۶. امامت امامان معصوم یا چگونه با خاتمیت سازگاری دارد؟ نسبت امام غان با پیامبر گرامی اسلام چگونه است؟

۱. آیا امامت، مسئله ای تاریخی است که دوران آن سپری شده باشد، یا اینکه مسئله همه دوران هاست ؟ دراین باره تحقیق نمایید.

۸. معانی مختلف انتظار را بررسی کنید و بگویید کدام یک با آموزه های قرآن سازگاری دارد؟ و منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. امام خمینی، سید روح الله ، امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی، تهران، | مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، ۱۳۸۱. ۳. امینی ، ابراهیم ، بررسی مسائل کلی امامت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ، ۷۰۰۰۰۰ فصل چهارم

۴۷۴.

امامت و ولایت و اراده.. ده .. دهد و مریحین عنه

۳. حسینی تهرانی ، سید محمد حسین ، امام شناسی، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق؛ تهران، حکمت، ۱۴۱۱ ق. ۴. حکیمی، محمد، عمر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام (پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی تاران ، قم ، بوستان کتاب ، ۱۳۸۱. ۵. سبحانی ، جعفر، الهیات و معارف اسلامی، قم، مؤسسه امام صادق ، ۱۳۸۴. ۶. سس ، پیشوایی از نظر اسلام، قم، مکتب اسلام ، ۱۳۷۴. ۷. ، منشور عقاید امامیه، قم، مؤسسه امام صادق

، ۱۳۸۵. | ۰۸ سید شرف الدین موسوی، عبد الحسین ، المراجعات (رهبری امام علی در قرآن و سنت)، ترجمه محمد جعفر امامی، تهران ، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹. ۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، قم، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه ، ۱۳۸۰. ۱۰. مصباح یزدی ، محمد تقی ، آموزش عقاید، ج ۲، تهران ، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.

، راهنما شناسی ، تهران ، امیرکبیر، ۱۳۷۵. ۱۳. مطهری، مرتضی ، مجموعه آثار، (امامت و رهبری، ج ۴، تهران ، صدرا، ۱۳۷۴. ۱۳،

، مجموعه آثار(سیری در نهج البلاغه، ج ۱۷، تهران ، صدرا ، ۱۳۷۴. ۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، قم، نسل جوان ، ۱۳۸۰.

اندیشه اسلامی ۲

ویراست دوم

فصل پنجم مرجعیت و ولایت اور ان کی

ل ی ۷

الف) ضرورت تشکیل حکومت اور عصر غیبت

. :: مقدمه

زندگی اجتماعی لازمه رشد و تکامل حیات عقلی انسان است و رشد و تکامل عقلی انسان نیز در گرو زندگی اجتماعی اوست. انسان را به خاطر دارا بودن عقل گرمی داشته اند چرا که با به کارگیری آن می تواند به معرفت های نظری و عملی بیشماری دست یابد. حال تصور کنید که انسان بدون زندگی اجتماعی چگونه می توانست همه استعداد های عقل خویش را به فعلیت برساند؟ اگر آدمی ناگزیر بود به تنهایی همه معارف بشری را از نو ابداع کند، تا چه حد می توانست پیشرفت نماید؟ اگر در علوم روزگار خویش سهم نبودیم و حکمت فراهم آمده از نیاکانمان را به ارث نمی بردیم، در آن صورت، معرفتی که ما به تنهایی قادر به کسب آن بودیم، بسیار اندک بود. بنابراین می باید هر انسانی در جامعه تعلیم ببیند و علوم گذشتگان را بکاود و سپس آنچه فرا گرفته، به دیگران نیز تعلیم دهد و در صورت امکان، آن را اندکی نیز تکامل بخشد. از این رو انسان عاقل، موجودی اجتماعی است. وجود حکومت نیز در زندگی اجتماعی انسان، یک نیاز و ضرورت فطری و طبیعی و عقلی بشمار می آید. در اهمیت آن همین بس که هیچ جامعه پیشرفته و منظمی را نمی توان یافت که دارای حکومت نباشد. حکومت از ارکان یک جامعه است و حتی قبایل بدوی تحت هدایت بزرگ قبیله سرپرستی می شدند و آنها نیز به نوعی دارای حکومت بودند.

طبعاً دین اسلام که دین خاتم است و برای تمام نیازهای اساسی انسان دستور و برنامه دارد، برای تشکیل حکومت نیز دارای برنامه است. اسلام دلایلی برای لزوم و ضرورت تشکیل حکومت دارد، که به اختصار به آنها می پردازیم:

د. پیامبر اسلام ای - که الگوی همه مسلمانان است - با ورود به مدینه بیدرنگ حکومت اسلامی تشکیل داد و برای حفظ کشور اسلامی سپاهی را اندیشه اسلامی ۲

اندیشه اسلامی ۲، ...

بنیان نهاد، فرمان جنگ و صلح صادر کرد، با برخی از گروه ها معاهده بست، برنامه های اجتماعی و اقتصادی تنظیم و قوانین قضایی اسلام را اجرا نمود و برای مناطق دیگر حاکمانی تعیین کرد.

۲. تشکیل حکومت در متن دستورات و تعالیم اسلامی است که در ادامه به برخی از این تعالیم اشاره میکنیم: یک. وحدت مسلمانان بدون حکومت امکان پذیر نیست: اسلام دین وحدت است. خداوند از مسلمانان می خواهد از قرآن پیروی کنند و به ریسمان الهی چنگ زنند و پراکنده نشوند. برای اینکه همه مردم از قرآن پیروی کنند، بی شک باید حکومتی تشکیل شود که احکام قرآن در تمام نظام آن جریان یابد؛ چراکه قرآن تنها محدود به جنبه های فردی نیست و برای تمام ابعاد زندگی اجتماعی برنامه دارد. از این رو بدون حکومت که عامل وحدت بخش است، هر گروهی به راهی می رود و در نتیجه مسلمانان پراکنده می گردند که این مورد نهی قرآن است.

دو. اجرای برخی از قوانین اسلام مستلزم تشکیل حکومت است: قوانین اسلام برای ابعاد و نظام های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی و ... وضع شده است؛ قوانینی که بی گمان عمل به آنها بدون تشکیل حکومت، امکان پذیر نیست. مثلاً اسلام از مسلمانان می خواهد در جامعه، عدالت را در ابعاد مختلف سرلوحه کار خود قرار دهند و با ظلم مبارزه کنند و احکام قضایی اسلام را اجرا نمایند و در حد توان به آمادگی نیروهای مسلح بپردازند.

بدیهی است ضرورت اجرای احکام و قوانین اسلامی، محدود به زمان پیامبر و امامان معصوم لالی نیست، بلکه این ضرورت تا ابد باقی است. بنابراین حکمت های تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت حضرت ولی عصر نیز ساری است و از همین رو باید حکومت را بنیان نهاد. بی شک عدم اجرای احکام اسلامی با خاتمیت دین اسلام ناسازگار است. حال سؤال این است که در زمان غیبت، چه کسی باید زمام اداره جامعه اسلامی را به عهده بگیرد؟

امکان نداره.....: (

ویراست دوم)

ولایت فقیه

ولایت فقیه مرکب از دو واژه ولایت و فقیه است که برای روشنی آن باید این دو واژه را توضیح داد:
«ولایت» در زبان فارسی به معنای حکومت کردن، تصرف کردن و دست یافتن است.

اما در زبان عربی واژه ای است که از کلمه «ولی» برگرفته شده و به معنای آمدن چیزی است در پی چیز دیگر، بی آنکه فاصله ای میان آن دو باشد. لازمه چنین ترتبی، نزدیکی آن دو به یکدیگر است. از همین رو، این واژه با شکل های مختلف به معنای دوستی، نصرت و یاری، متابعت، پیروی، سرپرستی، تصرف در امور و رهبری به کار رفته که وجه مشترک همه آنها همان قرب و پیوند معنوی است. اما ولایت در اصطلاح و در بحث ولایت فقیه به معنای سرپرستی و حاکمیت است. این واژه در قرآن و روایات نیز به معنای سرپرستی آمده است:

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَ هُوَ يَخِي الْمَوْتٰى وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. خداست که سرپرست راستین است، و اوست که مردگان را زنده می کند، و هموست که بر هر چیزی تواناست.

فصل پنجم

چپ .

إِنَّمَا وَلِيُّ اللّٰهِ وَ رُوْلُهُ وَ الَّذِيْنَ آمَنُوا الْيَنْ يَقِيْمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ. ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی

که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. ۳. امام علی عالی در روایتی می فرماید:

وَاللّٰهُ مَا كَانَ لِيْ فِي الْخَلَاقَةِ رَغْبَةٌ وَلَا فِي الْوَلَايَةِ أَرْبٌ.

به خدا که مرا نه به خلافت رغبتی بود و نه به حکومت حاجتی؟ بنابراین ولایت در باب ولایت فقیه به معنای سرپرستی و حاکمیت است.

اما «فقیه» در لغت به معنای عالم و متخصص در فقه است و یا به تعبیر دیگر کسی که آگاه به احکام حلال و حرام دین اسلام است. البته صرف آگاهی نیست، بلکه عالمی است که می تواند احکام شرعیه را از منابع دینی به دست آورد. ه -

.. مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

.. دهخدا، لغت نامه، ج ۱۵، ص ۲۳۲۴۳؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۸۵؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۱. ۲. شوری (۴۲): ۹. ۳. مائده (۵): ۵۵.
. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۵. | ۵. دهخدا، لغت نامه، ج ۱، ص ۱۷۱۹۲.

ده د ده

فقیه در بحث ولایت فقیه نیز به معنای مجتهد جامع الشرایطی است که آگاه به قوانین اسلام، عادل، باتقوا و کاردان، مدیر و توانا در امر رهبری جامعه اسلامی است.

از این رو، ولایت فقیه به معنای حاکمیت و زمامداری مجتهد جامع الشرایطی است که در زمان غیبت در عمل به قوانین اسلامی، ادامه دهنده راه امامان معصوم عال باشد. |

. اندیشه اسلامی ۲،

و پیشینه تاریخی ولایت فقیه با

ایران را دارد ولایت فقیه در عصر غیبت مسئله نوظهوری نیست که اخیرا فقها مطرح کرده باشند، بلکه از یک سو در احادیث پیامبر و امامان معصوم علی ریشه دارد؛ بدین بیان که در این احادیث، از فقها و مجتهدان به عنوان نواب عام امام معصوم یاد شده است. از سوی دیگر، پس از غیبت حضرت ولی عصر ال نیز فقیهان و مجتهدان بزرگی چون شیخ طوسی، ابن ادریس (۵۹۸ - ۵۴۳ ق)، علامه حلی (۷۲۶ - ۶۴۸ ق)، محقق کرکی (۹۴۰ ق)، ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ - ۱۱۸۵ ق)، شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ - ۱۲۱۴ ق) و صاحب جواهر (۱۲۶۶ - ۱۱۹۳ ق) به این موضوع تصریح کرده اند. در ادامه به اختصار به پاره ای از این تعبیر اشاره میکنیم:

۱. امام خمینی و در روزگار ما عملا نظریه ولایت فقیه را جامه عمل پوشاند و حکومتی براساس ولایت فقیه بنیان نهاد. ایشان در تعبیری می فرماید:

موضوع ولایت فقیه، چیز تازه ای نیست که ما آورده باشیم، بلکه این مسئله از اول مورد بحث بوده است ... در هر حال، این مسئله تازگی ندارد و ما فقط موضوع را بیشتر مورد بررسی قرار دادیم و شعب حکومت را ذکر کرده و در دسترس آقایان گذاشتیم تا مسئله روشن تر گردد، ... والا مطلب همان است که بسیاری از فقیهان فهمیده اند.

ویراست دوم)

همچنین ایشان در باب ویژگیهای ولی فقیه و اختیارات او معتقد است ولایت فقیه، ولایت کسی است که عادل و عالم به قوانین اسلام است و همان اختیاراتی را دارد که پیامبر و امامان معصوم را در اداره حکومت داشتند؛ یعنی فقیه هنگامی که حکومتی
! امام خمینی، ولایت فقیه، ص
۱۱۳.

تشکیل داد و خواست حدود اسلامی را اجرا کند و مثلاً خمس و زکات بگیرد، کیفیت و کمیت آن با آنچه معصومین اپنی می کردند، تفاوتی ندارد. البته نباید پنداشت که مقام فقها و پیامبر و امامان معصوم عالی یکی است، بلکه حکومت وظیفه ای است یکسان بر دوش آنها. همچنین ولایت در صورت عدم امکان، از عهده فقیه ساقط نمیشود و هر آنچه می تواند، باید این مسئولیت را انجام دهد. البته حکومت فقیه در محدوده قانون اسلام است و نباید از آن سرپیچی کرد؛ زیرا حکومت اسلامی حکومت قانون الهی است. ۲. شیخ مفید (۴۱۳ - ۳۱۳ ق) از فقهای بزرگ قرن چهارم و پنجم در این باره می گوید:

اما مسئله اجرای حدود، مربوط به سلطان و حاکم اسلامی است که از سوی خدا نصب می شود و آنان، همان امامان هدایت از آل محمد و هستند و کسانی که امامان، آنها را به عنوان امیر یا حاکم نصب می کنند و امامان، اجرا و اقامه حدود را به فرض امکان، به فقهای شیعه پیرو خود واگذار کرده اند؟ اگر برای ولایت در آنچه فکر کردم، سلطان عادل وجود نداشت، باید فقهای عادل، اهل حق، صاحب نظر، خردمند و بافضیلت، ولایت آنچه را که به عهده سلطان عادل است، برعهده بگیرند؟

فصل پنجم ...

از کلام اول شیخ مفید به خوبی برمی آید که اجرای حدود به ترتیب، حق امامان معصوم إل و سپس کسانی است که از طرف آنان منصوب خاص اند و پس از آن در صورت : امکان تشکیل حکومت، حق فقهای شیعه است. نیز روشن است که منظور شیخ مفید از سلطان عادل، کسی جز امام معصوم عل نیست. اگر ولایت امام معصوم وجود نداشت . همان گونه که در عصر غیبت چنین است - این ولایت به فقهای عادل و بافضیلت می رسد. بنابراین به نظر شیخ مفید، سرپرستی جامعه اسلامی و اجرای احکام الهی در عصر غیبت، برعهده فقهای باصلاحیت است. ۳. ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ - ۱۱۸۵ ق) از فقیهان قرن سیزدهم در این باره می گوید:

بر آنچه پیامبر و امام - که سلاطین مردمان و دژهای مستحکم و استوار

... مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

.. بنگرید به: همان، ص ۴۲ - ۳۴. ۲. شیخ مفید، المقنعه، ص ۸۱۰. ۳. همان، ص ۶۷۵.

اسلام اند - ولایت دارند، فقیه نیز ولایت دارد، مگر مواردی که به اجماع و نص و ... از حوزه ولایت فقیه خارج شوند.

اندیشه اسلامی ۲

۴. شیخ محمد حسن نجفی (۱۲۶۶ - ۱۱۹۳ ق) معروف به صاحب جواهر نیز در این باره چنین می نویسد:
از عمل و فتوای اصحاب در ابواب فقه، عمومیت ولایت فقیه استفاده می شود، بلکه شاید از نظر آنان این مطلب از مسلمات یا ضروریات و بدیهیات باشد؟ نظر من این است که خداوند اطاعت از فقیه را به عنوان اولی الامر بر ما واجب کرده است و دلیل آن اطلاق ادله حکومت فقیه به ویژه روایت نصب از صاحب الامر می باشد؟ ...
درهرحال، برپا داشتن حدود و اجرای آن در روزگار غیبت واجب است؛ زیرا نیابت از امام معصوم اما در بسیاری از موارد برای فقیه جامع الشرایط ثابت می باشد. فقیه در امور اجتماعی، همان جایگاهی را دارد که امام معصوم دارد. از این جهت، فرقی بین امام علی و فقیه نیست ... اگر فقیهان از امام معصوم علی نیابت عامه نداشته باشند، تمام امور مربوط به شیعه تعطیل می ماند. از این رو، کسی که سخنان وسوسه انگیز درباره ولایت عامه فقیه می گوید، گویا طعم فقه را نچشیده و معنی و رمز سخنان معصومان را نفهمیده است ...
ویراست دوم)

خلاصه، مسئله ولایت عامه فقیه به قدری روشن است که نیازی به دلیل ندارد. از مجموع این بیانات برمی آید که مسئله ولایت و زمامداری فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت، پیشینه ای بس دراز دارد.
. نراقی، عوائد الایام، ص ۱۸۷. ۲. نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۷۸. ۳. همان، ج ۱۵، ص ۴۲۲. ۴. همان، ج ۲۱، ص ۳۷۹.

اهداف و وظایف حکومت ولی فقیه

در اسلام هدف حکومت، عمل به دستورهای الهی است که برای سعادت مادی و معنوی انسان ها وضع شده است. حاکمان اسلامی، حکومت را نه برای برخورداری از مواهب مادی، بلکه وسیله ای می دانند برای احقاق حق و ابطال باطل و بی شک حکومت وظیفه و امانت خطیری است که خداوند برعهده آنان نهاده است. بنابراین حکومت فی نفسه نزد آنان ارزشی ندارد؛ چنان که ابن عباس (پسر عموی پیامبران از امام علی عن نقل می کند:

در سرزمین «ذی قار» نزد امیرالمومنین علی رفتیم و او کفش های خود را بینه میزد. پرسید: بهای این کفش چقدر است؟ گفتم: بهایی ندارد. فرمود: به خدا این را از حکومت شما دوست تر دارم! مگر آنکه حق را برپا سازم، یا باطلی را براندازم.

فصل پنجم

... ۵ .

همچنین علی ع در نامه ای به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، چنین می نویسد:

فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی بر گردن تو است. | امیرالمؤمنین با هدف و وظیفه حکومت اسلامی را در این عبارات کوتاه بازگفته است. البته برپایی حق، ابعاد مختلفی دارد که عمل به تعالیم اسلامی و اجرای عدالت و مساوات و برادری در جامعه، از مصادیق آن است. از این رو، اهداف حکومت ولی فقیه که ادامه دهنده رسالت پیامبر و امامان معصوم ب است، نیز همان اهداف و وظایف حکومت آنان بشمار می رود. برخی از اهداف حکومت ولی فقیه عبارتند از:

.. با عمل به تعالیم اسلام و ساختن جامعه ای نمونه، زمینه تشکیل حکومت جهانی حضرت ولی عصر ال را فراهم آورد؛ چرا که اسلام دین جهانی است."

۲. عدالت را در تمام ارکان حکومت و جامعه برپا سازد؛ زیرا اسلام به قدری به عدالت ارج نهاده که مأموریت پیامبر

را اجرای آن می داند. ۴. ۳. برادری و برابری را در جامعه محقق سازد؛ از آن رو که در آموزه های ما، مؤمن برادر ... و ... مرجعیت و ولایت در عصر میبیت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۳. ۲. همان، نامه ۵. ۳. اعراف (۷): ۱۵۸. ۴. شوری (۴۲): ۱۵.

. اندیشه اسلامی؟ ..

مؤمن است و مسلمان باید رنج و شادی دیگران را رنج و شادی خود بداند. همچنین ولی فقیه می باید در برابر قانون، مساوات، را حکم فرما سازد. ۲. امام صادق علی در روایتی می فرماید:

مسلمان برادر مسلمان است. حق مسلمان بر گردن برادر مسلمان خود این است که خود را سیر نکند، درحالی که او گرسنه است و از آب سیراب نشود، درحالی که برادر وی تشنه است؛ لباس نپوشد، درحالی که برادر دینی او

برهنه است. راستی چقدر حق مسلمان برگردن برادر دینی بزرگ است؟! ۴. سطح معنویات و فضایل اخلاقی جامعه را اعتلا بخشد؛ یکی دیگر از اهداف حکومت ولی فقیه آن است که از یک سو خود متصف به فضایل اخلاقی گردد و از سوی دیگر این فضایل را در جامعه نیز ترویج نماید ۲.

۵. ارتقای سطح زندگی مادی و عمران و آبادی جامعه اسلامی؛ امیرالمؤمنین علی عالی در عهدنامه مالک اشتر در باب آبادانی چنین می فرماید: .

تو باید در ایجاد عمران و آبادی، بیش از اخذ مالیات کوشش نمایی ۶. رواج تعلیم و تربیت و فرهنگ اسلامی در جامعه؛ امام علی عالی درباره مسئولیت حاکم اسلامی در امر تعلیم و تربیت می فرماید:

این وظیفه امام است که حدود اسلام و ایمان را به مردم تعلیم دهد؟

(ویراست دوم) ... انا

(ب) ولی فقیه

اده اند و ما را در اداره اداره و تدبیر جوامع انسانی به دو عامل مهم نیاز دارد که از هم جدایی ناپذیرند: یکی

.. حجات (۴۹): ۱۰. ۲. حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۹، ص ۵۵؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۷۲.
۳. قمی، سفینه البحار، ج ۱. ۴. إنما بعثت لأتمم مكارم الاخلاق. قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۰، نهج
البلاغه، حکمت ۷۳. ۶. هود (۱۱): ۶۱. ۷. نهج البلاغه، نامه ۵۳. ۸. همان، نامه ۶۷. و آمدی، غرر الحکم و
دررالکلم، ص ۲۱۵.

فصل پنجم ...

قوانین و مقررات و دیگری حکومت برای اجرای آنها. پیامبر اسلام را در احادیث معتبر و متواتر، قرآن و عترت
خود را لازم و ملزوم هم دانسته است؛ آن سان که جدایی آنها موجب هلاکت و گمراهی مسلمانان می شود. یک
وجه این گفته آن است که قرآن، مبنای قوانین و احکام الهی برای هدایت جامعه است و عترت نیز تبیین گر و
عامل اجرایی این مجموعه احکام و مقررات. اصولاً قوانین و نظامات اجتماعی، نیازمند مجری است.

امام رضا ع در روایتی در پاسخ به این سؤال که چرا خدای حکیم، اولی الامر قرار داده و مردم را به اطاعت آنان
امر کرده است، از زوایای گوناگون به دلایل وجود حاکم در جامعه اسلامی اشاره نموده که به اختصار برخی از
آنها را باز می گوئیم:

. حاکم و مجری عهده دار اجرای قوانین الهی است. خداوند برای نگاهداری مردم در محدوده قوانین و جلوگیری
از تجاوز به حقوق دیگران باید شخص امینی را بر مردم بگمارد تا عهده دار اجرای قوانین باشد.

۲. تداوم زندگی اجتماعی نیازمند حاکم و مجری است. حضرت می فرماید: ما هیچ ملت و جمعیتی را نمی یابیم
که بدون سرپرست و زمامدار بتواند به زندگی اجتماعی خود ادامه دهد.

۳. حیات و موجودیت ملت، به حاکم و مجری بستگی دارد تا در پرتو رهبری او مردم بتوانند با دشمنان بجنگند؛
اموال عمومی را عادلانه تقسیم کنند؛ عبادات اجتماعی چون نماز جمعه و جماعت را برپا دارند و دست ستمگران
جامعه را از حریم حقوق مظلومان کوتاه نمایند.

۴. اگر خداوند اولی الامر را در جامعه تعیین نکند، دین از بین می رود و سنت ها و احکام الهی تغییر میکند و
بدعتگذاران زیاد می شوند و دین به گونه ای دیگر برای مردم جلوه میکند.

بنابراین در هر جامعه ای علاوه بر قانون مجری نیز لازم است، در عصر پیامبر و امامان معصوم الی مجری قوانین
الهی خود آنان بودند، ولی در زمان غیبت، وظیفه اجرای احکام الهی برعهده ولی فقیه است.

مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

! مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص

ولی فقیه کسی است که در عصر غیبت، زمامداری جامعه اسلامی را برعهده گرفته است. بی شک کسی که
مسئولیتی را می پذیرد، باید از ویژگی های متناسب با آن مسئولیت نیز برخوردار باشد. از آنجا که رهبری جامعه

اسلامی اهمیت بسیاری دارد، اسلام ویژگی هایی را برای حاکم اسلامی لازم شمرده و بر امت واجب کرده است که به هنگام انتخاب حاکم، آنها را مطمح نظر قرار دهند

اندیشه اسلامی ۲

از آنجا که حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی است، طبعا حاکم اسلامی که اجراکننده این قانون است، باید به آن آگاهی داشته باشد. البته آگاهی از قانون برای همه متصدیان و مجریان حکومت اسلامی لازم است، ولی این آگاهی مراتبی دارد. بی گمان کسی که در رأس حکومت است، می باید از قوانین الهی آگاهی بیشتری داشته باشد. امام خمینی و در این باره می فرماید:

چون حکومت اسلام، حکومت قانون است، برای زمامدار علم به قوانین لازم می باشد؛ چنان که در روایت آمده است. نه فقط برای زمامدار، بلکه برای همه افراد به هر شغل با وظیفه و مقامی داشته باشند. چنین علمی ضرورت دارد، منتها حاکم (به دلیل بزرگی مسئولیت باید افضلیت علمی داشته باشد.

ویراست دوم) ::

البته لازم نیست فقیه یا حاکم اسلامی خود شخصا تمام امور اجرایی را برعهده گیرد، بلکه می تواند این مسئولیت را به شخص دیگری مانند رئیس جمهور واگذار کند. امیرالمؤمنین عالی در خطبه ای می فرماید:

ای مردم! سزاوارترین مردم به امر حکومت، کسی است که از همه توانا تر و آگاه تر به اوامر الهی باشد. ۲

، امام خمینی ، ولایت فقیه، ص ۳۷. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲. ..

حاکم اسلامی باید به تعالیم قرآن و سنت پیامبر ایمان داشته باشد. بی شک کسی که به تعالیم قرآن ایمان قلبی ندارد، هرگز نمی تواند آن را با تمام وجود به کار بندد. از نظر عقل نیز مسلم است هر ملتی که بخواهد براساس آیین و عقیده خاصی زندگی کند، حاکم آنان باید به آن آیین و عقیده، باور داشته باشد. قرآن بر این مطلب اینگونه گواهی میدهد:

أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

و خداوند هرگز بر زیان مؤمنان، برای کافران راه (تسلطی) قرار نداده است. حال اگر کافران بر مؤمنان ولایت و حاکمیت بیابند، درواقع راهی برای تسلط بر مؤمنان است که خدا از آن نهی کرده است.

فصل پنجم "

حاکم اسلامی باید توانایی مدیریت جامعه اسلامی را دارا باشد تا بر مشکلات داخلی و خارجی فائق آید. افزون بر آیات قرآن و روایات، عقل نیز بر این امر گواهی میدهد. پیامبر اسلام که بر اهمیت این ویژگی چنین اشاره می نماید:

فردی لیاقت و شایستگی امامت را دارد که دارای سه خصلت باشد: .. تقوایی که او را از نافرمانی خدا باز دارد؛ ۲. بردباری و حلمی که غضبش را کنترل کند؛ ۳. نیک حکومت کردن بر زیردستان، به گونه ای که برای آنان همانند پدری مهربان باشد. |

... مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

حسن ولایت و یا نیک حکومت کردن، عنوانی است از کاردانی و شایستگی در امر حکومت و حلم و بردباری برای کنترل غضب نیز یکی دیگر از عناصر کاردانی در امر حکومت است، زیرا اگر حاکم اسلامی خشمگین و تند خو باشد، پیوندش با مردم گسسته می شود و بیشک چنین شخصی صلاحیت لازم برای تدبیر جامعه را نخواهد داشت.

. نساء (۴): ۱۴۱. ۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۷.

دیگر عنصر کاردانی و شایستگی، بینش سیاسی حاکم اسلامی است؛ بدین بیان که او باید از جریان های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روزگار خود آگاه باشد تا بتواند توطئه ها را خنثی کند. امام صادق ع در ضمن حدیثی در این باره می فرماید: .

کسی که به اوضاع زمان خویش آگاه باشد، مورد هجوم امور ناگهانی و پیش بینی نشده واقع نمی شود.
..... . اندیشه اسلامی

عدالت یعنی هر چیزی را در جایگاه و موضع خود قرار دادن و حقوق همه افراد را مراعات کردن . صفت عدالت آن چنان اهمیت دارد که پیامبر اسلام و هدف رسالت خود را اجرای آن می داند. قرآن و روایات و عقل گواهی میدهند که نباید امر رهبری جامعه را به افراد ظالم سپرد؛ چنان که در آیه ای آمده است:

ولات والذین ظلموا فتم التار.

و به کسانی که ستم کرده اند متمایل مشوید که آتش دوزخ به شما می رسد. اگر هدف حکومت اسلامی اجرای عدالت است، فردی که به خود و جامعه ظلم می کند و از عدالت بهره ای ندارد، چگونه می تواند عدالت را در جامعه محقق سازد؛ بنابراین حاکمی .. که عدالتگر نیست، شایستگی رهبری امت اسلامی را ندارد. . امام علی عالی در روایتی یکی از نشانه های عدالت را اینگونه بیان می فرماید:

آنچه برای خود نمی پسندی، برای دیگران می پسند و آنچه برای خود دوست داری، برای برادرت نیز دوست بدار که در این صورت در داوری عدالت خواهی داشت و در اجرای عدالت موفق خواهی بود و اهل آسمان تو را دوست خواهند داشت و محبت تو در دل اهل زمین جای خواهد گرفت.۵

ویراست دوم)

د. همان، ص ۲۷. ۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷. ۳. ایز لأعدل تنگم. شوری (

۱۵:۴۲) ۴. هود (۱۱): ۱۱۳، ۵. حسن ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۶.

۵. آراستگی به فضایل اخلاقی و آلوده نبودن به خصلت های ناپسند را اگر حاکم اسلامی از کمالات و فضایل اخلاقی برخوردار باشد، آنها را در جامعه نیز ترویج می نماید؛ همان گونه که پیامبر می فرماید: همانا من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را در جامعه به کمال رسانم. حاکم اسلامی باید از صفات ناپسند نیز مبرا باشد. علی عالی در روایتی می فرماید:

هر که خود را امام و پیشوای مردم سازد، باید بیش از دیگران به تعلیم خود پردازد که پیش از آنکه به گفتار تأدیب نماید، به رفتار و کردار ادب نماید؟

همچنین پیامبر اسلام یا فردی را شایسته امامت و رهبری می داند که از تقوایی بازدارنده از گناه، برخوردار باشد

۳.

فصل پنجم :

مبادله ولایت ولی فقیه

با دلایل اثبات ولایت فقیه به دو دسته عقلی و نقلی تقسیم می شود. برای اثبات حکم شرعی می توان به چهار منبع کتاب، سنت معصومان، اجماع و عقل استناد کرد. بنابراین با استناد عقل - همانند دیگر منابع - می توان به احکام شریعت دست یافت و آن را اثبات نمود.

مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

خردمندان هنگامی که بخواهند مسئولیت مهمی را به کسی واگذار کنند، چند ویژگی را در نظر می گیرند: ۱. آگاهی فرد به آن مسئولیت و چگونگی انجام آن؛ ۲، توانایی او بر انجام چنین مسئولیتی ۳. امانت داری وی در انجام آن مسئولیت به گونه ای که در کارش خیانت نکند. حال جامعه اسلامی را در نظر بگیرید که می خواهد قوانین اسلامی، عدالت، فضایل

. قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱. ۲. نهج البلاغه، حکمت ۷۳. ۳. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۷.

اخلاقی و تعلیم و تربیت اسلامی را در آن جامعه حکم فرما سازد و در پی آن است که با تعیین حاکمی، این امور را محقق سازد. طبعاً عقل حکم می کند که چنین حاکمی باید آگاه به مسائل دینی، کاردان در امر مدیریت، عادل و برخوردار از کمالات اخلاقی باشد. بی گمان مصداق چنین شخصی فقیهان و مجتهدان جامع الشرایط هستند. امام خمینی و در این باره می فرماید:

ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلام را - حتی اجمالاً - دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور درآورد، بی درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت. ۱

اندیشه اسلامی

(ویراست دوم) . .

دلایل نقلی برخی از دلایل نقلی اثبات ولایت فقیه از این قرار است :

۱. یکی از روایاتی که ولایت فقیه و نیابت او در امر حکومت را اثبات می کند، توقیع شریف حضرت ولی عصرانش در پاسخ به نامه محمد بن عثمان است. ایشان می نویسد:

أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى واة حديثنا قام غ جتي عليكم وأنا حجة الله عليهم؟ در رویدادها و حوادثی که پیش می آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا

آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنانم. این روایت، کسانی را که راوی احادیث امامان و آگاه به احکام خدا هستند، نمایان امام عالی معرفی کرده و حکم و داوری آنان را نیز حکم امام زمان را دانسته است. اما منظور از حجت در این روایت آن است که همان گونه که امام زمان وان مرجع تمام کارهای مردم است، راویان یعنی فقیهان نیز از طرف ایشان حجت بر مردم اند تا در زمان

۱. امام خمینی با ولایت فقیه، ص ۳. ۲. توقیع در لغت به معنای نشان نهادن بر روی نامه است. نامه های معصومان و به ویژه امام زمان و ایران - که یکی از نواب چهارگانه آنها را ابلاغ کرده - در کتاب های تاریخ و حدیث به توقیعات مشهور است. ۳. حر .. وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۱۱، ح ۹.

فصل پنجم ، ، ، ، ، ، ، ، به بالا .

غیبت به هنگام حوادث و پیشامدهای روزگار - از جمله حوادث اجتماعی و سیاسی - به آنان مراجعه کنند. به بیان دیگر، آنان مرجع تمام کارهای مردم اند. از این رو اگر مردم با وجود حجت به فرد دیگری مراجعه کنند، خداوند آنها را مؤاخذه خواهد کرد که چرا با وجود آنان به سوی حکام جور و ظالم - که حجت من نیستند - شتافتید . ۲. امیرالمؤمنین عالی در روایتی از پیامبر اسلام

را نقل می کند: قالی شول الله : الهه ارحم غ لفائی (ثلاث مرات) قیل: یا رشول الله ومن لفائفک؟ قال: الذین یأتون من بعدی، یروون حدیثی وشتی فیعلمونها الناس من بعدی رسول خدا فرمود: خدایا! جانشینان مرا رحمت کن او این سخن را سه بار تکرار فرمود). پرسیده شد: ای پیامبر خدا! جانشینانت چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بعد از من می آیند؛ حدیث و سنت مرا نقل می کنند و آن را پس از من به مردم می آموزند. پیامبر او در این روایت از خداوند می خواهد رحمتش را شامل حال جانشینان او کند. حال باید پرسید پیامبر چه وظایفی داشت که باید جانشینان او نیز آنها را برعهده گیرند تا مشمول رحمت خدا گردند؟ مهم ترین وظایف پیامبر از سه چیز بود:

تبلیغ و بیان احکام الهی؛ قضاوت و حل و فصل اختلافات مردم؛ رهبری و تصدی حکومت

از آنجا که تعبیر خلیفه و جانشینی در معنای عام به کار رفته است، تمام این وظایف به جانشینان او سپرده شده و به تعبیری، جانشینی در تمام شئون نبوت است. برخی گفته اند منظور از خلفا و جانشینان، امامان معصوم علی هستند. در پاسخ می توان گفت ذیل روایت به صورت عام است و مقید به امامان معصوم إلا نیست؛ زیرا پس از امامان نیز این علما و فقیهان اند که سنت پیامبر را روایت می کنند.

همچنین مراد از راوی در این روایت، صرف روایت کننده نیست، بلکه منظور کسانی اند که در روایات و سنت پیامبر اور متفقه (فقیه و عالم متبحر در علم فقه و احکام شرع) ، ، ، ، ، ، مرجعیت و ولایت در عصر غیبت ، ..
. همان، ص

هستند؛ چراکه ممکن است روایاتی به ناروا به پیامبر نسبت داده شود. از همین روی، روایت کننده باید بتواند براساس معیارهای علمی، حدیث صحیح را از ناصحیح بازشناسد. از سویی دیگر، آن روایات نباید با قرآن نیز در تعارض باشد، از این رو آشنایی با قرآن نیز لازمه آن تشخیص است. بنابراین مقصود از راوی در این حدیث، فقیهان و مجتهدان آگاه و تواناست. : ۳. امام حسین ع در روایتی می فرماید: مجاری الأمور و الأحکام علی أیدی العلماء بالله، الأمناء علی حلاله و کرایه جریان کارها و احکام الهی به دست علمای دین است که امین حلال و حرام خداوند می باشند. در این حدیث، امام حسین ع عهده داری امور امت و نظام اسلامی را وظیفه عالمانی می داند که آگاه به احکام خدا، متعهد و امین اند.
البته در این باره آیات و روایات دیگری نیز هست که به آنها نمی پردازیم. به هر روی، از مجموع این روایات - که تأییدکننده همان دلیل عقلی است - برمی آید که در عصر غیبت، وظیفه رهبری و تدبیر جامعه اسلامی به فقیهان آگاه و عادل و باتقوا سپرده شده و وظیفه مردم است که زمینه حاکمیت آنان را فراهم آورند.
. اندیشه اسلامی

و .. :)

ویراست دوم)

ج) مبنای مشروعیت ولایت فقیه

منشأ مشروعیت این کار

شما را یکی از مسائل اساسی در باب ولایت فقیه، مبنای مشروعیت آن است. مشروعیت به معنای حقانیت و برحق بودن و یا دلیل مقبول و معتبر داشتن برای چیزی است. هر قدرتی از جمله ولایت فقیه برای اثبات حاکمیت خود به دلیل پذیرفتنی نیاز دارد که به آن مشروعیت می گویند. به بیان دیگر، هنگامی که می گوییم مشروعیت یک حکومت چیست، یعنی فرد یا

.. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۷.

2. Legitimacy.

۳. مک لین، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ص ۴۶۲

فصل پنجم

افرادی که اداره یک جامعه را برعهده گرفته و بر جان و مال مردم مسلط شده اند، چه ملاک و دلیل قابل قبولی برای این تصدی دارند.

از دیدگاه اسلامی، حق حاکمیت اصالتاً از آن خداست و هیچ فرد یا گروهی چنین حقی ندارد، مگر آنکه خداوند به دلیلی چنین حقی را به کسی واگذار کرده باشد.

بر پایه دلایل معتبر، خداوند این حق را به پیامبر و دوازده امام معصوم عالی (با نام و مشخصات خاص) و در زمان غیبت - با بیان ویژگی های آن - به ولی فقیه واگذار کرده است. به تعبیر دیگر، پیامبر و امامان معصوم بالا از طرف خدا به پیامبری و امامت برگزیده شده اند و دلیل و ملاک این مشروعیت، همین برگزیدگی از سوی خداست.

اما اگر پرسیده شود که به چه دلیل در عصر غیبت، فقیه حق حکومت دارد؟ در پاسخ باید گفت که براساس عقل و احادیث معتبر در زمان غیبت، فرد شایسته برای حاکمیت، مجتهد جامع الشرایط است که آگاه به احکام اسلام، کاردان و متصف به فضایل اخلاقی باشد.

اما نقش مردم در این حاکمیت چیست؟ بی شک مردم باید به این حاکمیت جامه عمل پوشانند و آن را مستقر سازند؛ زیرا بدون پذیرش مردم، ولایت، عینیت خارجی نمی یابد. بنابراین نقش مردم در این نوع حاکمیت فقط در استقرار و سپس استمرار آن است، نه اصل ثبوت آن.

درواقع تحقق چنین حاکمیتی بر دو پایه استوار است: یکی دینی و مکتبی و دیگری آرای عمومی و پذیرش مردمی. حال به پرسش آغازین که حاکمیت ولی فقیه چه توجیه یا دلیل قابل قبولی دارد، این گونه باید پاسخ داد که چنین حاکمیتی او مورد رضایت خداست، زیرا عقلی است و در آیات و احادیث معتبر ریشه دارد و دوم اینکه مردم بدان راضی اند؛ چراکه اگر رضایتی نداشتند، آن را محقق نمی کردند. بی شک این دو دلیل برای تحقق چنین

حاکمیتی قابل قبول است، اما هر کدام از سویی: یکی از جهت ثبوت و دیگری از جهت تحقق و استقرار. مرجعیت و ولایت در عمر شیبیت

نقش و جایگاه مردم در نظام ولایت فقیه از دیدگاه اسلام، خداوند انسان را آزاد آفریده است، ازاین رو می تواند در پرتو تعقل و اختیار

خود حاکمیت دینی و ولایت فقیه را بپذیرد و یا از آن سر باز زند؛ چنان که پذیرش اصل دین نیز از سر اختیار و آگاهی است:

وقل اکثر من ربکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر و بگو: «حق از پروردگارتان ارسیده است. پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند.

T

إنا هدينه السبيل إما شاکراً وإما کفوراً. | ما راه را بدو نمودیم؛ با سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار.

۰. د. اک ۱

ویراست دوم):

از سویی دیگر، یکی از مسلمات فقه اسلامی این است که هر فردی بر مال خود تسلط دارد (= إن الناس لطنون علی أموالهم) و هیچ کس نمی تواند این تسلط را از آنها بگیرد. صاحب مال اختیار دارد تا هنگامی که زنده است، اموال خویش را هرگونه که خواست، به مصرف برساند. بنابراین هنگامیکه پذیرفتیم هر فردی بر مال خود تسلط دارد و تصرف در مال دیگران بدون اجازه آنان جایز نیست، براساس اولویت باید پذیرفت که هرکسی بر جان خود نیز تسلط دارد؛ زیرا سلطه بر جان، بر سلطه بر مال مقدم است. این در حالی است که خداوند به هیچکس اجازه نداده است این حق و سلطه بر مال و جان مردم را محدود و یا از آنها بازستاند. از سوی دیگر، حکومت از هر نوعی که باشد، مستلزم نوعی سلطه بر جان و مال مردم است؛ مانند اخذ مالیات، شرکت در جنگ و یا اجرای حدود. این دو مطلب چگونه با هم جمع پذیر است که از یک سو مردم بر جان و مال خود تسلط دارند و از سوی دیگر آنان نیاز به حکومت دارند و حکومت نیز سلطه مردم بر جان و مال را محدود می کند و یا از آنها می ستاند؟ در پاسخ می گوییم کسانی می توانند بر جان و مال مردم مسلط شوند که با اجازه آنها باشد. بنابراین مردم این حق را دارند که حاکمیتی را بپذیرند؛ یعنی با اختیار خود اجازه تصرف در مال و جان خود را به دیگری واگذارند، یا آن را نپذیرند.

.. کهف (۱۸): ۲۹. ۲. انسان (۷۶): ۳. ۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۷۲. ۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۳۸۱

حال پرسش این است که آیا هر نوع حاکم و حاکمیتی را که مردم پذیرفتند، از نظر شرع نیز معتبر است؟ انتخاب حاکمیت توسط مردم به دو صورت قابل تصور است:

.. انتخاب حاکمیت مطابق معیارها و صفاتی که در قرآن و احادیث پیامبر و امامان معصوم نال ذکر شده است. این نوع حاکمیت از اعتبار شرعی و دینی هم برخوردار است. به تعبیری این نوع حاکمیت، مورد رضایت خداست. ۲. انتخاب حاکمیت، برخلاف معیارهایی که در قرآن و احادیث آمده است. در این صورت، چنین حاکمیتی تنها اعتبار مردمی دارد. و مطابق معیارهای اسلامی نیست. این مردم - که در زمره ظالمان و فاسقان و کافران اند - برخلاف این آموزه قرآنی عمل کرده اند که امانات را به اهلش بسپارید؛ زیرا بیشک حکومت، امانتی الهی است. بنابراین آرای مردم و به تعبیری مردم سالاری می تواند اسلامی و غیراسلامی باشد و این گونه نیست که بگوییم مردم سالاری به طور مطلق اسلامی است.

فصل پنجم

انتصاب یا انتخاب

حال باید به این پرسش بنیادین پاسخ داد که حاکمیت ولی فقیه انتصابی است یا انتخابی؟ به بیان دیگر، آیا ولی فقیه از طرف خدا و معصومین عالی به این مقام منصوب شده، یا اینکه مردم او را برگزیده اند؟ پاسخ اینکه در حاکمیت انتصابی، نصب به دو معنا به کار می رود: نصب خاص و نصب عام .

نصب خاص آن است که خداوند فردی را با اسم و مشخصات معین به رهبری جامعه اسلامی بگمارد؛ چنان که در مورد پیامبر و امامان معصوم علی صورت گرفت. اما نصب عام آن است که خدا و معصومین عام فرد خاصی را با اسم و مشخصات به رهبری جامعه اسلامی معین نکرده اند، بلکه صفات و ویژگی هایی را بیان نموده اند که در هر فردی یافت شود، او صلاحیت رهبری را دارد. بدین ترتیب در عصر غیبت، ولی فقیه با نصب عام، حق مرجعیت و ولایت در عصر غیبت.....

الله أولئک هم الظائون. (مائده

۱. من لم یحکم بما أن الله أولئک هم الفاشون. مائده (۴۷:۵) من لم یحکم بما أن (۵:۴۵)؛ من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون. مائده (۴۴:۵)
۲. إن الله یأمرکم أن تؤدوا الأمانات إلی أهلها . نساء (۴:۵۸)

حاکمیت می یابد؛ زیرا ویژگی های مطرح شده در آیات و روایات برای رهبری در او یافت می شود. از این رو، حکومت او مورد قبول و رضای خدا و معصومین عالی است. مردم نیز وظیفه دارند این حق حاکمیت را که واقعا در خارج وجود دارد، کشف و شناسایی کنند و چنین حاکمیتی را بپذیرند.
بنابراین حاکمیت ولی فقیه از یک سو انتصابی است؛ یعنی صفاتی را که قرآن و معصومین عالم برای رهبری جامعه اسلامی برشمرده اند در ولی فقیه وجود دارد و رضایت خدا در چنین حاکمیتی است. از این رو چنین رهبری، منصوب عام از جانب خداست.

اما از سویی دیگر، حاکمیت ولی فقیه انتخابی است؛ به این معنا که مردم باید با انتخاب و رأی خود چنین حاکمیتی را بپذیرند تا تحقق و استقرار یابد. ولی فقیه در اصل تشکیل حکومت به زور متوسل نمی شود؛ همان گونه که روش پیامبر و امامان معصوم ای نیز چنین بود. در نتیجه حاکمیت ولی فقیه، هم انتصابی است (در اصل ثبوت) و هم انتخابی در تحقق و استقرار آن).
. اندیشه اسلامی ۲،

ویراست دوم).

ولایت یا وکالت ایران یکی از پرسشهای مهم در باب حاکمیت ولی فقیه آن است که آیا این حاکمیت از باب ولایت است یا وکالت؟

حاکمیت وکالتی آن است که حاکم مقام و سمت خود را از مردم دریافت کند. طبعا در این حاکمیت، حاکم (یا وکیل) نایب و جانشین آنها در تأمین خواسته هایشان است، هرچند برخلاف شریعت باشد. به تعبیری معیار تصمیم حاکم، تشخیص مردم یا موکلان) است. در این نوع حاکمیت، حاکم پیش از انتخاب مردم، برای حکومت مشروعیتی ندارد، از این رو مردم می توانند هر فردی را به عنوان وکیل خود انتخاب کنند. درواقع این نوع حاکمیت تنها بر پایه نظر و تصمیم مردم استوار است.

اما حاکمیتی ولایتی است که حاکم اسلامی، مقام و سمت خود را دست کم در مقام ثبوت از خدا و معصومین ع دریافت نماید. در این حاکمیت، معیار تصمیم گیری حاکم، ۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۲

قوانین دینی و تشخیص خود حاکم است که آن هم ضوابط دینی است. از دیگر سو، مردم نمی توانند هر فردی را نیز به عنوان حاکم برگزینند، بلکه ولی فقیه دارای شرایطی است که در آیات و احادیث معصومین ع آمده است. بنابراین امامت و رهبری جامعه اسلامی، عهدی الهی است که به هر کسی نمی رسد. خداوند در پاسخ حضرت ابراهیم ان که درباره امامت فرزندان خود پرسیده بود، می فرماید: لاینال عهدی الظالمین پیمان من به بیدادگران نمی رسد.

در این نوع حاکمیت، ولی فقیه به نصب عام، از جانب خدا حق دارد حکومت کند، اما مردم باید چنین حاکمیتی را بپذیرند. به تعبیری این نوع حاکمیت برخلاف حاکمیت وکالتی بر دو پایه دین و مکتب و پذیرش مردمی استوار است.

فصل پنجم .

نا و

در نشست نقد و بررسی | حاکمیت وکالتی، بر دیدگاهی انسان مدارانه استوار است؛ بدین بیان که حکومت و ولایت حق مردم است و طبعاً تمام حقانیت آن به مردم باز می گردد. این نوع حاکمیت برخلاف آموزه های دینی است؛ زیرا حق حاکمیت و اطاعت، تنها از آن خدا و کسانی است که از جانب خدا اجازه حاکمیت دارند. همچنین با توجه به دلایل عقلی و نقلی ولایت فقیه، چنین ولایتی از یک سو منصبی الهی است که از سوی خدا و معصومین ع به ولی فقیه داده شده و از سوی دیگر استقرار چنین حاکمیتی بر پذیرش مردمی مبتنی است. از این رو، چنین حاکمیتی نمی تواند تمام اعتبار و تحقق خود را از مردم بگیرد؛ درحالی که در حاکمیت وکالتی، حاکم که وکیل مردم است، تمام حقانیت خود را از مردم می گیرد. بنابراین براساس آموزه های دینی نمی توانیم ولایت فقیه را از باب وکالت بدانیم .

مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

.. بقره (۲): ۱۲۴.

و برای پژوهش

. ویژگی های رهبر اسلامی در عصر غیبت را با ویژگی های رهبر غیراسلامی در جوامع غربی مقایسه کنید. ۲. از این تعبیر امام خمینی را که «میزان رای ملت است»، تفسیرهای مختلفی شده است. آنها را مورد بررسی قرار دهید و با توجه به نظریات دیگر ایشان ، تفسیر صحیح را بیان دارید. ۳. درباره تفاوت های دموکراسی غربی با مردم سالاری دینی تحقیق نمایید. ۴. وظایف و شئون حاکم اسلامی را در عصر غیبت بررسی نمایید. ۵. انواع

ولایت را مورد بررسی قرار دهید. ۶. مبانی نظری حکومت دینی را بررسی کنید. ۷. از دیدگاه اسلام رأی مردم فقط در مقبولیت حاکمیت مؤثر است، یا در مشروعیت آن؟ در این باره تحقیق نمایید. ۸. جایگاه و کارآمدی نظام ولایت فقیه با توجه به تفکیک قوا چگونه است؟ در این باره بررسی کنید. و منابعی برای مطالعه بیشتر ۱. امام خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اندیشه اسلامی ۲ ۱۳۷۳.

۲. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۹. ۳. رشاد، علی اکبر، دموکراسی قدسی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۲.

الله)

ویراست دوم)

۴. سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه داود الهمامی، قم، توحید، ۱۳۷۰. ۵. محمدرضایی، محمد، «مبانی کلامی و فلسفی حکومت دینی»، قبسات، ش ۲۰ و ۲۱، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تابستان و پاییز ۱۳۸۱. ۶. مصباح یزدی، محمد تقی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰. ۷. ممدوحی، حسن، حکمت حکومت فقیه (پاسخ به شبهات در مورد حکومت دینی)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.